

شناخت سیستمی بردارهای اقتصادی ایران (قسمت اول)

مؤلف: محمود صانعی پور: خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر



Mahmoud saneipour

سیستم مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که در کلیت خویش برای ایفای وظیفه‌ای مشخص در کنش متقابل و هماهنگ با محیط است. به عنوان مثال در جمهوری اسلامی ایران همه سیستم های ابداعی باید در جهت مقتضی حکمرانی این جمهوری باشد و نسخه های خارج از احکام اسلامی مجاز نیست لذا در تفکر سیستمی، سازمان‌ها مانند سیستم‌هایی هستند که در دل یک مجموعه محیطی بزرگتر قرار گرفته‌اند نه با رویکردهای در تضاد و مخالفت با سیستم کل نظام وی سیستمی باشند که شامل ورودی، خروجی، پردازش و بازخورد همین نظام باشد، بنابراین داشتن تفکر سیستمی برای یک مدیریت خبره میان رشته ای ملهم از احکام اسلام و نیز علوم و فنون مرتبط با برای خلق سیستم مربوطه و کارشناس ذیربط بسیار حائز اهمیت بوده و الزامی است و این سیستم باید بازرسان خبره میان رشته آشنا به چارچوب سیستم ها به چک لیست های بازرسی در سازمان و ارزیابی انطباقی آنها با کارکرد های سازمان راستی آزمائی شود این بمعنی نظارت دقیق از داده ورودی خروجی و اثر مفید این چنین سیستمی در بخش های اقتصادی، سیاسی، صنعتی، مشارکت های اجتماعی و فرهنگی کشور باشد که با استفاده از بازخورد (Feedback) چنانچه اشکالاتی در سیستم باشد با برنامه‌ریزی مجدد به اصلاح سیستم مبادرت شود با این توضیح صریح تقریباً هیچ یک از سیستم های مدیریتی ایران از این خاصیت برخوردار نمی باشند.

سیستمی که از کل نظام سرچشمه گرفته و در اجزاء به همسانی، هم هدفی و هم جهت بوده با کل سازگاری داشته باشد مدیران کمک شایان می‌کند و او را از خطاهای ممکن مبرا میسازد این بموجب این است که ساختارها، الگوها، خروجی ها و رخداد های کشور و سازمان های تحت نظارت آن در یک پیوند با یکدیگر کار هدف دار انجام داده و بر این اساس مورد بررسی قرار میگیرد، کار کارشناس ویا بازرس با

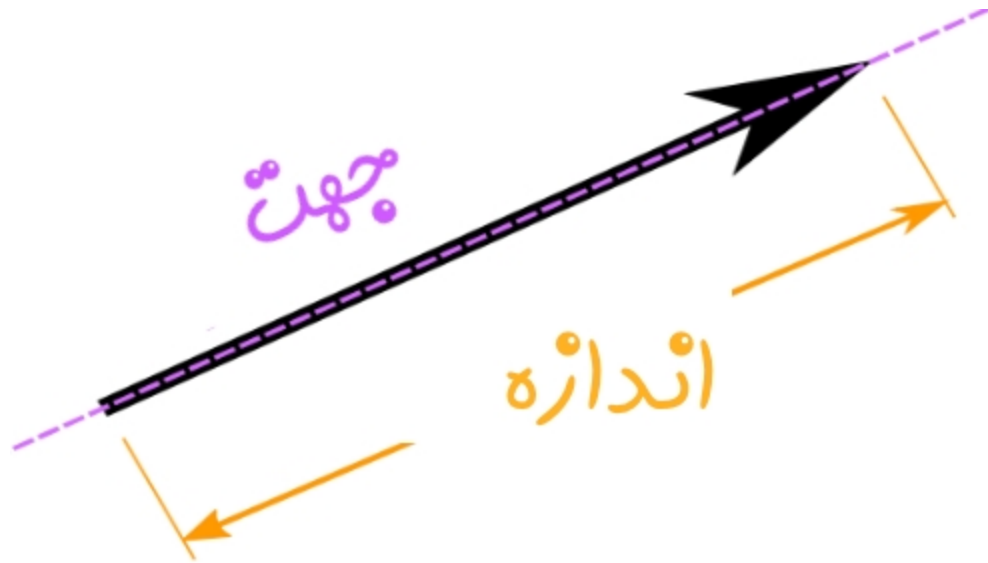
بازدید های مسئول بالا دست که سر تکان میدهد و ندانسته موید هر نوع سیستم ناآزموده است و پاسخ راستی آزمائی آن توسط کاربران ، مشتریان و مردم مورد تأیید قرار نگرفته فرق میکند ، بسیاری از بازرسان ما درای چک لیست نیستند و تنها به مشاهده اکتفا میکنند گویا علم غیب میدانند و از تفکر سیستمی مبتنی بر نوعی کلی‌نگری تهی از ذهن هستند ، مملکت راه خودش را می‌رود و سیستم گذار کار خودش میکند و بازرس هم با چنین ذهنی انتزاعاتی صادر میکند که با تحلیل، قابل درک نیست به عنوان مثال در بدن انسان، نحوه رفتار چشم بستگی به نحوه رفتار منابعی در انسان از عقل برهانی حجت نما دارد که در کشورها این گونه اندیشه های ناب معمولاً در محاق است ، بنابراین هر مجموعه‌ای که از عناصر تشکیل شود، بر رفتار کل سیستم مؤثر است دارای ارزیابی انطباقی نیست و ازه اگر قرار باشد که ارزیابی صورت بگیرد ، شاخص ها و مناط ها و استانداردهای وجود ندارد و اینگونه رفتارها نه نیازی به سیستم دارد و ارزیابی های آن .

در علم اقتصاد، تعادل اقتصادی در یک کشور از جهان جایی است که **بردارها متعادل کننده** هستند و در غیاب اثرات بیرونی (تعادل) ارزش متغیرهای اقتصادی تغییر نخواهد کرد چون از متعادل کننده خودکار و هوشمند کننده برخوردار است ، این تعادل باید نشان دهد که مقدار تقاضا و مقدار عرضه برابرند یا خیر نه یک عده بنشینند گرد هم و تصمیم بگیرند که عرضه و تقاضا **تعادل بازار** برای ارز ، یا گوشت ، یا تخم مرغ و غیره چگونه ارزیابی میشود ولی تحلیلی در این مورد وجود ندارد چون گزارش های تحلیلی آن سامانه رگولاتوری نظام مشاهده نمیشود، برای مثال، برگشت به شرایطی که قیمت بازار تصدیق شده از طریق رقابت بین مقدار کالاها و خدمات خریداران ، ارز و تومان که برابر با مقدار کالاها و خدمات تولیدی فروشندگان است در بررسی قدرت خرید مردم (PPP) موثر است مشاهده نمی شود از نظر ما این گونه بررسی نه دانشش وجود دارد نه چک لیستی دارد و نه گزارش های یک پارچه و هماهنگ با توجه به ضریب جینی و فاصله درآمد ها (مدرک ویکی پدیا). در این مقاله استدلال میکنیم که بدلایی در بازار های ملی وجهانی امروز ، وجود بازار های متعادل ، رقابت آزاد برای ورود همگان در بازار بر حسب مدل عرضه و تقاضا منسوخ شده وجود ندارد ، وقتی که 85 درصد نقدینگی کشور در دست 15 درصد ثروت مندان است و قدرت خرید ارز خارجی را با هر ارزشی که آنها اقتضاء میکنند برای آنها میسور است و در مقابل 85 درصد مردم که در معیشت خود درمانده و فاصله درآمدی بیداد میکند و قدرت خرید مایحتاج معیشتی خود را ندارند (Purchasing Parity Power) و اینکه مسئولین اقتصادی کشور بدون اخبار و توضیحات صریح و صادقانه به موضوعات حقیقی مردم ساده لوح و عوام می پندارند ، با این سیاست بازی ها ، در کل کشور از یک بازار تعالی برخوردار نیست که براهین آن در این مقاله آمده است

مشخصات بردارهای دو بعدی و سه بعدی و چهار بعدی در اقتصاد

تعریف و مشخصات بردار

همانطور که شکل 1 ملاحظه میکنید ، بردار با دو مشخصه اندازه و جهت مشخص میشود

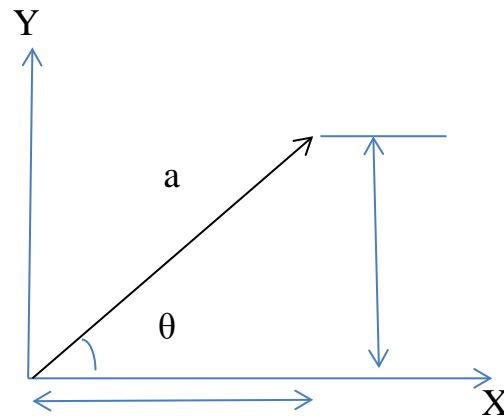


اندازه : مثل مقدار نقدینگی کشور ها

جهت: مثل در جهت انباشت ثروت کاخ نشینان یا تولید یا رفع فقر

نگاره سازی برداری مقیاس پذیر (Scalable Vector Graphics)

یک بردار را می توان به دو شکل کارتزینی و یا قطبی توصیف کرد. به منظور توصیف بردارها به شکل کارتزینی، از مختصات x و y آن ها استفاده می شود. شکل زیر یک بردار را در مختصات کارتزینی نشان می دهد. (شکل 2)



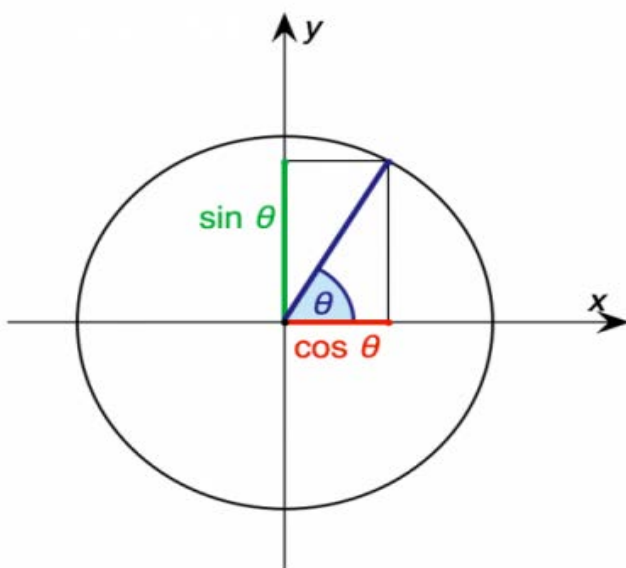
مقدار بردار a برابر است با مقدار زیرو θ زاویه زاویه بردار a با محور X است

$$x = a \times \cos (\theta)$$

$$y = a \times \sin (\theta)$$

به عنوان مثال: بردار a به مثابه درآمد سالانه یک فرد یا خانوار و زاویه θ به مثابه سهم نقدینگی بین طبقات درآمدی، منطق خودرادر تشدید عوامل ضد حکمرانی کشور مثل گران کردن ارز و طلا بروز میدهد

اندازه زاویه θ از مقدار تانژانت یعنی مقدار y بر مقدار وتر بدست آمده و این مقدار بر درجه از جدول زیر بدست می آید: شکل 2.1



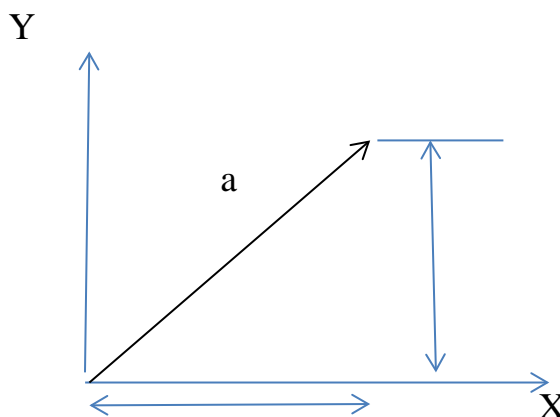
Angle	Tangent	Angle	Tangent
0°	0	31°	0.6009
1°	0.0175	32°	0.6249
2°	0.0349	33°	0.6494
3°	0.0524	34°	0.6754
4°	0.0699	35°	0.7002
5°	0.0875	36°	0.7265
6°	0.1051	37°	0.7536

$$\text{Tangent}(35^\circ) = 0.7002$$

برای اعداد بالاتر از تانژانت با مقدار 0.7 به اینترنت مراجعه شود برای زاویه 45 درجه مقدار تانژانت مساوی یک و برای 90 درجه به بی نهایت میرسد، تشخیص جهات مثلثاتی برای متخصصین وحتى

ریاضی دانان تک ساحتی و تحلیل و تفسیر آنها و تبدیل آنها به داده های قابل پردازش کامپیو تری امری مشکل و نیازمند دانش وسیع خبره میان رشته ای میباشد که بیک رشته تحصیلی در دانشگاه نیاز دارد

این چنین به منظور توصیف یک بردار در مختصات قطبی، اندازه و زاویه آن نسبت به محور x نشان داده می شوند. شکل زیر یک بردار را به شکل قطبی نشان داده است. (شکل 3)، همچنین اگر بخواهیم یک بردار که به شکل کارتزینی بیان شده را به صورت قطبی بیان کنیم، می توانیم از تبدیل زیر استفاده کنیم.



$$a = \sqrt{x^2 + y^2}$$

$$\theta = \tan^{-1} y/x$$

بردار یا اسکالر

کمیتی را که فقط دارای اندازه باشد – و جهتی نداشته باشد، – اسکالر می نامند. از طرفی همان طور که در بالا نیز بیان شد، یک بردار، اندازه و جهت را توأمان دارا است. از طرفی دقت شود که نماد بردار به شکل برجسته است. بنابراین c یک بردار و c یک اسکالر است.

ضرب کردن یک بردار در یک اسکالر

به منظور ضرب کردن یک بردار در یک اسکالر، هر بخش بردار مذکور را بایستی در عدد اسکالر، ضرب کرد.

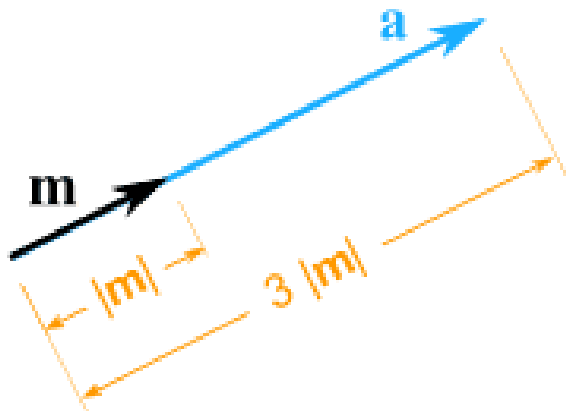
مثال

بردار $(m = (7, 3))$ را در عدد اسکالر ۳ ضرب کنید.

برای این کار به شکل زیر عمل خواهد شد.

$$a = 3m = (3 \times 7, 3 \times 3) = (21, 9)$$

همان گونه که در شکل زیر نیز می بینید، اندازه بردار m سه برابر شده و جهت آن تغییری نکرده است (شکل 4).



بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ تورم نقطه به نقطه در پایان سال به رقم ۲۲ درصد و نرخ تورم متوسط نیز به حدود ۳۵ درصد رسید. این دو آمار، پیش‌تر در گزارش «دنیای اقتصاد» پیش‌بینی شده بود و آمارهای منتشرشده نیز در محدوده مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد شیوع کرونا می‌تواند سه اثر بر روی روند نرخ تورم داشته باشد. «کاهش تقاضای مصرفی»، «کاهش دارایی‌های ارزی» و «نحوه بهره‌گیری از سیاست‌های پولی» می‌تواند سه بردار اصلی اثرگذار بر آینده نرخ تورم در سال جاری باشد.

رسم سه بردار فوق از اول انقلاب تا سال 1399

جدول نقدینگی از اول انقلاب تاکنون (جدول 1)

جدول کاهش تقاضای مصرفی از اول انقلاب تاکنون

جدول کاهش دارایی‌ها ارزی از اول انقلاب تاکنون

جدول بهره‌گیری از سیاست های پولی از اول انقلاب تا کنون

جدول 1

جدول رشد نقدینگی از سال ۱۳۵۷ تا کنون		
سال	(حجم نقدینگی (هزار میلیارد ریال)	
۱۳۵۷	۲۵۷۸/۶	---
۱۳۵۸	۳۵۵۰	۳۷/۶
۱۳۵۹	۴۵۰۸/۱	۲۶/۹
۱۳۶۰	۵۲۳۶/۱	۱۶/۱
۱۳۶۱	۶۴۳۰/۷	۸.۲۲
۱۳۶۲	۷۵۱۴/۴	۱۶/۸
۱۳۶۳	۷۹۶۶/۹	۶
۱۳۶۴	۹۰۰۲/۱	۱۲/۹
۱۳۶۵	۱۰۷۲۲/۶	۱۹/۱
۱۳۶۶	۱۲۶۶۸/۲	۱۸/۱
۱۳۶۷	۱۵۶۸۷/۶	۲۳/۸
۱۳۶۸	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵
۱۳۶۹	۲۲۹۶۹/۵	۲۲/۴
۱۳۷۰	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶
۱۳۷۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۲
۱۳۷۲	۴۸۱۳۵	۳۴/۲
۱۳۷۳	۶۱۸۴۳/۹	۲۸/۴
۱۳۷۴	۸۵۰۷۲/۲	۳۷/۵
۱۳۷۵	۱۱۶۵۵۲/۵	۳۷
۱۳۷۶	۱۳۴۲۸۶/۳	۱۵/۲
۱۳۷۷	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۹/۴
۱۳۷۸	۱۹۲۶۸۹/۲	۲۰/۱
۱۳۷۹	۲۴۹۱۱۰/۷	۲۹/۲
۱۳۸۰	۳۲۰۹۵۷/۲	۲۸/۸
۱۳۸۱	۴۱۵۲۲۴	۳۰
۱۳۸۲	۵۲۶۵۹۶/۴	۲۶/۱
۱۳۸۳	۶۸۵۸۶۷/۲	۳۰/۲
۱۳۸۴	۹۲۱۰۱۹/۴	۳۴/۲
۱۳۸۵	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۳۹/۴

جدول رشد نقدینگی از سال ۱۳۵۷ تاکنون

سال	(حجم نقدینگی (هزار میلیارد ریال)	
۱۳۸۶	۱۶۴۰۲۹۳	۲۷/۷
۱۳۸۷	۱۹۰۱۳۶۶	۱۵/۹
۱۳۸۸	۲۳۵۵۸۹۰	۲۳/۹
۱۳۸۹	۲۹۴۸۸۷۰	۲۵/۱
۱۳۹۰	۳۵۲۲۲۰۰	۱۹/۴
۱۳۹۱	۴۶۰۷۰۰۰	۳۰/۷
۱۳۹۲	۵۹۴۷۵۵۰	۲۹
۱۳۹۳	۷۸۲۳۸۰۰	۳۱/۵
۱۳۹۴	۱۰۱۷۲۸۰۰	۳۰
۱۳۹۵	۱۲۵۳۳۹۰۰	۲۳/۲
۱۳۹۶	۱۵۲۹۹۸۰۰	۲۲
۱۳۹۷	۱۸۸۲۸۰۰۰	۲۳/۱
۱۳۹۸ خرداد	۱۹۷۹۹۰۰۰	---

لینک کوتاه <https://www.egh>

نقدینگی ایران در سه ماهه سال 1399 چقدر است:

بر اساس محاسبات انجام گرفته توسط اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، حجم نقدینگی در هفته منتهی به **1399.3.29** به **26514.6** هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به پایان سال قبل 7.3 درصد رشد نشان می‌دهد. همچنین حجم پایه پولی در پایان خرداد 1399 به **3834.7** هزار میلیارد ریال رسیده است که در مقایسه با پایان سال قبل 8.8 درصد رشد نشان می‌دهد.

پس نسبت حجم نقدینگی در سال 1399 به سال 1357 (۲۵۷۸/۶ هزار میلیارد ریال) برابر شده است، سونامی نقدینگی در اقتصاد ایران در یک سال اخیر ثبات بازارهای مختلف از ارز گرفته تا طلا و مسکن را برهم ریخت و در نهایت این سونامی به تورمی عمومی و شدید تبدیل شد که حتی به مایحتاج غذایی مردم نیز سرایت کرد. این سونامی چگونه در طی سال‌ها شکل گرفته و در وضعیت فعلی چه مخاطراتی ممکن است داشته باشد؟ **موضوع عجیب اما واقعی این است که از سال ۱۳۵۷ تاکنون، حجم کل نقدینگی حداقل ۶۸۳۷ برابر شده است!** (گروه اقتصادی الف، ۳ تیر ۱۳۹۸، ۰۷:۳۷)

حجم نقدینگی به ۲ هزار هزار میلیارد تومان رسید/ آقای وزیر؛ چرا برای کنترل و مدیریت نقدینگی کاری نمی‌کنید؟! گروه اقتصادی الف، ۵ شهریور ۱۳۹۸، ۱۳:۴۸ 3980604089۱۳:۴۸، نظر، ۰ در صف انتشار و ۲ تکراری یا غیرقابل انتشار، حجم نقدینگی به ۲ هزار هزار میلیارد تومان رسیده که عدم مدیریت

درست آن در دولت می تواند باز هم برای اقتصاد ایران تهدیدی باشد که به تورم دامن می زند و به گفته کارشناسان مانند یک دیو خفته یا سیلاب عمل خواهد کرد که عدم مهار آن جز ویرانی اثری نخواهد داشت همانطور که در یک سال گذشته بازارها را یکی پس از دیگر مورد هجوم خودش قرار داد و بی ثبات کرد.

شکل 5



نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: نقدینگی در سال ۵۷، ۲۵۰ میلیارد تومان بوده است در حالی که امروز یک میلیون و ۶۵۰ هزار میلیارد تومان است. مهم ترین دلیل رشد نقدینگی نیز کسری بودجه دولت ها بوده است (و چاپ اسکناس بدون پشتوانه) و ارز فروشی در بازار آزاد

جمعیت کشور در سال های 1357 و 1399:

جمعیت ایران در سال 1357 معادل 34 میلیون نفر و در سال 1398 معادل 83 میلیون نفر

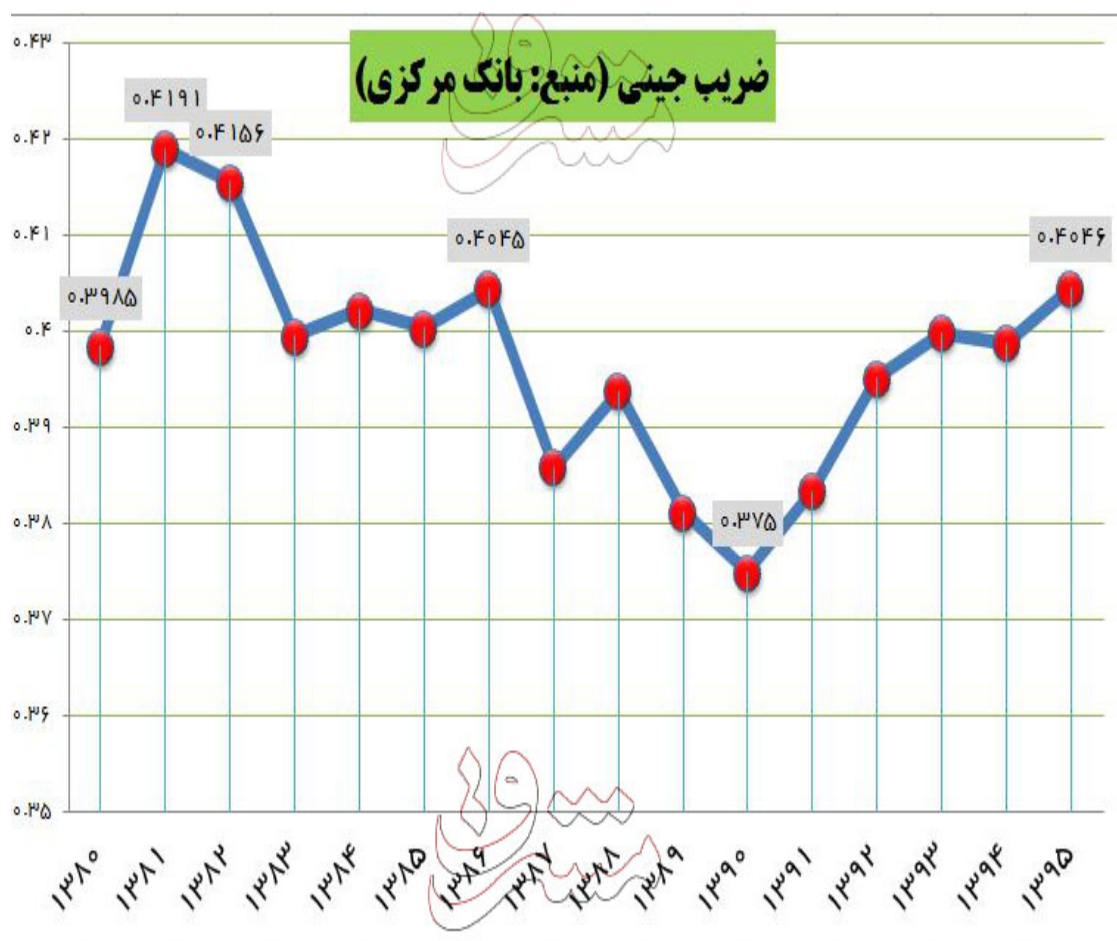
سرنانه نقدینگی در سال های 1357 و 1399:

87672 ریال در سال 1357 = 34000000 + 2578/6 هزار میلیارد ریال هر ماه معادل 7306 ریال با دلار 75 ریال یعنی بطور سرنانه هر کس میتواندست معادل 100 دلار در ماه کسب نماید. و سرنانه نقدینگی مردم در سال 1399 (سه ماهه اول سال) معادل 319457813 ریال در سال است و نسبت به ماه معادل 26621485 ریال و نسبت به سال 1357 معادل 3644 برابر 89 دلار در ماه کسب نماید، اگر چه قدرت سرنانه ای خرید مردم کاهش نشان میدهد، ولی مقیاسات سرنانه ای یک عدد حقیقی برای معیشت مردم نیست و **بردار های آن نادرست است.**

برابر آخرین امارهای رسمی کشور نسبت سهم نقدینگی در سال 1398 با سهم 85 درصد متعلق به 15 درصد جامعه و 15 درصد نقدینگی متعلق به 85 درصد جامعه است و این توزیع نقدینگی در سال 1357 بین مردم از طریق ضریب جینی قابل احصاء است

جدول ضریب جینی ایران از سال 1357 تا کنون

بر اساس گزارش بانک مرکزی، شاخص ضریب جینی در سال ۱۳۹۵ به عدد ۰/۴۰۴۶ افزایش یافت که بالاترین رقم از سال ۱۳۸۲ تاکنون است. به عبارت ساده‌تر، وضعیت شکاف طبقاتی در سال ۱۳۹۵ به بدترین شرایط خود از سال ۱۳۸۲ بدین سو رسیده است. (شکل 6)



مطابق گزارش بانک مرکزی، شکاف طبقاتی از پایان دولت اصلاحات تا سال ۱۳۹۰ روند نزولی داشت اما از سال ۱۳۹۱ بدین سو روند آن صعودی شده و در دولت یازدهم به اوج خود رسیده است. دیگر شاخص سنجش توزیع درآمد، نسبت هزینه دهک دهم (ثروتمندترین) به دهک اول (فقیرترین) می‌باشد و هر چه این نسبت بالا باشد نشان‌دهنده نابرابری بیشتر است.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین افراد در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۵ به بدترین نقطه خود در یک دهه اخیر یعنی از ۱۳۸۶ به این طرف رسیده است به طوری که ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه ۱۴/۴ برابر ۱۰ درصد فقیرترین، از درآمدهای جامعه سهم برده‌اند.

از سال ۱۳۵۷ دقیقاً در جریان روند اقتصاد بوده و ضریب جینی ۱۳۵۷ مطابق با ۳۲٪ بوده و در دولت شهید رجالی حتی کمتر از این به یک ششم اصلاح گردید و از سال ۱۳۶۸ این ضریب افزایش یافته به ۴۲٪ در سال ۱۳۸۱ و ۴۱٪ در سال ۱۳۹۵ رسیده و در سال ۱۳۹۹ بیش از این خواهد بود نسبت درآمد دهک آخر به دهک اول چقدر است؟

درآمد سالانه ۴ تا ۴۴ میلیونی ۱۰ دهک درآمدی (شکل ۷)



متوسط درآمد سالانه بین سه دهک اول شهری در حالی کمتر از ۱۰ میلیون تومان است که فاصله درآمد بین دو دهک آخر به بیش از ۲۰ میلیون تومان یعنی به اندازه درآمد دهک هشتم می‌رسد. متوسط درآمد سالانه بین سه دهک اول شهری در حالی کمتر از ۱۰ میلیون تومان است که فاصله درآمد بین دو دهک آخر به بیش از ۲۰ میلیون تومان یعنی به اندازه درآمد دهک هشتم می‌رسد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بررسی متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری بر اساس انواع درآمد در هر یک از دهک‌های درآمدی بیانگر تفاوت حدود ۴۰ میلیون تومانی بین درآمد سالانه ۱۰ دهک درآمدی در سال گذشته است به طوری که متوسط درآمد از حدود چهار میلیون تومان در دهک اول با طی روند صعودی به حدود ۴۴ میلیون تومان در دهک دهم افزایش می‌یابد. این در حالی است که در مجموع متوسط درآمد سالانه در بین کل دهک‌ها به بیش از ۱۶ میلیون و ۷۲۴ هزار تومان می‌رسد.

این گزارش نشان می‌دهد که دهک اول که مجموع ۸.۳ میلیون نفر را تشکیل می‌دهد و هر خانواده را ۴ نفر محاسبه نمائیم و تقسیم بر ماه هر نفر معادل ۸۴۰۰۰ تومان خواهند داشت که برای ۸.۳ میلیون نفر معادل ۶۹۲ میلیارد تومان میشود و این عدد برای دهک آخر مربوط به ثروتمندان ۴۴ برابر یعنی بیش از ۳۰ هزار میلیارد می‌گردد که با تحقیقات این محقق، این تفاوت بیش از عدد فوق است، بنابراین سهم نیمانی درآمد هر نفر از دهک اول حدود ماهانه ۱۱ دلار و هر نفر ماهانه از دهک دهم ۴۸۴ دلار خواهد شد که در مقابل درآمد های متوسط در کشورهای توسعه یافته، عنوان کشور فقیر برای کشور ایران، محل ایراد نمی باشد، البته این محاسبات از نظر قدرت خرید مردم (PPP) که خواهد آمد

برابر شکل 5 نقدینگی از سال ۱۳۵۷ تاکنون، از حجم کل نقدینگی (پول و شبه پول) حداقل ۶۸۳۷ برابر شده است که پایان سال ۱۳۹۹ به ۷ هزار برابر میرسد و اگر بخواهیم با سکه طلا مقایسه کنیم، سکه در سال ۱۳۵۷ معادل ۴۲۰ تومان و اکنون ۱۱۸۵۰۰۰۰ تومان یعنی ۲۸۲۱۴ برابر شده است (جدول ۲) که البته قدرت خرید معیشتی مردم با این مقیاس تناسبی ندارد ولی تحت تاثیر این گونه قیمت لجام گسیخته است و در همین راستا دلار از سال ۱۳۵۷ تا کنون (جدول ۳) معادل ۲۲۲۰ برابر شده که در بازار آزاد و ناصر خسروئی به ۳۰۰۰ برابر در مورد دارو و غیره رسیده است و در روند افزایشی آن تردیدی نمی باشد، سه برادر رشد نقدینگی، سکه و ارز، هم جهت بوده و با هم همگرایی معنی داری دارند و این یکی از بزرگترین، بحران خطرناک ایران است که باید رفع شده و با سایر قوای کشور نظیر قدرت دفاعی، هم تراز شود و راه حل آن کاهش سریع نقدینگی به اصولی است که این محقق در مقالات آورده است.

جدول قیمت سکه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدین شرح است: (جدول ۲)
قیمت سکه تمام از سال ۵۷ تا تیر ۹۹

سال	قیمت (تومان)
1357	420
1358	1300
1359	2400
1360	3500
1361	3500
1362	3500
1363	3900
1364	4418
1365	6500
1366	11257
1367	9939
1368	10922
1369	12707
1370	12447
1371	12409
1372	16488
1373	30352
1374	44169
1375	41273
1376	38833
1377	45092
1378	58741
1379	60512
1380	60820
1381	69960
1382	86150
1383	104537
1384	122890

167967	1385
190678	1386
231649	1387
288000	1388
435000	1389
630000	1390
910000	1391
1050000	1392
946000	1393
936000	1394
1171000	1395
1795000	1396
2700000	خرداد 97
3825000	مرداد 97
4770000	فروردین 98
5012000	بهمن 98
6300000	فروردین 99
6400000	اردیبهشت 99
7410000	خرداد 99
8138000	تیر 99
9640000	14 تیر 99
10120000	16 تیر 99
11348000	29 تیر 99
10500000	20 مرداد 99
11850000	20 شهریور 99

جدول قیمت دلار در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدین شرح است: (جدول 3)

قیمت دلار از سال 57 تا 99		
سال	کمترین قیمت تومان	بیشترین قیمت تومان
قیمت دلار در سال 57	10	10
قیمت دلار در سال 58	14	14
قیمت دلار در سال 59	20	20
قیمت دلار در سال 60	27	27
قیمت دلار در سال 61	35	35
قیمت دلار در سال 62	45	45

58	58	قیمت دلار در سال 63
61	61	قیمت دلار در سال 64
74	74	قیمت دلار در سال 65
99	99	قیمت دلار در سال 66
96	96	قیمت دلار در سال 67
120	120	قیمت دلار در سال 68
141	141	قیمت دلار در سال 69
142	142	قیمت دلار در سال 70
149	149	قیمت دلار در سال 71
180	180	قیمت دلار در سال 72
263	263	قیمت دلار در سال 73
403	403	قیمت دلار در سال 74
444	444	قیمت دلار در سال 75
478	478	قیمت دلار در سال 76
646	646	قیمت دلار در سال 77
863	863	قیمت دلار در سال 78
813	813	قیمت دلار در سال 79
792	792	قیمت دلار در سال 80
799	799	قیمت دلار در سال 81
832	832	قیمت دلار در سال 82
874	874	قیمت دلار در سال 83
904	904	قیمت دلار در سال 84
922	922	قیمت دلار در سال 85
935	935	قیمت دلار در سال 86
966	966	قیمت دلار در سال 87
1000	1000	قیمت دلار در سال 88
1100	1100	قیمت دلار در سال 89

1800	1400	قیمت دلار در سال 90
3800	1500	قیمت دلار در سال 91
3600	3300	قیمت دلار در سال 92
3550	3400	قیمت دلار در سال 93
3600	3150	قیمت دلار در سال 94
3425	3748	قیمت دلار در سال 95
4250	3800	قیمت دلار در سال 96
15067	4200	قیمت دلار در سال 97
15757	11155	قیمت دلار در سال 98
22200	14905	قیمت دلار در سال 99

قیمت کالا مصرفی از سال 1357 تا کنون در ایران

نرخ بنزین از سال ۵۷ تاکنون چقدر بوده است ؟

قیمت هر لیتر از این فرآورده استراتژیک نفتی در آذربایجان حدود ۸۰۰۰ تومان، در اردن حدود ۲۵ هزار و ۳۰۰ تومان، در امارات متحده عربی حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان و در عراق حدود ۱۰ هزار و ۷۰۰ تومان است. که دولت این نرخ ها با دلار آزاد حساب کرده است (جدول شماره 4 قیمت به تومان)

نرخ بنزین از سال ۵۷ تاکنون		
۱		۱۳۵۷
۳		۱۳۵۹
۵		۱۳۶۹
۱۰		۱۳۷۴
۱۶		۱۳۷۶
۳۸		۱۳۸۰
۸۰		۱۳۸۳
۱۰۰		۱۳۸۶
آزاد ۷۰۰	سهمیه ای ۴۰۰	۱۳۸۹
آزاد ۱۰۰۰	سهمیه ای ۷۰۰	۱۳۹۳
۱۰۰۰		۱۳۹۴
پیشنهاد نرخ آزاد ۲۵۰۰	سهمیه ای ۱۰۰۰	۱۳۹۸

باتوجه به جدول فوق قیمت بنزین از سال 1357 تا کنون 2500 برابر شده است که با روند رشد دلار و سکه هم خوانی و هم گرانی دارد و این تاثیر زیادی به قدرت خرید مردم و معیشت آنان گذاشته است و مردم

احساس ناگواری از دولتی دارند که نفت را در اختیار خود دارد که سهمی از آن برای ارتقای قدرت خرید مردم مراعات نمیکند ، این ضربه روحی بزرگی به مردم زده است .موضوع قاچاق نفت خام و فرآورده ای آن ربطی به این بی سیاستی دولت ندارد ، درمورد اینکه قاچاق صورت نگیرد ، به تصمیم های دیگر مربوط است .بطور کلی دولت های جمهوری اسلامی به دولت های اقتصاد نفتی معروف هستند و از طریق فروش نفت خام بطور مستقیم ویا بصورت غیر مستقیم به صور مختلف ، از فروش منابع نفتی بجای تبدیل آن به محصولات ضروری کشور وافزایش ارزش افزوده ، وبعد از طریق ارز فروشی ، که راحت ترین نوع حکومت بدون دغدغه ومسئولیت پذیری وتکالیف بارور کردن منابع وگنج های این کشور سرمایه های ضرور کشور ، بیک کشوری راحت وبدون زحمت پرداختند که نیازی نبود مثل کشور ژاپن که خام وارد میکنند ومحمولات با کیفیت ویا ارزش به دنیا صادر میکنند ، تن به زحمت بدهند ، روند شدت یافته اقتصاد از دولت های 5 الی 12 با فروش فراوان نفت و فرآورده های وحتی به ملت ومردمی که استحکام مملکت با مجاهدات آنان استوار شده است برخلاف توصیه های اکید امام امت(ره) ، بدترین نوع دولت داری معمول داشتند، بررسی برداری سه سیاست نقدینگی ، ارز فروشی ونفت فروشی هم جهت بوده وحاصل جمع بست وسایر تحلیل های دیگر این سه بردار نشان دهنده ، تصمیم گیری رهائی از 12 دولت از سال 1368 ونفوذ چپاول گران متنوع از همین سال میباشد

نرخ تورم و شاخص سالانه (جدول شماره 5)

سال	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	نرخ تورم
۱۳۹۶	۱۰۹/۶	۹/۶
۱۳۹۵	۱۰۰/۰	۹/۰
۱۳۹۴	۹۱/۷۱۴	۱۱/۹
۱۳۹۳	۸۱/۹۴۸	۱۵/۶
۱۳۹۲	۷۰/۹۱۶	۳۴/۷
۱۳۹۱	۵۲/۶۳۵	۳۰/۵
۱۳۹۰	۴۰/۳۲۱	۲۱/۵

۱۳۸۹	۳۳/۱۸۸	۱۲/۴
۱۳۸۸	۲۹/۵۲۷	۱۰/۸
۱۳۸۷	۲۶/۶۶	۲۵/۴
۱۳۸۶	۲۱/۲۶۵	۱۸/۴
۱۳۸۵	۱۷/۹۵۵	۹/۱۱
۱۳۸۴	۱۶/۰۴۸	۱۰/۴
۱۳۸۳	۱۴/۵۴۴	۱۵/۲
۱۳۸۲	۱۲/۶۲۴	۱۵/۶
۱۳۸۱	۱۰/۹۱۵	۱۵/۸
۱۳۸۰	۹/۴۲۷	۱۱/۴
۱۳۷۹	۸/۴۶۳	۱۲/۶
۱۳۷۸	۷/۵۱۶	۲۰/۱
۱۳۷۷	۶/۲۵۸	۱۸/۱
۱۳۷۶	۵/۲۹۸	۱۷/۳
۱۳۷۵	۴/۵۲	۲۳/۲
۱۳۷۴	۳/۶۶۵	۴۹/۴

۱۳۷۳	۲/۴۵۶	۳۵/۲
۱۳۷۲	۱/۸۱۴	۲۲/۹
۱۳۷۱	۱/۴۸	۲۴/۴
۱۳۷۰	۱/۱۸۹	۲۰/۷
۱۳۶۹	۰/۹۸۴	۹/۰
۱۳۶۸	۰/۹۰۳	۱۷/۴
۱۳۶۷	۰/۷۷	۲۸/۹
۱۳۶۶	۰/۵۹۷	۲۷/۷
۱۳۶۵	۰/۴۶۸	۲۳/۷
۱۳۶۴	۰/۳۷۹	۶/۹
۱۳۶۳	۰/۳۵۵	۱۰/۴
۱۳۶۲	۰/۳۱۹	۱۴/۸
۱۳۶۱	۰/۲۷۸	۱۹/۲
۱۳۶۰	۰/۲۳۴	۲۲/۸
۱۳۵۹	۰/۱۹	۲۳/۵
۱۳۵۸	۰/۱۵۳	۱۱/۴

۱۳۵۷	۰/۱۳۷	۱۰/۰
۱۳۵۶	۰/۱۲۵	۲۵/۱
۱۳۵۵	۰/۱۰۱	۱۶/۶
۱۳۵۴	۰/۰۸۵	۹/۹
۱۳۵۳	۰/۰۷۷	۱۵/۵
۱۳۵۲	۰/۰۶۹	۱۱/۲
۱۳۵۱	۰/۰۶	۶/۳
۱۳۵۰	۰/۰۵۶	۵/۵
۱۳۴۹	۰/۰۵۶	۱/۵
۱۳۴۸	۰/۰۵۲	۳/۶
۱۳۴۷	۰/۰۵۲	۱/۵
۱۳۴۶	۰/۰۵۲	۰/۸
۱۳۴۵	۰/۰۵۲	۰/۸
۱۳۴۴	۰/۰۵۲	۰/۳
۱۳۴۳	۰/۰۵۲	۴/۵
۱۳۴۲	۰/۰۴۸	۱/۰

۱۳۴۱	۰/۰۴۸	۰/۹
۱۳۴۰	۰/۰۴۸	۱/۶
۱۳۳۹	۰/۰۴۸	۷/۹
۱۳۳۸	۰/۰۴۴	۱۳/۰
۱۳۳۷	۰/۰۳۶	۱/۰
۱۳۳۶	۰/۰۳۶	۴/۴
۱۳۳۵	۰/۰۳۶	۸/۸
۱۳۳۴	۰/۰۳۲	۱/۷
۱۳۳۳	۰/۰۳۲	۱۵/۹
۱۳۳۲	۰/۰۲۸	۹/۲
۱۳۳۱	۰/۰۲۴	۷/۲
۱۳۳۰	۰/۰۲۴	۸/۳
۱۳۲۹	۰/۰۲	-۱۷/۲
۱۳۲۸	۰/۰۲۸	۲/۳
۱۳۲۷	۰/۰۲۴	۱۱/۱
۱۳۲۶	۰/۰۲۴	۶/۶

۱۳۲۵	۰/۰۲	-۱۱/۵
۱۳۲۴	۰/۰۲۴	-۱۴/۴
۱۳۲۳	۰/۰۲۸	۲/۷
۱۳۲۲	۰/۰۲۸	۱۱۰/۵
۱۳۲۱	۰/۰۱۲	۹۶/۲
۱۳۲۰	۰/۰۰۸	۴۹/۵
۱۳۱۹	۰/۰۰۴	۱۳/۸
۱۳۱۸	۰/۰۰۴	۸/۰
۱۳۱۷	۰/۰۰۴	۸/۸
۱۳۱۶	۰/۰۰۴	۲۱/۲
۱۳۱۵	۰/۰۰۴	-.-

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال 1398 و تعریف آن

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در نقاط شهری :

اطلاعات این بخش شامل: شاخص قیمت کالاها و خدمات در نقاط شهری به صورت ماهانه در گروه های اصلی و فرعی فعالیت، ف و... می باشد.

برای اولین بار، بانک ملی ایران در سال 1315، محاسبه شاخص هزینه زندگی و شاخص بهای عمدهفروشی کالاها را در نقاط شهری آغاز کرد. در سال 1338، با تغییر سال پایه، محاسبه شاخص هزینه زندگی و شاخص بهای عمدهفروشی کالاها مورد تجدیدنظر قرار گرفت و با تأسیس بانک مرکزی ایران در سال 1339، مسئولیت تهیه شاخص های مذکور، به این بانک محول شد. بانک مرکزی ایران، با

توجه به تغییرات قابل ملاحظه در الگوی مصرف خانوارها و ترکیب هزینه آنها، سال 1348 را سال پایه قرار داد و تجدیدنظر دوم را در محاسبه شاخص هزینه زندگی و شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها به عمل آورد. در سال 1353 تحولاتی در اوضاع اقتصادی کشور پدید آمد و سال مذکور به عنوان سال پایه در نظر گرفته شد. بر همین اساس، محاسبه شاخص‌های فوق، برای سومین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در سال 1361، با توجه به تغییرات ایجاد شده در الگوی مصرف خانوارها که ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی بود، این سال به عنوان سال پایه انتخاب شد و تجدیدنظر در زمینه محاسبه شاخص‌های مذکور به عمل آمد. بانک مرکزی در سال 1378، سال پایه را برای «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران» از سال 1369 به سال 1376 تغییر داد. شایان ذکر است در سال 1391 اطلاعات این شاخص براساس سال پایه 1390 توسط دفتر شاخص قیمت مرکز آمار ایران محاسبه و در سالنامه آماری کشور قرار گرفته و منتشر می‌شود.

با توجه به توضیح فوق ، از سال 1361 که پایه شاخص بهای کالا و خدمات را شاخص 0.278 نشان میدهد و در سال 1396 دارای شاخص 109.6 است (یعنی سه سال پیش) تورمی معادل تورمی را برابر 395 برابر را نشان میدهد ، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی سال 1399 در ایران این برابر از 500 برابر پیش شده است ، یعنی اگر هم اکنون مرغ راکیلونی 20 هزار تومان خریداری میشود، قیمت مرغ در سال 1361 معادل کیلونی 1380 تومان بوده است و حتی ارزان تر و فراوان تر ، سکه در همین سال 3500 تومان و ارز به دلار 35 تومان و بنزین 3 ریال بوده است ، نارضایتی مردم امری مسلم بوده و موثر از خود تحریمی های تورم زای کشور و سیاست های راحت طلبانه بوده است ، یعنی با سه کیلو مرغ می توانستی یک سکه طلا بخرید!.

جدول کاهش تقاضای مصرفی از اول انقلاب تا کنون

شهریور 99 شاخص تورم 244.3 / شهریور 98 بالاترین دوازده ماهه 42.7 / اردیبهشت 98 بالاترین نقطه به نقطه 52.1

شاخص و نرخ تورم 84 سال اخیر قبل و بعد از انقلاب از 1316 تا 1399 + قیمت سکه و دلار / محاسبه و به روز رسانی شاخص تورم و ارزش پول، مهریه و تاخیر تادیه

فرمول محاسبه گر تورم با استفاده از عدد شاخص سه جدول زیر در گزارش توضیح داده شده است . شما می توانید قیمت یا ارزش ارقام مورد نظر خود مثلا مهریه را از 1315 تا 1398 از روش نسبت و تناسب برای هر ماه یا هر سالی که در نظر دارید محاسبه کنید مثلا کالایی که در سال 1315 معادل 1 ریال ارزش داشته در مهر ماه 1392 به 17870 ریال رسیده است. یا کالایی که در مهرماه 1390 معادل 10000 ریال ارزش داشته در 1356 معادل 31 ریال بوده است. با در نظر گرفتن عدد شاخص، از سه جدول زیر، و تبدیل رقم مورد نظر خودتان در هر سالی می توانید معادل آن را برای سال مورد نظر خود محاسبه کنید. مثال در بخش پاسخ به نظرات مخاطبان بسیار مشاهده می شود . به بخش محاسبه گر تورم در ابتدای گزارش و مثال ها در پاسخ به سوال مخاطبان بروید تا روش محاسبه بهتر مشخص شود

کد خبر: ۱۲۶۴

تاریخ انتشار: ۲۰ فروردین ۱۳۹۱ - ۱۸:۵۷ (جدول 6)



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم)
اعداد سالانه شاخص در سالهای ۱۳۹۸-۱۳۱۵

(۱۳۹۵=۱۰۰)

سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص
۱۳۷۱	۱/۴۸۰	۱۳۴۳	۰/۰۵۲	۱۳۱۵	۰/۰۰۴
۱۳۷۲	۱/۸۱۴	۱۳۴۴	۰/۰۵۲	۱۳۱۶	۰/۰۰۴
۱۳۷۳	۲/۴۵۶	۱۳۴۵	۰/۰۵۲	۱۳۱۷	۰/۰۰۴
۱۳۷۴	۳/۶۶۵	۱۳۴۶	۰/۰۵۲	۱۳۱۸	۰/۰۰۴
۱۳۷۵	۴/۵۲۰	۱۳۴۷	۰/۰۵۲	۱۳۱۹	۰/۰۰۴
۱۳۷۶	۵/۲۹۸	۱۳۴۸	۰/۰۵۲	۱۳۲۰	۰/۰۰۸
۱۳۷۷	۶/۲۵۸	۱۳۴۹	۰/۰۵۶	۱۳۲۱	۰/۰۱۲
۱۳۷۸	۷/۵۱۶	۱۳۵۰	۰/۰۵۶	۱۳۲۲	۰/۰۲۸
۱۳۷۹	۸/۴۶۳	۱۳۵۱	۰/۰۶۰	۱۳۲۳	۰/۰۲۸
۱۳۸۰	۹/۴۲۷	۱۳۵۲	۰/۰۶۹	۱۳۲۴	۰/۰۲۴
۱۳۸۱	۱۰/۹۱۵	۱۳۵۳	۰/۰۷۷	۱۳۲۵	۰/۰۲۰
۱۳۸۲	۱۲/۶۲۴	۱۳۵۴	۰/۰۸۵	۱۳۲۶	۰/۰۲۴
۱۳۸۳	۱۴/۵۴۴	۱۳۵۵	۰/۱۰۱	۱۳۲۷	۰/۰۲۴
۱۳۸۴	۱۶/۰۴۸	۱۳۵۶	۰/۱۲۵	۱۳۲۸	۰/۰۲۸
۱۳۸۵	۱۷/۹۵۵	۱۳۵۷	۰/۱۳۷	۱۳۲۹	۰/۰۲۰
۱۳۸۶	۲۱/۲۶۵	۱۳۵۸	۰/۱۵۳	۱۳۳۰	۰/۰۲۴
۱۳۸۷	۲۶/۶۶۰	۱۳۵۹	۰/۱۹۰	۱۳۳۱	۰/۰۲۴
۱۳۸۸	۲۹/۵۲۷	۱۳۶۰	۰/۲۳۴	۱۳۳۲	۰/۰۲۸
۱۳۸۹	۳۳/۱۸۸	۱۳۶۱	۰/۲۷۸	۱۳۳۳	۰/۰۳۲
۱۳۹۰	۴۰/۳۲۱	۱۳۶۲	۰/۳۱۹	۱۳۳۴	۰/۰۳۲
۱۳۹۱	۵۲/۶۳۵	۱۳۶۳	۰/۳۵۵	۱۳۳۵	۰/۰۳۶
۱۳۹۲	۷۰/۹۱۶	۱۳۶۴	۰/۳۷۹	۱۳۳۶	۰/۰۳۶
۱۳۹۳	۸۱/۹۴۸	۱۳۶۵	۰/۴۶۸	۱۳۳۷	۰/۰۳۶
۱۳۹۴	۹۱/۷۱۴	۱۳۶۶	۰/۵۹۷	۱۳۳۸	۰/۰۴۴
۱۳۹۵	۱۰۰/۰۰۰	۱۳۶۷	۰/۷۷۰	۱۳۳۹	۰/۰۴۸
۱۳۹۶	۱۰۹/۶۵۰	۱۳۶۸	۰/۹۰۳	۱۳۴۰	۰/۰۴۸
۱۳۹۷	۱۴۳/۸۴۲	۱۳۶۹	۰/۹۸۴	۱۳۴۱	۰/۰۴۸
۱۳۹۸	۲۰۳/۱۵۰	۱۳۷۰	۱/۱۸۹	۱۳۴۲	۰/۰۴۸

محاسبه گر تورم برای مهریه یا ارزش پول و هر خدمات و کالای دیگر بر اساس نرخ تورم

با توجه به تولید و انتشار آمارهای رسمی از جمله نرخ تورم و همچنین نیاز به تبدیل ارزش ریالی یک مبلغ مشخص بین دو مقطع زمانی مدنظر با استفاده از شاخص قیمت مصرف کننده به انگلیسی (Consumer Price Index، CPI) به عنوان یکی از کاربردهای اصلی این شاخص، محاسبه‌گر تورم جهت تسهیل این تبدیل به اعداد شاخص با فرمول زیر می‌باشد:

مثلا عدد شاخص در اسفند 98 معادل 200.5 است که صورت کسر را تشکیل می دهد و عدد شاخص در سال مورد نظر شما مثلا برای سال 1370 معادل 1.189 در مخرج کسر قرار می گیرد حاصل این تقسیم را با مبلغ ریالی مورد نظر خود در آن سال ضرب کنید . عدد مورد نظر ارزش رقم مورد نظر شما در اسفند 98 است.

$$\text{عدد شاخص در مقطع زمانی مورد نظر} \times \frac{\text{ارزش ریالی مبلغ در مقطع زمانی مورد نظر}}{\text{عدد شاخص در مقطع زمانی اول}}$$

هم اکنون مرغ کیلویی 20.000 تومان در بازار است شاخص امسال با 30 درصد تورم از 1389 به 1300 میشود 264.1 تقسیم بر شاخص سال 1357 به اندازه 17.9 ، حاصل میشود حدود 15 برابر قیمت مرغ که تقسیم بر 15 برابر قیمت مرغ در سال 1357 برابر 1333 تومان است ، چنین اقصادی با هر نظریه کلاسیک ، نئوکلاسیک یا اسلامی ، یا اقتضائات سیاست های غلط ، یک فاجعه محسوب میشود !.

جدول شماره 7

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران
(1395=100)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	متوسط سال	نرخ تورم
1369	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0	1/0
1370	1/1	1/1	1/1	1/1	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	20/7
1371	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	22/2
1372	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	1/2	22/8
1373	2/1	2/1	2/1	2/1	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	25/2
1374	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	29/2
1375	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	22/2
1376	2/0	2/0	2/0	2/0	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	17/2
1377	2/0	2/0	2/0	2/0	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	18/1
1378	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	20/1
1379	2/1	2/1	2/1	2/1	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	12/2
1380	2/1	2/1	2/1	2/1	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	2/2	11/2
1381	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	15/8
1382	12/0	12/0	12/0	12/0	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	15/2
1383	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	15/2
1384	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	10/2
1385	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	11/8
1386	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	12/2	18/2
1387	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	25/2
1388	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	10/8
1389	21/1	21/1	21/1	21/1	21/2	21/2	21/2	21/2	21/2	21/2	21/2	21/2	21/2	12/2
1390	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	27/5	21/5
1391	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	25/5	20/5
1392	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2
1393	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	15/2
1394	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	11/8
1395	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	22/2	20/2
1396	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	10/2	20/2
1397	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	115/2	22/2
1398	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	122/2	21/2

۱۳۹۵-۱۰۰

جدول ۱- شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوار (CPI)

شرح	شاخص کل		خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات		کالاهای غیر خوراکی و خدمات	
	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹
کل کشور	۲۲۷.۹	۲۱۴.۲	۲۶۶.۷	۲۵۰.۱	۲۱۳.۴	۲۰۰.۷
شهری	۲۲۶.۷	۲۱۳.۸	۲۶۶.۸	۲۵۰.۱	۲۱۳.۳	۲۰۰.۳
روستایی	۲۲۴.۹	۲۲۱.۹	۲۶۶.۶	۲۴۹.۹	۲۱۴.۱	۲۰۳.۶

جدول ۲- درصد تغییر ماهانه شاخص (CPI)

شرح	شاخص کل		خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات		کالاهای غیر خوراکی و خدمات	
	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹	تیر ۱۳۹۹	خرداد ۱۳۹۹
کل کشور	۶.۴	۲.۰	۶.۷	۲.۴	۶.۳	۱.۸
شهری	۶.۵	۲.۰	۶.۷	۲.۴	۶.۵	۱.۸
روستایی	۵.۹	۲.۲	۶.۷	۲.۵	۵.۲	۲.۰

اعداد و شاخص‌های زیر توسط مرکز آمار ایران بر اساس سال پایه ۱۳۹۵ = ۱۰۰ محاسبه شده است تورم بالا در سال‌های ۹۷ و ۹۸ (جدول ۸)

دوره	شاخص تورم	تورم دوازده ماهه	تورم نقطه به نقطه
آبان ۹۷	۱۴۷.۸	۱۵.۶	۳۴.۹
آذر ۹۷	۱۵۱.۷	۱۸	۳۷.۴
دی ۹۷	۱۵۴.۷	۲۰.۶	۳۹.۶
بهمن ۹۷	۱۵۸.۱	۲۳.۵	۴۲.۳
اسفند ۹۷	۱۶۴.۳	۲۶.۹	۴۷.۵
فروردین ۹۸	۱۷۰.۹	۳۰.۶	۵۱.۴
اردیبهشت ۹۸	۱۷۳.۵	۳۴.۲	۵۲.۱
خرداد ۹۸	۱۷۴.۹	۳۷.۶	۵۰.۴
تیر ۹۸	۱۷۹.۷	۴۰.۴	۴۸
مرداد ۹۸	۱۸۰.۸	۴۲.۲	۴۱.۶
شهریور ۹۸	۱۸۱.۷۰	۴۲.۷	۳۵
مهر ۹۸	۱۸۴.۸	۴۲	۲۸.۳
آبان ۹۸	۱۸۷.۸	۴۱.۱	۲۷
آذر ۹۸	۱۹۳.۸	۴۰	۲۷.۸
دی ۹۸	۱۹۴.۴	۳۸.۶	۲۶.۳
بهمن ۹۸	۱۹۷.۶	۳۷	۲۵
اسفند ۹۸	۲۰۰.۵	۳۴.۸	۲۲

در شهریور ماه 99 تنها در یک ماه قیمت ها 3.56 درصد رشد کرده و قیمت کالاهای خوراکی نیز 2.9 درصد افزایش داشته است. شاخص کل تورم نیز 244.3 نسبت به سال پایه 1395 اعلام شده است، براساس اعلام مرکز امار نرخ تورم سالیانه شهریور ماه 1399 به 26 درصد رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، 0/2 واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم سالیانه در واقع درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است. این نرخ برای خانوارهای کشور به 26 درصد رسیده است. همچنین نرخ تورم سالیانه برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب 26/1 درصد و 25،4 درصد است که برای خانوارهای شهری 0/2 واحد درصد افزایش و برای خانوارهای روستایی بدون تغییر بوده است.

منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم نقطه‌ای در شهریور ماه 1399 به عدد 34/4 درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین 34،4 درصد بیشتر از شهریور 1398 برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌ای شهریور ماه 1399 در مقایسه با ماه قبل چهار واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش 5،5 واحد درصدی به 31،5 درصد و گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» با افزایش 3،3 واحد درصدی به 35،9 درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری 34/5 درصد است که نسبت به ماه قبل 3/9 واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی 34/1 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 4/5 واحد درصد افزایش داشته است. منظور از نرخ تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل است. نرخ تورم ماهانه شهریور 1399 به 3/6 درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، 1،0 واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب 3،0 درصد و 3،9 درصد بوده است.

این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری 3،6 درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل، 0،1 واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی 3،5 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 0،3 واحد درصد افزایش داشته است. در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «شیر، پنیر و تخم‌مرغ» (تخم مرغ، خامه، شیر پاستوریزه و پنیر پاستوریزه)، گروه «ماهی‌ها و صدف داران» (ماهی قزل آلا و کنسرو ماهی تن)، گروه «چای، قهوه و سایر نوشیدنی‌ها» (انواع نوشابه و آبمیوه) می‌باشد. در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، گروه «حمل و نقل» (قیمت انواع خودرو)، گروه «تفریح و فرهنگ» (لوازم تحریر، قطعات کامپیوتر، دوچرخه بچه‌گانه، لپ‌تاپ) و گروه «مبلمان و لوازم خانگی» (لوازم پلاستیکی آشپزخانه، ماشین لباسشویی، یخچال فریزر و ظروف شیشه‌ای آشپزخانه) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند.

دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در شهریور ماه 1399 برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از 23/4 درصد برای دهک اول تا 29،9 درصد برای دهک دهم است. تورم نقطه‌ای تیر ماه 1399 در مقایسه با خرداد ماه 4/4 واحد درصد افزایش یافته است. افزایش 4.4 درصدی تورم ماهانه یا میانگین قیمت ها در یک ماه تیر 99 و رشد قیمت 6،7 درصدی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با بیشترین رشد در گوشت، مرغ و تخم مرغ و

شیر همراه بوده است. سطح عمومی قیمت ها یا تورم تیرماه 99 به دلیل رشد نرخ ارز، رشد پایه پولی و نقدینگی در یکسال اخیر، مشکلات افزایش هزینه تولید، مواد اولیه تولید و قیمت کالاها و خدمات مصرفی، در یکسال اخیر بی سابقه بوده و مانند تورم های بالای ماهانه سال 97 بروز کرده است. نرخ تورم نقطه‌ای تیر 99 رشدی 4/4 درصد داشت. منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم نقطه‌ای در تیر ماه 1399 به عدد 26/9 درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین 26,9 درصد بیشتر از تیر 1398 برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

نرخ تورم نقطه‌ای تیر ماه 1399 در مقایسه با خرداد ماه 4/4 واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش 6/1 واحدی درصدی به 21,0 درصد و گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» با افزایش 3,4 واحد درصدی به 29,8 درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری 27 درصد است که نسبت به ماه قبل 4/3 واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی 25/9 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 4/8 واحد درصد افزایش داشته است. نرخ تورم سالیانه تیر ماه 1399 برای خانوارهای کشور 26/4 درصد رسید که نسبت به ماه قبل (خرداد 99) 1,4 درصد کاهش یافته است. مرکز امار نرخ تورم تیرماه را منتشر کرد. نرخ تورم سالیانه که درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است در تیر 99 کاهشی شد. نرخ تورم سالیانه تیر ماه 1399 برای خانوارهای کشور به 26/4 درصد رسید. همچنین نرخ تورم سالیانه برای خانوارهای شهری و روستایی 26/4 درصد است که به ترتیب 1/3 و 1,8 واحد درصد نسبت به ماه قبل کاهش داشته است.

افزایش نرخ تورم ماهانه خانوارهای کشور

نرخ تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل است. نرخ تورم ماهانه تیر 1399 برابر 6/4 درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، 4,4 واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب 6,7 درصد و 6,3 درصد بوده است. نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری 6/5 درصد است که نسبت به ماه قبل، 4,5 واحد درصد افزایش داشته است. این نرخ برای خانوارهای روستایی 5,9 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 3,7 واحد درصد افزایش داشته است.

گوشت و لبنیات بیشترین رشد قیمت در تیرماه 1399

در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت تیرماه 99 نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «گوشت قرمز و گوشت ماکیان» (مرغ ماشینی)، گروه «شیر، پنیر و تخم‌مرغ» (تخم-مرغ)، و گروه «نان و غلات» (ماکارونی و انواع برنج خارجی) است. در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، گروه «حمل و نقل» (قیمت انواع خودرو و لاستیک خودرو)، گروه «تفریح و فرهنگ» (قطعات کامپیوتر، دوچرخه بچه‌گانه، لپ‌تاپ) و گروه «مسکن و آب، برق گاز» (اجاره) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در تیر ماه 1399 برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از 24/2 درصد برای دهک اول تا 28,9 درصد برای دهک دهم است...

تورم سالانه یا دوازده ماهه خرداد 99 به 27.8 درصد رسید تورم نقطه به نقطه یا افزایش هزینه خانوار در یکسال اخیر نیز 22.5 درصد بوده است. مرکز آمار اعلام کرد که تورم سالانه برای خانوارهای شهری 27,7 درصد و خانوارهای روستایی 28,2 درصد است. نرخ تورم نقطه‌ای خرداد ماه 1399 در مقایسه با ماه قبل 1,5 درصد افزایش دارد. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری 22,7 درصد است که نسبت به ماه قبل 1,4 درصد افزایش دارد. این نرخ برای خانوارهای روستایی 21,1 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 1,8 واحد درصد افزایش داشته است. تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت شاخص قیمت کالا و خدمات نشان می‌دهد که در خرداد امسال، نرخ تورم سالانه خرداد ماه برای خانوارهای کشور به 27,8 درصد رسیده که نسبت به ماه قبل دو درصد کاهش دارد. همچنین نرخ تورم نقطه‌ای در خرداد ماه 1399 به عدد 22,5 درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین 22,5 درصد بیشتر از خرداد 1398 برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده اند. این در حالی است که نرخ تورم سالانه برای خانوارهای شهری 27,7 درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل 2 واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی 28,2 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 2,6 واحد درصد کاهش داشته است. نرخ تورم نقطه‌ای خرداد ماه 1399 در مقایسه با ماه قبل 1,5 درصد افزایش دارد. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری 22,7 درصد است که نسبت به ماه قبل 1,4 درصد افزایش دارد. این نرخ برای خانوارهای روستایی 21,1 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 1,8 واحد درصد افزایش داشته است. اما وضعیت تورم ماهانه از این حکایت دارد که نرخ آن در خرداد به دو درصد رسیده است که در مقایسه با ماه قبل 0,5 درصد کم شده است. نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری دو درصد و برای خانوارهای روستایی 2,2 درصد بوده گزارش شده است.

افزایش نرخ تورم نقطه‌ای

منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل می‌باشد. نرخ تورم نقطه‌ای در خرداد ماه 1399 به عدد 22,5 درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین 22,5 درصد بیشتر از خرداد 1398 برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده اند. نرخ تورم نقطه‌ای خرداد ماه 1399 در مقایسه با ماه قبل 1,5 واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش 2,9 واحد درصدی به 14,9 درصد و گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» با افزایش 0,7 واحد درصدی به 26,4 درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری 22,7 درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل 1,4 واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی 21,1 درصد بوده که نسبت به ماه قبل 1,8 واحد درصد افزایش داشته است. منظور از نرخ تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل می‌باشد. نرخ تورم ماهانه خرداد 1399 به 2 درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، 0,5 واحد درصد کاهش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب 2,4 درصد و 1,8 درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری 2 درصد می‌باشد

که نسبت به ماه قبل، ۰,۶ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۲,۲ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۰,۱ واحد درصد افزایش داشته است. در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «نان و غلات» (انواع برنج خارجی، ماکارونی)، گروه «میوه و خشکبار» (سیب، پرتقال)، و گروه «گوشت قرمز و گوشت ماکیان» (مرغ ماشینی) می‌باشد. در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، گروه «تفریح و فرهنگ» (تجهیزات رایانه، حق عضویت باشگاه‌های ورزشی)، گروه «مبلمان و لوازم خانگی» (لوازم خانگی و ظروف آشپزخانه) و گروه «بهداشت و درمان» (انواع دارو و ویزیت) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. همچنین گروه «سبزیجات» (پیاز، سیب زمینی و گوجه فرنگی) و متوسط قیمت یک متر مکعب گاز مصرفی خانوارها نسبت به ماه قبل، کاهش قیمت داشته است. درصد تغییرات شاخص قیمت در دهک‌های هزینه‌ای کل کشور در ماه جاری نشان می‌دهد که دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در خرداد ماه ۱۳۹۹ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۲۵,۸ درصد برای دهک اول تا ۳۰ درصد برای دهک دهم است.

بررسی نمودارهای نرخ تورم خردادماه نشان می‌دهد که حمل و نقل، لوازم خانگی و پوشاک بیشترین نرخ تورم ۱۲ ماه منتهی به خرداد را در بین کالاها و خدمات مصرفی کشور داشتند. مرکز آمار در پایان هر ماه نرخ تورم آن ماه را اعلام می‌کند. بر این اساس، نرخ تورم بخش حمل و نقل در خردادماه در مقیاس سالیانه ۴۵/۱ درصد رشد داشته است این در حالی است که ضریب اهمیت حمل و نقل در بین خانوارهای کشور ۹/۴۱ بوده است. مسکن که بالاترین ضریب اهمیت را در بین خانوارهای کشور دارد و ضریب اهمیت آن برابر ۳۵/۵ است نسبت به اردیبهشت ۱/۴ درصد و نسبت به خرداد سال گذشته ۲۱/۷ درصد رشد داشته است. نرخ تورم سالیانه مسکن در این دوره برابر ۲۲/۶ درصد است. براساس اعلام این مرکز نرخ تورم خوراکی‌ها ۲۶/۵ درصد است. ضریب اهمیت خوراکی‌ها در میان خانوارهای کشور ۲۵/۵۵ را نشان می‌دهد. نرخ تورم اقلام نوشیدنی همچون چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و موارد دیگر نیز ۴۹ درصد بوده است. افزایش قیمت لوازم خانگی یکی از سوژه‌های داغ اقلام مصرفی خانوارهای کشور در شبکه‌های خبری است و اعداد مختلفی برای افزایش بهای آن عنوان می‌شود. مرکز آمار در گزارش امروز (یکشنبه) خود نرخ تورم سالیانه لوازم خانگی را ۳۷ درصد اعلام کرد. بهای لوازم خانگی در خرداد امسال نسبت به سال گذشته ۲۶/۶ درصد و نسبت به اردیبهشت ماه ۳/۴ درصد افزایش یافته است، تورم سالانه در اردیبهشت‌ماه از ۳۴/۲ درصد در سال گذشته به ۲۹/۸ درصد در ماه گذشته کاهش یافته است. تورم نقطه‌ای نیز از ۵۲/۱ درصد در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ به ۲۱ درصد در ماه مشابه امسال کاهش یافته که افتی ۳۱/۱ درصدی را به ثبت رسانده است. با این حال تورم ماهانه اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ به ۲/۵ درصد رسیده که یک درصد نسبت به مدت ماه مشابه سال گذشته بیشتر است. نرخ تورم سالانه اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای کشور به ۲۹/۸ درصد رسیده که این عدد نسبت به ماه قبل، ۲,۴ واحد درصد کاهش را نشان می‌دهد.

مرکز آمار اعلام کرد: منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل می‌باشد. نرخ تورم نقطه‌ای در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ به عدد ۲۱ درصد رسیده است؛ یعنی

خانوارهای کشور به طور میانگین ۲۱ درصد بیشتر از اردیبهشت ۱۳۹۸ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده اند. نرخ تورم نقطه‌ای اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ در مقایسه با ماه قبل ۱/۲ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۱/۳ واحد درصدی به ۱۲ درصد و گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» با افزایش یک واحد درصدی به ۲۵/۷ درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۲۱/۳ درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل ۱,۱ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۱۹/۳ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۱/۲ واحد درصد افزایش داشته است.

افزایش نرخ تورم ماهانه خانوارهای کشور

منظور از نرخ تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل می‌باشد. نرخ تورم ماهانه اردیبهشت ۱۳۹۹ به ۲/۵ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰,۴ واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب ۰,۴ درصد و ۳,۵ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری ۲/۶ درصد است که نسبت به ماه قبل، ۰,۶ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۲,۱ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۱ واحد درصد کاهش داشته است. منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن می‌باشد. نرخ تورم سالانه اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای کشور به ۲۹/۸ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۲/۴ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. این در حالی است که نرخ تورم سالانه برای خانوارهای شهری ۲۹/۷ درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل ۲,۲ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳۰/۸ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۳/۱ واحد درصد کاهش داشته است.

تغییرات قیمت ها در ماه جاری

در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «نان و غلات» (انواع برنج خارجی)، گروه «میوه و خشکبار» (لیمو شیرین، لیمو ترش، سیب، پرتقال)، و گروه «قند و شکر و شیرینی» (قند، شکر) می‌باشد. در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، گروه «حمل و نقل» (انواع اتومبیل سواری)، گروه «مبلمان و لوازم خانگی» (لوازم خانگی و ظروف آشپزخانه) و گروه «تفریح و فرهنگ» (تبلت، لپ تاپ و تجهیزات رایانه) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. همچنین گروه «سبزیجات» (پیاز، بادمجان، فلفل دلمه‌ای، خیار و گوجه فرنگی) و گروه «گوشت قرمز، سفید و فرآورده آنها» (گوشت مرغ) نسبت به ماه قبل، کاهش قیمت داشته است. دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۲۸ درصد برای دهک اول تا ۳۱/۹ درصد برای دهک دهم است. در فروردین ۹۹، نرخ تورم نقطه‌ای ۱۹,۸ درصد و نرخ تورم ماهانه ۲,۱ درصد و نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به فروردین ۹۹ به ۳۲/۲ درصد رسید. تورم خوراکی‌ها نیز ۵ درصد در یک ماه فروردین ۹۹ بوده است.

نرخ تورم ماهانه فروردین ۱۳۹۹ نیز به ۲,۱ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰,۶ واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب ۵,۱ درصد و ۰,۸ درصد بوده است، نرخ تورم سالانه در فروردین ماه با کاهش ۲/۶ درصدی به ۲,۳۲ درصد رسیده است. تازه‌ترین اعلام مرکز آمار از وضعیت تورم در اولین ماه سال جاری نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه فروردین ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای کشور به ۳۲,۲ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۲,۶ واحد درصد کاهش دارد. این در حالی است که نرخ تورم سالانه برای خانوارهای شهری ۳۱,۹ درصد است که نسبت به ماه قبل ۲,۵ واحد درصد کاهش دارد. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳۳,۹ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۳,۴ واحد درصد کاهش داشته است. کاهش نرخ تورم نقطه‌ای خانوارهای کشور با نرخ تورم نقطه‌ای در فروردین ماه به ۱۹,۸ درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۱۹,۸ درصد بیشتر از فروردین ۱۳۹۸ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده اند. نرخ تورم نقطه‌ای فروردین ماه ۱۳۹۹ در مقایسه با ماه قبل ۲,۲ واحد درصد کاهش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با کاهش ۳,۹ واحد درصدی به ۱۰,۷ درصد و گروه «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» با کاهش ۱,۰ واحد درصدی به ۲۴,۷ درصد رسیده است.

این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۲۰,۲ درصد است که نسبت به ماه قبل ۲,۰ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۱۸,۱ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۳,۰ واحد درصد کاهش دارد. افزایش نرخ تورم ماهانه خانوارهای کشور نرخ تورم ماهانه فروردین ۱۳۹۹ نیز به ۲,۱ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰,۶ واحد درصد افزایش داشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» به ترتیب ۵,۱ درصد و ۰,۸ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری ۲,۰ درصد می‌باشد که نسبت به ماه قبل، ۰,۶ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳,۱ درصد بوده که نسبت به ماه قبل ۱,۳ واحد درصد افزایش داشته است.

تغییرات قیمت ها در ماه جاری

در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به گروه «میوه و خشکبار» (لیمو شیرین، لیمو ترش، سیب، پرتقال)، گروه «سبزیجات» (گوجه فرنگی، سیب زمینی و حبوبات) و گروه «قند و شکر و شیرینی» (قند، شکر) می‌باشد. در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» گروه «کالاهای و خدمات متفرقه» (حق بیمه اتومبیل سواری، طلای ۱۸ عیار) بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند. همچنین گروه «گوشت قرمز، سفید و فرآورده آنها» (گوشت مرغ) نسبت به ماه قبل، کاهش قیمت داشته است. درصد تغییرات شاخص قیمت در دهک‌های هزینه‌ای کل کشور در ماه جاری دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه در فروردین ماه ۱۳۹۹ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۰,۸ درصد برای دهک اول تا ۳۴,۲ درصد برای دهک دهم است. (این آمارهای با

شهروندان صحبت میکند ، تورم در کشورهای پیشرفته کمتر یک درصد وگاهی صفر است و بر عکس برای دخانیات و مواد مضر خیلی زیاد وگران میباشد مثل سیگار ، بنابراین بنابراین موضوع سیاست های اقتصادی در ایران با قصد تخریب اتخاذ میشود وگرنه کشوری مملو از گنج است نباید ، اینقدر در نزد مردم خودش ضعیف و نزد دشمنان دین و میهن خوشحال کننده باشد، دست هایی نامرئی و خائنه در کار است که باید مورد کشف و شهود و قطع این دست های خیانت کار به جد در دستور کار قرارگیرد-
(مؤلف).

تورم سال 1398

عدد شاخص تورم در اسفند 98 به 200.5 رسید که نسبت به عدد 164.3 اسفند 97 به معنای افزایش 22 درصدی هزینه های خانوار در کشور در یک سال اخیر یا تورم نقطه به نقطه 22 درصدی است. شاخص تورم نسبت به عدد 197.6 بهمن 98، نیز نشان دهنده افزایش 1.5 درصدی قیمت ها در یک ماه اسفند 98 است. از سوی دیگر، تورم دوازده ماهه منتهی به اسفند 98 نیز نشان دهنده فشار رشد هزینه ها در دوازده ماهه سال 98 نسبت به دوازده ماهه سال 97 به میزان 34.8 درصد است. عدد شاخص تورم از 100=1395 به عدد 200 در اسفند 98 رسید که به معنای دو برابر شدن قیمت ها در سال های 96، 97 و 98 است.

تورم دی 98 به ۳۸٫۶ درصد رسید

نسبت به ماه قبل قیمت گوشت قرمز ۱/۹ درصد کاهش پیدا کرده است. میوه و خشکبار ۳ درصد گرانتتر شده اند و قیمت سبزیجات ۴/۲ درصد کاهش پیدا کرده است. در ۱۲ ماهه منتهی به دی 98 نیز گوشت قرمز حدود ۷۰ درصد، ماهی ۷۱ درصد، سبزیجات ۷۰ درصد، بخش حمل و نقل ۴۶ درصد و حوزه بهداشت ۲۶/۴ درصد گرانتتر شده است. بنابراین اعلام مرکز آمار، شاخص تورم در مهر 98 به 184.8، رسیده و تورم دوازده ماهه منتهی به مهرماه به ۴۲ درصد و تورم نقطه به نقطه به 28.3 رسیده است که نسبت به ماه های قبل کمتر شده و فشار رشد نرخ ارز یکی دوسال اخیر بر نرخ تورم نیز محدود شده است. به عبارت دیگر، روند تورم سالانه در مهرماه بعد از ۱۶ ماه افزایش، کاهش شده و از ۴۲/۷ درصد در شهریورماه به ۴۲ درصد رسیده است. تورم نقطه به نقطه در مهرماه با کاهش ۶/۷ درصدی به ۲۸/۳ درصد رسید. اما اعلام نرخ تورم نشان داد که تورم ماهانه در مهرماه با افزایش همراه بوده است؛ به طوری که از ۰/۵ درصد در شهریور به ۱/۷ درصد رسیده است. نرخ تورم دوازده ماهه، تحت تاثیر افزایش نرخ ارز و قیمت کالاها و خدمات، بیشترین رشد را در دوازده ماهه منتهی به شهریور 98 داشته که به عدد 42.7 درصد رسیده است و نشان می دهد که در فاصله شهریور 96 تا شهریور 98، افزایش قیمت ها قابل توجه بوده و اثر خود را روی تورم نقطه به نقطه در شهریور 97 تا شهریور 98 گذاشته است و در نتیجه نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به شهریور 98 بالاترین نرخ تورم در ماه های یکسال اخیر بوده است. تورم نقطه به نقطه یا ماه امسال نسبت به ماه مشابه پارسال نیز در ماه های فروردین تا خرداد 98 بیشترین رقم را داشته و در فروردین 51.4، در اردیبهشت 52.1 و در خرداد 50.4 درصد بوده است. دلیل این افزایش شدید تورم نقطه ای مربوط به شروع تحریم های آمریکاست که آثار خود را از فروردین تا خرداد 98 گذاشته و اگرچه در اردیبهشت شروع شد اما افزایش نرخ ارز از فروردین شروع به پیش

خور کردن کرده و تا خرداد به اوج خود رسید و دولت با نرخ دلار رسمی 4200 تومانی تلاش کرد که مانع از رشد نرخ ارز و تورم حاصل از آن شود. اما دلار در بازار آزاد رشد بالایی داشت و تا 10 هزار تومان افزایش یافت و در نتیجه افزایش قیمت ها، تورم نقطه ای معادل 50 درصد رشد کرد.

مرجع اعلام تورم از آذر 97

از آذر 97 تاکنون بانک مرکزی نرخ تورم را اعلام نکرده و تنها مرجع اعلام نرخ تورم مرکز آمار ایران است. براین اساس، شاخص های تورم، تورم دوازده ماهه، تورم ماهانه و تورم نقطه به نقطه نسبت به مدت مشابه سال قبل، باید از طریق آمارهای مرکز آمار مورد توجه قرار گیرد. براساس اعلام مرکز آمار شاخص تورم بر مبنای سال $100=1395$ برای آبان 97 معادل 147.8 اعلام شده است در حالی که طبق اعلام بانک مرکزی این شاخص معادل 153.6 بوده است و این دو عدد تقریباً به هم نزدیک بوده اند و لذا کسانی که شاخص های تورم بانک مرکزی از سال 1316 تا آبان 1397 را مبنای محاسبات خود قرار داده اند، می توانند عدد شاخص تورم مرکز آمار را از آذر 97 به بعد به عددهای شاخص سال های قبل اضافه نمایند و یا این که شاخص تورم مورد نظر مرکز آمار ایران را برای سال های قبل و 80 سال اخیر را مبنای قرار دهند. براین اساس، شاخص تورم در ماه های آبان 97 تا مهر 98 به ترتیب معادل 147.8، 151.7، 154.7، 158.1، 164.3، 170.9، 173.5، 174.9، 179.7، 180.8، 181.7، 184.8 اعلام شده است. تورم مرداد 98 با شاخص 181 نسبت به مرداد 96 و قبل از افزایش قیمت های دو سال اخیر معادل 68 درصد است و نشان می دهد که در دو سال اخیر رشد عمومی قیمت ها رقم بالایی را تجربه کرده است، شاخص تورم در مرداد ماه 98 نسبت به سال پایه $100=1390$ به عدد 180.8 رسید. براین اساس هر رقمی که مورد نظر شماست ضربدر 181 کرده و حاصل آن را تقسیم بر عدد شاخص تورم در سال مورد نظر خود کنید تا ارزش امروز آن پول یا رقم یا مهریه و... به نرخ تورم امروز محاسبه شود. عدد شاخص تورم در جداول بالا موجود است. مثلاً عدد مورد نظر خود در سال 1371 را ضربدر شاخص امروز مثلاً 181 در مرداد 98 کرده و تقسیم بر 1.5 یعنی عدد شاخص تورم سال 1371 کنید.

جدول شماره 9

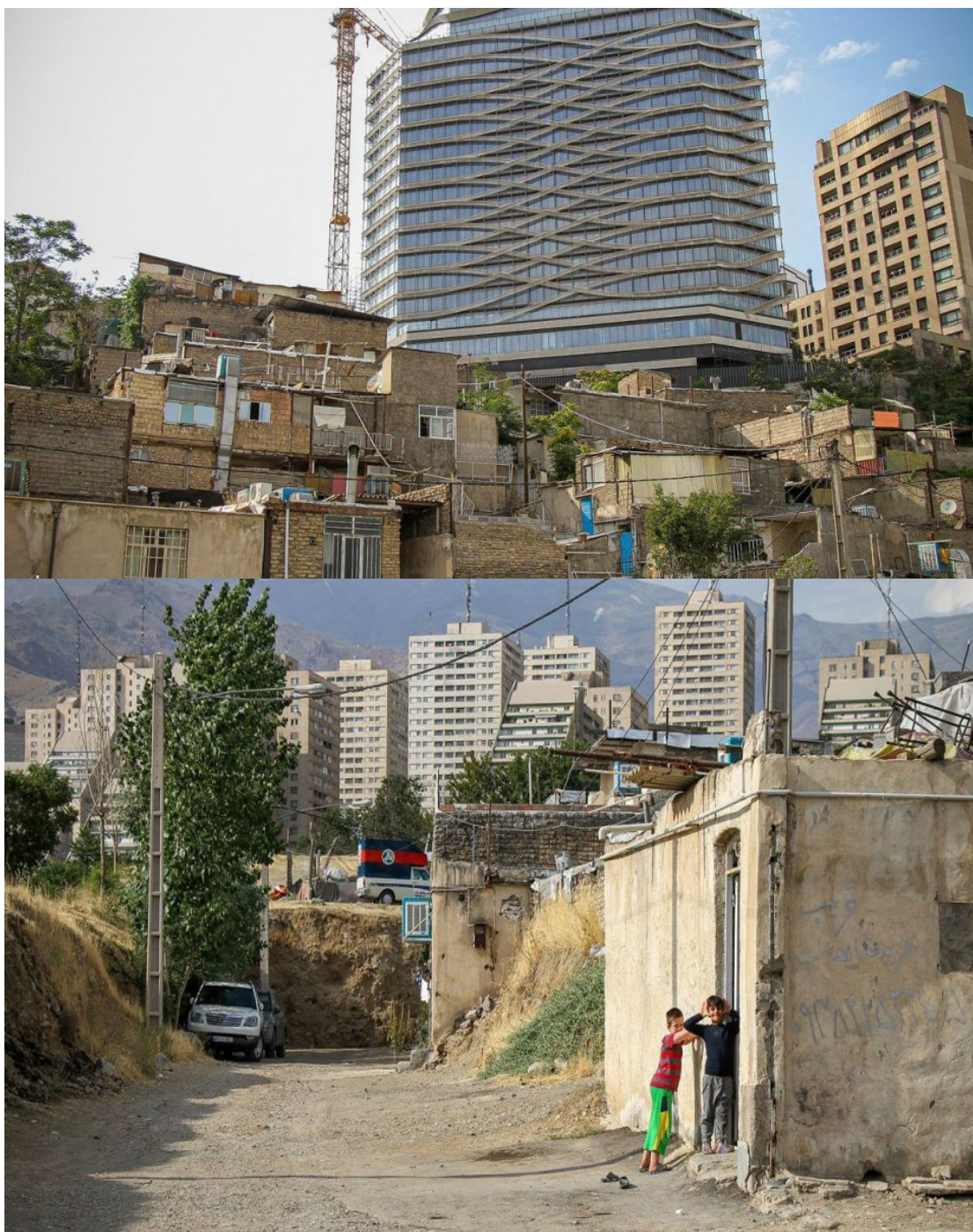


بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نرخ تورم در مناطق شهری ایران به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای

کل	دهک										سال
	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۱۰/۴	۸/۹	۱۰/۵	۱۱/۱	۱۱/۰	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۴	۱۱/۵	۱۱/۷	۱۲/۰	۱۳۸۴
۱۱/۹	۱۰/۳	۱۱/۷	۱۲/۴	۱۲/۵	۱۲/۹	۱۳/۰	۱۳/۰	۱۳/۳	۱۳/۷	۱۳/۹	۱۳۸۵
۱۸/۴	۱۷/۱	۱۸/۷	۱۸/۸	۱۹/۱	۱۹/۱	۱۹/۲	۱۹/۱	۱۹/۳	۱۹/۱	۱۹/۱	۱۳۸۶
۲۵/۴	۲۳/۶	۲۵/۷	۲۵/۹	۲۶/۰	۲۵/۸	۲۶/۳	۲۵/۸	۲۵/۵	۲۵/۲	۲۵/۰	۱۳۸۷
۱۰/۸	۱۰/۰	۱۱/۰	۱۱/۲	۱۱/۰	۱۱/۰	۱۱/۰	۱۰/۹	۱۱/۱	۱۰/۹	۱۱/۶	۱۳۸۸
۱۲/۴	۱۱/۰	۱۲/۴	۱۲/۹	۱۲/۸	۱۳/۰	۱۳/۰	۱۳/۲	۱۳/۵	۱۳/۷	۱۴/۸	۱۳۸۹
۲۱/۵	۱۸/۸	۲۰/۹	۲۱/۷	۲۲/۰	۲۲/۳	۲۲/۹	۲۳/۴	۲۴/۲	۲۵/۶	۲۸/۱	۱۳۹۰
۳۰/۵	۳۳/۴	۳۲/۳	۳۲/۱	۳۰/۸	۳۰/۵	۳۰/۲	۲۹/۰	۲۸/۸	۲۷/۱	۲۵/۸	۱۳۹۱
۳۴/۷	۳۶/۷	۳۶/۴	۳۵/۸	۳۴/۸	۳۴/۳	۳۳/۸	۳۳/۴	۳۳/۰	۳۱/۵	۳۰/۵	۱۳۹۲
۱۵/۶	۱۶/۵	۱۵/۸	۱۵/۵	۱۵/۳	۱۵/۳	۱۵/۰	۱۵/۱	۱۴/۹	۱۴/۶	۱۴/۸	۱۳۹۳
۱۱/۹	۱۱/۶	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۲/۲	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۲/۳	۱۲/۰	۱۱/۷	۱۱/۹	۱۳۹۴
۹/۰	۹/۱	۸/۹	۸/۹	۸/۹	۹/۰	۸/۸	۹/۱	۹/۰	۹/۱	۹/۰	۱۳۹۵
۹/۶	۹/۵	۹/۶	۹/۷	۹/۵	۹/۵	۹/۶	۹/۵	۹/۶	۹/۷	۹/۶	۱۳۹۶
۱۸/۴	۲۱/۸	۱۹/۰	۱۷/۸	۱۷/۶	۱۷/۲	۱۷/۰	۱۶/۷	۱۶/۵	۱۵/۹	۱۵/۰	دوازده‌ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۳۹۷ نسبت به دوازده‌ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۳۹۶

"تحلیل جدول تورم فوق روی دهک های درآمدی (دهک اول فقران کشور و دهک دهم ثروتمندان کشور) در سالهای 1384 تا 1396 تفاوت چندانى نداشته است يعنى يك پزشک متخصص با درآمد 500 ميليون تومان ، يك تاجر با يك ميليارد تومان و يك مدير به 50 ميليون تومان با يك نفر کارگر ويا بازنشته در همين سال 1396 به ميزان کمتر از 2ميليون تومان از يك نرخ تورم تقريباً هم سان ، دهک اول در رنج وسختى و دهک دهم يك زندگى تقريباً رايگان داشته است ، اين چنين عدالتى در معشيت مردم بطور صريح بر خلاف نظريه و عدل گسترى حضرت على (ع) بوده که در مقالات چندی در سال های 1368 تا کنون نوشته وبه تمام مسئولين از صدر تا زير ارسال کردم که يك نمونه مختصر آن به شرح زير است ، با توجه به اين آمار و نامه و انتقادات مکرر از دلسوختگان انقلاب و باز با توجه به انيکه اين مشکلات را کشورهائی ديگر داشته ولی با تدابير حل و فصل کردند ، مطمئن شدم که در ايران ، امور با رهاشدگى و غفلت های شديد از حوزه های مسئول و مدعى مرعى داشتند حکمرانى اسلامى بوده و دست چپاول گران برای غارت و تورم قهرى و افزايش قيمت دلار هدف دار بوده و تنها نمى توان منوط به غلط بوده تصميم گيرى دولت ها نمود، مناط های تشخيص داده شده توسط اين مولف در سايت شخصى ايشان مضبوط است "



In the name of Allah, the beneficent, the merciful

حقوق معیشتی ، حداقل حقوق معیشت یک خانواده (280)

Livelihood law is a family living minimum wage (280)

مؤلف : محمود صناعی پور (مقاله 280)

Author: Mahmoud Saneipour (article 280)



Mahmoud Saneipour

مقدمه

در اسلام ، هر انسانی دارای تکلیف است و در مقابل آن دارای حقوق معینی میباشد ، این موضوع از موضوعات مبنائی و اساسی و غیر قابل اغماض بوده و غفلت از این امر اساسی ، موجب مصائب فراوانی در جامعه میشود و کنش های ناشی از فقدان آن ، نظام را از لحاظ سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی دچار واکنش های جبران ناپذیری خواهد ساخت ، بدیهی است این موضوع حیاتی ، خاص کشورهای اسلامی نیست و یک موضوع جهان شمول بوده و تکلیفی است از جانب دولت برای تمام احاد جامعه ، لیکن چون اسلام بطور خاص باین موضوع توجه دارد و اقدام به این اصل اساسی را از اولویتهای اقتصادی خود می شمارد ، چنانچه در این مورد ، بهر دلیلی از سوی دولت اسلامی ، قصوری به عمل آید ، نمی تواند داعیه عدالت اجتماعی برای سایر کشورهای جهان داشته باشد .

https://fa.wikipedia.org/wiki/حقوق_در_اسلام

مردم یک کشور دارای نیاز های مختلف و به حقی هستند که دولت ها نمی توانند به بهانه های گوناگون از تامین خواسته های ملت برای رفع این نیاز های حیاتی طفره برونند

اهتمام به حقوق مردم و اجرای عدالت در جای جای قرآن کریم و متون معتبر دینی به چشم می خورد. فرد یا جامعه ای که عدالت را مبنای زندگی خود قرار می دهد، آثار آن را که احقاق حقوق مردم در همه ابعاد زندگی است را نظاره خواهد نمود (نساء / ۱۳۵) و (سوره مائده / 8) و آیات دیگر

انسان موجودی اجتماعی است. احساس نیاز به زندگی جمعی نه فقط از جنبه غرایز مورد توجه قرار می گیرد، بلکه عوامل دیگری نیز موثرند که بعضا به شرح زیر است (معمولاً این شمول بطور مفصلتر در قانون اساسی کشورهای هادرج و به تائید ملت رسیده و جنبه تکالیف اولیه برای دولت دارد):

1. گرایش به بهره مندی هر چه بیشتر از طبیعت و حیات طیبه .

2. بر خورداری از حداقل های عوامل زندگی از طریق عدالت توزیعی
3. توانا ساختن انسان برای رشد و توسعه و قادر شدن برای فعالیت سودمند و عام المنفعه.
4. ایجاد امنیت های روانی و فیزیکی برای شهروند ان کشور برای ایفای نقش انسانی خود به کشور از طریق تغذیه ، و سایر بر خورداری های متعارف ، بیمه و غیره
5. ضرورت به فعلیت رساندن استعدادهایی که جز با زندگی اجتماعی بدست نمی آید.
6. آموزش های لازم برای ایفای صحیح تکالیف خویش
7. سرپناه مناسب و با عوامل های آسایشی متعارف روز
8. سایر مواردی که در قانون اساسی و قوانین موضوعه و مرتبط باین اصول اساسی وضع و منتشر شده است

این عوامل بازگوکننده این مطلب هستند که انسان جز با زندگی جمعی و تشریک مساعی بادیگران، توانایی بر خورداری از رفاه مادی و رشد معنوی را ندارد (حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، ص ۲۱)

تکلیف- حقوق

تکلیف - حقوق ، یک قاعده طلایی در اسلام است و این دو واژه با هم ملازمه تنگاتنگ دارند و داری همگرایی بسیار بالا با ضریب نفوذ (رهبردی ، فنی ، عملیاتی و بالینی) در ماهیت یکدیگرند ، بطوریکه ، یکی از آنها بدون دیگری ، معنی و مفهومی ندارد (حتی نیابتی) و کاربرد مجرد هریک ، دلیل حق کثی ویا تضييع حقوق و عدم رعایت عدالت بوده و نشان دهنده نقص سیستم های اجتماعی ویا رها شدگی امور ضروری است (این مولف در مورد قاعده طلایی " تکلیف- حقوق" نوشته های زیادی را به تحریر در آورده و از طریق سایت www.elmemofid.com منتشر نموده است) و این امر از امور اختصاصی است که دولت نمی تواند آنرا به دیگران واگذار نماید و به صاحب کارخانه ویا ارباب مزرعه محول کند ، کارفرما با توجه باینکه دارای سیستم های لازم برای ادای حقوق کارگران ویا کشاورزان و غیره است و در قبال آن ، حقوق بگیر را مکلف به انجام وظائف قانونی میکند ، عهده دار پرداخت حقوق است که نباید از "بسته معیشتی" برای مکلف و خانواده وی ، کمتر باشد ، و حق ندارد به دلیل های حسابداری خاص سازمان خود ، پرداخت حقوق معیشتی مختل نماید، بدیهی است دولت با افزایش مالیات از پر درآمد ها ، ویا سایر تخصیص های لازم از سایر منابع درآمدی ، کسری حقوق کارگر را تا سطح حقوق معیشتی فراهم کرده و از طریق (نقدی ویا کالا وخدمات) جبران و به مکلف برساند و در این مورد ، جنبه الگویی برای سایر کشورها گردد(در این مورد به مقاله 274 این مولف تحت عنوان گرسنگی در آمریکا مراجعه شود) .

موضوع قاعده "حق و تکلیف" با بسیاری از قواعد "حقوق متقابل"، "قاعده ارزش افزوده"، "قانون تعادل عمومی"، "عدالت توزیعی"، "آمایش سرزمینی"، "لزوم زنجیره ای بودن فعالیت های اقتصادی"، "توسعه حقیقی"، "لاضرر ولاضرار فی السلام"، "ترازی طرفین"، "تورم حقیقی"، "بیکاری"، و فساد های اجتماعی و غیره ملازمه دارد و با تعطیل شدن، رها شدن، غافل شدن از هر یک اصول و قواعد فوق، هزینه های اجتماعی و منجمله های هزینه های امنیتی و دعاوی قضائی و نظایر ها افزون شده و بخش هزینه های دولت را در قبال منابع محدود درآمدی افزایش میدهد، به عنوان نمونه نرخ تورم که معمولاً دولت کلیه اقلام مصرفی، تولیدی، اقلام تحت حمایت های دولتی از طریق یارانه را، یک جا محاسبه کرده و اعلام میکند، در مورد اقلام مصرفی مرتبط با سبد مصرفی مردم فقیر و یا کم درآمد، بهیچ وجه صادق نیست و تورم این اقلام مصرفی گاهی در فصول مختلف و در سرجمع بطور سالانه چند برابر تورم اعلامی دولت است، این ها نکات مهمی است که بدانش سرشار (میان رشته ای نیاز ندارد) بیک نگاه منصفانه به ملتی فداکار و شهادت طلب، محتاج است، واقعاً ما سر چه چیزی داریم چانه میزنیم، می خواهیم، حق کدام افراد را کاهش دهیم و به جیب چه کسانی سرازیر نمائیم!، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و جدانشدنی از یکدیگر هستند. باید توجه داشت که تلازم حق و تکلیف، یک سویه نیست و تنها به این خلاصه نمی گردد که اگر حقی برای فردی (دارنده حق) ثابت شد لازم اش تکلیف برای دیگران است که آن حق را محترم شمارند. زیرا هر فرد در ازای حقوق و امتیازاتی که در جامعه برای او در نظر گرفته می شود، یک سلسله تکالیف و تعهدات نیز متوجه او می گردد. در روابط اجتماعی، حقوق در برابر تکلیف قرار می گیرد و یک رابطه دوطرفه را تشکیل می دهد. حقدار مطلق و مکلف مطلق در هیچ نظام حقوقی وجود ندارد (کتاب حقوق متقابل امام سجاد علیه السلام).

تعریف نظام حقوقی در اسلام

نظام در این اصطلاح یعنی مجموعه ای از عناصر به هم پیوسته و هدفمند که هدف واحدی را تعقیب کند، و قانون (Law) به مفهوم عام خود، مجموعه قواعدی است که نظام معیشت و زندگی جامعه را تنظیم می کند؛ قواعدی که دولت و ملت، ملزم به رعایت و احترام آن هستند؛ اگر چه با پشتوانه قدرت و استفاده از زور باشد. <https://hawzah.net/fa/Article/View/86143>

این مولف در مقاله مشارکت های بین المللی در بخش مربوط به آلمان بعد از جنگ جهانی دوم که در عرض 13 سال به یک کشور توسعه یافته در اروپا تبدیل شد، تمام رموز توفیقات رهبری آنرا در این مقاله (270) آوردم که می تواند الگویی مناسب برای کشورهای نظیر ایران باشد، در این مقاله که بند و بند آن انجام شده است، بعضی امور آمرانه و تحکمی بوده است و از قدرت رهبری استفاده شده است، در حالی که چند هزار کارخانه در این کشور تعطیل است و اگر هر کدام 100 نفر را مشغول نمایند (مثلاً در مدت ده سال)، حدود 25 میلیون شغل ایجاد میشود، واقعاً این سوال کلیدی مطرح است که این بانکداری و دادن بهره تا 26 درصد (و گاهی بیش از 43 درصد دیدم- مولف) اصالت و الویت دارند و کیان مملکت را استوار نموده اند، یا اشغال میلیون ها جوان تحصیل کرده و بیکار، کیان دارای کشور به چه بنیان های استوار است، قانون مهم است که هر سال عوض میشود و یا فرمان رهبری برای فیصله دادن باین معضلات

واضح ، این مقاله نشان میدهد ، در چین ، هندوستان ، آلمان ، ژاپن و غیره ، قدرت فائده رهنبری و مورد اعتماد مردم است کار ساز اصلی و بنیادی بوده است

عنوان مقاله : اصل اندیشی در نظام حقوقی اسلام

www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=207548

نویسندگان : مومنی عابدین , مسجدسرای حمید*

چکیده :

در نظام حقوقی اسلام «نهی حکم یا تکلیف» و نیز بعضی از احکام شرعی مطابق با اصل دانسته شده و اصل، مستند بسیاری از احکام قرار گرفته است، با وجود این که وسعت به کارگیری اصل، به وسعت فقه بوده و در تمامی ابواب آن به کار می رود، بدون تبیین خاصی از آن و با تردید از مفهوم و معنای اصل سخن به میان آمده است و معانی متفاوتی برای آن ذکر گردیده، در حالی که معیاری برای ترجیح یک معنا بر معنای دیگر ارائه نشده است به طوری که تردید در مفهوم اصل، فراگیر بوده و شامل تمام مکاتب حقوقی و مذاهب فقهی در اسلام می شود. بر اساس ویژگی هائی که اصل دارد، اصل هائی که قواعد اولیه زندگی هستند از اصل هائی که مدلول ادله شرعی می باشند از هم تفکیک شده، و بیان گردیده که فقه اسلامی بر اصولی که قواعد اولیه زندگی هستند بنا گردیده به طوری که «اصل، بر عدم تکلیف» قرار داده شده و بر اساس اصل، هم باید تکلیف گرائی در نگرش فقهی را نفی کرده و هم آزادی های مطلوب که حق اولیه بشر است را تامین نمود، در ضمن نسبت به ارجاع به اصل تسامحاتی صورت می گیرد به طوری که بعضی اصل هائی فرض شده اند که از قواعد اولیه و عقلانی زندگی بشر محسوب نمی شوند. در مقاله حاضر ضمن بیان این تسامحات، پیشنهاد شده است که اصل هائی که مقتضای نظام طبیعی زندگی هستند از اصل هائی که جنبه فرضی و تصویری دارند با بررسی هر یک از آنها تمییز داده شوند (به خصوص که اصل بر ولایت و فقیه استوار است و مصالح کشور - مولف)

تأملی در «رابطه حقوق و عدالت» با تأکید بر حقوق اسلام

مقاله 3، دوره 8، شماره 26، پاییز و زمستان 1386، صفحه 120-85

نوع مقاله: علمی - پژوهشی (حقوق خصوصی)

نویسنده

مصطفی دانش پژوه

* استادیار و عضو شورای علمی و هیأت علمی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عدالت از نخستین و اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر بوده که در عرصه‌های مختلف زندگی و در چهره‌های متفاوتِ عدل فلسفی، عدل کلامی، عدل سیاسی، عدل اخلاقی و عدل حقوقی، اندیشه‌نر را به خود مشغول داشته است. موضوع این نوشتار، گزارش تحلیلی و بسیار فشرده‌ای از عدل حقوقی، به‌ویژه رابطه حقوق و عدالت از دیدگاه اسلام است. اما دستیابی بهتر و منطقی‌تر به این مطلوب، پرداختن به رابطه حقوق و عدالت از سایر دیدگاه‌ها را ضرور می‌سازد. به این جهت، نخست در پیش‌گفتار، به جایگاه بحث از عدالت در فلسفه حقوق اشاره شده است و سپس در مقدمه گفتار اصلی، عدالت موضوع گفتگوی مکاتب حقوقی تبیین و پس از آن دیدگاه مکاتب حقوق طبیعی و حقوق پوزیتیویستی درباره عدالت حقوقی مطرح شده و بالأخره پس از طرح اندیشه کلی اسلام درباره عدالت، به ویژگی‌های عدالت حقوقی اسلام و نتایج حاصل از آن اشاره و تصریح شده است که اگرچه به‌طور مسلم عدالت یکی از مبانی و با نگاه دقیق‌تر، یکی از اهداف حقوق اسلامی است، اما مبنای یگانه و هدف وحید آن نیست، پس در ارزیابی قوانین، توجه به دیگر مبانی و اهداف نیز ضروری است. law.journals.isu.ac.ir/article_1278.htm

در مورد اصل مقاله می‌توان به آدرس فوق مراجعه نمود ولی به اختصار، نویسنده مقاله (آقای مصطفی دانش‌پژوه) سرفصل‌ها و کلید واژه‌ها به تفصیل بحث نموده و دومورد آن به شرح زیر است:

1. عدالت مبنای حقوق است و بدون این مبنا، قوانین مشروعیت ندارد (آنچه این مولف باین نکته اضافه میکند اینست که وضع قوانین و مقررات باز طریق تضارب افکار و صرف بحث وجدل و بدون عامل مهم راهبردی، فنی، عملیاتی و بالینی، قابلیت درک و استفاده نیست و سلیقه‌ها، توصیه‌های القائی و تعاملات نامتقارن جای آنرا میگیرد و بجای قانون تلقی میشود)

2. همچنان که اگر مقصود از «اهداف حقوق»، حقایق مطلوبی باشد که باید با اعمال و اجرای حقوق بدان دست یافت، در این صورت، وجود عینی عدالت و تحقق عدالت در جامعه، به عنوان هدف حقوق، مراد ما خواهد بود. (نکته ای که این مولف در این مورد اضافه میکند، بحث مفصلی است تحت عنوان "فهم حقیقی، نسبی و اعتباری" که در یک مقاله جمع شده در سایت این مولف است و جزء قواعد دانش مفید در جدول مادر جمع شده است، به عقیده اینجانب، هر کس که حق و حقیقت را فهمید، همه چیز را فهمیده است و گرنه هیچ چیز را نفهمیده است، دلیل این مطلب برای حق شناسان روشن است و آن پنجره ای که از راه حق و حقیقت، برای شخص فهیم و حق و حقیقت شناس که فتح میشود).

مقایسه رشد نرخ دلار و نرخ تورم در سه دهه اخیر 97 - 1365 (جدول 10)

سال	نرخ دلار به ریال	نرخ تورم	رشد نرخ دلار در یک سال نسبت به سال قبل
1366	996	27.7	-

-3	28.9	966	1367
25	17.4	1207	1368
17	9	1413	1369
5.5	24.4	1498	1371
20	22.9	1803	1372
48	35.2	2667	1373
53	49.4	4078	1374
9	23.2	4444	1375
7.7	17.3	4785	1376
35	18.1	6460	1377
33	20.1	8632	1378
3.4	10.4	9042	1384
4.6	12.4	10442	1389
15.4	21.5	12047	1390
116	30.5	26078	1391
22	34.7	31838	1392
3	15.6	32800	1393
5.2	11.9	34500	1394
5.6	9	36440	1395
33	9.6	48500	1396

روش محاسبه ارزش کالا و خدمات با نرخ تورم

برای محاسبه ارزش حال قیمت یک کالا یا ارزش یک کالا در سال مورد نظر خود می توانید از شاخص های ماهانه و سالانه از سال 1369 تا امروز استفاده کنید. مثلا ارزش یک کالا که در مهر ماه سال 1392 معادل 1787 تومان بوده در فروردین 1369 معادل 24 تومان قیمت داشته است بقیه قیمت ها در ماه ها و سال های 1369 تا مهر 1392 به ترتیب شاخص های جدول زیر قابل محاسبه است یک نسبت و تناسب ساده را در نظر بگیرید و قیمت مورد نظر خود را استخراج کنید. در این محاسبه مهر سال 1390 معادل عدد 100 و رقم پایه محاسبه تورم تعیین شده است.

قیمت سکه از سال 1357 تا اردیبهشت 1397 (جدول 11)

سال	قیمت تومان
1357	420
1358	1300
1359	2400
1360	3500
1361	3500
1362	3500
1363	3900
1364	4418
1365	6500
1366	11257

1367	9939
1368	10922
1369	12707
1370	12447
1371	12409
1372	16488
1373	30352
1374	44169
1375	41273
1376	38833
1377	45092
1378	58741
1379	60512
1380	60820
1381	69960
1382	86150
1383	104537
1384	122890
1385	167967
1386	190678
1387	231649
1388	288000
1389	435000
1390	630000
1391	910000
1392	1060000
-----	-----
1393	965000
-----	-----
1394	936000
-----	-----
1395	1171000
-----	-----
1396	1600000
1397	1800000

مهرمه 92 بالاترين نرخ و سال 64 كمترين نرخ تورم

تورم پس از 39 ماه افزایش، در مهرماه 92 به قله خود (40.4 درصد) رسیده و از آبان‌ماه با 0.4 واحد درصد کاهش، وارد سرایشی شده است، کمترین و بیشترین نرخ تورم در چهار دهه گذشته به ترتیب در دهه 50 به ترتیب در سال های 57 و 59 ، در دهه 60 سال های 64 و 69 ، در دهه 70 سال های 70 و 74 در دهه 80 سال های 84 و 87 تحقق یافته است . کمترین میزان مربوط به دوره جنگ ایران و عراق و سال 64 با 6.9 درصد، و **بیشترین مربوط به سال 74 یعنی سال اول برنامه دوم توسعه و دولت هاشمی رفسنجانی با 49.4 درصد بوده است**. البته رشد اقتصادی در دولت هاشمی مثبت و توسعه اقتصادی مشهود بوده است اما تورم 40 درصدی در سال آخر دولت احمدی نژاد با رشد منفی 5.4 درصدی سال 91 مواجه شده است یعنی تورم بالا با رکود و رشد منفی اقتصادی یا رکود تورمی ...

نرخ تورم در ایران در سال 57 با رقم 10 درصد آغاز شد و در سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی روند صعودی داشت به طوری که در سال 60 نرخ 22.8 درصد را ثبت کرد، ولی از سال 61 به بعد این روند نزولی شد تا اینکه در سال 64 کشور پایین ترین نرخ تورم را به میزان 6.9 درصد ثبت کرده بود. نرخ تورم در ایران از سال 65 بار دیگر صعودی شد و رقم 23.7 درصد را ثبت کرد، این روند تا سال 67 ادامه داشت، ولی از سال 68 با کاهش تورم روبرو بودیم تا اینکه تورم یک رقمی 9 درصدی را در سال 69 داشتیم.(جدول 12)

جدول نرخ تورم پیش از انقلاب

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
1316	21.2	1337	1.0
1317	8.8	1338	13.0
1318	8.0	1339	7.9
1319	13.8	1340	1.6
1320	49.5	1341	0.9
1321	96.2	1342	1.0
1322	110.5	1343	4.5
1323	2.7	1344	0.3
1324	-14.4	1345	0.8
1325	-11.5	1346	0.8
1326	6.6	1347	1.5
1327	11.1	1348	3.6
1328	2.3	1349	1.5
1329	-17.2	1350	5.5
1330	8.3	1351	6.3
1331	7.2	1352	11.2
1332	9.2	1353	15.5
1333	15.9	1354	9.9
1334	1.7	1355	16.6
1335	8.8	1356	25.1
1336	4.4		

جدول نرخ تورم سال های پس از انقلاب(جدول 13)

سال	نرخ تورم
1357	10
1358	11.4
1359	23.5
1360	22.8
1361	19.2
1362	14.8
1363	10.4
1364	6.9
1365	23.7
1366	27.7
1367	28.9
1368	17.4
1369	9
1370	20.7
1371	24.4
1372	22.9
1373	35.2
1374	49.4
1375	23.2
1376	17.3
1377	18.1
1378	20.1
1379	12.6
1380	11.4
1381	15.8
1382	15.6
1383	15.2
1384	10.4
1385	11.9
1386	18.4
1387	25.4
1388	10.8
1389	12.4
1390	21.5
1391	30.5

34.7	1392
15.6	1393
11.9	1394
9	1395
9.6	1396

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) معیار سنجش تغییرات قیمت کالاها و خدماتی است که توسط خانوارهای شهرنشین ایرانی به مصرف می رسد
مقایسه شاخص های کلان - ارقام به درصد (جدول 14)

سال	رشد نقدینگی	نرخ تورم	نرخ نقدینگی منحای نرخ تورم	رشد مصرف بخش خصوصی	رشد اقتصادی	نرخ ارز تومان	رشد پایه پولی	سود سپرده یکساله
1372	28	22.9	5	6	4.5	180	22	15-14
1373	28	35.2	-7	1	1.5	263	23	15-14
1374	35	49.4	-14	2	1	4.3	24	15-14
1375	37	23.2	-14	5	6.1	444	24	15-14
1376	15.2	17.3	-2	4.2	2.8	478	21	14
1377	19.4	18.1	1	6.8	3.7	646	18	14
1378	20.1	20.1	0	3.4	1.7	865	15	14
1379	29.3	12.6	16	7.1	5.1	818	17	14
1380	28.8	11.4	17	4.7	5.4	800	15	13
1381	30.1	15.8	14	5.2	6.5	802	23	13
1382	26.1	15.6	10	5.3	6.8	832	7	14-12
1383	30.2	15.2	15	8.6	4.8	874	17	14-12
1384	34.3	12.1	22	6.6	5.7	904	45	15-14
1385	39.4	13.6	25	6.2	6.2	922	26	16-14
1386	27.7	18.4	9	6.8	5	935	30	17.5-17
1387	15.9	25.4	-9	-4.5	0.8	966	47	17-14
1388	23.9	10.8	13	-1.1	3	998	11	14.5
1389	25.2	12.4	12	1.9	5.8	1060	13	14
1390	20.1	21.5	-1	4.2	4.3	1357	13	17
1391	30	30.5	0	-1.7	-6.8	2606	27	17
1392	38.8	34.7	4	-1	-1.9	3184	17	23-17
1393	22.3	15.6	6	3.1	3	3280	11	24-22
1394	23	14	9	2	1	3630	شش ماهه 4.5 یکساله 16	20

جدول 15

قیمت دلار در بازار آزاد در
40 سال گذشته

سال	تومان
1357	10
1358	14
1359	20
1360	27
1361	35
1362	45
1363	58
1364	61
1365	74
1366	99
1367	96
1368	120
1369	141
1370	142
1371	149
1372	180
1373	263

403	1374
444	1375
478	1376
646	1377
863	1378
813	1379
792	1380
799	1381
832	1382
874	1383
904	1384
922	1385
935	1386
966	1387
1000	1388
1100	1389
1400 – 1800	1390
1500-3800	1391
3300-3600	1392
3400-3550	1393

3150-3600	1394
3748-3425	1395
3800-4250	1396
4300-6900	1397
قیمت رسمی دلار در 40 سال گذشته	
تومان	سال
7	1357
7	1358
7	1359
8	1360
8	1361
8	1362
9	1363
8	1364
7	1365
7	1366
6	1367
7	1368
6	1369

6	1370
145	1371
165	1372
175	1373
175	1374
175	1375
175	1376
175	1377
175	1378
175	1379
175	1380
795	1381
828	1382
871	1383
902	1384
919	1385
928	1386
957	1387
983	1388
1036	1389

1100	1390
1226 و ارز مبادله ای	1391
1226 و ارز مبادله ای	1392
2400 و ارز مبادله ای	1393
2400 تا 2990	1393
3000 تا 3180	1394
3022 تا 3280	1395
3243 تا 3585	1396
4200	1397

ونرخ دلار هم اکنون (شهریور سال 1399) بیش از 30 هزار تومان وسکه بیش از 15 میلیون تومان است وکانون هایی نظیر ناصر خسرو وصرافی ها وغیره تولید شده که با رشد سرسام آوری در حال رونق وتوسعه است بررسی این کلونی ها وکانون های فساد در سایر مقالات من آمده است، درزمان استانداری من در استان تهران با کوچ کردن مردم از دهات به خاک سفید منطقه تهران فارس مخالفت شدید کردم وبرای بار سوم در انقلاب بسوی من آتش بدخواهان گشوده شد ، وزیر کشور آقای ناطق نوری در مخالفت با استنادارش ، برای مردم هجوم آورده در خاک سفید کلنگ مسجد بر زمین زد، چند سال بعد خاک سفید که محل انواع فساد وقاچاق گردیده بود ، توسط نیروی های انقلابی سپاه پاسداران فتح وبا خاک یکسان شد؛ این گونه تدابیر از وزراء در این مملکت مک نیست ، هم اکنون از نظر من ناصر خسرو همان خاک سفید است !.

ارزش پول ایران از ۳۰۰ سال پیش تاکنون | زمانی که پول ایران ۱۰ برابر پول انگلیس بود | دوران مظفردالدین شاه و برابری ارزش دلار و تومان

این روزها نوسانات قیمت دلار و تب آن دغدغه بسیاری از مردم شده و ایرانیان منتظرند تا بدانند ارزش پول آنها در برابر دلار و یورو و پوند چقدر خواهد شد اما ارزش پول ایران در دوره های تاریخی گذشته

در برابر سایر پول ها چقدر بوده است؟ چمدان : در زمان شاه طهماسب صفوی یعنی در سده شانزدهم میلادی، واحد پول ایران «شاهی» بود و هر ۲۰۰ شاهی برابر با یک «تومان». طبق مندرجات سفرنامه جنکینسون، در آن زمان هر شاهی با یک شیلینگ انگلیس برابر بود. هر پوند استرلینگ برابر با ۲۰ شیلینگ است. بنابراین یک تومان ایران برابر بود با ۱۰ پوند انگلیس. یعنی ارزش پول ایران ۱۰ برابر پول انگلیس بود.

سکه اردشیر بابکان

در سده هجدهم میلادی، ارزش تومان ایران به تدریج کاهش یافت و ارزش پوند انگلیس افزایش. در نیمه اول سده نوزدهم میلادی، یعنی در دوران سلطنت فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، دو پوند استرلینگ برابر با یک تومان ایران شد. در این زمان یک پوند برابر بود با ۲۵ فرانک فرانسه و ۱۰ روپیه هند. یعنی، یک تومان ایران برابر بود با ۵/۱۲ فرانک فرانسه. در همین زمان، یک تومان ایران با دو دلار و پنجاه سنت آمریکا برابر بود.

سکه بیست شاهی شاه صفی دوم به سال ۱۶۹۰

پس از قحطی بزرگ ۱۲۸۸ ق. ارزش پول ایران سیر نزولی را آغاز کرد؛ با قتل ناصرالدین شاه (۱۸۹۳) این کاهش ادامه یافت و با انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۰۷) شدت گرفت. اندکی قبل از قتل ناصرالدین شاه، در سال ۱۸۹۱ یک پوند استرلینگ برابر با ۵/۳۲ قران بود که اندکی پس از قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۸۹۴ به ۵/۴۸ قران رسید. ۱۰ قران برابر با یک تومان بود. یعنی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه ارزش پوند بریتانیا ۲۵/۳ برابر تومان ایران و پس از قتل او، در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، حدود ۸۵/۴ برابر تومان ایران شد. پس از انقلاب مشروطه یک پوند برابر با ۶۰ قران بود یعنی ارزش پوند انگلیس ۶ برابر تومان ایران شد. در اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم میلادی تا جنگ اول جهانی، یک پوند انگلیس تقریباً برابر با ۵ دلار آمریکا بود. بنابراین در دوران مظفرالدین شاه ارزش دلار آمریکا و تومان ایران تقریباً یکسان بود.

سکه طلا متعلق به دوران مظفرالدین شاه قاجار | ۱۸۹۶ میلادی برابر با ۱۳۱۴ هجری قمری | ۱۲۷۵ خورشیدی

در زمان سقوط رضا خان و ورود ارتش های متفقین به ایران (۱۳۲۰ ش.) دلار آمریکا تقریباً يك و نیم تومان ایران بود. در سال ۱۳۳۲ یعنی در اواخر دولت دکتر مصدق و زمان کودتای ۲۸ مرداد، یک دلار آمریکا معادل ۹۰ ریال ایران (۹ تومان) و یک پوند استرلینگ برابر با ۲۳ تومان بود. در پایان سلطنت محمدرضا پهلوی و در دوره ای که صادرات نفت خام در قله تاریخی قرار داشت، یک دلار آمریکا تقریباً ۷ تومان ایران و یک پوند انگلیس تقریباً ۱۰ تومان ایران ارزش داشت.

یک تومانی زمان ناصرالدین شاه

در این زمان ارزش یک روبل شوروی حدود ۱۰ تومان ایران یعنی تقریباً برابر با پوند استرلینگ بود. یک فرانک فرانسه ۱۶ ریال و یک مارک آلمان غربی ۳۲ ریال ارزش داشت تا به امروز که دلار به سقف 30 هزار تومان رسیده است. منابع تاریخی نشان می‌دهند ارزش برابری پول ملی ایران با پول‌های معتبر جهانی در مقاطع تاریخی مختلف به این شرح بوده است: در زمان شاه طهماسب صفوی، یعنی در سده شانزدهم میلادی، واحد پول ایران «شاهی» بود و هر ۲۰۰ شاهی برابر با یک «تومان». طبق مندرجات سفرنامه جنکینسون، در آن زمان هر شاهی با یک شیلینگ انگلیس برابر بود. هر پوند استرلینگ برابر با ۲۰ شیلینگ است. بنابراین، یک تومان ایران برابر بود با ۱۰ پوند انگلیس. یعنی، ارزش پول ایران ده برابر پول انگلیس بود. در سده هیجدهم میلادی، ارزش تومان ایران به تدریج کاهش یافت و ارزش پوند انگلیس افزایش. در نیمه اول سده نوزدهم میلادی، یعنی در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه و محمد شاه قاجار، دو پوند استرلینگ برابر با یک تومان ایران شد. در این زمان یک پوند برابر بود با ۲۵ فرانک فرانسه و ۱۰ روپیه هند. یعنی، یک تومان ایران برابر بود با ۵/۱۲ فرانک فرانسه. در همین زمان، یک تومان ایران با دو دلار و پنجاه سنت آمریکا برابر بود.

پس از قحطی بزرگ ۱۲۸۸ ق. ارزش پول ایران سیر نزولی را آغاز کرد؛ با قتل ناصرالدین‌شاه (۱۸۹۳) این کاهش ادامه یافت و با انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۰۷) شدت گرفت. اندکی قبل از قتل ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۸۹۱ یک پوند استرلینگ برابر با ۵/۳۲ قران بود که، اندکی پس از قتل ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۸۹۴ به ۵/۴۸ قران رسید. ده قران برابر با یک تومان بود. یعنی در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه ارزش پوند بریتانیا ۲۵/۳ برابر تومان ایران و پس از قتل او، در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، حدود ۸۵/۴ برابر تومان ایران شد. پس از انقلاب مشروطه یک پوند برابر با ۶۰ قران بود یعنی ارزش پوند انگلیس شش برابر تومان ایران شد. در اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم میلادی، تا جنگ اول جهانی، یک پوند انگلیس تقریباً برابر با ۵ دلار آمریکا بود. بنابراین، در دوران مظفرالدین‌شاه ارزش دلار آمریکا و تومان ایران تقریباً یکسان بود.

در زمان سقوط رضا خان و ورود ارتش‌های متفقین به ایران (۱۳۲۰ ش.) دلار آمریکا تقریباً یک و نیم تومان ایران بود؛ یعنی با ۱۵ ریال می‌شد یک دلار خریداری کرد. در سال ۱۳۳۲، یعنی در اواخر دولت دکتر مصدق و زمان کودتای ۲۸ مرداد، یک دلار آمریکا معادل ۹۰ ریال ایران (۹ تومان) و یک پوند استرلینگ برابر با ۲۳ تومان بود. در پایان سلطنت محمدرضا پهلوی و در دوره ای که صادرات نفت خام در قله تاریخی قرار داشت، یک دلار آمریکا تقریباً ۷ تومان ایران و یک پوند انگلیس تقریباً ده تومان ایران ارزش داشت. در این زمان ارزش یک روبل شوروی حدود ده تومان ایران یعنی تقریباً برابر با پوند استرلینگ بود. یک فرانک فرانسه ۱۶ ریال و یک مارک آلمان غربی ۳۲ ریال ارزش داشت.

جدول شماره 16

نام واحد پول	دوره	شرح
دریک	هخامنشیان	سکه طلا به وزن ۸/۳۵ گرم
درهم	هخامنشیان	معادل ۹۳٪ گرم طلا - اخذ شده از درخمه یونانی
درم	ساسانیان	درم فارسی درخمه یا درهم است در این زمان از فلز نقره ضرب می‌شد
دینار	ساسانیان	برابر ۲۰ درم است فلز آن طلا بود
پشیز	ساسانیان	سکه مسین زمان ساسانیان
زر و دینار جعفری	هارون الرشید	جعفر بن یحیی برمکی سکه‌ها را ضرب کرد و به نام او رایج بود
زردهی	-	اصطلاحی برای برابری مقدار سکه با طلا بوده است
زر شش سری	-	اصطلاحی برای برابری مقدار سکه با طلا بوده است
عباسی	صفویه	ضرب فلز نقره - واحد پول - معادل چهار شاهی - دو صناری - دوصد دینار
نیم عباسی	صفویه	صد دینار
صنار	-	مخفف صد دینار است سکه‌ای از مس معادل دو شاهی
شاهی	صفویه	پنجاه دینار (واحد پول در زمان قاجار)
بیستی	صفویه	۵/۲ بیستی معادل یک شاهی است (شکل این سکه بیضی بود)
غاز بیکی - غازبکه	صفویه	یک دهم شاهی (تمام سکه‌ها مدور بودند به جز بیستی)
محمودی	سلطان محمود غزنوی	برابری آن معلوم نیست فلز نقره بوده (تاورینه در سفرنامه خود نوشته است)
یک پول	قاجاریه	سکه‌های کوچک مسین

شاهی	قاجاریه	معادل دو پول
دینار	قاجاریه	صد دینار برابر با دوشاهی
عباسی	قاجاریه	معادل چهار شاهی
پنج شاهی نقره	قاجاریه	معادل ربع قران
ده شاهی نقره	قاجاریه	معادل نیم قران
قران	قاجاریه	واحد پول ایران در عهد قاجاریه و اوایل پهلوی - نقره به وزن ۲۴ نخود - کلمه عربی معادل هزار دینار
تومان	قاجاریه	کلمه ترکی مغولی سکه‌ای معادل ۱۰ قران
پناه اباد	قاجاریه	سکه‌ای نقره که در پناه آباد شوش ضرب شده است و بعدا به پناباد رواج یافت معادل نیم ریال
اشرفی	قاجاریه	سکه طلای ایران وزن آن ۱۸ نخود
پنج هزاری	قاجاریه	نیم مثقال طلا (۱۲ نخود)
دو هزاری	قاجاریه	ربع مثقال طلا (۶ نخود)
غاز - قاز	قاجاریه	کوچکترین واحد پول زمان قاجار (پنج غاز که پنغاز می‌گفتند) یک دهم شاهی
چندک	قاجاریه	برابر دوغاز
ریال	قاجاریه، پهلوی، جمهوری اسلامی	اخذ شده از زبان اسپانیایی - معادل با یک قران و پنج شاهی بود این کلمه از زمان تسلط اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها در خلیج فارس در مرزهای ایشان با مردم جنوب ایران رواج یافت اکنون واحد پول ایران است (جزیره هرمز یکصد سال در اختیار پرتغالی‌ها بود ۱۵۱۴)

جدول کاهش دارایی ها ارزی از اول انقلاب تا کنون

۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره خارجی، ۳۲ میلیارد دلار موجودی نقدی ارزی و ۱۶۲۳ میلیارد تومان موجودی نقدی ریالی و ۹۰۰ تن طلا

۱۴ آبان ۱۳۹۲ - ۱۰:۳۴

- [اخبار اقتصادی](#)
- [اخبار اقتصاد ایران](#)
- [اخبار پول | ارز | بانک](#)

خبرگزاری تسنیم: وزیر امور اقتصادی و دارایی سابق گفت: کشور با ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره خارجی، ۵۵ میلیارد دلار پس انداز ارزی، ۳۲ میلیارد دلار موجودی نقدی ارزی و ۱۶۲۳ میلیارد تومان موجودی نقدی ریالی و ۹۰۰ تن طلا تحویل دولت جدید شد. **(حالا باید بررسی کنیم ، این منابع چگونه مصرف شده وهم اکنون در شهریور 1399 منابع باقی مانده چقدر است -مolf)**

به گزارش خبرگزاری تسنیم، وزیر امور اقتصادی و دارایی سابق در برنامه پایش که چندی قبل برگزار شد، گفت: کشور با 100 میلیارد دلار ذخیره خارجی، 55 میلیارد دلار پس انداز ارزی، از جمله آن 32 میلیارد دلار موجودی نقدی ارزی و 1623 میلیارد تومان موجودی نقدی ریالی و 500 یا 900 تن طلا تحویل دولت جدید شد. وی درباره سیاه نمایی ها درباره ذخایر کشور، آمادگی خود را برای مناظره اعلام کرد که تاکنون هیچیک از مقام های دولت کنونی به این دعوت پاسخ نداده اند. هر چند بخش هایی از این برنامه قبلا منعکس شده، نظر به اهمیت موضوع ذخایر کشور خصوصا در آستانه مذاکرات، متن کامل برنامه پایش در ذیل از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

مجری : مرتضی حیدری

کارشناس: اسفندیاری

مجری- آقای دکتر سلام، به برنامه پایش خوش آمدید.

بنده هم خدمت جنابعالی سلام عرض می کنم و از اینکه این فرصت را در اختیار بنده قرار دادید تا در این برنامه حاضر شوم، سپاسگزارم.

مجری - این چند ماه را چطور گذراندید، آقای دکتر؟

شوخی ای با دوستان داریم، می گوئیم که عمدتاً دو کار انجام می دهیم. یکی در خصوص وظایف سابق است که مصوبات مجامع که در دوره ما برگزار شده بود، را امضا می کنیم. یکی دیگر اینکه آرای دیوان محاسبات را دریافت می کنیم. اما بیشترین وقت من صرف تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی و واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی می شود.

مجری - آقای دکتر، برای شروع اگر صحبتی دارید بفرمایید، سپس من سوالات خود را مطرح می کنم.

در ابتدا می‌خواهم عرض کنم مأخذ و مستندی برای ارائه آمار جز مراجع رسمی نداریم. اگر به آرشیو خبری خود مراجعه کنید، بارها در خصوص بعضی از آمارها از بنده به عنوان سخنگوی اقتصادی دولت سؤال می‌شد که چرا این رقم را اعلام نمی‌کنید؟ می‌گفتم برای اینکه مرجع رسمی آن را اعلام نکرده است. لذا اساساً معتقدم مغایرت آمارهای مطرح شده منتفی است، بلکه مسئله در نحوه طرح آمار است. البته برخی از محاسبات و برخی ادعاها وجود دارد که به نظر من این ادعاها مستند نیست و لذا به خوبی قابل نقد و پاسخ است.

به هر حال آنچه ارائه می‌کنم به این مفهوم نیست که تصور شود اداره دولت کار آسانی است. قطعاً اداره دولت کار سختی است. به ویژه اینکه درک می‌کنم همکاران جدید ما در تیم اقتصادی دولت باید چقدر تلاش کنند تا دستاوردهای قبل را حفظ کنند، چه برسد به اینکه آن را ارتقا ببخشند. لذا مواردی که مطرح می‌کنم به معنی نفی زحمات آنان نیست. اتفاقاً با توجه به تجربه‌ای که در رسانه‌ها داشتیم، معتقدم این فضایی که فراهم شده است و همه تلاش می‌کنند از دولت جدید حمایت کنند و اختیارات خوبی به دولت بدهند تا در فضای دیپلماسی بتواند به ادعاها و شعارهایی که ارائه کرده است جامه عمل بپوشاند و محقق کند، فضای بسیار خوبی است.

به عنوان یک ایرانی، مسئولیت خود می‌بینم تا جایی که امکان دارد اگر برخی از موارد جزئی است و لطمه‌ای به منافع ملی نمی‌زند، سکوت کنم و آرامش کشور را به منافع شخصی خودم یا دستاورد خودم و همکارانم ترجیح می‌دهم. اما برخی از مواقع اتفاقاتی می‌افتد که اتفاقاً مسئولیت و روحیه کمک ایجاب می‌کند که برخی از چیزها تصحیح شود یا حداقل درست تبیین شود. اجازه دهید به چند نکته اشاره کنم. یکی از نکاتی که فکر می‌کنم این روزها از آن غفلت می‌شود این است که نکات مثبت اقتصاد ملی و دستاوردهای اقتصاد ملی مکتوم بماند. مثالی می‌زنم، حتماً حضرتعالی مستحضر هستید، این آمار رسمی سازمان عمران ملل متحد UNDP است، که می‌گوید در فاصله سال‌های 2005 تا 2012 یعنی بر اساس گزارش 2012 و 2013، جمهوری اسلامی ایران از یک کشور با رتبه توسعه انسانی متوسط به رتبه توسعه انسانی بالا پیوسته است. فراگیرترین شاخصی که امروز برای پیشرفت کشورها در نظر می‌گیرند، همین شاخص توسعه انسانی است چون در آن هم درآمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید و هم امید به زندگی و هم بحث آموزش است. (این سه یعنی قدرت خرید، امید به زندگی و آموزش به لحاظ اندازه و بخصوص، جهت گیری های آن با هم هم سانی و هم خوانی ندارد، ضمن اینکه آثار این ترقیات علمی و فنی در معیشت مردم چه بوده است - مولف)

در هر سه زیر شاخص، جمهوری اسلامی ایران رشد کرده است و در دو سال پیاپی بر اساس آخرین آمار سازمان ملل متحد، کشوری با توسعه انسانی بالا است. لذا باید بدانیم که کشور ما در فرآیند تلاش‌هایی که همه مردم و آحاد جامعه اعم از فرهنگیان، پزشکان و مدیران اقتصادی انجام می‌دهند به چه سطحی از پیشرفت رسیده است، برای شما و مردم ما که خودشان مردم دانشمندی هستند تکرار این مباحث شاید زیره به کرمان بردن است، اگرچه زیره خیلی با ارزش است و دیگر اینکه جمهوری اسلامی ایران حتی زودتر از چشم انداز در افق 1404 به رتبه علمی اول منطقه دست پیدا کرده است. مبانی تولید و تکنولوژی امروز، دانش است، آن هم از نوع دانش نوین، خداوند را شکر می‌گوییم که ایران توانسته به آن دسترسی پیدا کند و تحلیل و تبیین ما از فشارهایی که از خارج کشور بر اقتصاد ایران وارد می‌شد، این بود که ایران به باشگاه علما پیوسته است و حال می‌خواهند جلوی آن را بگیرند. سهم ایران که سه دهم درصد از تولید علم در دنیا بوده است، طی هشت سال گذشته به سهم 2/2 درصد رسیده است. به عبارتی، سهم ایران

هفت برابر شده است. اگر ما می‌پذیریم که امروز شکاف توسعه‌یافتگی یا نیافتگی در دانش است، پس باید با کشوری که روی دانش سرمایه‌گذاری کرده است مقابله کنیم. علت مقابله با کشور ما به این دلیل است که ما در حال پیشرفت هستیم، چرا که اگر اینگونه نبود با ما مقابله نمی‌کردند و دلیلی هم نداشت اینقدر هزینه کنند.

خبر خوش دیگری که بر اساس اطلاعات مستند حضورتان عرض می‌کنم این است که به رغم همه فشارهایی که این روزها وارد می‌کنند یا تقریباً این دو سال وارد کرده‌اند، دریافتی‌های دولت طی شش ماهه اول امسال، 26 درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل (سال 91)، رشد داشته است که رقم مناسبی است. اهمیت این رقم به ویژه در راستای این موضوع است که بایستی خود دولت را به عنوان مجموعه‌ای که تراز مالی آن گویای امکان فعالیت بیشتر است، در نظر بگیریم. اما این روزها با اخبار دیگری مواجه می‌شویم. به طور مثال چندی پیش، در یکی از خبرها خواندم در جلسه‌ای مطرح شده است که ذخیره کالای اساسی ما هنگام شروع دولت جدید، در حد صفر و نگران‌کننده بوده است! در این کشور متخصصان وجود دارند، البته عکس‌العمل هم نشان دادند، آیا واقعاً امکان پذیر است در عرض یک هفته ذخایر را ترمیم کنیم؟ حدود 70 روز از شروع به کار دولت جدید گذشته است. **آیا ما مشکل کمبود کالای اساسی داریم؟** پس از آن خبر، از آقای دکتر غضنفری اطلاعات مربوطه در تاریخ ترک وزارت صنعت، معدن و تجارت توسط ایشان را گرفتم. دیدم خوشبختانه در گندم و سایر نهاده‌های اساسی و دامی ذخیره چند ماهه داشتیم. حال به خاطرهای مربوط به چند ماه پیش اشاره می‌کنم. یادم می‌آید وقتی در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بودیم، در ستاد تدابیر ویژه، در یکی از جلساتی که هفته‌ای یکبار در خدمت رئیس جمهور آقای دکتر احمدی نژاد تشکیل می‌شد، بحثی را یکی از دوستان مطرح کردند که ایشان عکس‌العمل مثبتی نشان دادند و آن اینکه گفته شد در کنگره آمریکا طرح تحریم تجاری ایران مطرح شده که طرح جدیدی محسوب می‌شد و ما حدس می‌زدیم بخواهند آن را به رخ دولت جدید بکشند و آن را تحت فشار قرار دهند. از طرفی هم طبیعی است وقتی دولت جدید بخواهد سرکار بیاید تا جا بیفتد و خودش را پیدا کند و هماهنگی‌ها ایجاد شود و مدیران خود را منصوب کند، زمان می‌برد. به این جمع‌بندی رسیدیم که ذخیره کالاهای اساسی را از حد استاندارد بالاتر ببریم. اول سال بود و اول سال هم همیشه می‌دانید دریافتی‌های دولت کم است. ما با استفاده از اختیار ستاد تدابیر ویژه یک طراحی کردیم تا به میزان قابل توجهی کالاهای اساسی در کشور برای چند ماه آینده وارد شود. طولی نکشید که انتخابات برگزار و به حمداله یک مرحله‌ای شد و رئیس جمهور منتخب بر سرکار آمد. **یکباره مطلع شدیم مصوبه ستاد تدابیر ویژه لغو شده است.** من شخصاً پیگیری کردم که چرا این اتفاق افتاده است. **مطلع شدیم که گفته‌اند دولت دهم قصد داشته است که دولت یازدهم را بدهکار کند. همین سبب لغو این مصوبه شده بود.** بعد در جلسات و گفت‌وگوهای انجام شده از جمله جلسه‌ای که بنده با همکارانم در خدمت دکتر روحانی داشتیم، توضیح دادم که این مصوبه چنین امکانی برای شما و ملت ایران است و چرا به آن اعتراض کرده‌اید و خواستار توقف آن شده‌اید.

دوباره پیگیری‌ها انجام و این مصوبه احیا شد. تا جایی که می‌دانم برخی از خریدهایی که هم‌اکنون در حال انجام است از امکان همین مصوبه صورت می‌گیرد. **حال عرض بنده این است که کسانی که بچه‌های همین مرز و بوم هستند، می‌پذیرند که مردمشان گرسنه باشند؟** و احیاناً کسانی که اینگونه دغدغه دارند و پیگیری مسائل مملکت هستند کشور را در شرایط بغرنج رها می‌کنند؟ البته آمار رسمی را از آقای غضنفری دریافت کرده‌ام. اگر زمانی لازم بود و بخواهند اعداد گفته شود با کمال میل در خدمت شما هستم. بحث‌هایی نیز اخیراً مطرح شده است **که می‌گویند خزانه کشور خالی است.** باز به استناد آمار و به حکم وظیفه انسانی مواردی را بیان می‌کنم 12. مرداد امسال حکم رئیس جمهور جدید تنفیذ شد. پس می‌توان

گفت ایشان صبح روز بعد یا عصر همان روز رئیس‌جمهور کشور بودند. من در آن موقع وزیر اقتصاد بودم و در واقع خزانه‌داری زیر نظر من بود. نمی‌دانم چرا در آن مقطع به این جمع‌بندی رسیدم که رقم خزانه را اخذ کنم، زیرا من به صورت هفتگی آمار خزانه را دریافت می‌کردم.

مجری - این مورد که ارتباطی به ذخایر بانک مرکزی ندارد؟

سخن شما صحیح است. اما می‌خواهم توضیح دهم که چه چیز به چه چیز دیگری مربوط است. وقتی از آمار خزانه صحبت می‌کنم منظور حساب‌های دریافت‌های عمومی کشور نزد بانک مرکزی است. وگرنه وزارت اقتصاد چیزی به عنوان خزانه ندارد. هزار و ششصد و بیست و سه میلیارد تومان در آن تاریخ یعنی 13 مرداد 1392 موجودی خزانه ما بود که طبق آمار رسمی نسبت به عدد مشابه سال قبل از آن، **76 درصد بالاتر بوده است** و تازه این غیر از مبالغی است که خزانه در حساب‌های خاص ناشی از فروش شرکت‌ها که به خاطر پرداخت بدهی به بنیاد شهید و پیمانکاران بود نگهداری می‌کرد که در آن هم به همین میزان، پول بود. اما یک گیر حقوقی و قانونی وجود داشت و **دیوان محاسبات بحث‌هایی را در خصوص نحوه پرداخت آن مطرح می‌کرد** که الحمدلله آن نیز حل شد. تنها حدود هزار میلیارد تومان از آن محل فقط به بنیاد شهید پرداخت شد. که فکر می‌کنم در روزهای مهرماه این کار انجام گرفت، یعنی کاری که می‌شد دو ماه زودتر و در مردادماه انجام شود، با تأخیر انجام شد. من اشاره کردم دریافتی‌های خزانه کشور در شش ماهه اول امسال 26 درصد نیز رشد داشته است. حال به‌ضرس قاطع خدمت شما عرض کنم که در شش ماهه اول سال جاری که 5 ماه از آن مسئولیتش با بنده بوده است وضعیت مالی ما نسبت به سال قبل بهتر است.

گزارش آمارهای مالی دولت که در پایان شهریور سال 92 منتشر شده است را با مدت مشابه سال قبل مقایسه کنید. شهریور سال 1391، سه هزار میلیارد تومان از تنخواه استفاده کرده بودیم، **به عبارتی از بانک مرکزی پول قرض کرده بودیم و هیچ موجودی نیز در خزانه نداشتیم و هیچ‌کس هم متوجه نشد**، ولی امسال در همین تاریخ، موجودی خزانه هزار میلیارد تومان مثبت است. پس اساساً اگر منظور ما از خزانه حساب‌های دولت است، باید اعلام کنم حساب‌های دولت مثبت است و **در هنگام تحویل دولت حساب‌های دولت در مقایسه با رقم مشابه سال قبل 76 درصد رشد داشته است**. حتی اگر منفی هم بوده باشد، پدیده جدیدی نیست. زیرا این حساب‌ها، حساب‌های دریافت و پرداخت هستند و متناسب با دریافتی که خزانه مدام دارد، پرداخت صورت می‌گیرد. حتی مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، وی می‌تواند معادل سه درصد بودجه عمومی، از بانک مرکزی تنخواه بگیرد ولی در نهایت آن تنخواه باید تا پایان سال تسویه شود. کاری که سال گذشته به‌رغم همه دشواری‌های موجود انجام گرفت.

پس باید مفهوم خزانه روشن شود. حال در ادعای خزانه‌ی خالی چه ایرادی وجود دارد؟ ایراد آن‌جاست که وقتی یک حسابی تحت عنوان خزانه داریم و این حساب در واقع به نوعی جریان درآمد هزینه یک سال را دربرمی‌گیرد، ببینیم این را به‌طور مثال با بدهی‌های کشور مقایسه کنیم. تصور کنید شما وام گرفته‌اید و خانه ساخته‌اید. خانه دارایی شماست. وام هم بدهی شماست و شما در حال پرداخت اقساط هستید. درآمد شما بایستی برای پرداخت اقساط به کار گرفته شود. اگر زمانی بگویید این مقدار درآمد دارم، در مقابل آن قدر وام دارم، پس نمی‌توانم خانه‌ام را اداره کنم، **مفهومش این است که این‌ها با هم اختلاط شده‌اند**. لذا اگر زمانی بخواهیم بگوییم بدهی دولت یا کشور، آن را باید با دارایی کشور یا با ثروت کشور مقایسه کنیم. در حسابداری یک تعریف ابتدایی وجود دارد که در حسابداری ملی نیز از آن استفاده می‌کنند. **« ثروت**

مساوی است با دارایی منهای بدهی» . لذا مقایسه ی درآمد با مانده ی بدهی ها صحیح نیست. همان طوری که انسان های ثروتمند می توانند بدهی بیشتری داشته باشند اما در مقابل آن ها دارایی فراوان دارند. آمار برای دولت نیز همین طور است.

حال می خواهم نکاتی هم به آن اضافه کنم. اساساً استفاده از پول های خزانه حساب و کتاب دارد. به طور مثال می گویم اگر تمام رقمی را که در بودجه سال 1392 برای پرداخت بدهی ها پیش بینی شده است ، برآورد کنید می شود 26 هزار میلیارد تومان. این بدان معنی نیست که کل بدهی دولت، 26 هزار میلیارد تومان است، بدین معنی است که اصلاً سقف تملک دارایی های مالی دولت یا اجازه پرداخت بدهی دولت بیش از 26 هزار میلیارد تومان نیست. اما بحث ذخایر بانک مرکزی چیست؟ بحث ذخایر بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی همان بحث دارایی است. این رقم است که باید با بدهی سنجیده شود. اگر با این شاخص ها بخواهیم پیش برویم کشور **ما در حال حاضر بیش از یکصد میلیارد دلار ذخایر ارزی دارد.**

مجری-یعنی منهای موجودی صندوق توسعه ملی؟

خیر، صندوق توسعه ملی بحث دیگری است که آن را توضیح خواهم داد. در واقع کل ذخایر ارزی یکصد میلیارد دلار است. چون حساب و کتاب صندوق توسعه ملی نیز نزد بانک مرکزی نگهداشته می شود. ضمن اینکه ما 20 میلیارد دلار به خاطر مسائل تحریم ها فقط بابت نفت فروخته شده طلبکار هستیم که گزارش های رسمی آن را نیز در اختیار داریم، تنها بیش از 10 میلیارد دلار آن در مقطع زمانی که ما بودیم سررسید شده بود که این رقم جزو آن یکصد میلیارد دلار نیست و باید به آن اضافه شود. اشاره کردید به صندوق توسعه ملی. **ببینید این ها مغایرت های آماری نیست، این ها به نظر من مداخله افراد غیرفنی در امور فنی است.**

مجری - آقای دکتر، حتماً امشب در مورد آمارهای اقتصادی شما و دولت جدید صحبت خواهیم کرد. سؤال نظر سنجی 1 را بیرون از استودیو دیدید؟ می خواهم بدانم از نظر شما جواب آن چیست؟

من همان پاسخ انتخاباتی دوستان کاندیداهای ریاست جمهوری را می دهم. یعنی هر دو.

مجری - مردم هم تا این جای برنامه گفته اند هر دو.

کارشناس (اسفندیاری) - میزان ذخایر صندوق توسعه ملی به میلیارد دلار در پایان دولت دهم از سوی دکتر احمدی نژاد 50 میلیارد دلار اعلام شده است. آقای دکتر نهانندیان این رقم را 40 میلیارد دلار و آقای جهانگیری 32 میلیارد دلار اعلام کرده اند. شما چه رقمی را اعلام می کنید؟ این ها همه در یک زمان اعلام شده اند؟ کارشناس - رقمی که از سوی دکتر احمدی نژاد اعلام شده در تاریخ 11 مرداد بوده است. آقای دکتر نهانندیان و آقای جهانگیری نیز در یک ماهه اخیر این آمارها را اعلام کرده اند. به استناد ترازنامه صندوق توسعه ملی، خدمت شما عرض می کنم که مبلغ واریزی به صندوق توسعه ملی از زمان تشکیل در دولت دهم، 55 میلیارد دلار بوده است. اما صندوق است، می تواند از محل منابعش وام بدهد. البته همه وام هایی که داده است بلافاصله مصرف نمی شود، بلکه مسدود می شود. ولی در کل اگر بیاییم وام هایی که داده شده را از این مقدار 55 میلیارد دلار کم کنیم، این صندوق 32 میلیارد دلار مانده دارد.

مجری - این مابه التفاوت کجاست؟

اگر به زمانی که دکتر احمدی نژاد مصاحبه انجام داده و این رقم را اعلام کرده است برگردیم، این حساب حدود 53 تا 54 میلیارد دلار واریزی داشته است و حدود 21 میلیارد دلار نیز وام پرداخت کرده بود. اما منابع وارد صندوق می‌شود و وام نیز داده می‌شود - 1. سؤال نظرسنجی : شما با تداوم کدام یک از اقدامات دولت قبل (سفرهای استانی و اجرای طرح مسکن مهر) موافقت می‌کنید؟ بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده از سوی صندوق توسعه ملی، واریزی یا بخشی از سرمایه و دارایی بالغ بر 55 میلیارد دلار است، ماهیت این رقم، یعنی پس‌انداز ملی که اگر خواستیم با بدهی مقایسه کنیم، باید این رقم را مقایسه کنیم. از طرفی عدد 32 میلیارد دلار موجودی است که امروز در اختیار دولت است و می‌تواند از محل آن وام بدهد.

مجرى - به عبارتی در حال حاضر این 32 میلیارد دلار و نیز ارقام 50 و 40 که اعلام شده می‌تواند درست باشد؟

عدد 55 میلیارد دلار به عنوان واریزی و عدد 32 میلیارد دلار به عنوان موجودی درست است. نمی‌دانم عدد 40 از کجا آمده است!

مجرى - یعنی می‌فرمایید 55، دارایی است و 32 موجودی صندوق.

احسنت. فرمایش شما کاملاً صحیح است. البته بایستی در سررسید با یک نرخ سودی این وام‌های اعطایی برگردانده شود. در واقع از زمان تشکیل صندوق توسعه ملی که ماه‌های پاییز سال 89 می‌شود تا به فرض شهریور 54 تا 55 میلیارد دلار پس‌انداز شده است. بالغ بر 22 میلیارد دلار وام داده است و 32 میلیارد دلار هم موجودی صندوق توسعه ملی است.

مجرى - هنوز حساب ذخیره ارزی را داریم یا خیر؟

حساب ذخیره ارزی را نیز داریم. منتها سازوکارهای آن قدری متفاوت با صندوق توسعه ملی است. زیرا آقای احمدی نژاد در مصاحبه آخر خود اعلام کردند که صفر شده است و موجودی ندارد! حتی یکی از نمایندگان مجلس در برنامه ما اعلام کرد منهای 19/5 میلیارد دلار است. اصلاً چنین چیزی (19/5 میلیارد دلار تعهد) درست نیست.

مجرى - گفتند تعهد ایجاد کرده است!

باز از همان حرف‌هاست. تعهد ایجاد کرده یعنی چه؟

مجرى - یعنی در واقع تعهد پرداختی آن ایجاد شده است، اما موجودی ندارد.

ببینید حساب ذخیره ارزی یک حسابی بوده است. حساب ذخیره ارزی هم وام داده است و منابع آن برمی‌گردد. دارایی و تعهداتش قرار بود به صندوق توسعه ملی منتقل شود. به هر حال پیش‌بینی‌هایی در قانون برنامه پنجم شده است که هم حساب را داشته باشیم و هم صندوق را. لذا امروز 55 میلیارد دلار پس‌اندازی است که از سال 89 انجام شده است و اتفاقاً نکته حائز اهمیت است. 32 میلیارد دلار پول نقدی است که در اختیار هیئت امناء و هیئت عامل صندوق توسعه ملی است که طبق قانون برنامه و مقررات، بخش‌های غیر دولتی می‌توانند از آن وام بگیرند. کارشناس (اسفندیاری) - البته جا برای مباحثه وجود دارد

و اگر مسئولان فعلی دولت بخواهند در این رابطه توضیحی بدهند امکان فراهم است که تماس بگیرند و وارد بحث شوند. اما در مورد نرخ رشد اقتصادی، آقای حسینی این رقم را در سال 90، 5/1 درصد، آقای احمدی نژاد 5/2 درصد، صندوق بین المللی پول 3/0 درصد، بانک مرکزی 3/0 درصد و مرکز آمار ایران 3/2 درصد اعلام کردند که این سه نرخ، 2 درصد با آمارهای اعلام شده از سوی آقای احمدی نژاد و آقای دکتر حسینی متفاوت است. کدام آمار درست است؟ آمار دکتر احمدی نژاد درست است، زیرا زمان اعلام این آمارها متفاوت است

مجری - مگر نرخ شد اقتصادی در پایان سال و زمانی که حسابهای مالی مشخص می شود تعیین نمی شود؟

یک پیش بینی اولیه مطرح می شود و سپس به پیش بینی قطعی تبدیل می شود. موقعی که بنده و دکتر احمدی نژاد این را اعلام کردیم، آقای دکتر مرادی، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که مرکز آمار زیر نظر این معاونت است به استناد آمار مرکز آمار ایران و بر اساس پیش بینی اولیه این عدد 5/2 را مطرح کرد و سپس مرکز آمار ایران پیش بینی اش را قطعی کرد و در پیش بینی قطعی آن را تعدیل و رقم 3/2 را اعلام کرد. از تاریخی که مرکز آمار ایران این رقم را مطرح کرد تأکید می کنم به رغم همه نقدهایی که در خصوص نظام آماری کشور وجود داشته و دارد، آیا عددی غیر از عدد مرکز آمار ایران مطرح کرده ام؟ برای اعلام آمار، چاره ای جز اعلام مرکز آمار ایران نداریم. البته باز هم تأکید می کنم در خصوص نرخ رشد حرف هایی دارم که آن ها را موقوف می کنم به زمانی که آمار رسمی منتشر شد.

مجری - صندوق بین المللی پول و سایر نهادها پیش بینی که برای یک سال آینده می کنند به رقمی که انتهای سال اعلام می کنند نزدیک است.

این هم دارای مقرراتی است که خوب در این جلسه آن را توضیح دهم. علی القاعده صندوق بین المللی پول اجازه ندارد قبل از تأیید بانک مرکزی، آمار را اعلام کند. نرخ رشد اقتصادی یک پیش بینی است و یک محاسبه. گرچه در این محاسبه نیز پیش بینی وجود دارد، اما آنچه که در نهایت رشد قطعی است، آماری است که پس از چند ماه از سال می گذرد اعلام می شود. گزارش های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در هر فصل نسبت به فصل قبل تعدیل می شود. کارشناس - برای سال 91، آقای احمدی نژاد اعلام کردند رشد خوب داشته ایم، آقای جهانگیری رشد 5/8- و آقای نوبخت رشد 5/4- اعلام کردند. آمار مرکز آمار هم اخیراً اعلام شد نزدیک به 5/4- بود. برخلاف اسلاید قبلی که نرخ آماری از سوی حسینی و دکتر احمدی نژاد اعلام شده است، در این اسلاید این موارد نیست. چرا؟ چون مادامی که آماری منتشر نشده باشد، بنده خود را مجاز نمی دانم رقم اعلام کنم. آقای دکتر احمدی نژاد هم همین کار را کردند [رقمی اعلام نکردند]

کارشناس - درست است، اما نرخ رشد خوب با نرخ 5/8- تفاوت دارد. از شما می پرسیم آیا آمار 5/4- درصد آمار قطعی است؟ کارشناس - احتمال می دهم مرکز آمار رقمی را نزدیک به 5/4- برای سال 91 اعلام کرده است. مطلع هستید که بانک مرکزی آمار رشد 9 ماهه را اعلام کرده است؟ آیا این آمار قطعی سال 1391 است؟ البته بعد از این فرایند، آمار سال 1391 را اعلام می کنند. آقای دکتر، آیا اصلاً منفی بودن آن را قبول دارید؟ گزارشی را خدمت شما آورده ام. اجازه هست قسمتی از آن را بخوانم. این سخنرانی

یا گزارش من در محضر مقام معظم رهبری در 23 تیر ماه 1392 است که به صورت ضبط شده از صدا و سیما پخش شد. فکر می‌کنم بازخوانی گزارشی که بنده خدمت مقام معظم رهبری ارائه کردم پاسخ سؤال شماست.

تحلیل تولید یا بخش واقعی:

عملکرد تولیدی بخش‌های مختلف بسته به ساختار آنها متفاوت بوده است. [تیر ماه است و ما هیچ آماری در اختیار نداریم] مجموعه شرایط حادث شده در سال گذشته که برجسته‌ترین آن افزایش نرخ ارز و دشواری‌های تأمین ارز از خارج است دارای آثار نامتقارنی بر بخش‌های تولیدی است. در یک جمع‌بندی کلی، بخش کشاورزی از شرایط پیش آمده و افزایش نرخ ارز منتفع شده است. بخش صنعت و معدن در حوزه‌های کالایی که صادرات‌گرا و دارای مازاد تجاری ارزی است منتفع شده است و در حوزه‌های کالایی که وابسته به واردات از خارج و ارزبر هستند تحت فشار قرار گرفته است. در بخش خدمات در حوزه گردشگری داخلی و خدمات بازرگانی، به‌ویژه صنعت بیمه که حق بیمه‌های تولیدی 52 درصد رشد داشته‌اند و برای دومین سال پیاپی در جهان بالاترین بوده است با رشد مواجهیم. در بخش انرژی نیز شرایط متنوع است. در زیر بخش‌های گاز و برق با رشد تولید و در عین حال افزایش خالص صادرات مواجه هستیم. جالب است که مصرف برق کشاورزی و صنعتی به ترتیب 9 درصد و 5 درصد رشد داشته است" **ارزهایی که به‌تجار خارجی برای صادرات و واردات داده شده است بررسی شود- مولف**

مجری - یعنی می‌فرمایید همه چیز رشد مثبت داشته است، اما نرخ رشد اقتصادی منفی اشتباه است؟

اجازه دهید. فکر می‌کنم دارید پیش‌قضاوت می‌کنید.

مجری - یعنی رشد منفی را رد می‌کنید؟

می‌خواهم شما به‌عنوان کارشناس برنامه حوصله کنید و این گزارش من را دوباره پخش کنید. می‌خواهم کمک کنم این مشکل حل شود. ادامه گزارش: ... «**در بخش انرژی، در بخش نفت میزان کاهش تولید و صادرات، بالا بوده است.**» اگر شما بروید آمار رشد تولید بدون نفت را بگیرید می‌بینید چه رقمی است؟ کارشناس - یعنی در رشد منهای نفت افزایش داشتیم. در رشد با نفت کاهش شدید داشتیم. می‌خواهم عجله نکنید. شما سؤالی مطرح کردید باید پاسخ این سؤال را پیدا کنیم. و مردم هم متوجه شوند. سؤال این است که رشد اقتصاد ایران حتی اگر منفی شود و منفی شده باشد ناشی از کجاست؟ **در سال گذشته صادرات نفت از 2 میلیون و 200 هزار بشکه در روز به 900 هزار تا یک میلیون و صد هزار بشکه در روز کاهش یافته است. دریافتی‌های نفتی و درآمدهای نفتی ما 40 درصد کاهش پیدا کرده است. نایبستی این مسئله را نادیده گرفت.** این گزارشی که در این‌جا ارائه شده است که در بخش نفت کاهش تولید و صادرات بالا بوده است که علت آن نه پایین بودن سرمایه‌گذاری و ظرفیت فنی تولید، بلکه محدودیت‌های صادرات و فروش بوده است. بدین ترتیب بخش‌های واقعی اقتصاد بسته به میزان درگیر تحریم بودن و ساختارشان، عملکرد متفاوتی را تجربه کرده‌اند. [ارزیابی رشد اقتصاد ایران در دو سال گذشته باید با در نظرگیری این

تحریم های سنگین سنجیده شود]. کارشناس - آمارهای دیگری نیز در مورد بدهی ها وجود دارد. دکتر احمدی نژاد در مصاحبه خود گفته اند که گفته می شود این دولت بدهکارترین دولت بوده است، اما ایشان اعلام کردند در حال حاضر ما هیچ بدهی به بانک مرکزی نداریم و این دولت نسبت به دولت های قبلی کمترین بدهی را دارد. اما آقای دکتر روحانی گفته اند دولت در شرایطی کار خود را آغاز کرده است که با خزانه خالی و انبوهی از بدهکاری مواجه بوده است. هفته گذشته یک صندوق در دولت اعلام کرد که بیش از 50 هزار میلیارد تومان از دولت طلبکار است. این تنها یک صندوق است. البته آمار دیگری نیز درباره بدهی دولت به بانک مرکزی منتشر شد و مواردی از این دست طبق نمودار، **میزان ذخایر طلای کشور از سال 81 تا سال 89 اعلام شده است. میزان ذخایر طلای کشور در سال 89، 95/2 تن بوده است، اما آقای دکتر بهمنی در 16 خرداد 91 اعلام کردند که 500 تن طلا ذخیره شده است. سپس در 16 مرداد 92 گفتند من در همان ابتدا 900 تن طلا خریده و ذخیره کردم و در جای دیگری رشد 216 درصدی ذخایر طلا و ارز را اعلام کردند.**

مجری - آقای دکتر، طلا را بگذارید فعلاً باشد. در مورد بدهی توضیح می دهید؟

دکتر احمدی نژاد گفتند ما به خارج بدهی داریم. مجموع ذخایر خارجی کشور در زمانی که دولت دهم تحویل دولت جدید داده شد بالغ بر یکصد میلیارد دلار بود که 80 درصد نسبت به زمان تحویل گرفتن دولت نهم رشد داشته است. در مقابل، بدهی بالفعل یعنی بدهی سررسید شده در همان تاریخ حدود 16/9 میلیارد دلار است که همه این ها در گزارش منتشر شده از سوی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت اقتصاد آمده است که من یک نسخه از آن را خدمت شما تقدیم می کنم. **در این آمار آمده است بدهی ارزی، 31 درصد نسبت به زمان تحویل گرفتن دولت نهم کاهش پیدا کرده است. یعنی در انتهای دولت دهم، 80 درصد ذخایر خارجی کشور رشد یافته و 31 درصد بدهی کاهش پیدا کرده است. به عبارتی، ذخایر خارجی کشور، 6 برابر بدهی های ارزی است که سررسید می شود.** پس این دو موضوع روشن می شود. در خصوص بدهی دولت به بانک مرکزی نیز باید اعلام کنم بر اساس ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که باز اگر خواستید کپی آن را به شما می دهم، اگرچه تمایلی نداشتیم و تمایلی ندارم و درست نمی دانم در این شرایطی که در جنگ اقتصادی هستیم، تمام اطلاعات اقتصادی خود را در اختیار آنها قرار دهیم، اما ظاهراً باید از این مناقشات داخلی عبور کنیم تا ببینیم در آن جنگ اقتصادی چکاره هستیم و وزن مان چیست! بر اساس این گزارش، مجموع بدهی دولت و شرکت های دولتی به بانک مرکزی در پایان سال 1391، 20 هزار میلیارد تومان بوده است و چون به استناد ماده 26 قانون پولی بانکی در مجمع تصمیم گرفتیم این میزان تسویه شود، آقای دکتر احمدی نژاد این صحبت را داشته اند. کارشناس - پس مشکل از آن 76 هزار میلیارد تومان است که گفتند با یک کار حسابداری و حساب سازی آن بدهی صاف شده است و همین طور بدهی های دیگر... بند ب ماده 26 قانون پولی بانکی می گوید اگر نرخ ارز افزایش یافت، منابع حاصل از این تجدید ارزیابی چگونه بایستی بکار گرفته شود. می گوید اول، صرف بازپرداخت بدهی دولت به بانک مرکزی شود و اگر مبلغی ماند به خزانه واریز شود. اتفاقی که در سال 1380 افتاد و سه بار علی الحساب به خزانه واریز شد و بعد در سال 1381 به رغم این که نرخ ارز

افزایش هم پیدا کرد خزانه بدهکار شد. از 11 هزار میلیارد تومان بدهی دولت، بیش از 800 میلیارد تومان آن به همین اتفاق باز می‌گردد که در سال 1380 و 1381 به صورت علی‌الحساب به خزانه ریخته شده بود و بعد آمدند حساب کردند و گفتند دولت بدهکار شده است. در این جا نکته‌ای وجود دارد، موقعی که این مصوبه ی مجمع در سال 1392 گذرانده شد، آن را ابطال کردند. البته بعد برای آن قانون گذاشتند، **زیرا در مغایرت قانونی آن مردد بودند. ایرادی که آن زمان می‌گرفتند این بود که بدهی دولت یعنی تنها بدهی مؤسسات و وزارتخانه‌های دولتی، نه بدهی شرکت‌های دولتی!** حال امروز چگونه همه ی آن را به پای دولت می‌گذارند؟ در آن رقم 180 هزار میلیارد تومان که اعلام می‌کنند، همان بدهی‌ها را چند برابر به پای دولت گذاشتند. اگر در زمان اجرای مصوبه ی مجمع عمومی بانک مرکزی، آنها بدهی دولت نبوده است، چرا امروز به عنوان بدهی دولت اعلام می‌شود؟ اگر بوده است، چرا جلوی تسویه ی آن را به رغم اجازه ی قانون گرفتند؟ البته گفتند نقص قانون بوده است؟! اما در مورد فرمایش شما، اول این بحث را داشته باشیم که اگر یک قانون وجود داشته باشد، اول قانون را متوقف می‌کنیم یا آن را اجرا می‌کنیم؟

مجری - قانون باید اجرا شود. منتها یک نکته وجود دارد و آن این‌که ارزیابی وجود داشت که با نرخ 1226 فروخته شده بود.

نه لزوماً. ضمن این‌که بحث بر سر این است که بدانید این کاری که انجام دادیم یک کار حقوقی صرف نبوده است. بدانید که جزئی از پایه پولی وجود دارد تحت عنوان خالص دارایی‌های خارجی (NFA). وقتی 74 هزار میلیارد تومان یک‌باره دوبرابر و می‌شود، 148 هزار میلیارد تومان، می‌دانید اثرش بر نقدینگی چقدر است؟ در علم اقتصاد به آن [کارما، مصوبه مجمع بانک مرکزی [خنثی‌سازی پولی می‌گویند. یعنی بایستی سازوکاری پیش‌بینی کرد تا جلوی این کار گرفته شود. [کاری که ما کردیم این بود که قانون را به گونه ای اجرا کردیم که منابع حاصل از تجدید ارزیابی به جای اینکه به خزانه واریز شود، صرف خنثی سازی پولی شود.

از طرفی چطور وقتی نرخ ارز کاهش می‌یابد، به عبارتی ارزش پول ملی تقویت می‌شود، دولت طبق قانون پولی و بانکی به بانک مرکزی بدهکار می‌شود. اما اگر به نفع دولت شد باید جلوی آن را بگیریم. یکی از مواردی که طی این چند سال من را رنج می‌داد، این بود که عده‌ای فکر می‌کردند دولت نمایندگی از خارج دارد، حال یک شرکت و یک دستگاه ولو بانک مرکزی نمایندگی از ملت را دارد! لذا اگر طبق قانون اتفافی بیفتد که دولت بدهکار شود، عین همان عدد 800 میلیارد تومان، بدهی را دولت باید پرداخت کند. اما اگر [دولت طبق قانون [طلبکار شد باید جلوی آن را بگیریم. دولت که جز مردم نمایندگی ندارد! اما برگردیم به رقم بدهی‌ها، خیلی علاقه‌مند شدم که بدانم عدد 180 هزار میلیارد تومان از کجا آمده است؟ خیلی‌ها تلاش کردند، اما پیدا نکردند، ولی من پیدا کردم. این گزارش یکی از مراکز پژوهشی است. اجازه می‌خواهم صفحه 52 این گزارش که این جدول هست را بخوانم.

مجری - منبع این گزارش کجاست؟

تمایلی ندارم آن را اعلام کنم. در صفحه ی 52 این گزارش آمده است: «در این گزارش صرفاً برای نشان دادن اهمیت موضوع، از اخبار منتشره در رسانه‌ها استفاده شده است.» شما به‌عنوان کارشناس اقتصاد [رسانه] ملی این گزارش را مطالعه کنید! البته من عیب را از دستگاه‌هایی می‌دانم که باید آمار را کنترل کنند. معتقدم روی بدهی دولت یا باید خزانهداری صحت‌بخش را یا معاونت برنامه‌ریزی و یا هر دوی آنها. نه اینکه آن‌ها را از رسانه‌ها استخراج کنیم. مگر [هنگام اجرای مصوبه ی مجمع عمومی بانک مرکزی در خصوص تسعیر در سال جاری] بحث‌ها بالا نگرفت که دولت می‌خواهد بدهی‌هایش را صاف کند. به شما عیب نمی‌گیرم که به استناد آمار روزنامه‌ها تحلیل کنید چون شما هم یک رسانه هستید، اما دستگاه‌های کشور مجاز نیستند به استناد آمار روزنامه‌ها، بدهی کشور را برآورد کنند. طبیعی است که کشور دارایی و بدهی دارد، ولی به‌ضرر قاطع عرض می‌کنم انباشت دارایی‌های کشور مدام در این چند سال افزایش یافته است.

مجری - یعنی امروز نرخ ارز همان 2500 تومان می‌شود؟

در خصوص نرخ ارز نمی‌دانم اصلاحیه قانون پولی و بانکی که صورت گرفت چیست، ولی اگر تجربیات تاریخی ایران و سیر تصویب این قانون را مشاهده کنید متوجه می‌شوید که بند ب ماده 26 قانون پولی و بانکی با نگاه خنثی‌سازی اثر افزایشی رشد نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی، پیش‌بینی شده است [مصوبه ی مجمع عمومی بانک مرکزی را تعدادی حقوقدان، بدون حضور ما رد کردند، در حالی که موضوع کاملاً اقتصادی بود، بماند]. ما هم می‌توانستیم تفسیر مضیق از تعریف دولت داشته باشیم، زیرا دولت فقط 11 هزار میلیارد بدهکار است، اما چرا ما دنبال تفسیر موسع رفتیم؟ زیرا قصد نداشتیم از این محل [بر خلاف سال 1380] پول برداشت کنیم. اکنون هم با افتخار عرض می‌کنم حداقل اثری که این اقدام ما داشت این بود که اجازه ندادیم هم نرخ ارز افزایش پیدا کند و هم مانند 10 سال پیش دولت بدهکار شود [یادآوری می‌شود در سال 1380 به بهانه افزایش نرخ ارز، مبالغی به صورت علی‌الحساب به خزانه ی کشور واریز شد. در سال 1381 حساب و کتاب‌ها انجام شد و به رغم افزایش نرخ ارز، ظاهرًا محاسبه تعهدات و دارایی‌ها به گونه ای شد که دولت بدهکار شد! و این بدهی به دولت‌های بعد منتقل شد کارشناس - در مورد طلا چطور؟ آخرین ذخیره طلای ما در سال 89، 95 تن بوده است، اما آقای بهمنی یکبار عدد 500 تن و یکبار عدد 900 تن را ذکر کردند. در خصوص مأخذ عددی که آقای دکتر بهمنی ذکر کرده‌اند، اطلاعی ندارم و به همین دلیل نمی‌توانم آن را تکذیب یا تأیید کنم. زیرا این رقم ذکر شده جزء آمار سرّی کشور بوده است و بنا به دلایلی، آقای بهمنی در شرایطی قرار گرفت که این عدد را اعلام کرد، زیرا اشاره کردم در شرایطی که شما جنگ اقتصادی می‌کنید و در مقابل مناقشه داخلی کشور را تضعیف می‌کند شرایط متفاوت است [و شما باید مناقشه ی داخلی را هم پاسخ دهید و لاجرم اطلاعات محرمانه منتشر می‌شود]

ما دو نقطه عطف در سیاست مدیریت دارایی‌های ارزی خود طی سال‌های بعد از قطعنامه سال 1385 شورای امنیت می‌شناسیم. اولین، تغییر بخش قابل توجهی از ذخایر خارجی کشور از دلار به یورو بود

که خوشبختانه ارزش یورو افزایش پیدا کرد و ما از آن سیاست، خواسته یا ناخواسته، منتفع شدیم. بخش دیگر به سال 89 و پس از اعلام قطعنامه 1929 باز می‌گردد. بعد از آن مطلع شدیم که مبادله ی یورو هم ممکن است برای ما تحریم شود. دوستان ما با تلاش زیادی حجم قابل توجهی از ذخایر ارزی کشور را به طلا تبدیل کردند که **خوشبختانه این بار قیمت طلا افزایش یافت.** ارزش این 100 میلیارد دلاری که امروز مطرح است حتی اگر سال 84، 100 میلیارد دلار ارز داشتیم به مراتب بیشتر است، زیرا وزن قابل توجهی از آن طلا است و به هر حال حرف آقای بهمنی کاملاً درست است و عددش را حتماً درست اعلام کردند، زیرا من از جزئیات آن اطلاع ندارم. کارشناس - البته این آمارها را به دلیل موضوعاتی که این روزها در رسانه‌ها مطرح است، اعلام کردیم تا موضوع اختلاف نظر روشن شود. اما سایت اطلاع‌رسانی دولت در 11 تیرماه 1390 اعلام کرده است جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال 89 از عدد 3/6 میلیارد دلار تجاوز کرده است. طبق آمار سازمان سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری خارجی در سال 85، یک میلیارد و 896 میلیون دلار، در سال 86، یک میلیارد و 399 میلیون دلار، در سال 87، یک میلیارد و 811 میلیون دلار، در سال 88، 2 میلیارد و 637 میلیون دلار، در سال 89، 2 میلیارد و 503 میلیون دلار و سال 90 نیز 131 میلیون دلار بوده است که با این آمار منتشر شده در سایت دولت ظاهراً یک اختلافی دارد. اگر اجازه دهید، آمار سرمایه‌گذاری که به صورت رسمی اعلام شده است را پیدا می‌کنم. ولی مطمئن باشید که در 3 تا 4 سال گذشته، رشد سرمایه‌گذاری خارجی به طور پیوسته مثبت بوده است، لذا در حال حاضر مآخذ این آمار را نمی‌دانم.

مجری - پروژه‌های نفتی و پیمانکاری را هم وارد آمار سرمایه‌گذاری می‌کنید؟

این موضوع یک استاندارد و تعریفی دارد.

مجری - در مورد سرمایه‌گذاری خارجی، طرف خارجی نیز باید در داخل کشور مشغول کار شود، وگرنه صرف اعطای وام که سرمایه‌گذاری خارجی محسوب نمی‌شود؟

احسنت. البته این نیست که در سرمایه‌گذاری خارجی، فرد همراه آن در داخل مشغول کار شود یا نشود، این موضوع به نوع قرارداد باز می‌گردد و اینکه آیا وی تقبل ریسک میکند. آمارهای قطعی، آمارهایی است که آنکاد منتشر می‌کند. در سال‌های اخیر یعنی سال‌های 90 و 91، آمار سرمایه‌گذاری خارجی از چهار میلیارد دلار هم گذشت.

کارشناس - در خصوص منابع هدفمند کردن و کمک به تولید از محل هدفمند کردن نیز شما اعلام کردید هدفمند کردن 82 هزار میلیارد تومان درآمد داشته که 52 هزار میلیارد تومان به سازمان هدفمندی یارانه‌ها و 29 هزار میلیارد تومان به شرکت‌ها و صنایع پرداخت شده است. این اظهار نظر شما را 29 آذر 91 خبرگزاری ایسنا منتشر کرده است. یک مرجع تحقیقاتی که متعلق به مجلس است، آماري که اعلام کرده این است که زمستان 89 تا پایان 90، یعنی حدود 15 ماه، رقم کل 32 هزار میلیارد تومان بوده است و شش ماه نخست سال 91 نیز، 12 هزار میلیارد تومان که جمع این دو رقم 44 هزار میلیارد تومان می‌شود، در حالی که طبق آمار شما، این رقم 82 هزار میلیارد تومان بود. اگر این دو سال و سه ماه را هم روی هم

بگذاریم باز هم این رقمی که شما اعلام کردید نمی‌شود. اجازه دهید ابتدا رقم آمار سرمایه‌گذاری خارجی را اعلام کنم سپس در مورد این موضوع صحبت می‌کنم. از سال 1357 تا ابتدای سال 1384، کلاً 12 میلیارد و 900 میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در کشور جذب شده است، اما در سال‌های 1384 تا 1392، 25 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌ایم یعنی در هشت سال دولت های نهم و دهم حدود 2 برابر کل سرمایه‌گذاری خارجی از 1357 تا 1384.

کارشناس - ببینید سال 88 و 89 سرمایه‌گذاری خارجی کم شده و سال 90 یکباره سقوط کرده است.

رقم اعلام شده برای سال 90 درست نیست. به تاریخ آمار توجه کنید. ما در سال 90 و 91 به ارقامی چون 4/1 و 4/5 نزدیک شدیم. هرچه سایت اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرده باشد و من گفته باشم مطمئن باشید عدد درست است. اکنون در مورد آمارهای اعلام شده حضور ذهن ندارم، اما قطعاً عدد اعلام شده برای سال 90، عدد غلطی است [یا متعلق به بخشی از سال است نه کل سال]، شک نکنید. البته سال 89 را مطمئن نیستم. من غیر از مستندات بر اساس چیز دیگری صحبت نمی‌کنم. اما برگردم به سؤالی که شما [در خصوص هدفمندی] مطرح کردید. در یکی از برنامه‌های پایش شما این آمار را اعلام کردید و گفتید بین آمار من و آمار دکتر فرزین تفاوت وجود دارد و گفتید که احتمالاً آمار دکتر فرزین درست است. اینجا اعلام می‌کنم هم آمار من درست بود و هم آمار دکتر فرزین. شما توجه نکردید! من نگفتم شرکت‌ها و صنایع، گفتم بنگاه‌های تأمین‌کننده این منابع و این گزارش در حال حاضر وجود دارد. دو تا بحث وجود داشت؛ یک بحثی که اکنون مطرح است [کسری منابع یارانه های نقدی] و خواهش می‌کنم به آن بپردازید، دیگری این که صندوق هدفمند کردن یارانه‌ها، پول شرکت های آب، برق، گاز و پالایش و پخش را نمی‌دهد. انگار این صندوق متعلق به وزارت مور اقتصادی و اداری است یا وزیر اقتصاد یارانه می‌گیرد، یا این‌که هر کس هر کاری دلش بخواهد می‌کند و هر قدر پول از شرکت‌ها [شرکت های آب، برق، گاز، پالایش و پخش و بازرگانی دولتی] می‌گیرد و به آنها بر نمی‌گرداند. این آمار می‌گوید که از 82 هزار میلیارد تومان منبع که از این شرکت‌ها دریافت کردیم، حدود 29 هزار میلیارد تومان آن را به خود شرکت‌ها برگرداندیم و 52 هزار میلیارد تومان آن را به سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخت کردیم. آقای دکتر فرزین در خصوص پرداختی که طبق ماده 8 به بخش تولید [سایر شرکت های مشمول دریافت یارانه] که موضوع گفت‌وگوی ما است، صحبت کرده بودند. لذا هم من آمار را درست اعلام کردم و هم آقای دکتر فرزین. به جنابعالی خرده نمی‌گیرم، چرا که انبوهی از آمار و اطلاعات وجود دارد و از سوی یک کارشناس هم ارائه می‌شود [پس مغایرتی در آمار وجود ندارد].

مجری - چرا همان موقع تماس نگرفتید این موضوع را اعلام کنید؟

فردای آن روز اگر تماس می‌گرفتم پخش می‌کردید؟

مجری - بله حتماً...

پس من اشتباه کردم که تماس نگرتم.

مجری - آقای دکتر، در حساب هدفمندی، قبلاً هر اداره‌ای مثل برق، آب و گاز، کالا یا خدمت خود را می‌فروخت، پولش را خودش دریافت می‌کرد، اما از زمان آغاز هدفمندی، گفتند هم پول اولیه و هم پول هدفمندی وارد خزانه شود و بعد از تفکیک، پول شرکت‌ها پرداخت شود. خیلی از شرکت‌ها اعلام می‌کنند پول ما را نپرداختند.

ببینید، اولین سؤال من از شما این است که آیا شرکت‌های دولتی می‌توانند حساب‌های خارج از خزانه داشته باشند؟

مجری - خیر!

پس چگونه می‌گفتند ما قبلاً به دولت نمی‌دادیم اما بعد همه آن را به دولت دادیم! درست می‌گویند! یکی از اقدامات خوبی که خزانه‌داری و وزارت امور اقتصادی و دارایی در این دوره انجام داد همین بود که البته اگر حمایت شخص دکتر احمدی‌نژاد نبود، این کار انجام نمی‌شد. وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی سرجمع‌دار [پولی و مالی] دولت هستند و آنها هستند که باید دولت را سرجمع اداره کنند. اما وزرای دیگر قصد دارند کار و خدمت کنند و کاری ندارند که رشد نقدینگی یا کسری بودجه چیست؟ در اینجا اگر رئیس‌جمهور از این افراد فرابخشی [سر جمع داران] دفاع نکند فاتحه خزانه و نظم مالی کشور خوانده شده است. یکی از کارهایی که کردیم این بود که حدس زدیم از فردا که قیمت‌های حامل‌ها افزایش می‌یابد، پول را از مردم می‌گیرند، اما در خزانه دولت چیزی وارد نمی‌شود که به مردم برگردانده شود، لذا یک بخشنامه محکم [صادر شد] و عزم جزم صورت گرفت تا تمام منابع طبق قانون وارد خزانه شود و من امروز به ضرس قاطع عرض می‌کنم به‌رغم همه تلاش‌هایی که صورت گرفت بسیاری از این منابع به خزانه برگردانده نشد، که اسناد و ارقام آن نیز موجود است. به عنوان مثال دستگاه x و y صادرات داشته‌اند و ارز خود را مستقیم به پیمانکار داده‌اند، که این خلاف است. همین حالا هم دارند این کار را می‌کنند. به عبارتی آنها پول را وارد خزانه نکرده‌اند.

مجری - حساب و کتاب این‌ها را چه کسی نگه می‌دارد وقتی پول وارد خزانه نمی‌شود؟

اولاً یک وقفه سنگین وجود دارد که تشخیص دهید پول وارد خزانه نمی‌شود، بعد که تشخیص داده شد دیگر زمانی است که پول رفته است. همین‌جا اعلام می‌کنم که یک جلسه تشکیل شود و یک مقام مسئول از دولت بیاید در خصوص منابع و مصارف هدفمندی ریز به ریز بحث کنیم. من همین حالا آمادگی دارم، اما شما آمادگی ندارید. به هر حال با آقای دکتر فرزین صحبت کردم. ایشان آماده است در خصوص منابع و مصارف هدفمندی به تفکیک با یک مقام مسئول دولت مناظره کند. کارشناس - یک نکته چند بار از سوی شما، دکتر فرزین و دکتر احمدی‌نژاد مطرح شده است که منابع و مصارف هدفمندی با یکدیگر مطابقت داشته است و تنخواهی هم که از بانک مرکزی گرفته شده، پس داده شده است. اما آمارهای موجود این را نشان نمی‌دهد. مثلاً همین حالا اعلام شده ماهی 1800 میلیارد تومان از هدفمندی درآمد داریم و فقط پارانه

نقدی که پرداخت می‌شود بیش از 3 هزار میلیارد تومان است. این مابه‌التفاوت‌ها در این سال‌های گذشته چگونه پرداخت شده است؟ مثلاً گفته می‌شود اوراق مشارکت فروخته شده یا به حساب یارانه‌ها واریز شده است یا مثلاً منابع داخلی وزارت نفت. اما همچنان قویاً می‌گویید منابع و مصارف با هم می‌خوانده است. حیفم می‌آید این را نگویم. صندوق بین‌المللی پول برای خود ابهت زیادی قائل است و می‌داند که زیر بلیت من یا دکتر احمدی‌نژاد نبوده است. اگر زمانی دولت قبل آن قدر بانفوذ بود که صندوق بین‌المللی پول زیر نفوذ آن بود و به خواست این-ها [دولت ما] گزارش رسمی منتشر می‌کرد که خیلی قابل تقدیر بود. صندوق بین‌المللی پول در دو سال گذشته، اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها را به عنوان تجربه موفق بشری و الگو معرفی کرده است، زیرا می‌داند که بر اساس گزارش دستگاه‌های بخشی ایران، اگر سهمیه‌بندی و هدفمندی اجرا نمی‌شد تنها در بنزین، امروز بالغ بر 130 میلیون لیتر مصرف داشتیم که سالانه مابه‌التفاوت آن نسبت به چیزی که امروز وجود دارد بالغ بر 20 هزار میلیارد تومان می‌شود. البته ارز را 1000 تومان و بنزین را لیتری [یک دلار یا] 1000 تومان در نظر گرفتیم. متوسط قیمت بنزین از 100 تومان به 500 تومان رسید. من در محاسبه ی صرفه جویی 20 هزار میلیارد تومان فرض کردم اگر قیمت بنزین همان 100 تومان باقی می‌ماند و نرخ ارز تغییر نمی‌کرد.

مجری - 100 تومان سال 89 با سال 91 متفاوت است. پس یعنی ما باید 120 میلیون لیتر مصرف می‌داشتیم!

نه. آمارها و گزارش‌های رسمی آن موجود است. حساب شده بود 120 میلیون لیتر در سال 90، که تقریباً سالی 10 میلیون لیتر به آن افزوده می‌شد. کارشناس - کدام گزارش را می‌گویید؟ یک گزارشی بود که سه نفر آن را تهیه کرده بودند که یکی از آنها دکتر فرزین بود. من گزارش داخلی را می‌گویم. هدفمندی یک برنامه بسیار موفق و بزرگ بود. اگر اجرا نشده بود کسری 65 میلیون لیتر بنزین مصرف در روز را از کجا و چگونه می‌خواستیم وارد کنیم؟ در حالی که نمی‌گذارند نفت‌مان را بفروشیم یا منتقل کنیم. کدام کشور به ما بنزین می‌فروخت و چگونه به کشور وارد می‌کردیم؟ این‌ها بحث‌های بسیار گسترده‌ای هستند.

مجری - آقای دکتر، در مورد درآمدهای هدفمندی، هیچ وقت پول اوراق مشارکت را به حساب یارانه‌ها نریختید؟

خیر. من جمعه مسافرت بودم و غروب بود که برگشتم و بخشی از برنامه تلویزیونی شما را دیدم. جنابعالی چند بار فرمودید هدفمندی بیش از 900 میلیارد تومان در ماه نمی‌تواند پرداخت کند.

مجری - ما گفتیم 1800 میلیارد تومان در ماه درآمد دارد، اما طبق قانون 50 درصد می‌تواند یارانه نقدی واریز کند که می‌شود 900 میلیارد تومان.

اجازه هست حرف‌های شما را تکمیل کنم؟ موافقید قانون بودجه امسال را ملاک قرار دهیم. مگر غیر از این است که 11 هزار و 200 میلیارد تومان فقط برای کالاهای اساسی، گندم و یارانه‌های پنهانی که قبلاً به آن شفاف‌سازی انرژی گفته می‌شد، در قانون برای پرداخت هدفمندی پیش‌بینی شده است. فراموش کردیم؟

گندم را کیلویی 350 تومان از کشاورز می‌خریدیم و آرد را کیلویی 7 تومان می‌فروختیم و به مردم یارانه [کالایی] می‌دادیم. یارانه ی فقط این عدد در بودجه 4000 میلیارد تومان است. لذا این عددی که شما اعلام کردید، چگونه محاسبه کرده اید؟

مجری - عددی که در آن برنامه اعلام شد از سوی آقای دکتر جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در مراسم روز جهانی استاندارد اعلام شده بود.

به هر حال اگر بنده حسینی در خصوص اصل 44 قانون اساسی صحبتی کردم، [مستند حرف می‌زنم] این کتاب را نوشتم تا در تاریخ بماند. از ساخت برنامه پایش بسیار تشکر می‌کنم و از اینکه این تریبون را در اختیار من قرار دادید [چون می‌دانم برای شما تبعاتی به همراه دارد] همان‌طور که ما در آن دولت ناراحت می‌شدیم، مطمئنم این دولت چند برابر ناراحت می‌شود، از دست من هم ناراحت می‌شوند. اما ما در این کشور مسؤول هستیم. سال 1392 برآوردهای بودجه در خصوص پرداخت یارانه نقدی این بوده است که 30 هزار و 400 میلیارد تومان از محل اصلاح قیمت‌های آب، برق، گاز و فرآورده‌ها و 11 هزار و 200 میلیارد تومان نیز از محل یارانه‌های بودجه پرداخت کنیم. لذا می‌بینید که وقتی به آمار احاطه نداریم این‌گونه می‌شود. ای‌کاش این را می‌گفتید که نقل قول از دیگری کردید. من احساس کردم شما رفتید محاسبه کردید و عدد خود را اعلام می‌کنید. اما اکنون متوجه شدم این آمار از مرجع دیگری اعلام شده است. این بحث را موکول کنید به یک جلسه مستقل که آقای دکتر فرزین می‌آیند. اما خدمت شما ارقام را عرض کردم: 30 هزار و 400 میلیارد تومان، 11 هزار و 200 میلیارد تومان منابع حاصل از هدفمندی است و 42 هزار و 300 میلیارد تومان مخارج آن. [پس کسری اعلام شده صحیح نیست.]

مجری - یعنی امسال نیز درآمد هدفمند کردن بیش از مصرف است؟

بله، البته یکی دو نکته وجود دارد. اولین نکته این است که باید خزانه را سفت گرفت و از آن حمایت کرد تا منابع به آن واریز شود و رک می‌گویم که وزیر اقتصاد و معاونت برنامه‌ریزی به تنهایی قادر نیستند این را انجام بدهند

مجری - مگر ذی‌حساب وجود ندارد؟

ذی‌حساب مربوط به زمانی است که پول وارد حساب شود. من اعلام کردم دستگاهی 2 میلیارد دلار خدمتی را صادر کرده است، حدود 500 میلیون دلار آن گردش خزانه داشته است، به عبارتی یک میلیارد و 500 میلیون دلار آن گردش خزانه نداشته است. حال به نظر شما ذی‌حساب در این بین چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ مجری - چه میزان از این پول‌ها وارد خزانه نمی‌شود؟ برآوردی ندارم.

مجری - لطفاً تخمین بزنید.

فکر می‌کنم رقمی حدود شاید 15 تا 20 درصد می‌تواند باشد. اما باز هم می‌گویم فقط یک برآورد است. یکی دو اتفاق هم افتاد که **تعادل مصارف و منابع** را بر هم زد، البته نه در حد این اعداد. زمانی که

می‌خواستیم قانون هدفمندی را اجرا کنیم موضوع از این قرار بود که طبق قانون 50 درصد از این منابع برای پرداخت به خانوارها برود و 20 درصد برای دولت و 30 درصد نیز برای تولید برود. خاطرتان هست پیشنهاد ما چه میزان بود؟ پیشنهاد ما 65 درصد برای خانوارها بود. ضمن اینکه 10 درصد از هر کدام این‌ها بتواند جابه‌جا شود که مجموعاً پرداخت به خانوارها بشود 85 درصد، اما یک‌باره یک تفسیر دیگر پیش آمد «تفسیر دیگر این بود که 14/5 درصد منابع مربوط به سهم شرکت نفت از محل فروش ریالی در داخل کشور و همین‌طور عوارض مربوط به مالیات بر ارزش افزوده که قبلاً بر پایه‌ی قیمت‌های قدیم - به‌طور مثال 100 تومان بنزین - گرفته می‌شد، حال باید به قیمت‌های جدید پس از هدفمندی محاسبه شود و از سرجمع منابع هدفمندی کسر شود. رئیس‌جمهور وقت آقای دکتر احمدی‌نژاد به این نکته پی‌بردند و گفتند این مثل آن است که ما صد واحد به دلیل بالا بردن قیمت‌های انرژی از مردم پول بگیریم و بعد، 20 تا 30 واحد آن را فقط به خاطر سهم جدید شرکت نفت و عوارض کم کنیم، حال از 70 درصد باقیمانده نیز تنها 50 درصدش را به مردم برگردانیم. یعنی 35 واحد از کل پول گرفته شده از مردم را برگردانیم. یعنی 100 واحد افزایش قیمت به مردم تحمیل کنیم و 35 واحد آن را جبران کنیم. این یعنی فشار بر مردم و مردم نمی‌توانند تحمل کنند و من نمی‌توانم این فشار را به مردم منتقل کنم. این امتناع و پافشاری دکتر احمدی‌نژاد سبب شد که تفسیری از سوی کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی در مجلس انجام شود و در صحن به رأی گذارده شود که هم 14/5 درصد سهم شرکت نفت و هم مالیات و عوارض مربوط به قانون ارزش افزوده به مأخذ قیمت‌های قبل از اجرای قانون به عنوان منابع عمومی بودجه منظور شود و منابع حاصله جدید سهم سازمان هدفمندی است، لذا مشکل حل شد. اما امسال دوباره این تفسیر کنار گذاشته شد و قدری عدم تعادل به وجود آورد.

مجری - ما هم آمادگی داریم مناظره روز جمعه را همین مسئله قرار دهیم.

البته نه به شکل متعارف آن. یک مقام مسئول از دولت جدید و آقای دکتر فرزین از ستاد هدفمندی یارانه‌ها [از دولت قبل] مجری - آقای دکتر، چند سؤال کوتاه از شما می‌پرسم. خیلی از آمار و ارقام صحبت کردیم که باعث خسته شدن مردم شد. پنج سال کار در دوران سخت وزارت اقتصاد چه تجربیاتی برای شما داشت؟ تجربه خیلی زیادی داشت که ارزش آن را دارد پیگیری کنم تا به جوانان این مملکت منتقل کنم.

مجری - مهم‌ترین توصیه‌تان به دکتر طیب‌نیا چیست؟

خودشان را بیشتر به رئیس‌جمهور نزدیک کنند تا بتوانند وظایف فرابخشی خود را بهتر انجام دهند.

مجری - بهترین و بدترین خاطره این پنج سال چه بود؟

هیچ خاطره بدی ندارم ولی در کل، شوک‌های ارزی که اتفاق می‌افتاد من را خیلی می‌رنجانند.

مجری - بهترین خاطره‌تان مربوط به روزی می‌شود که مجدد از مجلس رأی اعتماد گرفتید؟

خیر، فرصت نیست توضیح [کامل] دهم، اما شاید تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره من از نظر عاطفی همین بود. چرا که جمعه قبل از استیضاح دخترم که آن موقع چهارم دبستان بود وقتی در جریان قرار گرفت، خیلی ناراحت شد و گفت بابا می‌خواهند تو را مانند [مرحوم] کردن کنند. خیلی گریه کرد و من سعی کردم او را آرام کنم اما قانعش نکردم. استیضاح برگزار شد و من رأی اعتماد گرفتم و به منزل برگشتم. وقتی منزل خلوت شد و مهمان‌ها رفتند، همسرم گفت می‌خواهم برایت موضوعی را تعریف کنم که حالا وقتش است. گفت: شنبه [فردای آن روز] دخترمون گفته من مقصر هستم که این بلاها سر بابا آمده است. همسرم گفته چه ارتباطی به تو دارد؟ گفت سال 88 که با هم به حج عمره رفته‌ایم، مادر بزرگم به من گفته بود چون اولین بار به مکه می‌روی چشمت به پرده کعبه افتاد، هر آرزویی از خدا داشته باشی آن را برآورده می‌کند. من آرزو کردم پدرم دوباره وزیر شود و خدا به حرف من گوش کرد و چون من این را از خدا خواستم، پدرم وزیر شد، حال این بلاها سر پدرم می‌آید. خیلی برای من تلخ بود. چون من درک داشتم استیضاح یک پدیده سیاسی، اجتماعی است و چیز بدی نیست. اتفاقاً آن شب، یعنی شب بعد از استیضاح من با غصه خوابیدم و صبح که از خواب بیدار شدم از همسرم جویای دخترم شدم، گفت وقتی خواسته است، برای صبحانه بیاید، گفته من سه روز، روزه نذر کردم و نذرم برآورده شد و روزه به مدرسه رفته بود [این برای من شیرین بود].

مجری - آقای دکتر، اگر به مرداد 87 برگردیم کدام کارها را نمی‌کنید؟

نام نمی‌برم اما شاید برخی از انتصابات را انجام نمی‌دادم.

مجری - کدام کارها را با جدیت انجام می‌دادید؟

من چند چیز را تجربه کردم و مهم‌ترین آن این است که هیچ برنامه اقتصادی در این کشور با موفقیت کامل اجرا نمی‌شود و هیچ موقع نمی‌توانید برنامه‌ها را مطلوب اجرا کنید، مگر اینکه اقتصاد ایران شفاف شود. اقتصاد ایران از عدم شفافیت رنج می‌برد. همین مسئله اخیری که تحت عنوان لغو پیمان سپاری ارزی مطرح می‌شود و عده‌ای ادعا کردند لغو شود یا همین مسئله معافیت مالیاتی از مصادیق آن است که نه الزام مالیاتی برای صادرکنندگان وجود دارد و نه پیمان سپاری ارزی در کار است. فقط این است که طبق یکی از احکام قانون برنامه پنجم، شرط برخورداری از هر گونه معافیت مالیاتی، ارائه اظهارنامه است [دینفعان از ارایه اطلاعات و اظهارنامه طفره می‌روند ولی اینگونه جوسازی می‌کنند].

مجری - تبصره‌ها معمولاً قانون را نقض می‌کنند.

خیر! قانون صریح است و باید اجرا شود، باید اظهارنامه بدهند و بدانید اگر خواستید روزی هدمندی را کامل اجرا کنید و بخواهید طبقات درآمدی را شناسایی کنید، باید بدانید طرف چه‌کاره است، چقدر درآمد دارد و...

مجری - یعنی اظهارنامه‌ای که هیچ مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد هم مردم راضی نیستند ارائه کنند.

خیر! چون مردم طیف وسیعی هستند. گروه های خاصی نمی خواهند اقتصاد ایران شفاف شود.

مجری - آینده اقتصاد ایران را روشن می بینید یا خیر؟

حتماً روشن می بینم. علتش هم این است که اگر آینده اقتصاد ایران روشن نبود اینگونه با آن در نمی افتادند.

مجری - در مورد سوء تفاهم هایی که این روزها در خصوص آمارهای اقتصادی مطرح است چه نظری دارید؟

بخشی از آن بلاوجه [بی اعتبار] است و بر می گردد به اینکه آمار در دو تاریخ متفاوت منتشر شده است و برخی به دلیل این است که برخی از افراد غیر فنی در گزارش های فنی ورود می کنند. البته برخی از اینها طبیعی است. کسی که دولت را تحویل می دهد می خواهد روی نقاط قوت بیشتر صحنه بگذارد [و کسی که دولت را تحویل می گیرد می خواهد شرایط را سخت تر جلوه دهد].

مجری - اگر دکتر طبینیا بخواهند به ایشان کمک کنید این کار را می کنید؟

به دکتر طبینیا علاقه مند هستم، چرا که دوستی ما دوستی قدیمی است. اگر بخواهند کمکشان می کنم ولی این ربطی به این ندارد که من در دولت کار می کنم یا نمی کنم. یک وقت سوء تفاهم پیش نیاید. آقای دکتر طبینیا یک همکار دانشگاهی و دوست ما در دولت های قبل بودند. طبعاً من به تمام وزرای سابق اقتصاد ارادت داشتم و به ایشان هم ارادت دارم.

کارشناس - بیننده ای پرسیده اند با توجه به تورم 40 درصد، رتبه چندم دنیا هستیم؟ اقتصاد دنیا را بر اساس معیارها و شاخص هایی اندازه گیری می کنند. وقتی گفتیم اقتصاد ایران اقتصاد هفدهم دنیا است **بر اساس PPP اعلام کردم.** [اکنون هم ملاک همان است]. کارشناس - پرسیده اند آمار سازمان ملل را اعلام می کنید، آیا بقیه آمارهای بین المللی را نیز قبول دارید؟ قطعاً همین طور است. اما این به آن معنی نیست که اگر جایی ایرادی دیدیم سکوت کنیم. کارشناس - پرسیده اند درآمد 800 میلیارد دلاری این چند سال می توانست بیکاری را ریشه کن کند و مشکلات را حل کند، چی شد؟ نمی دانم شغل این دوست ما چیست، اما کافی است به این توجه کند چه میزان در طول سال در کشور وارد بازار کار می شوند و نرخ رشد حدود 3/5 درصدی جمعیت در دهه اول انقلاب امروز چه تقاضایی برای بازار کار ایجاد می کند.

کارشناس - گفتند اینکه مسکن مهر تورم 40 درصدی ایجاد کرده است را قبول دارید؟ بحثی وجود دارد و آن اینکه می گویند رشد نقدینگی در دولت آقای احمدی نژاد افزایش یافته است. طبق آمار در سال 84، 92 هزار میلیارد تومان میزان نقدینگی کشور بوده است که در پایان سال 1391، 460 هزار میلیارد تومان بوده است یعنی در واقع 5 برابر یا به عبارتی 400 درصد رشد کرده است.

در برنامه‌ای یک عزیزی گفته بود از اول ابوالبشر یا به عبارتی از ابتدای زمانی که سیستم پولی در کشور اجرا شد تا شروع دولت نهم، نقدینگی 90 هزار میلیارد تومان بوده است، اما در این هشت سال، 460 هزار میلیارد تومان شده است. درست است، اما آیا این اتفاق اولین بار است که در اقتصاد ایران افتاده است؟ سال 1368 نقدینگی ایران 1880 میلیارد تومان بوده است. این عدد در سال 1375، به 11 هزار و 700 میلیارد تومان رسیده است یعنی حدود 6/2 برابر و 520 درصد رشد کرده است. می‌توانیم بگوییم از اول تاریخ تا سال 1368، کلاً دو هزار میلیارد تومان کمتر نقدینگی داشتیم، اما در طول هشت سال یک‌باره به 11 هزار و 700 میلیارد تومان رسیده است. در سال 1376 تا سال 83 نقدینگی 410 درصد رشد کرده است. متأسفانه در سال 84 تا 91 نیز 400 درصد رشد کرده است، اما از آن دو دوره کمتر بوده است. وقتی متوسط نرخ رشد نقدینگی در کشوری طی چند دهه بالای 25 درصد است، هر سه سال یک‌بار 2 برابر، هر 6 سال یک بار 4 برابر و هر 8 سال یک‌بار، 6 برابر می‌شود. این اتفاق جدیدی نبوده است. اما در عوض اگر یک تحلیل ساختاری داشته باشیم، باید بپذیریم که رشد نقدینگی در مسکن مهر تخلیه شده است. بله در این دوره یکی از عوامل رشد نقدینگی مسکن مهر بوده است، اما اتفاقی که افتاد، این بوده است که منابع به سمت مسکن مهر رفته است. وگرنه در دوره‌های قبل که مسکن مهر انجام نشده است چرا این رشد نقدینگی ایجاد شده؟ دیدید که در دوره‌های گذشته بالاتر از 8 سال قبل بوده است.

مجری - اگر مسکن مهر یا نقدینگی باعث تورم نبوده است، پس این تورم بالای 40 درصد از کجا آمده است؟

من یک نمودار و گزارش را همراه خود آوردم. سال گذشته [آبان ماه سال 1391] تحقیق جامعی را همکاران ما در وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی انجام دادند و این موضوع را بررسی کردند که توضیح می‌دهم. من نگفتم نقدینگی عامل تورم نیست. می‌خواستم این را مطرح کنم که آن حرفی که زده شد که نقدینگی از زمان تاریخ پولی تا آن تاریخ آنقدر بوده بعد چند برابر شده است مسئله‌ای است که متأسفانه هر چند سال یک‌بار در تاریخ ایران تکرار می‌شود.

آن مطالعه دو دوره بحرانی را در اقتصاد ایران مورد ارزیابی قرار داد؛ یکی سال‌های 73 و 74 بود که نرخ رشد نقدینگی در سال 73، 28/5 درصد، نرخ رشد ارز 47/7 درصد و تورم 35 درصد شد. دیگری سال 74 بود که در این سال نرخ رشد نقدینگی 37/6 درصد، نرخ رشد ارز 51 درصد و تورم 49/4 درصد بود. یعنی حدود 50 درصد که بالاترین نرخ تورم در تاریخ کشور بوده است. در سال 91، نرخ رشد نقدینگی حدود 30 درصد با وجود شوک‌های ارزی بود که تورم نیز حدود 30 درصد شد. در هشت ماهه سال 91، نرخ رشد نقدینگی 20/2، نرخ رشد ارز در بازار آزاد 65 درصد و تورم 26 درصد بود. بررسی و تحقیق ما حکایت از آن داشت که اگر چه نقدینگی یک پتانسیل تورمی است، ولی هرگاه در اقتصاد ایران به دلایل مختلف از جمله **تنوری برابری قیمت‌ها (price parity)** و به خاطر وابستگی زیاد تولید ما به واردات، شوک ارزی همراه با رشد نقدینگی شود حتماً سبب تورم بالفعل

می‌شود. بر اساس مطالعات کارشناسی مشکل اصلی تورم در اقتصاد ایران در دو سال اخیر ربطی به هدفمندی نداشته و ندارد و مربوط به شوک ارزی است. حال اینکه شوک ارزی چگونه در سال گذشته برای اقتصاد ایران یک زحمت بود و منجر به افزایش قیمت‌ها شد بماند. اما امروز برای صادرات و تولید ما یک رحمت است که دولتمردان وقت نیز به شدت با کاهش آن مقابله می‌کنند. الحمداله سختی‌هایش را ما کشیدیم و اما [حالا منفعتش را می‌برند]

کارشناس - نظر شما را درباره تأثیر عملکردتان بر روزمره زندگی پرسیده‌اند؟ یا مثلاً پرسیده‌اند از نظر شما وضع زندگی مردم در دوران کاری شما بهتر شده است؟ من به استناد آماری که کاملاً شناخته شده است [درآمد سرانه بر حسب برابری قدرت خرید] و به استناد ضریب جینی، اعلام می‌کنم که وضع عمومی مردم در کل بهتر شده است. البته دو شوک تورمی که داشتیم وضع را کمی سخت کرد، اما بر اساس شاخص توسعه انسانی و هم به استناد ضریب جینی که در مناطق شهری در سال 91، به کمتر از 36 درصد و در روستاها به کمتر از 34 درصد رسیده دستاورد ما بوده است. قبلاً هم گفته‌ام حوزه کاری من مشخص است، وزیر اقتصاد مسئول بازار سرمایه بوده است. گمرک، مالیات و بیمه نیز در اختیار وزیر اقتصاد بوده است که می‌توانند مردم قضاوت کنند. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که همه ما در دولت به یک اندازه مسئول بودیم، اما برخی از کارهایی که حتی افراد دیگر در بیرون دولت انجام دادند به نام ما نوشته شد. کارشناس - پرسیده‌اند چه قدر از قول‌هایی که دادید عمل کردید؟ بهتر است بپرسید کدام قولی را که دادم عمل نکردم. البته برایم جذاب‌تر و شیرین‌تر بود که برخی از شوک‌ها و تکانه‌هایی که از خارج به ما تحمیل می‌شد نبود و ما با شرایط بهتری کشور را اداره می‌کردیم. دلیلی ندارد و نمی‌شود من تک تک هموطنان خوبم را توجیه کنم، به ویژه اینکه همواره انبوهی از اصوات و تصاویر وجود دارد که خیلی از آنها بی‌پایه است و می‌تواند ریشه بی‌دقتی و بی‌انضباطی و حتی خدایی نکرده ریشه سیاسی داشته باشد.

مجری - چند اسم است که من آن‌ها را اعلام می‌کنم و می‌خواهم احساس خود را نسبت به آن‌ها بیان کنید.

پژویان؟

استادی صریح راست است که دکتر پژویان می‌گفتند در دولت قبل حتی یک دقیقه هم نه کار کردم و نه مشاوره دادم؟ (این مطلب را در مناظره جمله بیان کردند) برخی در کشور ما برای خود طامات می‌یافتند. یعنی چون فکر می‌کنند دکتر پژویان استاد بنده بوده است پس ایشان هر چه گفتند گوش کردم یا حتی هر چه ایشان گفتند و من پذیرفتم، دولت قبول کرده است. این کم لطفی بود مخصوصاً اینکه مطلع شدم در جلسه مناظره شما به ایشان بی‌احترامی‌هایی هم شده است. دانشجوی‌های من در سر کلاس از این موضوع ناراحت بودند. ایشان عضو ستاد هدفمندی نبودند، اما در خصوص شورای رقابت از ایشان خواهش کردم تشریف بیاورند و از انتصاب خود بسیار راضی هستم. راغفر؟ ایشان را نمی‌شناسم. خاوری؟

باید می‌ماند. بابک زنجانی؟ نمی‌شناسم. توکلی؟ صریح ولی بعضی اوقات... لاریجانی؟ سیاستمدار روحانی؟ شاید وقتی دیگر احمدی‌نژاد؟ چه جوری به شما بگویم؟ بگذارید بگویم، دارای مروت

مجری - یک دقیقه فرصت دارید صحبت‌های خود را جمع‌بندی کنید؟

سه جزوه تقدیم شما می‌کنم، یکی کتابی است تحت عنوان "مهرگان" که شامل بخش‌هایی از هشت سال خدمت ماندگار دولت‌های نهم و دهم در قالب پرسش و پاسخ است و دیگری کتابی است تحت عنوان "نقش و جایگاه دولت در اقتصاد"، با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی". در این راستا خیلی حرف داشتم، چون فکر می‌کنم در بحث‌هایی که امروز انجام می‌شود به قانون توجه نمی‌شود. و کتاب دیگری است که به کمک دکتر فرزین و کارشناسان دیگر در خصوص موضوع مهم دیگر تحت عنوان "هدف‌سازی یارانه‌ها" نوشته شده را تقدیم می‌کنم. تراز نامه بانک مرکزی را هم اگر لازم شد از بانک مرکزی بگیرید، چرا که جزء اسناد رسمی و محرمانه است. البته یک بار دیگر همان گونه که در بدو مصاحبه هم گفتم، تصریح می‌کنم که همه باید فضای حمایت از دولت را ادامه دهیم. اداره ی کشور سخت است، ولو اینکه دولت جدید، هر دلار درآمد نفتی را به جای 1226 تومان، 2500 تومان بفروشد. البته امیدوارم فضا به گونه ای باشد که در گذشته نمایم و در جلسه ی بعدی برای حل مشکلات پیش رو با همکاران دولت گفت و گو کنیم.

انتهای پیام/

این سه یعنی قدرت خرید، امید به زندگی و آموزش به لحاظ اندازه و بخصوص، جهت گیری های آن با هم هم سانی و هم خوانی ندارد، ضمن اینکه آثار این ترقیات علمی و فنی در معیشت مردم چه بوده است -
(مولف)

قاعده مثلث " قدرت خرید، امید به زندگی، آموزش های توسعه دهنده" از شاخصه های مهم پیشرفتگی همه جانبه و مشخص کننده محورهای لنگرهای بازدارنده کشور فساد و چپاول گری و بردارهای هم زمانی، هم جهت، همگرا و هم افزای توسعه همه جانبه اقتصادی - اجتماعی هر مملکت است و مدیری که نسبت به دانش غریبه باشد، برای مدیریت نباید مجوز داشته باشد برای نه اینکه قادر نیست با این بی سوادی دانش مفید محور وبدون تحلیل های فنی وبخصوص در حوزه متافیزیک قوت واستعدادی در بخش های کشور تامین نماید بلکه همین نادانی موجبات خنثی سازی این مولفه های مهم شده و فقر و بدبختی را نصیب کشور میکند.

اصولاً بررسی شاخص های اقتصادی هر یک به تنهایی گول زننده است یک مجموعه از شاخص که یک منظومه بهم پیوسته ومعنی داری را در همگرایی ها، هم افزائی ها و تزیاید ارزش افزوده ای را با علیت تراکمی فراهم میسازد، میتواند راهنمای رهبری مدیریت بوده و اصولی که از تحلیل فنی زایش میکند، بیان شود واز اندرز گوئی های کلی پرهیز شده ورشته ای تحصیلی متوسطه و عالی برای دانش آموزی ومهارت های ایجاد گردد، در ایران درمورد غفلت های فراوان شده است، لذا نمی تواند ادعا کرد که

جامعه دارای توان های موقوم است ، این موضوعات هیچ ربطی به تحریم های آمریکا نداشته ، بلکه تحریم موجب میشود که مولفه ها و جهت گیری های اقتصادی - اجتماعی خود را با ماهیات و ساختار های غیر غربی و بیگانه با روش ها و سیستم های دشمن گزینش نمایم که قدرت های متوازن کشور ما نظیر قدرت دفاعی برای جهان و حتی خود دشمن الگو ساز باشد ، البته این سواد زیادی لازم دارد که به لحاظ مدیریتی در مدل جهانی این مبدع به عنوان (UKRM) آمده است و با صدها مقاله و رساله و نامه به ارکان کشور ارسال شده و گویا خواب آلودگی یا غرور و یا مشاوران و مدعیان غرب زده ، این مراد ها مرید نکردند که همین خصلت های غیر خدائی ، روزگاره سختی برای کشور ما بوجود آورده و هنوز هم در مقابل نقد های نجات بخش ، رگ گردن خیلی ها بر جسته میشود ، گویا در این رگ ها از معیت خدای منان ، خبری نیست.

برخی از این احکام بصورت ناقص در اسناد توسعه ، برنامه های دولت ها و توصیه ای استصوابی آمده است ولی یا عمل نشده و محکوم به بایگانی شده و یا سیطره قدرت ها و دست های نامرئی بازدارندگی ساختار یافته از سیر توسعه و توصیه های مراد ما امام خمینی (ره) ، به سلطه نامرئی رسیده است که از نظر من این مطلب اخیر محتمل تر است ، باید استغاثه کنیم به خدای مهربان که بخاطر قرآن ، اسلام ، حضرت مهدی (عج) ، امم خمینی و سایر مقدسات مرتبط به حکمرانی حکیمانه این اقیانوس معرفت ، مارا یاری دهد که برای بکارگیری چاره اندیشی های منقدین راستین به فریاد ما برسد ، این خصایص الهی وقتی به شاخص ها و مناط های فنی و استاندارد های معنوی تبدیل گردید میتوان قبول کرد کاری انجام شده و امید داشت که فرهنگ اسلامی به مهندسی تبدیل شده که متاسفانه نه در قانون خبری است ، نه در دستور العمل ، و نه در ماهیات و ساختار حکمرانی که با صدها نامه به مصادر امور و مسئولین ارسال شده است ، اگر مردم بدلیل نبودن فرهنگ نهادینه شده از دستورات بهداشتی سر باز میزند ، سفید کردن نقشه کشور با رنگ های آمیزی تعداد بیماران کرونائی و مرگ و میر آنها را رفع نمیکند ، کشور هائی که خطه سفید دارند ، این فرهنگ مردم است که با اعتماد به دولت و نصایح رهبری ، سمعاً و طاعتاً میگویند و کرونا را شکست میدهند ، این فرهنگ فعلاً در اختیار تموج های سیطره بیان شده فضا سازی شده است.

تولید ناخالص داخلی (GDP) و سرانه آن که حاصل فروش نفت خام و کشاورزی و بعضی اقلام مورد نظر دولت است ، کاری به شاخص های فاصله درآمدی ، کاخ نشینی ، کوخ نشینی ، معیشت مردم و... ندارد ، یک شاخص فریبنده از اقتصاد منسوخ شده است که بدرد رتبه بندی های دولتیان در گزارشات هدف دار جهانی میخورد و حقیقت نما (Truthful view) نیست و بر حسب حقایق موجودیت های یک کشور ، واقعیت نما (Realistic view) نیست مایه دل خوشی نمایش دولت خواهان است ، این گونه اعداد و ارقام آماری ورتبه سازی ، برای مردم بیکار ، فقیر ، بی مسکن و غیره ، نان و آب نمی شود ، بخش های که توسط خداوند رحمان از زیر زمین و آسمان برای مردم سرازیر شده ، ماهیت و بنیه تولید ناخالص داخلی را تشکیل میدهد ، این چند نرخ رشد از این شاخص جدا کنید ، ببیند ، توی کاسه چقدر میماند ، ژاپن خام میخورد و محصولات پر ارزش را صادر میکند و از دست رنجهای مردم ، خلاقیت ، رشد تولید ؛ ارزش افزوده ؛ با آن کشور خالی از منابع ، پر سونامی ، زلزله دائمی ، ولی مردمی کوشا و ساعی که

همان حکم خدا و قرآن است و سومین کشور اقتصادی دنیا ، چرا تدابیر مدیریتی این کشورا تدریس نمی کنید و چرا مطابق با استاندارد های این کشور عمل نمی کنید ، یا مدیریتی الگویی بر اسلام بنا نمی کنید ، حداقل به الگوهای دلسوزان انقلاب وقعی نمی نهید و ارزش قائل نمی شوید!.

بدیهی است که مهمترین عامل سرمایه کشور نیروی انسانی آنست ، که باید از متغیرهای متافیزیکی وایدئولوژیک ، علم النفسی ، عقل برهای حجت نما برخوردار باشد ، که در دوره انقلاب بهمین نحو ، قدرت دفاعیه کشور بوجود آمد ، قوت نظامی ایران فقط قدرت فیزیکی نیست وآنقدر که توان ایمان وتقوا در ماهیات وروحیه نظامی این قدرت نقش دارد ، نقش فیزیکی آن نیست ، با دست خالی با تمام دشمنان شرق و غرب در میدان نبرد جنگیده واز مهین وناموس وطن دفاع جانانه کرده ویک وجب خاک کشوررا از دست ندادن مسئله ترهبون آن از نظر دشمن فقط مناط تسلیحاتی ندارد ، **ما چنین رشد مرکبی از فیزیک و متافیزیک والهیات در بخش های دیگر نداریم ، برابر تحقیقات گسترده این ابداع کننده مدیریت نوین ، 90 درصد قوت های یک کشور مدیون متافیزیک بمعنی اعم آن حداقل با 5000 شاخص و 10 درصد مربوط به موضوعات فیزیکی است واین درحالی است که ایران بغير قدرت دفاعی ، بقیه هیبت وساختار فیزیکی دارند وحتى درامور بیولوژیک هم که با نسبت های وابسته ای با متافیزیک دارد ، بخش فیزیکی آن جلوه گر است دلیل آن فراراز الهیات وعقل برهای واقیانوس متافیزیکی علم النفسی انسان است ، انسان آن زمان "من" می پندارند، در آئینه فیزیکی مشاهده میکنند وقدرت مشاهده "من" به جسد ولاشه جسم را ندارند .**

امید به زندگی (life expectancy) در ایران جدا از این فلسفه وجودی در عمل نیست وبا فلسفه قرآنی واسلامی هم خوانی ندارد ونظیر مولفه های آموزشی ، فرهنگي وغيره حاکی از توازن هم افزائی باهم نبوده ودرردیف توان دفاعی وبازدارندگی آن ، حرفی برای گفتن ندارد ، ادعا زیاد است که در موقع عمل لنگان است وآثار خود را نه در اتومبیل سازی ، نه در تولید خام فروشی گسترده کشور به خارجیان به محصولات ضرور توسعه ای وبا کیفیت های برتر تکنولوژیک تبدیل نکرده است ومطلب دراین مورد فراوان که در مقالات ، مدیریت نانه ، رساله وغيره این خبره میان رشته ای آمده ومنتشر شده است ، روزی که کشورهائی نظیر کره جنوبی ومالزی آرزوی داشتند مثل کشور ایران باشند ،خیلی زود گذشت ، آنها آرزوی بزرگتری را در سر پرواوندند که یک قسمت کوچک از آرمان های امام وامت بود ، آنها عمل کردند وما سخنرانی مکرر از امام خمینی(ره) ، تشریفات ، جنبش ها وصحیفه ساختن واز شاخص سازی ، مناط شناسی فنی واستاندارد عملی وارزیابی های تطبیقی بین آنچه هست وباید باشد ، فراموش شد ، ادعا کردیم ، می خواهیم ومی توانیم که بر پایه مبنای باطلی بود ، برای "باید باشد" اول باید توانمند شویم تا خواسته های ضرور خودرا کشف وشهود کنیم ، منابع مادی ومعنوی عظیمی را از دست دادیم که جبران با این کارهای اداری ومعمولی وسرهم کردن ها میسر نیست ، تدابیری سخت وانقلابی مطابق به وزن وسیاق وطرزبندی هائی است که در ادبیات درسی دانشگاهای وسیاست دولتی وحکمرانی فعلی در عمل نیست .

حکمرانی اسلام و بخصوص رسائل امام خمینی (ره) باید به شاخص های عملیاتی ، قانون و مقررات تبدیل شده که امری از خبره میان رشته ونه فقط امور فقهی و اخلاقی و امر ونهی های توصیه ای ، که در مدل آمده است ، بسیاری از آنها جنبه عملی جبری و اجباری داشته و تغییرات ماهوی و ساختاری را می طلبد، تا مطابق با این فلسفه وجودی ، طراحی و برنامه ریزی شود که نمود های فعلی جامعه فعلی که پر از بی تقوائی ، خرید و فروش دختران ، زن دزدی ، کانون های فساد ناصر خسروئی ، فحشاء، مخالفت های علنی با دین و قرآن، مواردیکه به عنوان مثال با شرحی مبسوط در (فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال سوم شماره 12) آمده و نظیر این گزارشات و فصل نامه ، کتاب خانه ها پرکرده و اعتبار اسلامی بودن نظام را زیر سوال برده و مخالفت عملی با تدابیر حکمرانی امام امت (ره) از بخش های مختلف بوده است و حالا مقایسه کنید فرمایش حضرت علی (ع) فرمود " آدم آرزوی مرگ می کند، صرفاً به خاطر آن خلخال که از پای دختر یهودی کنده شده، نیست، بلکه به خاطر این است که «شما چرا در مقابل آنها مقاومت نمی کنید؟!» و بعد هم می خواهید با چاپلوسی آنها را راضی کنید" پس ما باید دق کنیم و از غصه بمیریم آنچه را در محضر قرآن و اخبار معصومین (ع) و بنیانگذار انقلاب اسلامی و شهدای اسلام یاد گرفتیم و جان فشانی کردیم و امید بستیم که دیگر این چنین صحنه های درد ناک که در شبکه ها و اخبار و نارضایتی مردم پر شده است که ای کاش رفته بودیم و شاهد این ننگیت تاریخی نبودیم در سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی(س) در 4 آبان 1343 که فرمود " ای علمای اسلام به داد اسلام برسید" (صحیفه امام؛ ج 1، ص 415-424. زمان: 28/52).

آیا اینست اسلام ناب محمدی (ص) که در توی خیابان ها ، زنجیره های تامین و عرضه ، لجستیک عدالت توزیعی ، کانون های فساد و کلونی های تبه کاری و غارت گری ، لابی گری های ، بانک ربائی و هزاران مصیبت ، اجحاف و حرمان مردمی میبینیم ، به کی شکایت کنیم از کی شکایت کنیم ... برویم داد خودمان را به خدا بگوئیم که آخرین پناهگاه مستضعفین و مظلومین است تا تقدیری کند ما عدل قرآنی که میلیون بار وعده داده شده است را به رای العین بنگریم ، امید به زندگی یک کلمه و یا یک اصطلاح ساده نیست که در آمارهای مشغول سیستم های دولتی مشتری دارد ، امید زندگی هدف دار ، فرهنگ ساز ، جهت دار ، ... مربوط به وجدان و قضاوت های اجتماعی است و از در این مورد از سوی مردم در مشارکت ها و همکاری های اجتماعی به سرمایه اجتماعی تبدیل شد و هزینه های هنگفتی به گرده دولت و هدر منابع نفتی و غیره نگذاشت ، به " امید زندگی " تلقی میشود ، جامعه افسرده ، پیر های گوشه نشین بازنشسته ، بیکارهای در عزلت و تنهایی ، فقر و فائقه ، تورم ، سفره های خالی ، حاشیه نشینی و که بمعنی امید به زندگی نیست ، اسم این آینده نامطمئن ، این افسار گسیختگی ، این کاخ نشینی ها ، این خوش گذارانی های طبقه فربه و بی درد جامعه، بیماری ها ، ناباوری ها ، و بمعنی ناامیدی مسلم بخش عمده ای از مردم کوچه و بازار است .

ارزهایی که به تجار خارجی برای صادرات و واردات داده شده از اول انقلاب تاکنون

تهران- ایرنا- براساس تازهترین آمار از تجارت خارجی کشور در ۱۰ ماهه سال جاری که روز گذشته توسط رئیس کل گمرک ایران اعلام شد، مجموع تجارت خارجی ایران (صادرات و واردات) به ۷۲

میلیارد دلار رسیده است که از این رقم ۳۵/۵ میلیارد دلار سهم صادرات و ۳۶ میلیارد دلار سهم واردات است.

در گزارش روزنامه ایران، می خوانیم: هرچند در ۱۰ ماهه امسال با پیشی گرفتن واردات از صادرات، تراز تجاری کشور حدود ۶۰۰ میلیون دلار منفی است، اما در مجموع روند تجارت خارجی در این دوره با وجود سخت‌ترین تحریم‌ها روان بوده است. به طوری که هم ۳۵/۵ میلیارد دلار کالای غیرنفتی از سوی تولیدکنندگان داخلی صادر شده است و هم ۳۶ میلیارد دلار انواع کالا وارد کشور شده است. این درحالی است آن‌طور که مسئولان دولتی می‌گویند ۸۵ درصد کالاهای وارداتی را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، به نوعی واردات صورت گرفته در خدمت تولید بوده است. البته کالاهای اساسی مانند گوشت، برنج و نهاده‌های دام و طیور هم سهم بالایی در واردات دارد که برای تأمین نیاز داخل و افزایش امنیت غذایی هدفگذاری شده است. از سوی دیگر طبق اعلام مسئولان دولتی بازگشت ارز حاصل از صادرات نیز با وجود محدودیت‌های تحریم، روند قابل قبولی داشته است. براساس گفته‌های عبدالناصر همتی از ۲۱ فروردین سال گذشته تا ۳۱ اردیبهشت امسال ۲۵ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به کشور بازگشته است. فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد نیز اواخر مهر ماه امسال اعلام کرد که در ۱۸ ماه اخیر ۲۷ میلیارد دلار ارز صادراتی به کشور برگشته است که ارقامی بین ۴۰ تا ۷۰ درصد را در برمی‌گیرد.

بسته‌ای برای توسعه صادرات

دولت چند سالی است که «حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی» را تدوین و ابلاغ می‌کند. در این بسته‌ها دولت از محل‌های مختلف اعتباراتی برای کمک و تشویق صادرکنندگان کالا و خدمات تصویب می‌کند. برای سال جاری هم معاون اول رئیس جمهوری سوم بهمن ماه جاری بسته حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی سال ۹۸ را ابلاغ کرد.

پرداخت تسهیلات ۴ هزار میلیارد تومانی به صادرکنندگان

درباره میزان اعتباراتی که در این بسته به تصویب رسیده است، از سه محل شبکه بانکی، صندوق توسعه ملی و بودجه تسهیلاتی به صادرکنندگان پرداخت می‌شود. طبق این بسته سپرده‌گذاری تا سقف مبلغ ۲ هزار میلیارد تومان از محل منابع ریالی در یک دوره دو ساله در بانک‌های عامل توسط صندوق توسعه ملی به صورت ۵۰ درصد مساوی برای پرداخت تسهیلات به صادرکنندگان انجام می‌شود. نرخ سود این تسهیلات نیز میانگین سود تسهیلات صندوق توسعه ملی (که هم‌اکنون ۱۱ درصد است) و نرخ شورای پول و اعتبار است. علاوه بر این یک میلیارد یورو سپرده ارزی دو ساله در چند بانک توسط صندوق توسعه ملی که تا سقف ۲ میلیارد یورو قابل افزایش است برای تسهیلات ارزی به خریداران خارجی کالاهای ایرانی و در قالب اعتبار خریدار و تجهیز کارگاه و سرمایه در گردش پرداخت می‌شود. از محل منابع قانون بودجه سال جاری نیز ۷۸۰ میلیارد تومان برای اعطای تسهیلات به صادرکنندگان تخصیص

داده شده است. حمید زادبوم رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران در گفت‌وگو با فارس اعلام کرد: صندوق توسعه ملی اعلام آمادگی کرده تا مبلغ ۲ هزار میلیارد تومان از منابع خود را به‌عنوان سرمایه در گردش به واحدهای تولیدی - صادراتی اختصاص دهد. براساس قرارداد صندوق توسعه ملی با بانک‌های عامل ۲ هزار میلیارد تومان از این تسهیلات ریالی از منابع صندوق توسعه ملی تأمین و ۲ هزار میلیارد تومان هم از محل منابع بانک‌های عامل و در مجموع ۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات برای ارائه وام به صادرکنندگان تعیین شده است. وی اظهار داشت: پرداخت این تسهیلات محدودیت زمانی تا پایان امسال ندارد و براساس تقاضا به صادرکنندگان مورد تأیید سازمان توسعه تجارت ایران پرداخت می‌شود. منابع اختصاص یافته از صندوق توسعه ملی برای پرداخت وام به صادرکنندگان باید ظرف مدت ۲ سال به صندوق بازگردد.

حجم تجارت خارجی به ۷۲ میلیارد دلار رسید

رئیس کل گمرک ایران نیز روز گذشته در نشست خبری خود همزمان با روز جهانی گمرک تازه‌ترین آمار تجارت خارجی ایران را اعلام کرد. براساس گفته‌های مهدی میراشرفی بیش از ۷۲ میلیارد دلار حجم واردات و صادرات در ۱۰ ماه گذشته است که حجم صادرات ۳۵/۵ میلیارد دلار با وزن ۱۱۵ میلیون تن بوده که به لحاظ وزنی این رشد کم‌سابقه است. وی افزود: میزان صادرات نسبت به مدت مشابه در سال گذشته از لحاظ وزنی رشد ۲۰,۷۶ درصدی و از نظر ارزشی کاهش ۳,۲ درصدی داشت. رئیس کل گمرک ایران با اشاره به بحث اصلاح پایه‌های صادراتی گفت: با احتساب این موضوع باید ۹ میلیارد دلار به ارزش صادرات اضافه کرد. معاون وزیر اقتصاد با تأکید بر اینکه میزان صادرات به لحاظ وزنی ۴ برابر واردات بوده است، اظهار داشت: باید به رقم صادرات کل کشور صادرات برق و خدمات فنی و مهندسی را اضافه کنیم. وی درباره میزان واردات در ۱۰ ماه گذشته گفت: میزان واردات در این مدت ۳۶ میلیارد و ۸۱ میلیون دلار بوده که واردات ۶۰۰ میلیون دلار بیشتر از میزان صادرات ثبت شده است. رئیس گمرک ایران افزود: میزان واردات از لحاظ وزنی رشد ۸ درصدی داشته اما از لحاظ ارزشی تفاوتی با مدت مشابه در سال گذشته نداشته است. واردات ۱۹ میلیون تن کالای اساسی میراشرفی ادامه داد: ۱۹ میلیون تن از کل واردات به کالاهای اساسی اختصاص داشت که در شرایط تحریم در این بخش از لحاظ وزنی رشد ۲۴ درصدی و از نظر ارزشی رشد ۲۰ درصدی داشته است. وی اظهار داشت: ۸۵ درصد سایر کالاهای وارداتی از مواد اولیه و مواد مورد نیاز برای خطوط تولید هستند. وی ادامه داد: البته ممنوعیت ورود ۱۵۰۰ قلم کالا را هم مواجه بودیم که این موضوع را در سیاست‌های تجاری و واردات خود مدنظر قرار دادیم.

چین همچنان اولین مبدأ و مقصد تجاری ایران

وی درباره شرکای ایران در صادرات و واردات گفت: پنج کشور اول در مقاصد صادراتی کشورمان، چین با صادرات ۸,۳ میلیارد دلار، عراق با ۸ میلیارد دلار، ترکیه ۱,۴ میلیارد دلار، امارات ۳,۷ میلیارد دلار و افغانستان ۱,۹ میلیارد دلار هستند. رئیس کل گمرک ایران افزود: به لحاظ ترکیب کالایی بیشترین کالاهای صادراتی **پتروشیمی**ها با ارزش ۱۵ میلیارد دلار است که ۴۴ درصد سهم ارزش صادرات کالا را دارند و ۵۴ درصد مابقی کالاهای صادراتی ارزش ۱۹ میلیارد دلاری داشته‌اند. وی با اشاره به شرکای وارداتی کشور اظهار داشت: کشورهای چین، امارات، ترکیه، هند و آلمان پنج کشور مبدأ واردات هستند.

پروسه کاری واردات به ۴ روز کاهش یافت

وی با بیان اینکه توانستیم میزان پروسه کاری برای واردات کالا را از ۲۶ روز به ۴ روز کاهش دهیم گفت: همچنین این مدت زمان برای صادرات را از هفت روز به یک روز رساندیم که مجموعه این اقدامات باعث ارتقای پنج پله‌ای رتبه ایران در اقتصاد فرامرزی و ۳۹ پله‌ای در شاخص عملکرد گمرک شده است. وجود پنج هزار خودرو در گمرکات کشور میراشرافی درباره میزان دپوی خودرو در گمرکات و آخرین تصمیمات برای ترخیص آنها اظهار داشت: نزدیک به پنج هزار خودرو در گمرکات کشورمان وجود دارد که برای هزار دستگاه از آن حقوق عوارض پرداخت شده و برای ترخیص آنها نیاز به مصوبه جدید داریم چرا که در زمان صدور مجوز ترخیص آن مدت زمان ترخیص منقضی شد و باید در مصوبه جدید به جای ترخیص اظهار قید شود. وی افزود: برای ۳۳۰۰ دستگاه دیگر که نسبت به آنها ظن قاچاق وجود دارد پیگیری‌هایی انجام شده که ۶۰۰ الی ۷۰۰ دستگاه از آنها حکم برائت از قاچاق را گرفته‌اند و این تعداد خودروها باید منتظر مصوبه ترخیص باشند. همچنین ۱۳۰ دستگاه از این خودروها متعلق به جانبازان هستند که این خودروها هم برای ترخیص رأی دیوان را دارد. ۲۵۰ دستگاه دیگر در گمرک منطقه آزاد اروند دپو شده‌اند که آنها نیازی به مصوبه ترخیص ندارند.

سرانه تجاری در سال 1399

سهم هر ایرانی از صادرات غیر نفتی؛ ۴۳۲ دلار سهم هر ایرانی از کل تجارت خارجی ۱۰ ماهه کشور به ۸۷۸ دلار می‌رسد. بدین ترتیب سهم هر ایرانی از صادرات نیز ۴۳۲ دلار و برای واردات به ۴۳/۹ دلار می‌رسد. به عبارت دیگر از ابتدای سال جاری تا پایان دی ماه به ازای هر ایرانی نزدیک به ۴۴ دلار کالا وارد شده است که طبق گفته مسئولان بخش بزرگی از آن کالاهای اساسی بوده است.

استاندارد

بازگشت ۲۰ هزار تن ذرت آلوده به یک کشور آفریقایی رئیس کل گمرک ایران، درباره موضوع ذرت‌های آلوده اظهار داشت: ۲۰ هزار تن از این محموله اخیراً به یکی از کشورهای آفریقایی مرجوع شد. وی با اشاره به موضوع ترخیص بخشی از ذرت‌های آلوده گفت: سه مرجع دامپزشکی، قرنطینه و سازمان استاندارد می‌توانند با ترخیص کالا از گمرکات موافقت کنند، نکته اصلی این است که بخشی از این ذرت‌ها در زمان ورود به کشور آلوده نبودند و مراجع اجازه ترخیص آنها را داده بود. استاندارد در

اروپا برای این حوزه ۲۰ پی‌پی‌ام است اما سازمان ملی استاندارد بسیار سختگیرانه‌تر عمل می‌کند و حد مجاز را ۵ پی‌پی‌ام در نظر گرفته است. وی افزود: بنابراین با این استانداردهای سخت‌گیرانه بخشی از این ذرت‌ها که با تشخیص سه مرجع دامپزشکی، قرنطینه و سازمان ملی استاندارد آلوده نبودند ترخیص شدند و بخشی دیگر هم مرجوع شدند.

بدهی های دولت دوازدهم تا کنون چقدر است و برای چی ؟

جزئیات برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی / رقم بدهی دولت چقدر است؟

گروه اقتصادی الف، ۲۷ مرداد ۱۳۹۹، ۲۶:۱۰ 3990527049۱۰ نظر، ۰ در صف انتشار و ۰ تکراری یا غیرقابل انتشار

ناظر مجلس دهم در صندوق توسعه ملی با اشاره به جزئیات برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی گفت: تنها رقم بدهی ناشی از تسهیلات دولت ۷/۹ میلیارد دلار بوده که به غیر از برداشت‌هایی مانند ۴۵ هزار میلیارد تومان در بودجه و مشکلات سیل و زلزله بوده است.

فارس نوشت: صندوق توسعه ملی برای اولین بار در سال ۸۹ و پس از ناکامی در تحقق اهداف حساب ذخیره ارزی پا به عرصه گذاشت. اساساً صندوق‌های توسعه‌ای تجربه‌ای بین المللی و موفق دارند که اهداف کلان داشته تا علاوه بر رهایی اقتصاد از ارزهای پرتکانه نفتی گامی جهت آبادانی و فراهم شدن زیرساخت‌ها و ثروت آفرینی داشته باشند. ساختار صندوق توسعه ملی در راستای سیاست‌های برنامه‌ای دو مأموریت عمده دارد: اول آنکه بخشی از عواید صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و زاینده تبدیل و در کنار آن سهم نسل‌های آینده از منابع خدادادی و زیرزمینی حفظ شود. علاوه بر این موضوعات، بنا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مصالح کشور، بودجه جاری دولت‌ها به تدریج از این منابع که آثار مخرب در شاخص‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی دارد، رهایی یابد.

برای اینکه بتوانیم نگاهی روشن و شفاف از عملکرد صندوق توسعه ملی از زمان تاسیس، تاکنون داشته باشیم نیاز است تا اطلاعات دقیق مباحثی مانند دارایی، موجودی، ورودی سالانه به صندوق و برداشت‌های صورت گرفته در قالب تسهیلات و بلاعوض توسط دولت و تسهیلات به بخش خصوصی مشخص شود. طی سال‌های اخیر بنا به ملاحظات این آمارها دارای طبقه بندی بوده و نمی توان جزئیات کامل و شفاف از آن ارائه کرد. با این وصف به سراغ محمد حسینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه و ناظر مجلس دهم در صندوق توسعه ملی رفتیم تا بخشی از اطلاعات و عملکرد دخل و خرج این صندوق را بررسی و تبیین شود. وی معتقد است حدود ۷/۹ میلیارد دلار در ۷ سال دولت تدبیر و امید فقط به صورت تسهیلات از این صندوق دریافت شده و این رقم به غیر از برداشت‌هایی است که تحت عناوین مختلف مانند کرونا، زلزله، سیل و کسری بودجه و نظایر آن برداشت شد.

مشروح این گفت‌وگو بدین شرح است:

سوال: برداشت هایی که دولت طی سال های اخیر از صندوق توسعه ملی به انحاء مختلف انجام داده، اعم از سیل، زلزله، تسهیلات و برداشت های بودجه ای و همچنین درآمدهای ناشی از کاهش سهم صندوق توسعه ملی چقدر بوده است؟

حسینی: صندوق توسعه ملی در ادامه حساب ذخیره ارزی تشکیل شد و اساسنامه آن براساس سیاست های ابلاغی برنامه پنجم و ششم توسعه شکل گرفت. مقرر شد بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی، فرآورده های نفتی و همچنین گاز مایع به حساب این صندوق واریز و پس از آن با پرداخت تسهیلات به صورت ارزی در راستای ایجاد تحول در حوزه اقتصادی و همچنین تولید برای نسل آینده کشور نقش ایفا کند. هدف گذاری اصلی برای واریز منابع به صندوق توسعه ملی در سال شروع با ۲۰ درصد از کل منابع حاصل از صادرات بوده و هر سال باید دو واحد درصد به منابع صندوق اضافه می شد و تا پایان برنامه پنجم به ۳۰ درصد می رسید. در طول برنامه ششم نیز این سهم باید به ۴۰ درصد برسد.

با توجه به اساسنامه صندوق به این سمت حرکت کرد که تمام منابع به حساب صندوق توسعه ملی واریز و تسهیلات پرداخت می شد. اولین اقدام برای تغییر این رویه در ماده ۵۲ قانون تنظیم مقررات مالی ۲ دولت ایجاد شد چراکه جذب منابع ناشی از تسهیلات ارزی برای بخش کشاورزی سخت بود و به همین علت مقرر شد که ۱۰ درصد منابع به صورت ریالی در اختیار بانک های عامل قرار گیرد تا بخش کشاورزی تسهیلات ریالی دریافت کند. بعداً بخش صنعت و گردشگری نیز به آن افزوده شد.

در طول چند سال گذشته و بعد از ابلاغ سیاست های برنامه ششم توسعه به خصوص بند ۲۰ این سیاست ها که به صندوق توسعه ملی بر می گشت دو اتفاق افتاد: ۱- صندوق مکلف شد که منابع ریالی را در بانک های عامل سپرده گذاری کند و ۲- بخش ارزی بر اساس مصوبات هیات عامل که در چارچوب مصوبات هیات امانا است به متقاضیان تسهیلات ارزی بدهد. حکم صریحی در سیاست ها ابلاغ شد مبنی بر اینکه در قوانین بودجه ای و عادی، مجلس نمی تواند منابعی را خارج از اساسنامه برداشت کند. چنانچه دولت به منابع صندوق نیازمند شد فارغ از اینکه باید در مجلس مصوب شود، باید از مقام معظم رهبری اذن داشته باشد.

در طول این چند سال با توجه به مجوزهایی که داده شد منابعی برای کارهای مورد نیاز از صندوق پرداخت شد که بعضی از آن ها کمک و یا برگشت به منابع صندوق توسعه ملی ثبت شده و نیز بخشی از این منابع با تاکید مقام معظم رهبری به عنوان تسهیلات ثبت شده و دولت مکلف به بازپرداخت آنها و پیش بینی در بودجه های سنواتی است.

آیا این منابع که به دولت داده می شود، سود هم دارد؟

حسینی: بله؛ باید با سود بازگرداند. بر اساس مصوبه هیئت امانا در سال ۹۸ سود بخش های مختلف تعیین شد و بسته به موضوعات، این سود متفاوت است. مثلاً برای زلزله با سود صفر پیش بینی شده است.

تسهیلات ارزی که به بخش خصوصی داده می‌شود سود معینی دارد. همچنین بانک مرکزی به منابع ارزی صندوق سود خواهد داد. برای برخی امور سود 6 درصد و برخی دیگر نیز 1.5 درصد پیش بینی شده است.

در مجموع چقدر تسهیلات به دولت پرداخت شد؟

حسینی: تسهیلات ارزی از ابتدای تاسیس تا پایان سال ۹۸ توسط صندوق توسعه ملی لحاظ شده است.

نمی‌توان بین دولتها و برداشت آنها تفکیک قائل شد و آماری مستقل داد؟

حسینی: خیر. چون زمان برنامه پنجم قانون متفاوت بوده و قانون برنامه ششم نیز رویکرد دیگری دارد. در برنامه پنجم هر پولی که از صندوق برداشته شده با تصویب مجلس بود. ولی در برنامه ششم بدون اذن مقام معظم رهبری امکان برداشت وجود ندارد.

فرآیند شکلی ملاک نیست. میزان برداشت از صندوق مهم است...

حسینی: رقم برداشت از صندوق را به کسی نخواهیم گفت. چون به طور کلی سری طبقه بندی شده است. آنچه می‌توان بیان کرد میزان تسهیلاتی بوده که به دولت داده شد که در سرفصل بدهی دولت به صندوق می‌آید.

این ارقام یعنی تسهیلات و پرداختی‌های سیل و زلزله هم برداشت محسوب می‌شود؟

حسینی: نه. اینها تسهیلات هستند. این به غیر از برداشت است. برداشت یعنی آنکه در بودجه مصرف شده و بازگشتی ندارد.

بفرمایید رقم تسهیلات و بدهی دولت چقدر است؟

حسینی: جمع کل بدهی (فقط تسهیلات) دولت به صندوق توسعه ملی برای موضوعاتی مانند مهار آبهای مرزی، آبرسانی، آبیاری تحت فشار، توسعه اراضی دشت خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان، تأمین ذخایر راهبردی، تسهیلات به تعدادی از دستگاه‌های اجرایی، تأمین پیش پرداخت بخش حمل و نقل و راه آهن و تبصره ۴ قانون بودجه ۹۸، در مجموع به ۶ میلیارد و ۳۶۶ میلیون دلار (در قالب تسهیلات) می‌رسد. همچنین 1.5 میلیارد دلار برای اشتغال روستایی اخذ شد. که مجموع آن ۷/۸۶۶ میلیارد دلار می‌شود که اگر با هر دلار را نرخ ۱۸ هزار تومانی (نیما) لحاظ کنیم بیش از ۱۴۱ هزار و ۵۸۸ میلیارد تومان بدهی می‌شود. البته دولت موظف است دلار آن را برگرداند و نه ریال. آن هم با سود ۱/۵ درصد.

این ارقام بدهی به غیر از برداشت ۴۵ هزار میلیارد تومانی دولت از صندوق توسعه بر اساس مصوبه سران قوا، ۲۰۰ میلیون دلار برای زلزله‌کرامت‌شاه، ۲۴۰ میلیون دلار برای سیل، یک میلیارد یورو برای کرونا هستند که محاسبه نشده است.

اگر بخواهید همه این موارد را جمع کنید رقم بدهی چقدر خواهد بود؟

حسینی: باید نرخ محاسباتی (قیمت دلار) آن مشخص شود و بعد ریال آن را محاسبه کرد. مثلاً یک عدد دیگر که باید تعیین تکلیف شود مربوط به ۱۸۰۰ میلیارد تومان پول صندوق توسعه ملی است که شب عید سال ۹۹ یا همان انتهای اسفند ۹۸ بابت مالیات برداشت شد که جای شک و شبهه دارد و پیگیری‌هایی نیز صورت گرفته اما نتیجه مشخص نیست. لذا دستگاه‌های نظارتی باید پاسخگو باشند. آیا واقعاً برداشت ۱۸۰۰ میلیارد تومانی سازمان مالیاتی برای عملکرد سنوات گذشته درست بوده یا نبوده؟ اگر نبوده چرا دولت نسبت به بازپرداخت آن اقدامی نمی‌کند.

نظر دیوان محاسبات و سازمان بازرسی در مورد برداشت از صندوق توسعه ملی چیست؟

حسینی: تا آنجا که خبر دارم دیوان محاسبات نظرش این است که برداشت سازمان مالیاتی مغایرت قانونی دارد و نسبت به رویه بازپرداخت اقدام کند. در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دهم نامه‌ای به لاریجانی رئیس مجلس وقت نوشتیم و در مرقومه ارسالی وی عنوان شده بود که این برداشت با توجه به شرایطی که در قانون وجود دارد به نوعی همخوانی ندارد.

فکری به حال بازپرداخت منابع صندوق هم شده است؟

حسینی: فعلاً خیر. مسئولانی که دنبال اصلاح ساختار بودجه و مدیریت بدهی‌های دولت هستند با توجه به اینکه منابع بازپرداخت اوراق مالی در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود باید برای بازپرداخت منابع صندوق توسعه ملی نیز شرایطی را در نظر بگیرند. یک روزی این منابع باید به صندوق باز گردد.

در رابطه با بازگشت منابع صندوق توسعه ملی سال ۹۸ نامه‌ای به نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه ارسال شد که در بودجه سال ۹۹ بخشی از آن بازپرداخت شود. نه تنها بازپرداختی وجود ندارد بلکه منابع بیشتری برداشت شده است.

این تسهیلات با تضمین دولت است یا خود دستگاه‌ها؟

حسینی: با تضمین دولت است. تاریخ و شماره تضمین همه تسهیلات نیز وجود دارد و همه را سازمان برنامه و بودجه به نیابت از دولت به صندوق تضمین داده است

بخش عمده تسهیلات بیش از ۶ میلیارد دلاری مربوط به دولت یازدهم و دوازدهم است؟

حسینی: بله؛ بیشتر این ارقام مربوط به مهار آبهای مرزی از سال ۹۳ و ۹۴، آبیاری تحت فشار در سال ۹۵، تامین ذخایر راهبردی سال ۹۶، تبصره بودجه سال ۹۸، پیش پرداخت ناوگان راه آهن سال ۹۶ و عیدانه دولت دهم در سال ۹۱ است.

از عیدانه دولت دهم چقدر باز پرداخت شده است؟

حسینی: کل این بدهی ۲/۴ میلیارد دلار بود که یک میلیارد و ۸۶ میلیون دلار آن باقی مانده است. تقریباً بیش از نصف آن همان سال به تدریج بازپرداخت شد.

سهم صندوق توسعه ملی از منابع صادرات نفت و گاز به ویژه در چند سال اخیر به حداقل رسیده است.

حسینی: در سال جاری سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و میعانات گازی باید ۳۶ درصد باشد که اکنون ۲۰ درصد است. ۱۶ درصد یعنی ۳۰ هزار میلیارد تومان در قالب تملک دارایی مالی به عنوان تسهیلات در بودجه پیش بینی شده است.

از سهم ۲۰ درصدی هم برداشت های بودجه ای وجود دارد؟

حسینی: از سهم ۲۰ درصدی صندوق توسعه ملی نیز تسهیلات ارزی برای سال جاری در قالب تبصره ۴ پیش بینی شده است. گفته شده این تسهیلات از منابع ورودی سال ۹۸ یا ۹۹ باشد که میزان برداشت از صندوق توسعه ملی توسط دولت بیش از ورودی ناشی از صادرات به صندوق است.

یعنی تراز ورودی و خروجی صندوق در سال ۹۹ منفی است؟

حسینی: ۱۰۰ درصد منفی است و از جیب می خوریم.

کل تعهدات بودجه ای صندوق توسعه ملی چقدر است؟

حسینی: در بخش تملک دارایی های مالی سال ۹۹ منابعی که از صندوق توسعه ملی استفاده می شود، ۷۲ هزار میلیارد تومان است که ۳۰ هزار میلیارد تومان آن تفاوت سهم ۲۰ درصد تا ۳۶ درصد واریزی ناشی از صادرات نفت و میعانات به صندوق است. ۴۲ هزار میلیارد تومان آن مربوط به تبصره ۴ بودجه (۲/۷۹۵ میلیارد یورو) است. همه این رقم در قالب تسهیلات بوده و باید به صندوق برگردد.

اخیراً نماینده مردم اهواز گفته ۵۰ میلیون یورو برای توسعه بخش آب و فاضلاب از صندوق توسعه ملی مجوز از مقام معظم رهبری گرفته شد که پرداخت نشده است.

حسینی: پارسال این مبلغ پس گرفته شد. به خاطر اینکه نمی توانستند ارز خرج کنند. در تبصره بودجه سال ۹۷ مجوز از مقام معظم رهبری گرفتند و به جای آن که خزانه ریال بدهد، دلار طلب کردند و بانک مرکزی ۵۰ میلیون دلار در حسابی برای آنها واریز کرد. دو بحث وجود داشت: اول اینکه از سقف عدد بالا زده بود و دوم اینکه نمی توانستند دلار خرج کنند. فکر می کردند این ۵۰ میلیون دلار را می توانند در بازار آزاد بفروشند که پولشان بیشتر شود که فکر بچه گانه ای بود. نتوانستند مجوز جذب بیاورند و پارسال دستور داده شد که به صندوق توسعه ملی باز گردد.

دولت روحانی برای ۵ دولت بعدی بدهی برجا گذاشت

نماینده سابق مجلس شورای اسلامی گفت: اورارق قرضه و مشارکت در دولت یازدهم و دوازدهم به اندازه دو بیست سال دولتهای قبل بوده است و ۵ دولت بعدی باید بدهی هایش را بپردازند.

به گزارش مشرق، رئیس مجلس شورای اسلامی در ۱۷ بهمن ماه سال گذشته اعلام کرد **مقام معظم رهبری** دستور داده‌اند ظرف چهار ماه آینده، اصلاحات ساختاری در بودجه کشور صورت گیرد بنابراین به فرمایش مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی مکلف به اصلاح بودجه شده است؛ در این رابطه با موسی الرضا ثروتی عضو سابق کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کردیم.

بیشتر بخوانید:

سالی که مجلس نوايح اقتصادی به خود ندید

دیر رسیده و ناراحت است چرا دیگران زودتر رسیدند!

وی با تصریح بر اینکه اولین و مهمترین اصلاحی که بودجه نیازمند آن است بحث کاهش وابستگی آن به درآمدهای نفتی است گفت: علی رغم ضرورت این کار برای اقتصاد کشور اما متأسفانه همواره فقط دولتها وعده تحقق آن را داده اند اما هرگز آن را عملیاتی نکردند.

*** وعده بودجه غیر نفتی در عین برداشت ۱۲۰ درصدی از درآمدهای نفتی**

این کارشناس اقتصادی با ابراز اینکه علی رغم گزارشهای هر ساله که بیانگر کاسته شدن از نقش درآمدهای نفتی در بودجه است اما آمار نشان‌دهنده به عکس قضیه است گفت: مثلاً در بودجه سال ۹۷ باید ۴۸ درصد درآمدهای نفتی را به صندوق توسعه ملی می ریختند ولی رئیس جمهور در سال گذشته با اصرار از مقام معظم رهبری مجوز گرفته که بیست درصد واریز کند یعنی کمتر از نصف آن چیزی که باید به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود در حالی که مبلغ درآمد نفتی بیش از ۱۲۰ درصد محقق شد.

موسی الرضا ثروتی افزود: متأسفانه هر ساله با وجود محقق شدن کامل درآمدهای نفتی به جای سرمایه گذاری عطش استفاده از درآمدهای نفتی بیشتر می شود

*** ۴ برابر شدن درآمدهای نفتی دولت یازدهم و دوازدهم نسبت به دولت نهم و دهم**

وی با بیان اینکه درآمد نفتی در دولت یازدهم و دوازدهم تا کنون بیش از ۴ برابر درآمدهای نفتی دولتهای نهم و دهم بوده است گفت: اما متأسفانه در این دروه نیز گام مؤثر و مثبتی برای عدم اتکا به بودجه نفت برداشته نشد. نماینده مجلس شورای اسلامی با اظهار تأسف از اینکه علی رغم توصیه هر ساله مقام معظم رهبری نسبت به این موضوع که هشدار می دهند اما به آن توجهی نمی شود گفت: اولین گام برای نگارش بودجه درست پیدا کردن راه حل برای کاهش وابستگی آن به نفت و حذف تدریجی آن در بودجه نویسی سالیانه است. موسی الرضا ثروتی با بیان اینکه مسأله دومی که در اصلاح ساختار بودجه بایستی به آن توجه شود بودجه نویسی عملیاتی است گفت: ادعای همه

دولتها وقتی به مجلس برای ارائه بودجه می آیند این است که بودجه عملیاتی نوشته شده است یعنی پول در مقابل عمل انجام شده است در حالی وقتی بودجه به دقت کارشناسی می شود مشخص می شود که این یک شعاری بیش نیست، وی افزود: مثلاً پروژه ای برای اتمامش نیاز به فلان میزان بودجه نیازمند است اما وقتی پروژه کارشناسی می شود مشخص می شود که بودجه مد نظر بر خلاف نظر کارشناسانه و در برخی اوقات حتی سه برابر بیشتر در نظر گرفته شده است.

***اوراق قرضه و مشارکت در دولت یازدهم و دوازدهم به اندازه دویست سال دولتهای قبل**

این کارشناس اقتصادی اشکال سوم در بودجه نویسی را واگذاری های مالی دانست و افزود: واگذاری های مالی برای هر دولت باید بر اساس ضابطه و قاعده باشد مثلاً دولتهای یازدهم و دوازدهم به اندازه دویست سال دولتهای قبل اوراق مشارکت منتشر کردند و از مردم استقراض کردند اما مجلس به این موضوع حتی اعتراض نکرد و سازو کاری نیز برای ورود مجلس به این موضوع وجود ندارد. موسی الرضا ثروتی با هشدار نسبت به میزان اوراق استقراضی که دولتهای یازدهم و دوازدهم منتشر کرده است گفت: در این دو دولت به میزانی اوراق استقراضی منتشر شده است که ۵ دولت آینده نیز نمی تواند بدهی دولت به مردم را پاک کند بنابراین برای پخش و منتشر کردن چنین اوراقی باید در بودجه اصلاح ساختاری صورت بگیرد و برای هر دولت محدوده ای در نظر گرفته شود.

وی با تصریح بر اینکه اشکال انتشار این اوراق را تنها میزان حجم بالای این اوراق نیست گفت: ای کاش این حجم از اوراق مشارکت بابت امور سرمایه ای در کشور بود اما متأسفانه درآمد حاصل از این اوراق خرج امور جاری کشور شد همانند ۹۵ درصد بودجه که صرف امور جاری کشور می شود. این کارشناس اقتصادی با انتقاد از سهمی که بودجه جاری در بودجه دارد گفت: اکنون حقوق وزرا، هزینه امور جاری نهاد ریاست جمهوری سه برابر نسبت به دولت نهم و دهم افزایش داشته است موسی الرضا ثروتی اشکال چهارم در نظام بودجه نویسی را عدم تناسب درآمدها با هزینه ها دانست و افزود: مثلاً سال گذشته درآمدهای حاصل از نفت ۱۲۰ درصد بود اما این بیست درصد اضافی به سمت فعالیتهای عمرانی نرفت بلکه صرف امور جاری شد، وی با ابراز اینکه مسأله پنجمی که در بودجه نویسی باید بازنگری شود میزان سهم بودجه عمرانی است گفت: حد اقل باید نسبت مساوی بین بودجه جاری و عمرانی در بودجه باید دیده شود اما اکنون سهم بودجه عمرانی ۱۰ درصد است و هرگاه کسری بودجه به وجود می آید از سهم بودجه عمرانی کاسته می شود که این باید اصلاح شود.

***محال بودن کوچک سازی دولت با روی کار آمدن هر فرد مسئول با یک اتوبوس از آشنایان خود**

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با ابراز اینکه با توجه به برنامه ششم توسعه در سال گذشته باید دولت ۱۳ درصد کوچک می شد گفت: نه تنها کوچک نشده است بلکه ۱۰ درصد نیز بزرگتر شده است چرا که تا وقتی مرسوم است هر فرد مسئولی با یک اتوبوس از آشنایان خود روی کار بیاید امکان کوچک سازی دولت محال است. موسی الرضا ثروتی با اشاره به مسأله ششمی که در بودجه باید توجه شود گفت: همواره

از دولت الکترونیک صحبت می شود اما هیچگاه اجرائی نمی شود و با وجود اینکه در بودجه سالیانه برای آن ردیفی در نظر گرفته می شود اما هیچگاه ساختار و سازوکار راه اندازی آن تبیین نشده است و در واقع این ردیف از بودجه بدون حساب و کتاب است. وی اشکال هفتم بودجه را در واگذاری ها شرکتهای دولتی دانست و افزود: وقتی مجلس برای واگذاری ها حساب و کتابی در بودجه سالیانه در نظر نگرفته است از سویی فرجام آن یا همچون مثل آلومینیوم اراک، نیشکر هفت تپه و مواردی از این قبیل می شود یا با مخالفت برخی از مدیران شرکتهای دولتی و هیئت مدیره آن مواجه می شود که اجازه واگذاری شرکت زیر مجموعه اشان را نمی دهند که اکنون مشاهده می شود با گذشت ۱۲ سال از ابلاغ دستور اصل ۴۴ قانون اساسی هنوز ۴۰۰ شرکت دولتی خصوصی نشده اند.

سیر معکوس اشتغال با وجود ردیف بودجه برای اشتغالی

عضو سابق کمیسیون اقتصادی مجلس اشکال هشتم در بحث بودجه را که نیازمند اصلاح ساختاری است مربوط به موضوع اشتغالی دانست و افزود: هر ساله بودجه ای برای ایجاد اشتغال در نظر گرفته می شود اما وقتی آمار اشتغال را در آن سال بررسی می کنیم در برخی موارد همچون سالهای اخیر با وجود اختصاص این ردیف بودجه اما اشتغالی منفی بوده است یعنی به جای اینکه به جمعیت شاغلین افزوده شود به جمعیت بیکاران افزوده شده است.

منبع: تسنیم

رشد ۳۲۶ درصدی بدهی دولت به بانک مرکزی + جدول



بدهی دولت به بانک مرکزی در پایان خرداد پس از کسر تنخواه بودجه ۹۹، مالیات ۹۸۰۰ میلیارد تومانی بودجه ۹۷ و ۱۰ هزار و ۵۸۰ میلیارد تومان اسناد به تعهد دولت، در مجموع به ۵۶ هزار و ۶۰ میلیارد تومان می رسد. به گزارش مشرق، بررسی وضعیت بدهی دولت به بانک مرکزی در سالهای ۹۱ تا خرداد ماه ۹۹ نشان می دهد که این بدهی از رقم ۱۳ هزار و ۱۶۱ میلیارد تومان به ۹۶ هزار و ۹۷۰ میلیارد تومان رسیده است. اما در این رشد ارقام بدهی دولت به بانک مرکزی چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد که در صورت لحاظ کردن این نکات میزان رشد واقعی بدهی دولت تغییر می کند.

بیشتر بخوانید:

تبعات فروش اوراق بدهی چیست؟

۷۹۰۰ میلیارد تومان اوراق بدهی دولت فروخته شد

از مجموع کل بدهی دولت به بانک مرکزی، ۱۰ هزار و ۵۷۰ میلیارد تومان از این رقم اسناد به تعهد بوده است. طبق تعریف بانک مرکزی «اسناد به تعهد دولت، اسنادی است که بابت مطالبات بانک مرکزی از دولت از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی به وثیقه جواهرات ملی تعهد شده و به موجب ماده ۸ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱) به عنوان پشتوانه اسکناس‌های منتشره منظور شده است. بخشی دیگر از اسناد به تعهد دولت مربوط به سفته‌هایی است که از سوی بانک مرکزی و به نیابت از دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان سهمیه دولت نزد صندوق بین‌المللی پول به امانت گذارده می‌شود.» بنابراین این ۱۰ هزار و ۵۷۰ میلیارد تومان صرف هزینه‌های دولت و هزینه‌های بودجه‌ای نشده است. همچنین در چارچوب قانون بودجه سال ۹۷ دولت ۳۴ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به بانک‌ها را با بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی تهاتر کرد. پیگیری ما نشان می‌دهد در سال ۹۸ هم حدود ۳ هزار میلیارد تومان از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با بدهی دولت به بانک‌ها تهاتر شده است. با این اقدام ۳۷ هزار میلیارد تومان از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به حساب بدهی دولت به بانک مرکزی منظور شد.

***مالیات ۹۸۰۰ میلیارد تومانی بانک مرکزی**

در قالب قانون بودجه ۹۷ بانک مرکزی بابت مابه‌التفاوت نرخ خرید و فروش ارز و تغییر نرخ ارز از حدود ۳۷۰۰ تومان به ۴۲۰۰ تومان، موظف به پرداخت ۹۸۰۰ میلیارد تومان مالیات به دولت شد. این تصمیم با وجود مخالفت بانک مرکزی به تصویب نهایی رسید و در سال ۹۷ بانک مرکزی ۹۸۰۰ میلیارد تومان به حساب دولت واریز کرد. اما بانک مرکزی در پایان سال ۹۷ این رقم را به عنوان بدهی دولت به بانک مرکزی در حساب خود درج کرده است. در واقع این رقم، رقم اختلافی بین دولت و بانک مرکزی است. طبق قانون محاسبات عمومی دولت می‌تواند هر سال ۳ درصد از کل بودجه عمومی را در قالب تنخواه از بانک مرکزی دریافت و تا پایان سال تسویه کند و در مواقع خاص این تنخواه تا ۶ درصد کل بودجه قابل افزایش است. در سه ماهه اول امسال هم بدهی دولت به بانک مرکزی به خاطر تنخواه بودجه معادل ۲۰ هزار و ۵۴۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. با توجه به اینکه دولت موظف است تا پایان سال کل تنخواه را تسویه کند، در ارزیابی‌ها مورد استناد قرار نمی‌گیرد.

بنابراین در صورتی که این مورد بالا را از میزان بدهی دولت به بانک مرکزی کسر کنیم، کل بدهی دولت به بانک مرکزی به عدد ۱۹ هزار و ۶۰ میلیارد تومان می‌رسد که نسبت به پایان سال ۹۱ حدود ۵۹۰۰ تومان افزایش نشان می‌دهد. اما در بررسی رفتار دولت یازدهم و دوازدهم مشاهده می‌شود که دولت برای تامین منابع در موارد متعددی متوسل به بانک‌ها شده است. در این موارد به طور مشخص دولت به سراغ بانک‌های دولتی می‌رفت. به همین دلیل بانک‌ها هم برای جبران قرضی که دولت داده‌اند، از بانک مرکزی اضافه برداشت می‌کردند.

اینکه چقدر از بدهی دولت به بانک‌ها ناشی در این قالب شکل گرفته است، مشخص نیست اما اگر این رابطه و حالت را در نظر بگیریم، در واقع دولت در سال‌های ۹۲ تا ۹۷ به طور غیرمستقیم از بانک مرکزی استقراض کرده است و تسویه بخشی از بدهی دولت به بانک‌ها به روش تهاتر که موجب انتقال بخشی از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به حساب بدهی دولت به بانک مرکزی شده است را نباید از حساب بدهی دولت به بانک مرکزی حذف کرد. با پذیرش این گزاره، باید بدهی ایجاد شده دولت از محل تهاتر بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را به حساب رشد واقعی بدهی دولت به بانک مرکزی منظور کرد. در این چارچوب، بدهی واقعی دولت به بانک مرکزی در سطح ۵۶ هزار و ۶۰ میلیارد تومان قرار دارد که با این حساب بدهی دولت به بانک مرکزی در طول ۷ سال گذشته ۳۲۶ درصد افزایش یافته است.

*ارقام به میلیارد تومان (جدول 17)

دوره	بدهی دولت	درصد رشد
۱۳۹۱	۱۳،۱۶۱	+۴۰/۲
۱۳۹۲	۱۵،۸۳۰	+۲۰/۳
۱۳۹۳	۱۸،۳۸۰	+۱۶
۱۳۹۴	۲۴،۴۱۰	+۳۳
۱۳۹۵	۲۷،۳۸۰	+۱۲/۲
۱۳۹۶	۲۶،۹۰۰	-۱۴/۳
۱۳۹۷	۷۳،۱۲۰	+۱۷۱/۸
۱۳۹۸	۷۶،۴۳۰	+۴/۵
۱۳۹۹	۹۶،۹۷۰	+۲۶/۹
کسر می‌شود: پرداخت سهم دولت در صندوق بین‌المللی پول		۱۰،۵۷۰
کسر می‌شود: رشد بدهی دولت ناشی از تهاتر بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۹۷ و ۹۸		۳۷،۰۰۰
کسر می‌شود: مالیات پرداختی بانک مرکزی به دولت در سال ۹۷		۹۸۰۰

کسر می‌شود: تنخواه بودجه سال ۹۹	۲۰،۵۴۰	
میزان بدهی دولت بدون احتساب کسری‌ها	۱۹،۰۶۰	
بدهی دولت به بانک مرکزی با احتساب بدهی‌های تهاثر شده	۵۶،۰۶۰	

منبع: فارس

مصارف ارزی دولت ها از دولت پنجم تا کنون چقدر بوده است و برای چی؟ ارزها ارزان به اشخاص داده شده است

معمای دلار صادرکنندگان

بمانجان ندیمیروز نام‌نگار جدال دولت و صادرکنندگان بر سر ارز صادراتی با وجود بخشنامه‌هایی که از ابتدای امسال صادر شده، ادامه دارد. از دولت اصرار و از صادرکننده انکار. سیاست‌گذار از موضع خود پایین نمی‌آید و بر آنچه در قالب بخشنامه و دستورالعمل صادر کرده، مصر است. اما صادرکننده همچنان کارایی این سیاست‌ها را انکار می‌کند. در این میان، سیاست‌گذار انتقادهایی را به صادرکنندگان وارد می‌داند و خود را در مقام مدافع منابع ملی می‌بیند. آنچه در گفت‌وگو با محسن جلال‌پور گذشته، روایتی از همین انتقادهای دولت بر صادرکنندگان است. ما از نگاه سیاست‌گذار، صادرکنندگان را به نقد گذاشته‌ایم و جلال‌پور به عنوان یک صادرکننده قدیمی، به این انتقادهای پاسخ داده است.

همان‌طور که می‌دانید قیمت تمام شده کالاهای صادراتی تابع یارانه‌هایی است که در داخل کشور به آنها داده می‌شود. این یارانه‌ها اغلب مربوط به منابع تجدیدنپذیر مثل آب و انرژی است. این در حالی است که کالا با این یارانه‌ها تولید می‌شود اما به قیمت جهانی به فروش می‌رسد. بنابراین اعتقاد بر این است که این جزء از درآمد صادراتی باید علاوه بر آنکه به اقتصاد کشور بازگردد، با یک حاشیه سود متعارف برای صادرکننده در اختیار دولت قرار گیرد تا اکثریت مردم از آن بهره‌مند شوند. بر پایه این منطق هم از عرضه بخشی از ارز صادراتی در بازارهای رسمی و با نرخ‌های پایین‌تر از بازار دفاع می‌شود؛ شما به عنوان یک صادرکننده قدیمی چه پاسخی به این استدلال دارید؟

مسئله من هم اعتقاد این است که باید همه نظرات و مطالبات بر اساس واقعیات تنظیم شود. نمی‌توان بخشی از واقعیات را نادیده گرفت. من هم معتقدم بخشی از منابعی که صادرکننده امروز استفاده می‌کند، منابع یارانه‌ای، زیرزمینی و بین نسلی است. شما به انرژی و آب ارزان اشاره می‌کنید، من چند مورد دیگر هم به اینها اضافه می‌کنم. دلار ۴۲۰۰ تومانی که امروز بخشی از کالاهای ما با آن وارد می‌شود، یارانه محصور و مستتری است که در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی موثر است. برخی می‌گویند مثلاً کالاهای کشاورزی مثل پسته از ارز یارانه‌ای استفاده نمی‌کند. اما من معتقدم اتفاقاً همین محصول هم از یارانه استفاده می‌کند. به جز استفاده از انرژی‌های ارزان، گازوئیل ارزان، گاز ارزان و آب ارزان، یارانه متعددی هم از دلار ۴۲۰۰ تومان عاید این محصول می‌شود. در باغ‌ها از انواع کودهایی استفاده می‌شود

که با دلار ۴۲۰۰ تومانی وارد شده است. یا حتی از کود حیوانی استفاده می‌شود که کنجاله و غذای آن دام با دلار ۴۲۰۰ تومان وارد شده؛ یا **کود** مرغی که دان مرغ آن با دلار ۴۲۰۰ تومانی تامین شده است، اینها یک نوع استفاده از **یارانه** ارزی است. وقتی به کارگران باغ‌ها کمتر از ماهانه ۱۰۰ دلار **حقوق** می‌دهند و این در شرایطی در کشور امکان‌پذیر است که دلار ۴۲۰۰ تومانی مایحتاج عمومی کشور را تامین می‌کند، به نوعی از دلار ۴۲۰۰ تومانی استفاده شده است. بنابراین ظرفیت یارانه‌ها در کشور زیاد است و حتما در مقابل این فرضیات و مطالبی که گفته شد، باید تعهداتی هم وجود داشته باشد. فکر نمی‌کنم هیچ صادرکننده‌ای امروز این مطلب را نپذیرد که ارز باید به چرخه اقتصادی برگردد. اما دو نکته را فراموش نکنید. یکی اینکه صادرکننده ترجیح می‌دهد همین فردا همه یارانه‌ها قطع شود و دیگر اینکه اگر قرار است ارز به کشور بازگردد چگونه باید برگردانده شود.

مساله نرخ ورود ارز به چرخه صادراتی چه می‌شود؟ به هر حال دولت راهی را برای بازگرداندن ارز گذاشته است و سامانه نیما را هم برای این کار در نظر گرفته است. صادرکنندگان اما مخالف بازگرداندن ارز با نرخ نیما هستند. چراکه می‌گویند این نرخ برایشان به صرفه نیست. در صورتی که دولت استدلالش این است که منابع ارزان استفاده می‌کنید و باید ارز را با این نرخ برگردانید.

من معتقدم نه اصرار صادرکننده برای فروش ارز به نرخ آزاد درست است و نه اجبار صادرکننده برای عرضه ارز به سامانه نیما. تصمیم سیاست‌گذار باید فراگیر و منطقی باشد و همه جوانب را بسنجد. مسلم است وقتی صادرکننده‌ای کالایی را به **نرخ ارز** آزاد خریداری می‌کند، نمی‌تواند ارز ناشی از صادرات آن را با فرمول سامانه نیما بازگرداند. فرض کنید فردی می‌خواهد محصول خرما خود را به صادرکننده‌ای بفروشد، قطعا بر مبنای نرخ سامانه نیما اقدام نمی‌کند و به قیمت بازار آزاد نگاه می‌کند. حالا چطور انتظار دارند که صادرکننده ارز خود را با نرخ نیما بازگرداند؟ اصلا آیا این انصاف است که ارز صادراتی‌اش را با نرخ نیما بازگرداند؟ در واقع دعوای فروشنده اصلی که تولیدکننده است، توسط صادرکننده به دولت منتقل می‌شود. چراکه تولیدکننده می‌گوید من کاری به سامانه نیما ندارم. کالای من در بازار جهانی ۸۰ سنت است و من کالایم را با کمی تخفیف به صادرکننده می‌فروشم که او هم اندکی سود ببرد. پس یک سلسله‌ای از تولید تا مصرف وجود دارد. صادرات یک زنجیره است که حلقه‌های متعدد دارد. حلقه اول، تولید است. حلقه دوم فرآوری و حلقه سوم بازرگانی داخلی است که کالا را به صادرکننده می‌رساند. حلقه بعد صادرات است و پس از آن تبدیل کالا به ارز. حلقه آخر هم وصول **یول** و برگرداندن آن به کشور است. حالا دولت به صادرکننده می‌گوید باید ارز را به قیمت سامانه نیما برگرداند. این در حالی است که حلقه اول یا همان تولیدکنندگان، کالا را به نرخ بازار آزاد در اختیار صادرکننده قرار می‌دهند. در این میان چه کسی زیان می‌بیند؟ معلوم است حلقه آخر که صادرکننده مجبور است ارز را به نرخ نیما بدهد، ضرر می‌کند.

پس چه مکانیزمی باید به کار گرفته شود که هم دولت راضی باشد و هم صادرکننده و هم تولیدکننده و از طرفی منابع تجدیدناپذیر کشور هم به هدر نرود؟

مکانیزم درست برای ما تبدیل به آرزو شده است. ما معتقدیم دولت باید اقتصاد را آزاد کند؛ همه یارانه‌ها را قطع کند، دست از قیمت‌گذاری و مداخله در اقتصاد بردارد، فضای کسب و کار را تسهیل کند و نرخ ارز را هم آزاد بگذارد. اگر این مکانیزم اجرایی شود، مدت زمان زیادی نمی‌گذرد که **اقتصاد** خودش را با این شرایط جدید وفق می‌دهد و اطمینان داشته باشید به تعادل می‌رسد.

پس شما اصل این قضیه را قبول دارید که گفته می‌شود صادرکننده به نیما ارز نمی‌دهد؟

من ترجیح می‌دهم وارد این مناقشه نشوم. اما زمانی که خودم را سر دوراهی نیما و بازار آزاد می‌بینم احساس خیلی بدی به من دست می‌دهد. عرضه ارز در نیما یعنی زیان و برنگرداندن ارز یعنی تخلف. باور کنید من نه بی‌عقل هستم و نه متخلف. در بازارهای جهانی هر کیلو پسته ۱۰ دلار قیمت دارد که به نرخ نیما ۸۰ هزار تومان می‌شود. امروز شما در کرمان نمی‌توانید هر کیلو پسته را کمتر از ۱۲۰ هزار تومان بخرید. چطور صادرکننده ۱۲۰ هزار تومان بخرد و ۸۰ هزار تومان به نیما بفروشد؟ این یعنی ضایع شدن عقل. از آن سو دولت هم می‌گوید کسی که ارز را برنگرداند خائن است. لطفاً از سیاست‌گذار بپرسید ما چه کنیم؟

آن تولیدکننده که خودش صادرات را انجام می‌دهد، چرا با دلار نیما ارز را بر نمی‌گرداند؟ تولیدکننده‌ای که هم از منابع یارانه‌ای استفاده کرده و هم مواد اولیه را نهایتاً با نرخ نیما خریداری کرده است، قاعدتاً باید با نرخ نیما ارز را برگرداند.

آن تولیدکننده هم می‌بیند که می‌تواند کالایی مثل پسته را در بازار به قیمت ۱۲۰ هزار تومان بفروشد. چرا باید با نرخ ۸۰ هزار تومان صادر کند؟ اصلاً چرا صادر کند؟ محصولش را در داخل می‌فروشد و سود می‌برد. توجه داشته باشید که بازار آزاد ارز است که نرخ صادرات را تعیین می‌کند. همه کشاورزان می‌گویند ما از ارز یارانه‌ای استفاده نمی‌کنیم و خودمان زحمت کشیده ایم و قیمت کالاهیمان باید با ارز آزاد باشد.

خب ما به این مقوله در ابتدا پرداختیم که این طرز تفکر اشتباه است.

بله من گفتم. ولی کشاورز و باغدار که این را نمی‌پذیرد. از طرف دیگر همه می‌گویند در کشور این همه ارز را اتلاف کردند. الان به همین چند کیلو پسته و خرما می‌گیرند؟ سوم اینکه در خصوص پسته عرض کنم در سالی که گذشت وضعیت تولید به شدت بد بود. هوای اول فروردین گرم بود و بسیاری از پسته‌ها را از بین برد. من حتی برای مصرف شخصی ام، روی درختانم پسته نداشتم و از بازار خریدم. بنابراین وضعیت کشاورزان خیلی خوب نیست. ما امسال ۵ درصد محصول را برداشت کردیم. همه مقامات وعده کمک دادند ولی هیچکدام عمل نکردند. بنابراین کشاورزان رغبتی ندارند که کالا را به دولت به نرخ رسمی بدهند. این را هم مجدداً تاکید می‌کنم که بازار خودش را بر مبنای بالاترین نرخ اعلام شده ارز تنظیم می‌کند. من بارها گفته ام که دلار ۴۲۰۰ تومانی به دست مردم نمی‌رسد و فقط برای عده‌ای زمینه رانت ایجاد می‌کند.

شما راهکار مشخص تان چیست؟

به اعتقاد من باید کل ارز در یک بازار با نظارت دولت نه دخالت دولت، عرضه شود. دلار ۴۲۰۰ تومانی و نیمایی و سنایی و گردشگری و آزاد جمع شود و آنها را یک کاسه کنند. از صادرکننده هم بخواهند ورود ارز صادراتی اش را اطلاع دهد. اجازه دهند در این کاسه میزان ورود و خروج، نرخ ارز را تعیین کند و هر چه می‌خواهند به‌عنوان یارانه به مردم بدهند، مستقیم به دستشان برسانند.

آقای جلال‌پور به نظرم جا دارد اینجا این نکته را یادآوری کنم که آنچه شما می‌گویید در شرایط عادی امکان پذیر است. اما در حال حاضر شرایط کشور عادی نیست. بنابراین دولت این اطمینان را ندارد که دست صادرکننده را باز بگذارد و بازاری به این شیوه راه بیندازد. سعی می‌کند که کنترل کند تا وضعیت را مدیریت کند. آیا شما همچنان در این شرایط هم همین پیشنهاد را می‌دهید؟ آیا فکر نمی‌کنید که نمی‌توان تمام صادرکنندگان را به یک چشم دید؟ بالاخره یکسری منفعت طلب هم هستند که این روزها دست به کار شده‌اند. برای تشخیص این موضوع باید چه‌کار کرد؟

اتفاقا من هم با شما هم عقیده ام. اتفاقا فکر می‌کنم دولت به شدت در این مورد کوتاهی کرده و مشخص نیست به کدام طرف رفته است. نه به‌واسطه این بخشنامه‌های غلط، جریان پیمان سپاری و کنترل ارز را به درستی مدیریت کرده و نه نرخ ارز را آزاد و دست صادرکنندگان را باز گذاشته است. دولت شرایطی را ایجاد کرده که نه خودش می‌داند چه‌کار کند و نه صادرکننده. اتفاقا همین اخیرا یک توییت کردم که اگر در دوران جنگیم، باید لباس جنگ بپوشیم نه اینکه با لباس بزم، عزم جنگ کنیم. اگر در دوران جنگیم، دولت باید جنگی عمل کند. جنگی عمل کردن این است که روی مطالبی که می‌گوید کاملا کار علمی انجام دهد و محکم هم بایستد، نه اینکه یک بخشنامه بدهد و بعد به مرور از آن بخشنامه عقب نشینی کند؛ این بدترین کار ممکن است. دلیلش هم این است که هیچ‌کدام از بخشنامه‌ها کارشناسی شده نیست و مجبور می‌شوند آن را اصلاح کنند. در حال حاضر دولت و بانک مرکزی می‌گویند که ما می‌خواهیم نظارت داشته باشیم. من می‌پرسم که می‌خواهید نظارت کنید که چه بشود؟ می‌خواهید ارز را به چرخه بیاورید؟ برای شما چه فرقی می‌کند که این ارز با چه قیمتی برگردد؟ ببینید کسی با برگرداندن ارز مشکلی ندارد. اگر ارز امروز در کشور یک نرخ بود مثلا ۱۰ هزار تومان یا ۱۲ هزار تومان، چه اتفاقی می‌افتاد؟ چه فرقی داشت برای آنها؟ در عوض کسی برایش صرف نمی‌کرد که برود ارز ۷ هزار تومانی از نیما بگیرد و کالا را با نرخ آزاد در بازار بفروشد. این اختلاف قیمت، فساد و رانت ایجاد می‌کند.

پس دولت چطور می‌تواند مطمئن شود که صادرکنندگان ارزشان را در همین شرایط به کشور باز می‌گردانند؟

ارز دو نرخ یعنی دولت «می‌خواهد» قیمت را به نرخی که خودش دوست دارد برساند؛ اما «نمی‌تواند». یعنی دلش می‌خواهد دلار ۴۲۰۰ تومان باشد اما گوش دلار بدهکار نیست و به بیش از ۱۲ هزار تومان می‌رسد. ما که می‌گوییم سیاست‌گذاری اقتصادی اصولی دارد که در هر شرایطی باید حفظ شود. می‌گویند دوران تحریم است، می‌گوییم باشد، صادرکننده را برای صادرات آزاد بگذارید و ارز چند نرخی را

بردارید و در ازای آن صادرکننده گزارش جامع صادراتش را در پایان هر ماه یا هر فصل به دولت بدهد. چطور اظهارنامه ارزش افزوده را توانسته‌اند تدوین کنند و همه را مکلف کرده‌اند که هر چند ماه یکبار این اظهارنامه را پر کنند؟ برای صادرات هم همین کار را انجام بدهند. همه اسناد و مدارک صادرات موجود است. دولت می‌تواند به صادرکننده بگوید شما مدارکتان را بدهید که با ارز چه کرده‌اید. هر کسی هم نتوانست این مدارک را ارائه دهد با او برخورد کند. اما در هر صورت خارج از عرف و قانون، تقاضایی برای ارز وجود دارد که هر چه دولت روی آن دست بگذارد و گلویش را بفشارد، از جای دیگر بیرون می‌زند. آن بیرون زدن است که قیمت‌ها را مشخص می‌کند. بارها گفته‌ام که مردم به بالاترین قیمت‌ها نگاه می‌کنند.

اما راهکارهایی که در حال حاضر دولت ارائه می‌دهد و به‌صورت بخشنامه هم ابلاغ می‌کند، همگی موقتی است و این موضوع را بارها اعلام کرده که به دلیل شرایط کشور این تصمیمات اتخاذ می‌شود.

اینها آدرس غلط دادن است. هر چیزی که دولت به‌صورت موقتی ایجاد کرده برای همیشه ماندگار شده است. بخشنامه‌ها هم خودشان با هم مغایرت دارند و علیه یکدیگرند و کار را به ابهام کشانده‌اند. روزی که تعهد ارزی مطرح شد گفتیم که این پیمان و تعهد در طول تاریخ گذشته نتوانسته پاسخگوی مناسبی برای مشکلات باشد؛ اما اگر تصمیم بر این است که پیمان‌سپاری اتفاق بیفتد، باید دارای یک روال منطقی و قابل انجام باشد. ۲۱ فروردین ماه بخشنامه‌ای اعلام شد که هیچ راهکاری برای آن وجود نداشت. در مرداد ماه اعلام کردند که همه صادرکنندگان به **گمرک** بروند و تعهد بدهند که ارز را بر می‌گردانند. باز هم اعلام نکردند چطور می‌توانند این ارز را برگردانند. در شهریور ماه بخشنامه‌ای دادند که ۴ روش در آن اعلام شد. دو روز بعد بخشنامه را تغییر دادند و ۵ روش اعلام شد. در ۵ روش اعلام شده هم بنده عرض می‌کنم که هیچ روش امکان‌پذیری وجود نداشت؛ به غیر از یک روش. آن روش هم مبهم بود. حالا فرض کنید که تمام این بخشنامه‌ها در امتداد هم و درست صادر می‌شد. سوال اول این است که آیا از اول سال تا آبان که هفت ماه می‌شود، توقع بر این بود که صادرکننده بلا تکلیف بماند تا سیاست‌گذار تعیین کند با ارز صادرکننده چکار کند؟ طی این هفت ماه صادرکنندگان باید چه کار می‌کردند؟ بازارشان چه می‌شود؟ آیا بازاری که از دست رفت، برمی‌گردد؟ امروز اگر کسی این خرما را نخرید، فردا به جای دیروز هم **خرما** می‌خرد؟ ما بازار ژانویه سال ۲۰۱۹ را از دست داده‌ایم؛ آیا در سال ۲۰۲۰ دو برابر کالا می‌فروشیم؟ بازار اصلی ما که همان ژانویه است، با این حیرانی که به وجود آوردند، از دستمان رفت. بازارها یا دست آمریکایی‌ها افتاد که همه ساز و کارشان مشخص بود یا دست عده‌ای بی‌تعهد که برایشان مهم نبود چه بخشنامه‌ای صادر می‌شود. مهم منافع آن‌شان بود. متعهدان اصلی که صادرکننده اصلی هستند و برایشان ابهام وجود داشت و تعهد بی‌اساس نمی‌دادند، نمی‌دانستند باید به با چه قیمتی بخرند و با چه بفروشند. تازه این شرایط در حالی اتفاق می‌افتاد که تمام بخشنامه‌ها مکمل یکدیگر بودند. حال آنکه واقعیت این است که بخشنامه‌های صادر شده از ابتدا تا امروز همگی مغایر با همدیگر هستند. در بخشنامه‌ای که ۲۱ فروردین ماه صادر شد، گفته شده بود دلار غیر ۴۲۰۰ تومانی **فاجاق** است. البته که این حرف ادعایی بی‌اساس بود و اشتباهی بزرگ که ما فکر کردیم تمام نیاز را می‌توانیم با دلار ۴۲۰۰ تومانی برطرف

کنیم. اما آیا الان این بخشنامه پابرجاست؟ بعد از مدتی گفتند که سامانه نیما را به عنوان بازار ثانویه ایجاد کرده‌ایم و بخشنامه قبل را لغو کردند. یعنی در واقع چند ماه حرفی را زدند که خودشان اعتقادی به آن نداشتند. پس از آن اعلام کردند که ما در نرخ نیما ورود نمی‌کنیم؛ اما بازار دوم را هم کلا دستوری کردند. دولت حتی در این مورد هم بر اساس آنچه گفت، عمل نکرد. حتی تزریق ارز را هم کنترل کردند. در واقع همان سیاست ۴۲۰۰ تومانی این بار به نرخ ۸ هزار تومان را اعمال کردند. البته دلار ۴۲۰۰ تومانی همچنان برای برخی از کالاها داده می‌شود که من به عنوان یک تحلیلگر اقتصادی می‌گویم که این ارز فقط باعث ضرر و زیان و فساد برای کشور است. در ایجاد بازار دوم هم به خطا رفتیم و بازار سوم و چهارم و پنجم به وجود آمد. الان هم یک بخشنامه داده‌اند و خودشان بازار سوم را رسماً قبول کرده‌اند.

حتما شنیده‌اید که بعضی از مسوولان دولتی تاکید دارند که آنچه امروز در قالب صادرات اتفاق می‌افتد به نوعی خروج سرمایه است. شاهد آن هم تراز تجاری و حساب سرمایه‌ای است که آمار نشان می‌دهد در تراز تجاری رشد و در حساب سرمایه افت داشته‌ایم. یعنی بر اساس آمار تجاری ورودی ارز ما بیشتر از خروجی است؛ اما بر اساس حساب سرمایه، خروجی ارز بیشتر از ورودی آن است. اگر از این منظر به بحث صادرات نگاه کنیم فکر نمی‌کنید که در این باره حق با دولت باشد؟

به سوال شما در دو بخش پاسخ می‌دهم. یکی در مورد خروج سرمایه و دیگری در مورد اینکه خروج سرمایه از کجا اتفاق می‌افتد. خروج سرمایه، عوامل و نتایج یکسری علت‌ها است. اول باید دید چرا خروج سرمایه در کشور اتفاق می‌افتد. اینکه بخواهیم با کسی که می‌خواهد سرمایه‌اش را خارج کند مبارزه کنیم و بجنگیم، نتیجه‌ای نمی‌گیریم. اگر کسی به این نتیجه رسیده باشد که سرمایه‌اش را ببرد، حتما راهش را پیدا می‌کند. علت خروج سرمایه به اعتقاد من سه مساله اساسی است. اول نااطمینانی در کشور است. تقریباً علت خروج تمام کسانی که از ایران می‌روند به این مساله برمی‌گردد. دومین علت، فضای نامناسب کسب و کار است. کسی که نتواند کار رقابتی انجام دهد و مجبور باشد با رانت و فساد در کشور کار کند، از ایران می‌رود. حتی اگر علاقه‌ای به رفتن نداشته باشد. من هم این روزها به محدود کردن فعالیت‌هایم فکر می‌کنم. من نه آنقدر بی عقل و منطق شده‌ام که کالا را به قیمت آزاد بخرم و به قیمت نیما ارزش را برگردانم و نه دوست دارم به من بگویند خائن. پس ترجیح می‌دهم از حجم کارم کم کنم. سومین علت خروج سرمایه هم ارز ارزان است. تصور کنید وقتی شما به خارج از کشور می‌روید جنسی را که از **ایران** ارزان‌تر است، می‌خرید یا آنچه گران‌تر است؟ قطعاً آن چیزی را که ارزان‌تر است، می‌خرید. این هم یک نوع خروج سرمایه است. بنابراین در ابتدا باید این سه را از ریشه بخشکانیم. باید اعتماد را برگردانیم، فضای رقابتی داشته باشیم و ارز ارزان را از بین ببریم. در حال حاضر هر سه این موارد وجود دارد. در این صورت هر راهکاری که بخواهید برای جلوگیری از خروج سرمایه به کار بگیرید، به نتیجه‌ای نمی‌رسید. فرض کنید صادرات ما به صفر برسد. آیا به این معنی است که خروج سرمایه را به صفر رسانده‌ایم؟ این کار فقط به مورد سوم که ارز ارزان است کمک می‌کند؛ ولی دو آیتم دیگر را می‌خواهید چه کنید؟ اگر خروج سرمایه بخواهد اتفاق بیفتد حتما راهش هم پیدا می‌شود.

در حال حاضر شما صادرات را در خروج سرمایه مقصر می‌دانید یا خیر؟

صادرکننده واقعی به خروج سرمایه فکر نمی‌کند، چون به بازگشت پولش نیاز دارد. اگر کسی صادرات واقعی انجام دهد باید پولش را برگرداند. صادرکننده واقعی پروسه و چرخه‌ای برای کسب و کارش دارد. اگر ارز خود را آن طرف نگه دارد، چطور هزینه‌های ریالی خود را بپردازد.

این هم بحث دیگری است. مگر هزینه‌های ریالی برای صادرات چقدر است؟ صادرکنندگان چند درصد از ارزی که می‌آورند را برای صادراتشان به صورت ریالی هزینه می‌کنند؟

اصلا صادرکنندگان به هیچ وجه امکان آنکه کمتر از ۹۰ درصد از پول صادراتی را برگردانند، ندارند. حتی معتمد بعضی از صادرکنندگان ۹۵ درصد از ارزشان را باید تبدیل به ریال کنند. هزینه صادرات سه مرحله کلی دارد. یکی تامین مواد اولیه، یکی فرآوری و یکی هم حمل و رساندن به مقصد. تامین مواد اولیه، داخلی و به ریال است که بیش از ۷۰ درصد پول کالا است. فرآوری هم داخل کشور انجام می‌شود و حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد پول کالا را به صورت ریالی به خود اختصاص می‌دهد. می‌ماند بخش حمل؛ که شما می‌توانید این هزینه را در خارج از کشور بپردازید یا در داخل. برای صادرکننده چه تفاوتی دارد که آن طرف یورو بدهد یا این طرف ریال؟ همین امروز یک کامیون از من ۵ هزار یورو می‌گیرد تا پسته‌ام را به آلمان برساند. چه فرقی دارد من هزینه آن را کجا پرداخت کنم؟ هیچ صادرکننده‌ای سراغ ندارم که بیش از ۵ درصد از صادرات سود ببرد. پسته که کار تخصصی من است یک درصد سود دارد. چطور در چنین وضعیتی یک صادرکننده می‌تواند پولش را به چرخه برنگرداند؟ البته وقتی قوانین سخت می‌شود، یک عده از این آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند و با خرید کالا و عدم پرداخت تعهد ارزی، ارز صادراتشان را بر نمی‌گردانند. بنابراین عملا با اینکه می‌خواهیم جلوی خروج سرمایه را بگیریم، راه را برای خروج سرمایه هموار می‌کنیم.

با این سود ناچیز، چرا باید یک صادرکننده این مصائب را برای صادرات تحمل کند و به کارش ادامه دهد؟ منفعتش در چیست وقتی سودی ندارد؟ قطعا این از خود گذشتگی به خاطر منافع ملی نیست.

صادرکننده سه منفعت دارد. اولین و مهم‌ترین آن دریافت تسهیلات ارزان قیمت صادراتی از بانک‌ها و استفاده از بعضی ظرفیت‌های دیگر مالی است. دوم اینکه بسیاری از کالاهای صادراتی به صورت موعدی خرید و فروش می‌شوند. یعنی من صادرکننده، امروز کالا را می‌خرم و صادر می‌کنم و ۴ ماه دیگر پولش را می‌دهم. بنابراین اگر حتی در ۴ ماه آتی یک درصد هم سود داشته باشم، باز هم بدون اینکه پولی پرداخت کرده باشم، یک درصد سود حاصل کرده‌ام. سوم اینکه صادرکنندگان در طول چند سال از دلار ۷ تومانی شروع به صادرات کرده‌اند و امروز به دلار ۱۲ تا ۱۴ هزار تومانی رسیده‌اند یعنی نرخ دلار ۲ هزار برابر افزایش قیمت داشته است. بنابراین در طول این مدت بر اثر افزایش قیمت دلار منافی به جز منافع صادراتی حاصل کرده‌اند. اگر یک تن پسته آن زمان ۲ هزار دلار بوده و ارز هم ۷ تومان، امروز همان یک تن ۱۰ هزار دلار است و ارز هم مثلا ۱۲ یا ۱۴ هزار تومان. بنابراین صادرکننده با فروش کالا به خارج از کشور، در واقع ارزش پولش را حفظ کرده است. بنابراین می‌خواهم بگویم همین

سود اندک هم برای صادرکنندگان منفعت دارد و صادرکنندگان واقعی نمی‌خواهند آن را از دست بدهند. از این رو برای چرخش صادراتشان، مجبورند ارز صادراتی را به کشور بازگردانند.

روی این موضوع هم بحث زیاد است. این جمله شما را به وفور از زبان فعالان اقتصادی شنیده‌ایم که صادرکننده مجبور است ارز را به کشور بیاورد. ولی این مساله هم مطرح می‌شود که اگر چنین است، چرا در سال‌های اخیر که تراز تجارت مثبت بوده یا اختلاف کمی داشته، باز هم بانک مرکزی مجبور شده میلیاردها دلار برای واردات کالاهای اساسی ارز رسمی بدهد؟ در صورتی که صادرات غیرنفتی باید نیاز بخش صنعت و کشاورزی را تامین می‌کرد.

وقتی در فضای کشور منافذ درآمدزایی ایجاد می‌شود، تعادل به هم می‌خورد. این حرف شما مربوط به زمانی است که دولت در نرخ ارز و در خرید و فروش آن دخالت نکند. آن زمان این نیازها به صورت خود به خود تامین می‌شود. غیر از امسال، شما ببینید تا همین سال گذشته هم دولت ارز مبادله‌ای ۳۸۰۰ تومان می‌داد و در بازار آزاد ارز مثلا ۴۵۰۰ تومان بود. همین تفاوت قیمت است که فساد ایجاد می‌کند. هر کسی از هر جایی بتواند دلار مبادله‌ای می‌گیرد. میزان تقاضا زیاد می‌شود و خروج سرمایه ایجاد می‌کند. همه این مسائل به این دلیل است که در تمام این سال‌ها تفاوتی را بین قیمت واقعی ارز و قیمت عرضه‌ای ایجاد کرده‌ایم. در حال حاضر بازار خواستن و نتوانستن به راه افتاده. در بازار خواستن ما نرخ دلار امروز ۴۲۰۰ تومان است که نرخ تحمیلی است. اما بازار آزاد بازار نتوانستن ما است که قابل کنترل نیست. پس فاصله بین این دو بازار همیشه فضایی به وجود می‌آورد که شفافیت وجود ندارد.

آقای جلال‌پور کارشناسان یک انتقاد هم به بخش خصوصی وارد می‌دانند. به نظر می‌رسد که خود فعالان بخش خصوصی هم به صورت بنگاهی اظهار نظر می‌کنند و مطالبه دارند. این مساله باعث می‌شود که صدای آنها هم شنیده نشود و حتی در برخی از تصمیمات مهم، به بازی گرفته نشوند.

من کاملا با حرف شما موافقم. فرض کنید که شما در یک محل کاری که هوای ناسالم دارد، نفس می‌کشید، نمی‌توانید بگویید که سالم می‌مانید. این دیگر دست شما نیست. چون هوا به اندازه‌ای آلوده است که از دست شما هم کاری بر نمی‌آید. فضای کسب و کار ناسالم بخش خصوصی ناسالم می‌پروراند. من در اتاق که بودم بزرگترین معضلم همین بود که از دولت می‌خواستم ما را حمایت نکند، بلکه بگذارد مثل همه دنیا رقابت کنیم. من به عنوان یک فعال اقتصادی که ۳ تا ۴ دهه است که فعالیت دارم این را می‌گویم که در ۴۰ سال گذشته بیشترین میزان تغییر و تحول در اقتصاد دنیا اتفاق افتاده است. اما در نهایت همه کشورها فهمیدند که باید به سمت اقتصاد رقابتی بروند. حتی کشورهای کمونیستی. ولی ما هنوز هم گیج هستیم و متوجه ضرورت این موضوع نشده‌ایم. هنوز در خودمان گرفتاری داریم. اگر این مساله حل نشود تا ابد درگیر همین مشکلات هستیم. باید راه درست را پیدا کنیم. بخش خصوصی در یک فضای ناسالم و غیررقابتی رشد کرده است. چاره‌ای ندارد جز آنکه با این فضا خود را وفق بدهد؛ وگرنه می‌میرد. نمی‌تواند در فضای نادرست کار درست انجام بدهد.

اما هرگاه تصمیمی هم گرفته می‌شود بخش خصوصی اعتراض می‌کند. فرقی نمی‌کند که در جلسات تصمیم‌گیری حضور داشته باشد یا خیر. این بخشنامه‌ای که اخیراً از سوی بانک مرکزی صادر شده با مشورت بخش خصوصی بوده؛ بالاخره نمایندگان از تشکل‌ها و اتاق بازرگانی در آن نشست حضور داشته‌اند. اما حتی همان افرادی که در جلسه بودند نسبت به آنچه صادر شده اعتراض دارند.

ببینید، هر بخشنامه کارشناسی نشده‌ای که صادر شود، شما به‌عنوان صادرکننده یا مجبورید به‌عنوان فعال اقتصادی با این بخشنامه خود را وفق بدهید، یا مجبورید کار و کاسبی را رها کنید. راه سومی سراغ دارید؟ در مورد بخشنامه اخیر بانک مرکزی در مورد پیمان ارزی (طبقه بندی دلارهای صادراتی در چهار گروه) هم باید بگویم من هم معترضم و همان روز که شنیدم، با کسانی که در جلسه شرکت کرده بودند تماس گرفتم و گفتم شما با بی‌اطلاعی و عدم دید درست از آنچه در جریان است در این جلسه حضور داشته‌اید و متأسفانه مساله‌ای که به‌وجود آمده به این سادگی قابل برطرف شدن نیست. این اعتراض را به بانک مرکزی هم رساندم. اما نمی‌دانم در آن جلسه چه گذشته است. همانقدر می‌توانم در مورد این بخشنامه بگویم که پرابهام‌ترین و پرمساله‌ترین و پرابرادرترین بخشنامه‌ای است که بانک مرکزی طی این چند سال صادر کرده است. من به نوبه خودم پیش از صدور این بخشنامه تمام تلاشم را کردم که صادر نشود. حالا صادر شده است و مشکلاتش هم کم نیست. نمی‌دانم نیت سیاست‌گذار از این بخشنامه چه بوده است. آنچه که در انتها می‌خواهم به آن تاکید و اشاره کنم این است که تمام آنچه از امسال تاکنون اتفاق افتاده موجب بلاتکلیفی صادرکننده شده است. این بلاتکلیفی بیشتر به خاطر بازگرداندن ارز است. در دوره‌ای که تحریم‌ها هم فشار می‌آورد، این مساله هم قوز بالا قوز شده و هم ما و هم مشتریانمان را سرگردان کرده است. اگر تصمیم جدی و منطقی در این باره گرفته نشود، بسیاری از صادرکنندگان خوشنام دست از کار می‌کشند و خانه‌نشین می‌شوند. آیا دولت به دنبال چنین اتفاقی است؟

ژانر جدید تجاری؟

موضوع دیگری که راجع به آن زیاد هم صحبت می‌شود، صادرات ریالی است. این نوع صادرات اصلاً چه منفعتی برای کشور دارد؟ صادرکنندگان ژانر جدید تجاری خلق کرده‌اند؟

از نظر من هم صادرات ریالی هیچ مفهوم و معنایی ندارد. توضیح صادرکنندگان این است که مثلاً خرما به عراق صادر می‌کنیم. عراق دلار ندارد که به ما بدهد. دینار هم که در ایران به فروش نمی‌رود. از طرفی ایرانی‌هایی که به عراق می‌روند ریال به همراه دارند. صادرکنندگان می‌گویند ما دیناری را که در مقابل صادراتمان گرفته‌ایم، در همان عراق به ریال تبدیل می‌کنیم. اما من سوالم از صادرکننده محترمی که این را می‌گوید این است که شما دینار را با چه قیمتی به ریال تبدیل می‌کنید؟ اگر مبنای آن را دلار 8 هزار تومانی نیما می‌گذارید که ما از فردا پولمان را در عراق تبدیل کنیم و سود ببریم. اگر با نرخ ارز آزاد تبدیل می‌کنید، مسلم است که باید به دولت هم با همان نرخ برگردانید. مشکل، صادرات به عراق و برگرداندن ریال نیست. مشکل نرخی است که بر مبنای آن دینار به ریال تبدیل می‌شود.

در حال حاضر صادرکنندگان به عراق و افغانستان که صادرات ریالی انجام می‌دهند و ارز دریافت نمی‌کنند که به سامانه نیما بدهند با مشکل مواجه شده‌اند، چراکه عنوان می‌کنند دلار یا یورو دریافت نمی‌کنند که به کشور بیاورند. آیا این انصاف است که دولت از خیر ارز صادراتی عراق و افغانستان بگذرد؟ صادراتی که درآمدزا نباشد به کار نمی‌آید. نه مسلماً ارز باید به کشور برگردد. حالا به دلیل شرایطی که در این دو بازار حاکم است، بانک مرکزی باید برای این دسته از صادرکنندگان، ارز را به صورت مابه ازای ریالی آن دریافت کند. البته با نرخ‌ی که در آنجا تبدیل می‌شود.

این دولت است که قیمت ارز را بالا و پایین می‌برد/ بانک مرکزی کمترین همکاری را در مقابله با قاچاق ارز دارد/ مشروعیت مداخله دولت در بازار اجاره مسکن



آقایان فرماندهان اقتصاد به احتمال بسیار زیاد خبر دارند که شهروندان ایرانی پس‌اندازهای ریالی و دارایی‌های زودنقدشونده خود را با شتاب به سوی بازارهای سکه، سهام و دلار می‌برند.

به گزارش مشرق، نقشه‌ای که دولت برای تغییر جهت «خریدهای سرمایه‌ای از بازار مسکن» در نظر گرفته، قرار است از مسیر بازار سرمایه به اجرا دربیاید. اما ضعف آگاهی درباره جزئیات نقشه باعث شده است تعابیر مختلفی از جمله «بورس مسکن» درباره طرح ارائه شود. اصل طرح، نه بر روی آپارتمان‌ها که بر روی سایر املاک، آن هم املاک دولتی و مستغلات سوار شده و برای اجرای آن نیز تاسیس صندوق ویژه در بازار سرمایه در نظر گرفته شده است. اجرای نقشه - مطابق الگوی جهانی - باعث جذب تقاضای سرمایه‌ای مسکن می‌شود. جزئیات صندوق شرح داده شده است.

*** آرمان ملی**

- این دولت است که قیمت ارز را بالا و پایین می‌برد

این روزنامه حامی دولت درباره گرانی‌ها نوشته است: شکل‌گیری تورم‌های دو رقمی و ناکارآمدی برنامه دولت‌های مختلف برای مبارزه با این چالش اقتصادی، باعث شکل‌گیری طرح‌هایی شده که از آنها به عنوان برنامه‌های حمایت معیشتی یاد می‌شود... ورود کرونا به ایران نیز به عامل دیگری برای پول‌پاشی دولت تقسیم کند. چنان‌که از ابتدای اسفند تا کنون چهار طرح حمایت معیشتی و پرداخت نقدی برای

یارانه‌بگیران، صاحبان مشاغل و بیکارشدگان در نظر گرفته شده است و جملگی بر هزینه‌های جاری دولت افزوده‌اند. طرح‌هایی که البته گاهی فقط در حرف باقی ماندند و آن‌طور که باید اجرا نشدند، اما اذعان دولت بر پول‌پاشی در این دوره نیز به عامل دیگری برای رشد تورم تبدیل شد.

حال برای بررسی تاثیر طرح‌های حمایت معیشتی بر تامین نیاز شهروندان «آرمان ملی» گفت‌وگویی با حمید حاج‌اسماعیلی، تحلیلگر بازار کار، گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید. بهتر است اشاره‌ای به تحریم‌های آمریکا علیه ایران داشته باشیم که علاوه بر بعد کلان اقتصاد، فعل و انفعالات بازار کار را هم تحت تاثیر قرار داده است. قطعاً نمی‌توان تاثیر این فشار بر اقتصاد خرد و کلان را کتمان کرد.

اما بخش مهمی از تورم ایجادشده در اقتصاد ایران ناشی از سیاست‌هایی است که دولت‌های مختلف طی چهار دهه اخیر دنبال کرده‌اند. اگر اتفاقاتی که را که در چند ماه گذشته در بورس رخ داده مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم که دولت مدیریت خود را به این بازار حاکم کرده و به شکل ارادی شاخص کل را تا بیش از یک میلیون و 600 هزار واحد پیش برده است. افزایش قیمت سهام ریشه در بالارفتن ارزش دارایی شرکت‌ها دارد که دولت آن را هدایت می‌کند.

در حوزه ارز نیز این دولت است که قیمت‌ها را بالا و پایین می‌برد؛ زیرا صرافی‌های فعال در بازار نیز تحت مدیریت و نظارت دولت و بانک مرکزی قرار دارند. ارز خاصی هم در کف بازار وجود ندارد که فعل و انفعالات عرضه و تقاضا را عاملی برای رشد بهای دلار معرفی کنیم. دولت همچنین انحصار بازار خودرو را هم در اختیار دارد و بحثی در آن نیست. اکنون دولت مدیریت قیمت کالاهای اساسی هم به انحصار خود درآورده و با سیاست‌گذاری‌های خود و نحوه تخصیص ارز مشخص می‌سازد که قیمت کدام کالا افزایش یابد و کدام محصول بدون تغییر قیمت به دست مصرف‌کننده نهایی برسد. بنابراین تورم ایجادشده به دست دولت و آگاهانه بوده است.

این پرسش مطرح می‌شود که چرا دولت حمایت از بازار کار را در برنامه‌های خود قرار می‌دهد؟ در حالی که این نهاد سیاست‌گذار و اجرایی می‌تواند مکانیزم نظارت بر بازارها و کنترل قیمت را تقویت کند و در مقابل شکل‌گیری تورم بایستد. وقتی نرخ‌ها به‌صورت لحظه‌ای افزایش می‌یابند توازن بازار کار بر هم می‌ریزد. از تولیدکننده گرفته تا مصرف‌کننده توان تامین کالا را از دست می‌دهند.

مردم از دولت انتظار کنترل و نظارت جدی دارند. نمی‌توان تمام قصور از جمله افزایش بهای ارز، طلا، سکه و سایر کالاها را متوجه مردم و دلالتان ساخت. مردم مگر چقدر توان خرید دارند که بازار را بر هم بریزند. به جرات می‌توان گفت که امروز 80 درصد مردم در تامین مایحتاج ضروری خود دچار مشکل شده‌اند، چه برسد به اینکه بخواهند به دلالتی ارز و سکه بیندیشند. اگر اندک پس‌اندازی هم داشته‌اند، دولت آن را به بورس کشانده است. در تمامی کشورها بورس به‌عنوان ویتترین اقتصاد شناخته می‌شود، اما در اقتصاد بیمارگونه ایران شاهد آن هستیم که هر روز شاخص کل بازار بیش از 60 هزار واحد افزایش می‌یابد. این روند هیچ تناسبی با شرایط واقعی اقتصاد ندارد.

از سوی دیگر، دولت واردات تعدادی از کالاها را ممنوع اعلام می‌کند و مجوز افزایش قیمت را به تولیدکنندگان داخلی می‌دهد. به‌عنوان مثال در حوزه لوازم خانگی شاهد چنین روندی هستیم که دولت اخیراً مجوز افزایش 35 درصدی قیمت‌ها را صادر کرده است. مگر دستمزد کارگران 35 درصد افزایش یافته که دولت چنین مجوزی را لطف خود به مصرف‌کننده می‌داند؟ نمی‌توان چنین مجوزهایی ارائه داد و از هدف‌گذاری 22 درصدی برای تورم سالانه سخن گفت. در تمامی بازارها و واحدهای تولیدی شاهد چنین روندی هستیم. حمایت‌ها کاملاً با مشکل مواجه شده و پول‌پاشی دیگر پاسخگو نیست. زیرا سیاست‌های تورم‌زا، حمایت‌های نقدی را خنثی می‌سازد. این موضوع را در یارانه‌ها، حمایت معیشتی پس از گرانی بنزین و بسته‌های حمایتی کرونا شاهد بودیم. دولت هنوز هم همان یارانه 45 هزار و 500 تومانی را می‌پردازد که 10 سال پیش می‌پرداخت. رقمی که پاسخگوی یک وعده غذایی خانوار چهار نفره هم نیست. امروز مردم بار سنگینی را تحمل می‌کنند و سیاست‌های دولت هم پیامدهایی دارد که مردم نباید پاسخگوی آن باشند. راهکارهایی که دولت در پیش گرفته دیگر چاره‌گشا نیست؛ گفتاردرمانی هم دیگر فایده ندارد. دولت، مجلس، قوه قضائیه و مجموعه حاکمیت وقتی توان مدیریت بازار را ندارند، باید کلیه کالاها را سهمیه‌بندی کنند.

- دولت اعتماد بنگاه‌ها را از بین برد

آرمان‌ملی درباره کمک‌های دولت به بنگاه‌ها در شرایط کرونا گزارش داده است: بیش از چهار ماه است که کروناویروس به‌وجود آمده و شاهد بودیم که چه اثراتی هم بر سلامت جامعه جهانی گذاشت و هم بر اقتصاد. این ویروس با شیوع سریع و ادامهدار خود باعث شد تا دولت‌ها برای حفاظت از مردم تصمیماتی را بگیرند که تعداد بیماران را کاهش دهند و هم بتوانند در برابر این ویروس مقاومت کرده و آن را شکست دهند. در این میان با توجه اثراتی که این ویروس بر خانه‌نشینی مردم گذاشت باعث شد تا کسب‌وکارهایی که نیاز به حضور فیزیکی مردم داشتند نیز دچار آسیب شوند. این آسیب‌ها با دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا مبنی بر تعطیلی بخشی از کسب‌وکارهایی که در ارتباط مستقیم با مردم بودند باعث کندتر شدن رشد آنها شد و از طرفی با کاهش درآمدها تعدیل نیرو در دستور کار بنگاه‌های آسیب‌دیده از کرونا قرار گرفت. از طرفی دولت با وجود اینکه با کسری بودجه‌ای ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی مواجه بود برای کنترل نگرانی‌های به‌وجود آمده برای مردم و کسب‌وکارها شروع به دادن وعده‌هایی نظیر کمک‌های مالی بلاعوض، وام با اقساط طولانی‌مدت ارزان‌قیمت، پوشش سریع بیمه بیکاری کارکنان واحدهای متوقف شده یا کم کار شده، کمک‌های پزشکی و بهداشتی کرد که در عمل آن چیزی مورد انتظار مردم بود، اجرا نشد.

در همین زمینه «آرمان‌ملی» گفت‌وگویی با احمد پورفلاح، مشاور عالی ریاست اتاق ایران و ریاست کمیته واکاوی پروتکل‌های کرونا در بخش خصوصی، در مورد مشکلات ایجاد شده کرونا بر وضعیت کسب و کار داشته است که گفت: من سخنگوی اتاق بازرگانی کشور نیستم ولی از نزدیک در جریان تلاش‌های اتاق برای جمع‌آوری دیدگاه‌ها و انتظارات اعضای اتاق، تشکل‌ها و کمیسیون‌ها و انعکاس آن به دولت و سازمان‌های مسئول و مرتبط بودم. اتاق ایران اولین تشکل در بخش خصوصی کشور بود که در هفته اول

اسفند ماه 98 پیشنهادات و درخواست‌های خود را برای کمک به بنگاه‌های آسیب‌دیده و در معرض نابودی بخش خصوصی را طی نامه‌ای به معاونت اول ریاست جمهوری اعلام کرد. به‌دنبال آن در روزهای پایانی اسفند نامه دیگری برای دکتر جهانگیری از اتاق صادر شد. در هفته اول فروردین نیز فراخوانی برای اعضای اتاق، کمیسیون‌ها، کمیته‌های مشورتی و همچنین هیات رئیسه اتاق‌های شهرستان‌ها ارسال و درخواست شد که پیشنهادات و انتظارات خود را برای بهبود شرایط نامطلوب جاری ظرف یک هفته به اتاق منعکس کنند تا در اختیار ریاست جمهوری قرار گیرد.

جمع‌بندی و آنالیز درخواست طی 30 بند تنظیم و براساس آن نامه‌ای تهیه و به دفتر عنوان ریاست جمهوری داده شد. نامه دیگری هم با فاصله کم برای دکتر نهاوندیان، معاون اقتصادی ریاست جمهوری، فرستاده شد. به‌طور خلاصه 13 نامه در ارتباط با انتظارات و توقعات به بخش‌های مختلف بدنه دولت از طرف اتاق ارسال شد، در عین حال مجموعه مکاتبات مرتبط با تشکل‌های زیرمجموعه اتاق به عددی بالاتر از 180 نامه رسید. برای فعالان فضای کسب‌وکار کاملاً روشن بود که جدا از مقوله کرونا دولت هم خود با مشکلات بودجه‌ای سنگینی دست به گریبان است. بنابراین انتظار بالایی در خنثی کردن آثار زیان‌بار از دولت نمی‌توانیم داشته باشیم ولی هیجانانگیز و دل‌نگرانی و عده و عیدهایی از قبیل کمک‌های مالی بلاعوض، وام با اقساط طولانی ارزان‌قیمت، پوشش سریع بیمه بیکاری کارکنان واحدهای متوقف شده یا کم کار شده، کمک‌های پزشکی و بهداشتی که داده شد، به‌تدریج و در عمل در سطوح مورد انتظار اجرا نشد. انتظار کاهش مالیات، حق بیمه، تعدیل و تعویق اقساط وام‌ها بود که حرف آن زیاد زده شد ولی در عمل اتفاقی نیفتاد.

در ناوگان تولید کشور این توقع به‌وجود آمده بود که دولت به بنگاه‌هایی که به‌خاطر کرونا ناگزیر به عدم فعالیت شده بودند بنا به دستور خود دولت مساعدت مالی کند که چنین اتفاقی انجام نشد. از طرفی محدودیت‌های صادراتی هم به صادرکنندگان صدمه زد و هم دولت را از درآمد قابل‌حصول محروم کرد. زمینه تامین مواد اولیه و تجهیزات تولیدی ارزی اختصاص نیافت و حتی به‌صورت بدون انتقال ارز هم عملی نشد. نهایتاً دولت 10 رشته را برای کمک انتخاب کرد که به‌نظرم خیلی کارشناسی نبود و به دنبال اقدامات بعدی سه بخش را نیز به آن اضافه کرد تا به آنها کمک مستقیم مالی کند ولی این بخش 10 درصد واحدهای صدمه‌دیده از کرونا را شامل می‌شد. تنها مورد قابل ذکر تعویق مجامع عمومی شرکت‌ها که مهلت آن تا پایان تیرماه بود به پایان شهریورماه و نهایتاً به‌تبع آن مهلت تسلیم اظهارنامه مالیاتی بود. برابر آخرین جلسه شورای هم‌اندیشی که حدود دو هفته پیش در اتاق داشتیم هنوز مساعدت‌های دولت به بخش‌های منتخب نیز جاری نشده و قرار است از این به بعد و به تدریج به مرحله اجرا درآید. به‌عنوان مثال وام 12 میلیون تومانی با بهره 12 درصد به ازای هر فرد شاغل بیمه شده که بعداً تا 18 میلیون افزایش یافت، قرار است به بنگاه‌های مشخص شده در 13 بخش انتخاب‌شده پرداخت شود. در زمینه تعلیق یا تخفیف حق بیمه‌ها، مالیات‌ها و کمک‌های بهداشتی هنوز اتفاق خاصی در بخش خصوصی نیفتاده است.

از اوایل فروردین و براساس ضرورت تشخیص داده شده و نظر ریاست اتاق ایران کمیته‌ای با عنوان کمیته واکاوی بررسی پروتکل‌های کسب‌وکار در شرایط کرونا در بخش خصوصی کشور تشکیل شد.

اعضای این کمیته شامل نمایندگان وزارت بهداشت و درمان، نظام پزشکی، ستاد کرونا، اتاق‌های تعاون و اصناف، روسای منتخب از اتاق‌های کشور، روسای منتخب از روسای کمیسیون‌ها، تعدادی از مشاوران اتاق، کارشناسانی از بخش‌های فضای کسب‌وکار، مرکز پژوهش و شورای گفت‌وگو است. این کمیته به‌طور منظم دوشنبه‌ها به‌صورت حضوری تشکیل جلسه داد که بعضاً نمایندگان مرتبط دیگری نیز به جلسات دعوت می‌شدند که آخرین آن معاون اقتصادی ریاست جمهوری بود.

در این جلسات آخرین آمار مرتبط با کرونا و آسیب‌های ناشی از آن به اقتصاد بررسی می‌شود. اقداماتی که تاکنون از طرف دولت برای حمایت از بخش خصوصی در زیر شاخه‌های اقتصادی صورت گرفته مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت. موارد و پیشنهادات جدید جمع‌بندی و صورت‌جلسه آن تنظیم و برای اقدامات بعدی و انعکاس به سازمان‌های ذیربط در اختیار ریاست اتاق ارسال می‌شد. همچنین پیشنهادات تلخیص شده به دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی ارائه می‌شود که از ظرفیت‌های این نهاد قانونی نیز برای اجرای دیدگاه‌های بخش خصوصی کمک گرفته شود. خوب می‌دانیم که دولت قبل از شیوع کرونا با چه مشکلات و کمبودهایی دست به گریبان بود ولی انتظار داشتیم در موضوع کمک مالی، تمدید مجوزهای قبلی و صدور مجوزهای جدید با سرعت و گشاده‌دستی بیشتری عمل و به مقوله صادرات با سعه‌صدر بیشتری توجه داشته باشد و اقلام وارداتی رسوب شده در گمرک را سریع‌تر ترخیص کند، به‌طور خلاصه اگر نمی‌تواند به دلیل تحریم و محدودیت‌های گریبان‌گیر مسائل سخت‌افزاری را سروسامان دهد، در مورد مسائل نرم‌افزاری با سرعت و احساس مسئولیت بیشتر عمل کند. از دولت انتظار داریم که با بخش خصوصی شفاف‌تر سخن بگوید. اگر مشکل مالی دارد این موضوع را صریحاً با فعالان فضای کسب‌وکار در میان بگذارد.

انتظارات اولیه‌ای که دولت در این بنگاه‌ها و بنگاهداران ایجاد کرد به یاس، ناامیدی و نارضایتی بدل شد. بنگاهدارانی که با تحمل شرایط سخت تا امروز سنگرهای خود را حفظ کرده و با تلاش مضاعف برای حفظ اشتغال و نیروی کار و تا حد امکان حفظ تولید ناخالص کشور سعی کردند، آنقدر درک دارند که متوجه شرایط سخت دولت باشند. با وعده و وعیدهای غیرعملی نباید آنها را امیدوار کنند. از طریق ارائه آمار و اطلاعات درست اعتماد را به آنها برگردانند. خیلی از این بنگاهداران و واحدهای تولیدی و اتاق‌ها در سراسر کشور بدون اینکه به انتظارات مربوط به جبران خسارات آنها پاسخی داده شود، پامردانه و داوطلبانه به کمک اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده شتافتند و به‌صورت انفرادی و جمعی کمک‌های زیادی برای کاهش لطمات کرونا ارائه کردند. از دولت انتظار داریم آمار مبتلایان و فوتی‌های هر استان را به تفکیک و جداگانه اعلام کند. اعلام استانی ضایعات و تلفات به هوشیاری بیشتر مردم کمک خواهد کرد. اگر سفر به استانی موجب افزایش مبتلایان و درگذشتگان می‌شود جلوی سفر به این استان‌ها را بگیرد. از وزارت بهداشت انتظار داریم با جمع‌آوری اطلاعات علت ابتلا هر یک از بیماران را فهرست کرده و در معرض دید جامعه بگذارد.

*** وطن امروز**

- بهتان اقتصادی علیه مجلس

وطن امروز از طرح و تکذیب «مالیات از سود سهام» گزارش داده است: رونق چند ماه اخیر بازار سرمایه و جهش شاخص کل بورس باعث استقبال بسیاری از مردم به سرمایه‌گذاری در این بازار شده به‌طوری که تعداد سهامداران فعال در بازار سرمایه و جریان نقدینگی این بازار نسبت به سال گذشته چندین برابر شده است. بسیاری از کارشناسان و مسؤولان، استقبال مردم از بازار سرمایه را فرصتی بزرگ برای اقتصاد ایران می‌دانند. دور شدن از اتکای صرف به بانک‌ها و پررنگ شدن نقش بازار سرمایه در تأمین مالی شرکت‌ها و پروژه‌های زیرساختی، رونق بخش حقیقی اقتصاد و همچنین جذب و هدایت نقدینگی از جمله مهم‌ترین مواردی است که موافقان تحولات اخیر بازار سرمایه بر آن تأکید دارند.

در مقابل اما هستند افرادی که روند اخیر بازار سرمایه را چندان امیدوارکننده نمی‌دانند. غیرواقعی و حبابی بودن رشدهای اخیر، ناتوانی بورس از جذب نقدینگی، سقوط محتوم بورس و بروز اعتراض‌های اجتماعی از جمله محورهای سخنان منتقدان روند اخیر بورس است. بررسی موضع‌گیری‌های اخیر نشان می‌دهد رویکرد اکثریت مسؤولان چه در دولت و چه مجلس، حمایت از بازار سرمایه و ترغیب مردم به سرمایه‌گذاری در بورس است. با این حال اخیراً خبری از طرح مجلس برای دریافت مالیات از سود سهام منتشر شد که برخلاف انتظار سهامداران بود.

و ناگهان مالیات از سهام

پایان هفته گذشته و در زمان تعطیلی بازار سرمایه، متنی بی‌نام و نشان با عنوان «طرح مالیات بر عایدی سرمایه» منتشر شد. در این متن که تقریباً هیچ نام و نشانی از طراحان و امضاکنندگان نداشت، به موضوع حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد از طریق ایجاد پایه‌های مالیاتی تنظیم‌گر از جمله مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته و همچنین به دریافت مالیات با نرخ‌های مشخص از سود برخی دارایی‌ها نیز اشاره شده است. یکی از دارایی‌های مورد اشاره در این متن اما جنجال‌برانگیز شد. املاک، خودرو، سکه و ارز جزو دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه در این متن بودند اما «سهام» دارایی دیگری بود که اشاره به آن در این متن باعث جنجال خبری شد. طبق این متن نرخ مالیات بر عایدی حاصل از سهام، حق‌تقدم و سایر اوراق بهادار برای دوره کمتر از 6 ماه معادل 20 درصد، برای دوره بیش از 6 ماه تا 2 سال تمام معادل 10 درصد و برای دوره بیش از 2 سال معادل 5 درصد تعیین شده است.

نیامده تکذیب شد

تنها ساعاتی پس از انتشار این متن در فضای مجازی و انتساب آن به نمایندگان مجلس، رئیس کمیسیون اقتصادی طراحی هرگونه طرحی برای دریافت مالیات از سود سهام را تکذیب کرد. محمدرضا پورابراهیمی در واکنش به اخبار منتشرشده گفت: تقویت بازار سرمایه، اولویت مجلس است. مجلس بنا ندارد روی سهام و سپرده‌های بانکی، مالیات وضع کند. پس از آن سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس هم با تکذیب قصد نمایندگان برای دریافت مالیات از سود سهام گفت: اگر چه طرح مالیات بر عایدی سرمایه

برای ما در اولویت است اما مالیات بر عایدی سهام برای ما قطعا در اولویت نیست. مهدی طغیانی در این باره گفت: چنین طرح‌هایی از سوی نمایندگان مطرح شده و اعلام وصول هم می‌شود اما در کمیسیون‌های تخصصی تغییر کرده و اصلاح می‌شود.

وی با تاکید بر اینکه این طرح هنوز در کمیسیون اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، اظهار داشت: رویکرد ما به صورت عمومی تقویت بازار سرمایه است، اگر چه طرح مالیات بر عایدی سرمایه برای ما در اولویت است اما مالیات بر عایدی سهام برای ما قطعا در اولویت نیست. سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: معتقدیم بازارهای دیگری وجود دارد که اخذ مالیات بر عایدی سرمایه در آنها در اولویت است و طرح مالیات بر عایدی سرمایه را با جدیت جلو می‌بریم اما بحث مالیات بر عایدی سود سهام در این باره قطعا در اولویت نیست. وی اضافه کرد: در حوزه مالیات بر عایدی سرمایه حوزه‌های مسکن، زمین، طلا و ارز برای ما در مجلس اولویت بالاتری دارد. طغیانی در پایان گفت: وقتی قانونی تصویب می‌شود ذیل آن زیرساخت‌های لازم هم شکل می‌گیرد؛ چنانکه ذیل طرح مالیات بر خانه‌های خالی بحث سامانه املاک و اسکان مطرح شد؛ طبعاً زمانی که بحث مالیات بر عایدی سرمایه نیز مطرح شود ذیل آن زیرساخت‌های آن نیز شکل خواهد گرفت و اینگونه نیست که کل قانون را به دلیل زیرساخت‌ها رها کنیم. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یازدهم هم دیگر نماینده‌ای بود که نسبت به این خبر واکنش نشان داد. محسن زنگنه در توییتری نوشت: هر روز خبرنگاری تماس می‌گیرد و از جزئیات طرح‌های مجلس در موضوعات متعدد مسکن، ارز، مالیات، فضای مجازی و... می‌پرسد. آنچه به عنوان طرح مجلس عنوان می‌شود، نظرات شخصی و طرح‌های پیشنهادی یک یا چند نماینده است؛ هم نمایندگان محترم دقت کنند و هم جامعه محترم خبرنگاری.

زمان‌شناسی اقتصادی؛ لازمه طرح‌ها و لوایح

بررسی موضع نمایندگان مجلس یازدهم نسبت به بازار سرمایه نشان می‌دهد حتی در صورت اقدام چند نماینده برای وضع مالیات بر سود سهام، چنین طرحی با مخالفت قاطبه مجلس مواجه می‌شود. گذشته از این اما چند تفاوت اساسی میان بازار سرمایه و سایر بازارها وجود دارد که باعث می‌شود وضع مالیات بر سود سهام غیرمنطقی شود. اولین موضوع، روند اخیر ورود مردم به بورس و همزمان رغبت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به حضور در این بازار است که می‌تواند باعث پرنگ شدن نقش بازار سرمایه در تامین مالی شرکت‌ها و پروژه‌های زیرساختی کشور شود. در این شرایط، طرح چنین مسائلی تنها باعث آسیب دیدن روند ورود مردم و سرمایه‌های آنها به بازار سرمایه می‌شود و مانع تحقق فرصت‌های پیش روی اقتصاد از این مسیر می‌شود.

تفاوت اساسی دیگر بازار سرمایه با بازارهای دیگر نظیر املاک، مخاطبان این بازارهاست. با توجه به نقدینگی عظیم مورد نیاز برای سفته‌بازی در بازار املاک، سفته‌بازان این بازار عموماً افرادی با توان مالی بسیار بالا هستند که درصد کمی از جامعه را شامل می‌شوند. همچنین سفته‌بازی این افراد در بازار املاک با سود تضمین شده عظیمی همراه است. این در حالی است که فعالان بازار سرمایه بویژه پس از

استقبال مردم از آن، عموماً بدنه جامعه بویژه افرادی هستند که اندک سرمایه‌های خود را برای در امان نگه داشتن از تورم به پناهگاه بورس آورده‌اند. علاوه بر این سرمایه‌گذاری در بورس برخلاف بازار املاک، با سود تضمین شده‌ای همراه نیست. از همین رو وضع مالیات بر عایدی سرمایه بویژه در این مقطع، تصمیم خردمندانه‌ای به نظر نمی‌رسد. هدف قرار گرفتن بازار سرمایه برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه در حالی است که سالانه هزاران میلیارد تومان نقدینگی بابت پرداخت سود به سپرده‌های بانکی پرداخت می‌شود. نکته جالب اینکه بخش بزرگی از این نقدینگی به حساب افرادی با هزاران میلیارد تومان ثروت می‌رود. اگر زمانی بنا بر دریافت مالیات بر عایدی سرمایه از تمام بازارهای موازی تولید باشد، سود سپرده‌های کلان بانکی باید در رأس این هدف باشد. استثنا شدن سپرده‌های کلان بانکی از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه، چیزی جز غافل شدن از یکی از مهم‌ترین رقبای بخش حقیقی اقتصاد نیست. در پایان باید گفت به رغم نیاز شدید اقتصاد ایران به مالیات‌های تنظیمی بویژه مالیات بر عایدی سرمایه، وضع چنین مالیات‌هایی بویژه در برهه کنونی، بیش از آثار مثبت مد نظر، تحمیل‌کننده شوک‌های منفی به سرمایه‌های خرد بخش قابل توجهی از مردم و فراتر از آن، مختل کردن روندی امیدوارکننده در برهه کنونی است.

* شرق

- بانک مرکزی کمترین همکاری را در مقابله با قاچاق ارز دارد

علی موبدی خرم‌آبادی، رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شرق گفته است: در بحث ارز امروز چالشی به نام قاچاق ارز نداریم. منابع ارزی ما در حدی نیست که به قاچاق کلان تبدیل شود. شاید در حد خرد و موردی اتفاق بیفتد. اکنون دسترسی قاچاقچی در حدی نیست که بتواند ارز ما را به یغما ببرد. در گذشته اگر اتفاق افتاده، به‌منظور خرید کالا بوده و اگر ارز برنگشته، قاچاق نیست؛ به تعهدش عمل نکرده است. بانک مرکزی نسبت به برخی دستگاه‌ها شاید کمتر همکاری کرده اما سامانه‌هایی که کار می‌کنند، می‌گویند در این مسیر نگرانی ما در بحث ارز صرفاً قاچاق نیست. نگرانی ما این است وقتی ارز برای کالایی در اختیار افراد گذاشته می‌شود، بخشی از آن بر نمی‌گردد که البته پرونده‌ها تشکیل شده است. در بخش صادرات هم که اخیراً رئیس‌جمهور دستور اکید دادند کسانی که صادر کردند و ارزهایشان برنگشته، از فعالیت منع شوند که پیرو این دستور، در این مدت حدود 19 هزار کارت باطل و به آنها اخطار داده شده است. در بحث ارز دغدغه زیادی در زمینه قاچاق نداریم. دغدغه اصلی، تأمین ارز است. در حال در حوزه پیشگیری هرچه فعال شویم، در حوزه مقابله هزینه‌هایمان کمتر می‌شود؛ مثل این است که بگوییم در بهداشت سرمایه‌گذاری کنیم، در درمان هزینه‌هایمان کمتر می‌شود.

در یکی دو هفته اخیر، پرونده منگنز را داشتیم که مدتی به حاشیه رفته بود که با همکاری دستگاه قضائی و سازمان‌های اطلاعاتی خوشبختانه تعیین تکلیف شد. در این قاچاق ترانزیتی، «فرو سیلیکون منگنز» (یکی از پرکاربردترین و باارزش‌ترین مواد آلیاژی در صنعت فولاد) به‌جای سنگ منگنز اظهار شده بود که توسط چهار شرکت در حال خروج از مرز بازرگان بود. ارزش بار ترانزیتی قاچاق، نزدیک به

20 میلیارد تومان بود که به شش برابر آن (110 میلیارد تومان) و ضبط محصول قاچاق، محکوم شدند و اکنون تحت نظر هستند. همچنین این شرکت‌ها به دو سال انفصال از فعالیت نیز محکوم شدند. همچنین یک پرونده کشف قاچاق 17 خودروی لوکس گذر موقت و پلاک جعلی در استان البرز داشتیم که ارزش آن در حدود 70 میلیارد تومان بود. این خودروها به همت ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و همکاری دستگاه‌های عضو به 70 میلیارد تومان و ضبط این خودروهای لوکس، محکوم شده است که سرجمع 140 میلیارد تومان ارزش این پرونده است.

ارزش کل پرونده‌ها در سال 98 حدود 20 هزار میلیارد تومان بود که به دستگاه قضا، معرفی شدند و در حال رسیدگی است. توقع آن است که در جهت تسریع و عدم اطاله دادرسی، مراجع قضائی همکاری کنند، زیرا در برخی موارد اطاله دادرسی موجب سوءاستفاده و انحرافات در رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود. «سلطان سوخت» را دوستانمان در نیروی انتظامی اطلاع‌رسانی کردند. پرونده پیچیده‌ای بود. «هومن پروین»، سال‌ها از مشتقات نفتی به صورت یارانه‌ای سوءاستفاده کرده بود که بررسی دقیقی از فرایند فعالیت‌ها در چند سال گذشته انجام شد و باند آنها در پایان سال گذشته، دستگیر شدند و پرونده در اختیار پلیس امنیت اقتصادی قرار گرفته که پرونده بسیار مهمی است و اکنون هم سیر قضائی را طی می‌کند. شخص «هومن پروین» هم حدود 150 میلیارد تومان جریمه شد که بخشی از آن پرداخت شده و در اختیار خزانه قرار گرفته است (**سلاطین اقتصادی چپاول گربا نام و شهرت های پرستیز دار در کشور زیاد است**)

در تهران چندی پیش، یک شرکتی توسط گمرک غرب کشف شد که این شرکت در سال‌های اخیر با استفاده از تسهیلاتی که برای بازرگانان و تولیدکنندگان داخل وجود دارد، گندم را در قالب ورود موقت وارد کشور می‌کرده و ملزم بود که در مقابل، آرد را از کشور خارج کند. در محاسبه‌ای که انجام شده متوجه شدیم که 33 هزار تن اختلاف وجود دارد و اکنون این شرکت متهم است که بالغ بر 1.5 تریلیون ریال (153 میلیارد تومان)، قاچاق انجام داده است. این پرونده اکنون در مراجع قضائی در حال رسیدگی است. در شرایط فعلی به لحاظ تلاش‌های مؤثری که داشتیم، درگاه‌های ورودی قاچاق برایمان کاملاً شناخته شده است و همچنان دستگاه‌ها را در سنسورهای حساس آنجا به کار گرفته‌ایم اما به لحاظ قوانین متعددی که در بحث تجارت داریم، مثلاً در جنوب، شرق و غرب کشور معافیتهای دیده‌اند که قاچاق‌های کوچکی در این پوشش رخ می‌دهد. مطالعاتی انجام می‌دهیم تا نیازهایی که مرزنشینان در نقاط مرزی دارند، متناسب با نیاز و معیشتشان بتوانیم سقفی تعریف کنیم که در مقررات گمرکات ما قرار بگیرد تا آنها هم با پرداخت حداقل حقوق دولت بتوانند به تجارت و فعالیتشان ادامه دهند و معیشتشان تأمین شود. بنابراین در بحث قاچاق خروجی خیلی نگران نیستیم، در بخش ورود هم همین‌طور و اکنون قاچاق به حداقل رسیده است و معتقدیم در سال 98، قاچاق در حدود 12 میلیارد دلار بوده و اکنون هم در همین حدود بالانس می‌شود.

اگر پرونده‌های قاچاق سال‌های گذشته را رصد کنید، می‌توانید ببینید که ما در مبارزه با قاچاق هیچ‌گونه مسامحه و چشم‌پوشی نداریم. در موضوع قاچاق، متهم چه صاحب قدرت باشد چه نباشد، چه یقه‌سفید باشد چه نباشد، چه آقازاده باشد چه نباشد، با قاطعیت مبارزه می‌کنیم. (اشاره او شاید به پرونده قاچاق داروی

شبنم نعمت‌زاده باشد). فرمان رهبری صادر شده در تیرماه ۱۳۸۱ و توصیه شخص رئیس‌جمهور بر این است. ما با هیچ‌کس تعارف نداریم. در مراسم معارفه خودم گفتم نه تنها یقه قاچاقچیان را می‌گیرم بلکه یقه‌ها و پیراهن‌های آنان را هم پاره می‌کنم. این را با قاطعیت می‌گویم که در برابر مبارزه با قاچاق با هیچ فردی مسامحه نخواهیم کرد.

قاچاق کانتینری مگر در پوشش خیلی سخت و پیچیده باشد، هنوز هم وجود دارد. امروز ترفندهای قاچاقچیان برای ما شناخته شده است، مگر اینکه بخواهند ترفندهای جدیدی اتخاذ کنند که قطعاً می‌کنند. بخشی که ما شناسایی کردیم، برایشان سوخته شده است و دیگر مبادرت نخواهند کرد، مگر با شیوه‌های جدید که در برابر شیوه‌های جدید با رصدی که ستاد هوشیارانه انجام می‌دهد، مقابله متناسب انجام می‌دهیم. یکی از دغدغه‌ها در مبارزه با قاچاق، آینده‌پژوهی است که در ستاد آغاز شده است. در این میان سوءاستفاده‌هایی هم از مردم نیازمند می‌شود. «شوتی»ها خودروهایی هستند که با تقویت موتور و صندوق‌ها با سرعت بسیار بالا در حدود 220 کیلومتر در جاده‌ها تردد می‌کنند. برخی شوتی‌سواران به دلیل مشکلات معیشتی در جنوب یا غرب کشور فعالیت می‌کنند که قاچاقچیان از آنها سوءاستفاده کرده و در پوشش فعالیت گسترده از آنها بهره‌برداری می‌کنند. تلاش داریم با ایجاد سامانه‌های ثبت قاچاق، تعداد فعالیت قاچاق آنها را شناسایی کنیم تا بتوانیم جلوی آنها را بگیریم.

- مشروعیت مداخله دولت در بازار اجاره مسکن

این روزنامه اصلاح‌طلب که منتقد دخالت دولت قبل در بازار مسکن بود، امروز نوشته است: افزایش کنترل‌ناپذیر و شتابان قیمت مسکن سبب شد دولت به این بازار به‌شکلی دستوری ورود پیدا کند. تعیین سقف افزایش قیمت برای اجاره‌بها، اگرچه سیاستی حمایتی تلقی می‌شود، اما باید دید در یک بازار کاملاً خصوصی، چگونه قرار است این میزان کنترل انجام شود. محمدحسین شریف‌زادگان، استاد دانشگاه شهید بهشتی و صاحب‌نظر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن که سال‌ها نیز در این زمینه تدریس کرده است، سیاست‌های دولت در بازار مسکن را در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرده و می‌گوید: مهم‌ترین وظیفه دولت آن است که روشی اتخاذ کند که بتواند از همه اهرم‌های قانونی، مدنی و سیاستی خود در راستای اجرائی‌شدن و تحقق این درجه‌بندی قیمتی استفاده کند. در غیر این صورت، اقتدار دولت در انجام یکی از وظایف اصلی خود که ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مسکن اقشار مختلف جامعه که هم در قانون اساسی درج شده و هم جزء وظایف ذاتی دولت از نظر تولید کالای عمومی است، خدشه‌دار خواهد شد.

واقعیت آن است که در ایران از سال 1345 تا امروز، همه شاخص‌های استفاده از مسکن بهبود یافته است، ولی به علت افزایش جمعیت، به‌خصوص افزایش رشد جمعیت به 3.9 درصد در دهه 60، تقاضا برای خانوارهای جدید که تشکیل خانواده می‌دهند و کسانی که به‌دلایل اقتصادی و اجتماعی مسکن خود را بهبود می‌بخشند، رو به افزایش است و همواره بیش از یک میلیون واحد مسکونی در ایران کسری تولید برای تقاضاکنندگان واقعی یا تقاضای مؤثر در مسکن وجود دارد. در این میان، تعداد شهرها از 450 شهر در اول انقلاب به بیش از هزار و 300 شهر افزایش یافته و مسکن در شهرها کشش‌پذیری بیشتری نسبت

به روستاها دارد و در فضای شهرهای ایران، تقاضا برای اسکان و بهبود مسکن به عنوان پدیده شهرنشینی رو به افزایش است. بخش عمده این تقاضای مؤثر، متعلق به گروه‌های درآمدی کم و متوسط است. مسکن در ایران، هم از تعاملات و مسائل بخش خود متأثر است و هم از مؤلفه‌های اقتصاد کلان مثل افزایش نقدینگی جامعه، رکود در بخش‌های صنعتی و کشاورزی و سودآور و کم‌ریسک بودن زمین و ساختمان و مسکن و هجوم سرمایه‌ها و پس‌اندازهای ملی به سوی ساخت و خرید و فروش مسکن؛ به طوری که بخش وسیعی از ساخت و خرید و فروش مسکن، نه برای پاسخ‌گویی به تقاضای مؤثر و واقعی جامعه، بلکه به عنوان کالای مبادله‌ای برای سوداگری تبدیل شده است.

دولت در سال‌های قبل هم نشان داده که سیاست اثرگذاری برای بازار مسکن نداشته است. افزایش سقف وام مسکن و ایجاد صندوق یکم و حتی مسکن مهر نیز نتوانسته در خانه‌دار شدن مردم مؤثر واقع شود. رشد شتابان تورم و عقب‌ماندگی درآمدها از هزینه‌ها، این امکان را روز به روز کمتر کرده و امروز می‌بینیم که سیاست‌های حمایتی دولت در بازار مسکن بی‌اثر شده است. مسکن عرضه‌کنندگان، تقاضاکنندگان و بازار خود را دارد. بازار مسکن عمدتاً رقابتی است و مشارکت‌کنندگان در آن باید قادر باشند با قدرت خرید خود در این بازار وارد شده و مسکن مورد نیاز خود را خریداری کنند. بهای امکان‌پذیری تهیه مسکن متعارف، به نسبت متوسط درآمد یک خانوار شهری، نباید از پنج برابر فرضی کل درآمد خانوار در طول یک سال بیشتر باشد. این نسبت در کشورهای توسعه‌یافته سه برابر و در کلان‌شهرهای آنها 4.5 برابر است. مطالعات نشان می‌دهد در ایران این نسبت بین 10 تا 15 سال است.

دهک اول کم‌درآمد، با فرض ذخیره کل درآمد در پنج سال، فقط می‌تواند 9.1 مترمربع مسکن تهیه کند و دهک دوم 17.2 مترمربع و دهک سوم درآمدی صرفاً 22.4 مترمربع امکان تهیه مسکن دارد. این در حالی است که این مطالعات مربوط به اواخر دهه 80 است و این نسبت‌ها امروز بیشتر خواهد بود. حتی زمانی که وام‌های یارانه‌ای بانکی برای گروه‌های کم‌درآمد و متوسط ارائه می‌شود، باز گروه‌های اول تا سوم کم‌درآمدها قادر به مشارکت در وام‌گیری برای تهیه مسکن نبوده و عملاً بانک‌پذیر نیستند... بازار مسکن مانند همه بازارها رقابتی است و افراد با قدرت خرید خود به میدان می‌آیند، آیا این گروه‌ها می‌توانند به عنوان تقاضاکنندگان در خرید مسکن عرضه‌شده به بازار مشارکت کنند؟ به همین دلایل، به خاطر ناتوانی، گروه‌های درآمدی کم و متوسط نمی‌توانند در رقابت خرید یا اجاره مسکن مناسب شرکت کنند. رقابتی شدن مسکن در بازار، امکان تأمین آن را برای گروه‌های کم‌درآمد غیرممکن می‌کند و عرضه و تقاضا در این حالت عمل نمی‌کند و پدیده شکست بازار (Market Failure) صرفاً برای این گروه‌ها اتفاق می‌افتد و این مجوز و دلیل منطقی برای دولت در مداخله بازار مسکن، برای حمایت از تقاضاکنندگان از طریق اعمال سیاست‌های ترجیحی وام‌های بانکی، زمین و مصالح ارزان‌قیمت، ساخت ارزان‌قیمت و مقررات تسهیل‌کننده است. مداخله دولت، برای ایجاد تعادل در این بازار و تحقق تأمین مسکن برای گروه‌های هدف کم‌درآمد جامعه است.

اجاره‌نشینی نیز یکی از انواع استفاده از مسکن است که در همه دنیا و در ایران مورد قبول واقع شده است. در کل کشور 30 درصد مردم مستأجر و 70 درصد مالک مسکن هستند و این نسبت در شهرهای

بزرگ و به‌خصوص تهران، به سمت اجاره‌نشین‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین عین آنچه در بازار خرید مسکن کم‌درآمدها و گروه‌های درآمدی متوسط گفته شده، در بازار اجاره که بازار تهیه مسکن استیجاری است نیز جاری خواهد بود. بنابراین بخشی از این بازار که متعلق به این گروه‌های درآمدی است، به‌دلیل ناتوانی آنان در مشارکت در رقابت بازار، مشمول پدیده شکست بازار می‌شود و سرانجام دولت باید با سیاست‌گذاری لازم و تحقق‌پذیر، در بازار اجاره مداخله کند. حال سؤال اینجاست که آیا این مداخله امکان‌پذیر است؟، شواهد تجربی و جهانی نشان می‌دهد در اغلب کشورهای جهان این کار به انجام می‌رسد و دولت از طریق مکانیسم‌های قانونی، آژانس‌های املاک، هنگام ثبت و ضبط اجاره‌نامه، روش‌های مالیاتی و قوانین و مقررات کشوری و شهری، مداخله خود را با قدرت اجرائی و قانونی انجام می‌دهد.

مداخله دولت در بازار قیمت اجاره را قانون کنترل اجاره (Rent Control) می‌گویند؛ این روش برای حمایت از ناتوانی بخشی از جامعه است که توان مشارکت در رقابت تهیه مسکن اجاره‌ای را ندارند. در آمریکا قانون تعیین اجاره‌بهای مسکن یا تثبیت قیمت اجاره‌بها وجود دارد؛ البته مورد انتقاد سرمایه‌گذاران مسکن قرار دارد که انگیزه سرمایه‌گذاری مسکن را محدود می‌کند، ولی در نهایت به‌عنوان امر حمایت اجتماعی وجود دارد و عمل می‌کند. این قانون در کالیفرنیا، نیویورک و سانفرانسیسکو اجرا می‌شود. مثلاً در سانفرانسیسکو 75 درصد کل واحدهای اجاره‌ای و در لس‌آنجلس، 80 درصد تحت کنترل قیمت هستند. در کانادا قانون تنظیم اجاره در همه ایالت‌های آن وجود دارد. در انتاریو، براساس قانون اجاره مسکونی، قیمت مسکن اجاره‌ای بیش از 2.5 درصد در سال افزایش نمی‌یابد. در آلمان افزایش قیمت بهای اجاره مسکن بالاتر از 20 درصد غیرقانونی است؛ البته توجه داریم که این نسبت‌ها در کشورهایی است که اقتصاد متعادل دارند، ولی وجود آن در نظام‌های سرمایه‌داری درخور توجه است.

به نظر می‌رسد بیان رئیس‌جمهور و مصوبه دولت درباره درجه‌بندی افزایش اجاره‌بها، در چارچوب یکی از وظایف دولت در تولید کالای عمومی و ایجاد تأمین و رفاه اجتماعی برای جامعه که از اجزای مهم وظایف دولت است، قرار دارد. مسکن جزئی از رفاه و تأمین اجتماعی است و در شرایطی که جامعه ایران در تورم و رکود است و بیش از 35 درصد جامعه زیر خط فقر هستند، دولت موظف به حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر که به غیر از تهیدستان شهری به گروه‌های اجتماعی متوسط نیز تسری یافته‌اند، است. در اینجا شاید این فکر ایجاد شود که مداخله دولت در بهای اجاره مسکن، ممکن است به استقلال بازار مسکن لطمه وارد کند. پاسخ آن است که دولت صرفاً در حمایت از گروه‌های کم‌درآمد و متوسط وارد میدان می‌شود و درجه‌بندی بهای اجاره مسکن به‌طور کلی ضرورتی است که از نظر اجرائی امکان تفکیک آن مهیا نیست و این نوع درجه‌بندی می‌تواند به‌طور متوسط تعادل لازم را به بازار بهای اجاره مسکن برگرداند. در این میان، مهم‌ترین وظیفه دولت آن است که روشی اتخاذ کند که بتواند از همه اهرم‌های قانونی، مدنی و سیاستی خود در راستای اجرائی‌شدن و تحقق این درجه‌بندی قیمتی استفاده کند. در غیر این صورت، اقتدار دولت در انجام یکی از وظایف اصلی خود که ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مسکن اقشار جامعه که هم در قانون اساسی درج شده و هم جزء وظایف ذاتی دولت از نظر تولید کالای عمومی است، خدشه‌دار خواهد شد.

- خطای تشخیص دولت در بورس مسکن

دنیای اقتصاد درباره بورس مسکن گزارش داده است: نقشه‌ای که دولت برای تغییر جهت «خریدهای سرمایه‌ای از بازار مسکن» در نظر گرفته، قرار است از مسیر بازار سرمایه به اجرا دربیاید. اما ضعف آگاهی درباره جزئیات نقشه باعث شده است تعابیر مختلفی از جمله «بورس مسکن» درباره طرح ارائه شود. اصل طرح، نه بر روی آپارتمان‌ها که بر روی سایر املاک، آن هم املاک دولتی و مستغلات سوار شده و برای اجرای آن نیز تاسیس صندوق ویژه در بازار سرمایه در نظر گرفته شده است. اجرای نقشه - مطابق الگوی جهانی - باعث جذب تقاضای سرمایه‌ای مسکن می‌شود. جزئیات صندوق شرح داده شده است.

بازار دوم سرمایه‌گذاری ملکی در قالب بورس املاک و مستغلات برای اولین بار در کشور راه‌اندازی می‌شود. این خبر را اخیراً وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده است. بر خلاف برخی برداشت‌های اولیه از این خبر، عرضه‌کنندگان در بورس املاک و مستغلات، نهادهای دولتی هستند که قرار است از صندوق‌های املاک و مستغلات به عنوان ابزار تامین مالی استفاده و دارایی‌های ملکی غیرنقدی خود را به دارایی نقدی تبدیل کنند. در سوی دیگر بورس املاک و مستغلات، سرمایه‌داران خرد و کلانی قرار می‌گیرند که به سرمایه‌گذاری ملکی تمایل دارند. صندوق‌های املاک و مستغلات ابزار مناسبی برای جلوگیری از سوداگری در بازار املاک مصرفی است چراکه مقصدی خارج از بازار مصرفی املاک مسکونی را برای جذب سرمایه‌گذاران بازار املاک و مستغلات تعریف کرده است. به این ترتیب بازار دوم سرمایه‌گذاری ملکی برای ملک‌بازها تدارک دیده شده و خریداران واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق‌های املاک و مستغلات می‌توانند بدون اینکه وارد بازار مسکن مصرفی شده و زمینه‌ساز پرواز قیمت‌ها در این بازار شوند، هم از عایدی جاری ناشی از بهره‌برداری املاک خریداری شده متناسب با میزان سرمایه‌گذاری خود برخوردار شوند و هم عایدی ناشی از تغییرات قیمت ملک در بلندمدت نصیب آنها خواهد شد.

به گزارش «دنیای اقتصاد»، طی ماه‌های اخیر دو برداشت غلط درباره ارتباط بازار مسکن و بازار سرمایه مطرح و به حدی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تکرار شده که اجازه عرضه اندام و خودنمایی به اصل طرح دولت را نداده است. دولت در طرح جدید خود بنا دارد ارتباط تازه‌ای میان بازار مسکن و بورس برقرار کند اما درباره شکل این ارتباط سوءبرداشت شده است. تا پیش از این راه‌اندازی صندوق‌های زمین و ساختمان به عنوان یک راه ارتباطی بین بورس و مسکن محقق شده بود. در این صندوق‌ها سرمایه‌های خرد کسانی که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بازار مسکن هستند، هزینه‌های ساخت و ساز پروژه‌های مسکونی را تامین می‌کند. اما با وجود تشکیل تعدادی صندوق زمین و ساختمان و حتی به سرانجام رسیدن پروژه‌های ذیل این صندوق‌ها، این پل ارتباطی نتوانست آن‌گونه که باید ارتباط موثر و مداومی میان بازارهای سرمایه و مسکن ایجاد کند؛ چراکه اصولاً سازنده‌ها تمایلی به جمع‌آوری

سرمایه از افراد برای اجرای پروژه‌های ساختمانی نشان نمی‌دهند و در نتیجه در سمت عرضه استقبالی از صندوق‌های زمین و ساختمان صورت نگرفت.

اما پیش از طرح جزئیات نقشه دولت، باید دو تعبیر و برداشت غلط از مسیر جدید ارتباطی بورس و بازار مسکن که طی دو ماه اخیر در شبکه‌های مجازی اطلاع‌رسانی بارها تکرار شده است، مرور شود. برداشت غلط اول این است که دولت قرار است قانون یا مصوبه‌ای بگذراند که در راستای آن، فروشنده‌های آپارتمان‌های مسکونی در شهرها مجاز یا مکلف به عرضه واحدهای مسکونی خود در بورس شوند. البته تصور یک گروه این است که این موضوع به شکل اجباری پیاده خواهد شد و گروه دیگر تصور می‌کنند که اختیار عرضه مسکن در بورس به فروشنده‌ها داده خواهد شد.

تعبیر غلط دوم نیز این است که برخی تصور می‌کنند دولت قرار است از ابزارهای نوین مالی بازار سرمایه نظیر اوراق سلف، صندوق‌های زمین و ساختمان، اوراق رهنی و فروش متری مسکن استفاده کند. برداشت اول به هیچ عنوان نه مطرح بوده و نه قابلیت طرح موضوع را دارد؛ چراکه مسکن یک کالای همگن نیست و به خاطر طیف متنوع خصایص واحدهای مسکونی، کشف قیمت برای مسکن بسیار دشوار و به نوعی ناممکن است. در واقع با وجود اینکه مانعی برای ورود مسکن به بازار سرمایه وجود ندارد، اما در حال حاضر این کالا قابلیت عرضه در بورس را ندارد. از طرفی اگر زمینه این عرضه فراهم شود، بعید است که مالکان و سازنده‌ها حاضر به فرآیند فروش در بستر بورس شوند، چراکه آنها اغلب روی قیمت‌های پیشنهادی خود برای فروش مصر هستند و اعتقادی به کشف قیمت و قیمت کارشناسی ندارند. در مورد برداشت دوم نیز اگرچه دولت قصد استفاده از ابزارهای نوین مالی برای تامین مالی بخش مسکن را دارد، اما طرح تازه دولت ارتباطی با این ابزارهای متداول ندارد. در واقع طرح دولت تقریباً هیچ ارتباطی به مسکن و ساختمان مسکونی ندارد و کاملاً مرتبط با املاک و مستغلات متعلق به دولت است. البته قاعدتاً با کلید خوردن این طرح، به تدریج املاک غیردولتی نیز امکان عرضه در بورس را پیدا خواهند کرد اما در شروع، قرار است املاک دولتی آن‌هم نه الزاماً با کاربری مسکونی، بلکه با هر نوع کاربری در بستر بازار سرمایه عرضه شود.

اما مختصات واقعی طرح مسکنی دولت چیست؟ بر اساس این طرح، دولت برای تامین بخشی از کسری بودجه خود و منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی در شرایطی که درآمد نفتی کاهش یافته است، از مسیر و ظرفیت بکری استفاده خواهد کرد. بر این اساس بنای دولت این است که املاک مازاد و غیر قابل استفاده و البته مستعد فروش خود را واگذار کند. موضوع املاک مازاد نه فقط در دولت فعلی، بلکه در سه دولت نهم، دهم و یازدهم نیز همواره مطرح بوده و در همه این سال‌ها روسای جمهور و معاونان اول ریاست جمهوری در مقاطع مختلف، به دستگاه‌ها درباره واگذاری املاک مازاد فرمان مکتوب داده‌اند و حتی استانداران موظف شدند مسیر اجباری فروش املاک مازاد را با شناسایی املاک دستگاه‌ها در هر استان و معرفی آنها به دولت، در پیش بگیرند. اما صرف‌نظر از مقاومت دستگاه‌ها به واگذاری املاک که از آن به عنوان «چسبندگی» یاد می‌شود، گیر دیگری هم در کار واگذاری وجود داشته که سبب شده در همه این سال‌ها بحث فروش املاک مازاد نتیجه‌بخش نباشد. گیر ماجرا این بود که در سال‌های

اخیر متناسب با رشد قیمت مسکن در سال‌های اخیر، ارزش تک‌قطعه از املاک دولتی به قدری بالا رفته که عملاً در سمت تقاضا بنیه خرید برای یک فرد حقیقی یا حقوقی وجود ندارد. در واقع بهای املاک دولتی از توان خرید سرمایه‌گذاران ملکی در بازار به مراتب بیشتر شده است. به عنوان مثال دولت ممکن است زمین یا ساختمانی با کاربری مختلط داشته و حاضر به واگذاری آن باشد، اما بهای فروش آن به صورت یکجا به حدی بالاست که هر کسی در بازار نمی‌تواند مشتری خرید آن باشد. بنابراین گیر مذکور موجب شده بحث واگذاری املاک مازاد دولتی در سال‌های گذشته به نتیجه نرسد.

اما طرح فعلی دولت را می‌توان یک برنامه عملیاتی دوماظوره توصیف کرد که می‌تواند هم‌گیر نامتناسب بودن ارزش املاک دولتی با قدرت خرید سرمایه‌گذاران ملکی را برطرف کند و هم به نفع پیشگیری از ایجاد فضای سوداگری در بازار مسکن مصرفی تمام شود. در طرح دولت، املاک دولتی از طریق تشکیل صندوق املاک و مستغلات به لحاظ ارزش فروش به یونیت‌ها یا واحدهای سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند، با این هدف که امکان خرید آنها برای گروه زیادی از متقاضیان سرمایه‌گذاری ملکی فراهم شود. به عبارت دیگر، طبق کارکرد جهانی و تجربه شده صندوق املاک و مستغلات، این املاک دولتی وقتی از طریق صندوق عرضه می‌شود، امکان خرید و سرمایه‌گذاری از سوی یک گروه از سرمایه‌گذاران روی یک فقره ملک دولتی فراهم می‌شود و در نتیجه هر فرد با سرمایه خرد و کلان می‌تواند به این طریق سرمایه خود را روانه بازار ملک کند تا ارزش واقعی دارایی خود را از تورم در امان بدارد.

نفع دیگر طرح دولتی اتصال بازار املاک و بورس این است که بازار دوم برای سرمایه‌گذاران ملکی در جایی بیرون از بازار مسکن مصرفی ایجاد می‌کند. در دهه‌های اخیر بازار املاک مصرفی مسکن دوره‌های متعدد جهش قیمت را پشت سر گذاشته و به دنبال آن رکود سنگین ناشی از اخراج تقاضای مصرفی از بازار مسکن به دلیل عدم تناسب بودجه آنها با سطوح قیمت‌ها نیز رخ داده است. یک علت اصلی جهش قیمت، حضور همزمان تقاضای مصرفی، سرمایه‌ای و سفته‌بازی در بازار مسکن بوده است. حضور تقاضای مصرفی نیز که شرط کلیدی حیات بازار مسکن است اما در مورد تقاضای سرمایه‌ای، ماجرا متفاوت است. ریشه این تقاضا التهاب در بازارهای رقیب، تورم عمومی و انتظارات تورمی ناشی از آن است که سبب می‌شود صاحبان سرمایه نقدی همواره به تبدیل سرمایه خود به ملک رغبت نشان دهند. از طرفی تجربه دهه‌های گذشته نشان داده در کشور ما امن‌ترین بازار برای حفظ ارزش سرمایه، بازار ملک بوده است، چراکه رشد قیمت اسمی املاک در دوره‌های بلندمدت از نرخ تورم بالاتر بوده است.

در گذشته این نگاه وجود داشت که باید از حضور تقاضای سرمایه‌ای در بازار مسکن جلوگیری کرد و بعضاً سیاست‌گذاران به دنبال سرکوب این نوع تقاضا بودند. اما از آنجا که ریشه این تقاضا وضعیت اقتصادی کشور است، امکان سرکوب آن وجود ندارد. دولت اخیراً سرانجام این واقعیت را پذیرفت که نمی‌تواند صورت مساله تقاضای سرمایه‌ای مسکن را پاک کند و به صراحت در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت اعلام شد که تقاضای سرمایه‌ای یک علت رشد سرسام‌آور قیمت مسکن بوده و دولت قصد دارد از ابزارهایی برای انتقال تقاضای سرمایه‌ای مسکن به بورس استفاده کند. با راه‌اندازی صندوق‌های

زمین و ساختمان، عملاً بازار دوم سرمایه‌گذاری برای ملک‌بازها راه‌اندازی می‌شود. اما این تنها مزیت صندوق‌های مذکور نیست. ویژگی مهم صندوق‌های املاک و مستغلات این است که فرصت سرمایه‌گذاری ملکی را به شکل برابر میان طبقات اجتماعی مختلف و صاحبان سرمایه‌های خرد تا کلان توزیع می‌کند. این صندوق‌ها از یکسو جاذب سرمایه‌های کلان افرادی است که می‌توان به آنها «ملک‌باز» لقب داد و از سوی دیگر زمینه حضور خانگی‌ها یا متقاضیان سرمایه ملکی که اندازه سرمایه آنها برای خرید چند مترمربع مسکن کفاف می‌دهد و به اندازه پوشش قیمت یک واحد آپارتمان کامل نیست را در بازار سرمایه‌گذاری ملکی فراهم می‌کند.

هر دو گروه سرمایه‌گذاران در صندوق‌های املاک و مستغلات که با عرضه املاک دولتی از هفته جاری آغاز به کار خواهد کرد، از دو ناحیه منتفع خواهند شد؛ یکی از ناحیه عایدی ناشی از بهره‌برداری این املاک که اغلب به شکل اجاره‌داری صورت می‌گیرد و به شکل درآمد جاری بورسی در اختیار صاحبان واحدهای سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد و دیگری از ناحیه رشد ارزش دارایی ملکی متناسب با نرخ تورم در دوره‌های میان و بلندمدت که به این ترتیب اصل سرمایه آنها نیز مشمول رشد می‌شود. بنا بر تعریف استاندارد، فعالیت اصلی این صندوق‌ها خرید املاک و مستغلات و کسب سود از محل هر نوع بهره‌برداری از آنها به ویژه اجاره‌داری است. البته این صندوق‌ها در اوراق بهادار مرتبط با حوزه املاک مانند اوراق رهنی نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند و عایدی ناشی از این سرمایه‌گذاری‌ها نیز نصیب صاحبان واحدهای سرمایه‌گذاری این صندوق‌ها می‌شود.

دو سناریو درباره آینده صندوق املاک

به گزارش «دنیای اقتصاد» با دو نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه می‌توان آتیه سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی مذکور را پیش‌بینی کرد. در سناریوی خوش‌بینانه، نهادهای دولتی که قرار است املاک خود را در قالب این صندوق‌ها عرضه کنند، بهترین زمین و ساختمان‌های خود را که هیچ مشکل قانونی، سند و معارض ندارد را پای کار می‌آورند و مردم نیز با خرید متری این املاک از صندوق‌های مذکور استقبال می‌کنند. در این صورت دستگاه‌ها و نهادهای دولتی با تامین مالی انجام شده در زمینه‌های تولید حقیقی کالا و خدمات اقدام خواهند کرد و مردم نیز از محل افزایش قیمت و ارزش افزوده املاک و مستغلات منتفع می‌شوند.

اما در سناریوی بدبینانه، نهادهای دولتی تمام زمین‌هایی که دارای تعارض، مشکل قانونی و اختلاف سندی است را پای کار خواهند آورد و ممکن است با تامین مالی انجام شده از این محل، به سوداگری در بازارهای دیگر ورود کنند و منافع سنگینی به جیب آنها سرازیر شود، اما مردم از سرمایه‌گذاری‌های مذکور انتفاع قابل توجهی پیدا نکنند. بنابراین جنس مشارکت نهادهای دولتی در موفقیت یا عدم موفقیت صندوق‌های زمین و ساختمان در مهار شدت تورم ملکی بسیار مهم است.

- پنجمین هفته متوالی افزایشی دلار ثبت شد

دنیای اقتصاد درباره بازار ارز و طلا گزارش داده است: در دومین هفته تابستان، سکه تمامبهار آزادی بیش از ۱۳ درصد افزایش یافت و به ۵۰۰ قدمی ۸ رقمی شدن رسید. چنین بازدهی در بازار ارز به ثبت نرسید و سایر سکه‌های طلا نیز بازدهی کمتری داشتند. سکه امامی در تمام طول هفته گذشته روندی مثبت داشت و در ادامه حرکت افزایشی خود، روز پنجشنبه ۳۸۰ هزار تومان افزایش قیمت را به ثبت رساند و به بهای ۹ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان رسید. ثبت این رشد، بازدهی هفته گذشته سکه امامی را به ۱۳/۵ درصد رساند. این در حالی بود که در همین بازه زمانی، دلار بهرغم روند رو به رشد، زیر ۱۰ درصد افزایش یافت. در آخرین روز هفته نیز شاخص ارزی ۳۰۰ تومان رشد را تجربه کرد و به بهای ۲۰ هزار و ۷۵۰ تومان رسید. بازدهی دلار با در نظر گرفتن رشد روز آخر هفته به حدود ۸/۳ درصد رسید. در هم نیز در هفته گذشته کمی بیش از ۸ درصد رشد کرد و یورو حدود ۷/۴ درصد افزایش داشت. در واقع ارزهای مهم همگی بازدهی کمتری نسبت به سکه امامی داشتند. در میان سکه‌ها و گرم طلای ۱۸ عیار نیز هیچ کدام بازدهی بالاتری بیشتری نسبت به سکه امامی نداشتند، هر چند خرید آنها برای معامله‌گران سود بیشتری نسبت به بازار ارز داشت. هر گرم طلای ۱۸ عیار در هفته گذشته نزدیک به ۱۰ درصد رشد کرد و به آستانه مرز ۹۰۰ هزار تومانی رسید. ربع سکه نیز حدود ۱۲/۵ درصد افزایش داشت و نیم سکه در حدود ۸/۵ درصدی بالا رفت. برخی فعالان باور دارند، امید افزایش بازیگران داخلی نسبت به رشد طلای جهانی موجب شده است که خریدها در بازار سکه نیز افزایش پیدا کند. این در حالی است که گروه دیگری باور دارند سکه‌بازان به پیشواز رشد قیمت دلار رفته‌اند. دسته دیگری هم باور داشتند، معامله‌گران به این دلیل خرید در بازار سکه را نسبت به دلار ترجیح می‌دهند که اعتقاد دارند خرید سکه محدودیت قانونی کمتری دارد. تنها بازاری که در هفته گذشته توان رقابت با بازار سکه را داشت، بازار سهام بود، جایی که شاخص کل بورس در حدود ۱۳/۶ درصد افزایش قیمت را به ثبت رساند. دو هفته قبل رشد شاخص کل بورس بسیار بیشتر از بازار سکه بود.

انتظارات دوگانه در بازارها

۶ افزایش متوالی در بازار ارز و سکه موجب شده است که انتظارات افزایشی در میان معامله‌گران تقویت شود. با این حال قیمت‌ها نیز به سطوحی رسیده‌اند که خرید در آنها برای برخی از افراد پرریسک به نظر می‌رسد. به گفته برخی تحلیلگران فنی، تثبیت دلار بالای محدوده ۲۰ هزار و ۷۰۰ تومانی می‌تواند پایه‌ای برای رشد بیشتر قیمت شود و در بازار سکه همه چیز در وهله اول، بستگی به واکنش بازار نسبت به کانال ۱۰ میلیونی خواهد داشت. این هفته می‌تواند از یکسو دامنه انتظارات افزایشی را با شکست کانال‌های مقاومتی جدید وسعت ببخشد و از سوی دیگر می‌توان شاهد متوقف شدن روند افزایشی بازار بود؛ یکی از عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز اتفاق دوم شود، سودگیری معامله‌گران از خریدهای گذشته است. سکه و دلار حدود پنج هفته است که روند افزایشی داشته‌اند و طبیعی است که گروهی از معامله‌گران انتظار داشته باشند با رسیدن به سطوح مقاومتی جدید، شاهد فروش بخشی از خریدهای گذشته افراد باشیم. با این حال نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که سکه و دلار در هفته‌های گذشته تقریباً بدون اصلاح‌های بلندمدت، از سقف‌های جدید عبور کردند. این مساله می‌تواند تردیدها در مورد خرید و

فروش‌های ارزی را افزایش دهد. در این میان، یکی از مسائل مهمی که همچنان انتظارات افزایشی را در بازار ارز بالا نگه داشته است، مربوط به سطح نرخ حواله درهم است که به ۵ هزار و ۸۰۰ تومان نزدیک شده است. با این سطح از نرخ حواله درهم، ارزش دلار به بالای ۲۱ هزار تومان می‌تواند برسد. اگر نرخ حواله درهم نزولی شود، به احتمال زیاد قیمت دلار در بازار داخلی نیز تغییر مسیر خواهد داد.

* جهان صنعت

- بدهی حتمی فرماندهان اقتصادی دولت به مردم

جهان صنعت درباره تیم اقتصادی دولت نوشته است: آقایان محمدباقر نوبخت، عبدالناصر همتی و فرهاد دژپسند سه نفر اصلی و فرماندهان اقتصاد ایران هستند و در مقام ریاست سازمان برنامه‌بودجه، بانک مرکزی و نیز وزارت اقتصاد سرنوشت کسب‌وکار و زندگی ده‌ها میلیون ایرانی ساکن در سرزمین مادری در گرو صلاحیت علمی- کارشناسی و تعهد اخلاقی و انسانی آنهاست.

این سه مقام اول اقتصاد علاوه بر اینکه باید به رییس دولت و نهادهای قدرت گزارش دهند که در اقتصاد کلان ایران چه می‌گذرد و کدام فرصت‌ها و تهدیدها در اقتصاد وجود دارند، به لحاظ اخلاقی و انسانی و قانونی وظیفه دارند درباره مهمترین مسائل روز کشور به مردم نیز توضیح دهند و آنها را از نگرانی، سردرگمی و هراس از روزهای سخت بیرون آورند. اخلاق و انسانیت فرمان می‌دهند حقایق تا جایی که به امنیت ملی آسیب نمی‌زند به مردم گفته شود و با دادن اطلاعات دقیق و درست آنها را از افتادن در گرداب‌های ناشناس و اسیر شدن در تله فقر و بینوایی رها کنند و با دادن آدرس‌هایی که فقط به نفع دولت است مردم را به بیراهه نکشانند. آنهایی که اقتصاد سیاسی ایران را دنبال می‌کنند یادشان هست در نیمه نخست سال ۱۳۹۴ مهمترین مساله کشور احتمال تشدید رکود اقتصادی بود و اینکه چگونه باید اقتصاد از رکود خارج شود و نیز یادشان هست که در دهه سوم مهرماه همان سال آقایان نوبخت، سیف و طیب‌نیا که در آن سال فرماندهان اقتصاد بودند نشست بزرگ رسانه‌ای مشترک برگزار کردند و به ابهام‌ها و نگرانی‌های مردم که از سوی خبرنگاران مطرح شد جواب دادند.

به نظر می‌رسد اما حالا که وضعیت اقتصاد ایران بسیار بدتر از آن سال است و رشد شگفت‌انگیز انواع دارایی‌ها مثل دلار، سکه، مسکن و به ویژه ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شهروندان را گیج و گنگ کرده، این پاسخ‌دهی مشترک یا تک به تک در فاصله‌های زمانی منظم برپا شود. این حق شهروندان است و هیچ بهانه‌ای برای احقاق حقوق مردم توجیه ندارد. آقایان فرماندهان اقتصاد به احتمال بسیار زیاد خبر دارند که شهروندان ایرانی پس‌اندازهای ریالی و دارایی‌های زودنقدشونده خود را با شتاب به سوی بازارهای سکه، سهام و دلار می‌برند و انتظارات مردم از این بازارها به دست آوردن سودهای نجومی و کوتاه‌مدت است و این داستان خطرناکی شده است.

آقای دژپسند باید به عنوان وزیر اقتصاد به طور شفاف توضیح دهد که آیا رشد روزانه به طور میانگین سه درصد در شاخص کل قیمت سهام به دلیل این است که شرکت‌های ایرانی به همین میزان تولید کرده و

تفاوت هزینه و درآمدهای روزانه سه درصد است؟ وقتی می‌دانیم شرکت‌های بزرگ بورسی به ویژه پتروشیمی و فولاد و صنایع پالایشگاهی با تنگنای صادراتی مواجه هستند و انبارهای آنها به دلیل کاهش صادرات در حال پر شدن است چگونه قیمت سهام‌شان رشدهای نجومی دارد؟ شنیده شده که ارزش سهام یکی از واحدهای صنعتی که تعطیل است چندین برابر شده در حالی که اصلاً تولیدی ندارد. آقای وزیر اقتصاد باید به شهروندان توضیح دهد که آیا نمونه مشابهی در تاریخ بازارهای سهام کشورهای دارای اقتصاد سالم داریم که در شرایط توقف تولید و رشدهای منفی بخش واقعی اقتصاد ارزش سهام آنها چندین برابر شود و آیا این سرمستی امروز مدیریت شده است؟

آیا آقای همتی نباید از شهروندان به دلیل پیش‌بینی‌های اینستاگرامی غلط درباره ریسک حضور در بازار ارز و سودهای محقق شده چند ده درصدی در یک دوره کوتاه از حسرت به دل‌ماندگانی که حرف او را باور کردند عذرخواهی کند؟ آیا مردم نباید حقیقت رشد شگفت‌انگیز سکه را بدانند؟ سرانجام آقای نوبخت نیز باید به عنوان نفر اول خرج در کشور و تخصیص منابع باید درباره اصلاح ساختار بودجه ۱۳۹۹ و اینکه برای تامین کسری بودجه ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی به کجا فشار وارد می‌کند و آیا آن طور که گفته می‌شود بانک مرکزی را تحت فشار قرار می‌دهد تا پایه پولی را افزایش دهد توضیح دهد.

* اعتماد

- راغفر: با تداوم سیاست‌های فعلی ارز گران‌تر هم می‌شود

حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا درباره پدیده جدید اقتصادهای رانتی به اعتماد گفته است: معنای امضای طلایی یا کثیف این است که افراد یا مقاماتی دارای امضاهای بسیار موثر و تعیین‌کننده هستند. هر چند اصطلاح امضای طلایی خودساخته است و در برخی موارد نیز به نام‌های دیگری شناخته می‌شود اما در معنای کلی، همانی است که گفته شد. افرادی دارای امضای طلایی هستند که فرصت‌ها و اختیارات زیادی را در اختیار دارند و این فرصت‌ها زیر نظر آنها می‌توانند تخصیص یابد یا نیابد. به عنوان مثال اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها و برخی وزارتخانه‌ها در تعیین نحوه استفاده از فرصت‌های اقتصادی و مالی در جامعه نقش مهمی دارند...

هفته گذشته یکی از شرکت‌های بزرگ با حساب‌سازی، بنگاه خود را سودآور نشان داد در حالی که سالیان زیادی است زیانده است و با این کار می‌خواهد به سرمایه‌گذاران در بازار سهام نشانی غلط بدهد و آنها را منحرف کند. موارد اینچنینی هزینه‌های بسیار گزافی برای کشور به همراه دارد. کسی که در زمان مناسب با این‌گونه موارد برخورد نمی‌کند و اجازه می‌دهد فسادهای اینچنینی به ساختارهای بالاتری سرایت کند، موجب انحراف در منابع می‌شود. از همین طریق گروه‌های بزرگی به درآمدهای زیادی دست پیدا می‌کنند اما به قیمت اینکه بسیاری از مردم دچار فقر و فلاکت شوند. اگر افراد سوءاستفاده‌گر شناسایی نشوند برای پیشبرد اهداف خود این فساد را به سایر دستگاه‌ها نیز می‌برند و مثلاً به مدیران دولتی یا حتی نمایندگان مجلس رشوه می‌دهند. در این صورت فساد سیستماتیک و فراگیر می‌شود و بخش‌هایی از جامعه را در بر می‌گیرد.

دولتی بودن اقتصاد فی‌ذاته مشکل چندان بزرگی در رواج امضاها و طلایی ندارد چراکه اگر نظارت‌های لازم بر تمام ارکان حاکمیتی وجود داشته باشد شاهد فسادهای بزرگ نخواهیم بود. اما در خصوص اقتصاد دولتی نیز باید این مساله را خاطرنشان کنم که در هیچ کشوری اقتصاد کاملاً آزاد و رها نداریم و این دروغی است که نفع برندگان اقتصاد کشور که از رانت نیز برخوردارند از طریق رسانه‌های‌شان آن را منعکس می‌کنند. در شرایط کنونی بودجه کل کشور فقط 12 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 99 را تشکیل می‌دهد که رقم بسیار ناچیزی است. در کشورهای صنعتی مثلاً انگلستان که آزادترین اقتصاد اروپاست حدود 35 درصد و در کشورهای OECD نیز 37 تا 38 درصد است. با مقایسه این آمارها متوجه می‌شویم که دولت در ایران، چندان بزرگ هم نیست. برای جلوگیری از فساد باید نظارت بر دولت و کارکرد آن را جدی گرفت. مهم این نیست که دولت چقدر بزرگ است بلکه مساله مهم، نقش دولت در توسعه و آبادانی کشور است.

بنابراین صحبت‌هایی از این قبیل به معنای منحرف کردن افکار عمومی است و در هیچ جای دنیا تفاوتی ندارد. به عنوان مثال شیوع کرونا در امریکا باعث کمک 3 هزار میلیارد دلاری دولت برای نجات بنگاه‌های خصوصی شد که اگر پرداخت نمی‌شد، اقتصاد این کشور فرو می‌پاشید. حتی زمزمه‌هایی از کمک چند هزار میلیارد دلاری دیگر دولت برای اقتصاد نیز شنیده می‌شود. در واقع نقش دولت‌ها برای اقتصادها بسیار ضروری است. اما فراتر از همه اینها نظارت دستگاه‌های قضایی چه در قوه مقننه و چه در قوای دیگر است و در شرایط فعلی که هر روز خبر از رونمایی از یک فساد منتشر می‌شود راهگشا خواهد بود. اما باید به این نکته توجه کرد که این نظارت‌ها باید شدیدتر اعمال شود و نظارت‌ها و برخوردهای امروزه چندان مناسب نیست. فساد در شبکه بانکی گسترده‌تر و ابعاد عجیب و غریب‌تری دارد. گاهی گمان می‌کنم تعداد این فسادها آنقدر زیاد است که بعضاً بانک مرکزی فرصت بررسی تمام آنها را ندارد. برخی فسادها در درون شبکه بانکی مانند موسسات مالی و اعتباری که به دلیل مناسباتی که بین آنها وجود داشت، باعث شکل‌گیری شبکه ارتباطات درونی و البته گسترده‌تر شدن این شبکه نیز شد. شبکه‌های خانوادگی هم در درون این روابط قدرت و ثروت هستند و سبک زندگی‌شان نیز تغییر می‌کند.

چنین شرایطی را قبلاً شاهد نبودیم به‌رغم اینکه فساد پیش‌تر نیز در کشور وجود داشت اما در این مقیاس‌های کلان که هر روز در جرایم می‌خوانیم و در راهروهای دادگاه با آن مواجه می‌شویم، علت فساد خانوادگی این است که افراد برای اینکه بتوانند خودشان را در شبکه خاصی حفظ کرده و از منافع آن بهره‌مند شوند، ترجیح می‌دهند این شبکه، درونی باشد و افرادی باشند که با هم علقه‌های خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و... دارند. این شبکه‌های فاسد در درجات بعدی اقدام به شناسایی افراد خاصی در دستگاه‌های کشور می‌کنند تا فساد خود را دامنه‌دارتر کنند؛ البته این امر تنها مختص به کشور نیست و در همه کشورها افراد فاسد که کارهای خلاف بزرگ‌تری می‌کنند به صورت خانوادگی فعالیت می‌کنند. البته در کشورهایی که نظارت‌ها ضعیف‌تر است، اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از تشکیل خانواده‌های فاسد نیز کمتر است.

دی ماه 96 تا تیر 97 که رشد قیمت ارز شکل گرفت و از 3500 به 7 یا 8 هزار تومان رسیده بود، بنده به عنوان اخطار به مسوولان گفتم که این یک نوسان عمدی ارز در کشور است و هنوز نیز بر این اعتقاد پایبند هستم چراکه تمام شواهد بعدی نیز از همین امر حکایت دارد. اگر روند 6 ماه گذشته ادامه پیدا کند حتی می‌توان پیش‌بینی کرد، قیمت ارز به کانال‌های بالاتر از کانال‌های فعلی نیز وارد شود. ممکن است با گفتن این حرف نیز برخی بنده را متهم کنند که زمینه‌سازی می‌کنم برای ارز با قیمت‌های بالاتر و حتی 40 هزار تومان. اما ارزهای بالاتر خواهان دارد. قبل از رسیدن نرخ ارز به 12 هزار تومانی، برخی از نرخ‌های بالاتر دفاع می‌کردند. دولت و مجلس در آن برهه می‌توانست جلوی این کار را با تدابیر خاصی بگیرد اما کاری نکردند تا قیمت‌ها همچنان بالا رود. دو سال پیش به دولت اخطار داده شد که با کنترل تقاضای ارز می‌توان جلوی افزایش نرخ‌ها را گرفت و این منابع کشور را برای کالاهای اساسی اختصاص داد. مانند آنچه در دوران جنگ رخ داد. در تمام 8 سال دفاع مقدس کل درآمدهای ارزی دولت 6 میلیارد دلار بود که از آن 3 میلیارد دلار سهمیه‌بندی شده برای تامین کالاهای اساسی و مابقی نیز تقاضای کف جامعه بود. قیمت ارز در بازار آزاد هر چه بود بر نرخ کالاها تاثیر نمی‌گذاشت.

در واقع این اراده دولت وقت بود که پیامدهای ناشی از جنگ و محدودیت‌هایی که وجود داشت را کنترل کند. به نظر می‌رسد با وجود پایان جنگ تحمیلی همچنان در جنگ اقتصادی هستیم. باید از باب اخطار نه از باب پیش‌بینی آینده، اتفاقی که هم‌اکنون در بازار ارز می‌افتد را بازگو کرد. ممکن است مبارزه با افراد واسطه‌گر و دلال جلوی افزایش گاه و بی‌گاه نرخ ارز را بگیرد اما تا زمانی که اراده‌ای برای جلوگیری از جولان این افراد در بازار نباشد، نوسانات ادامه‌دار خواهد بود.

تنها راهکار موثر برای جلوگیری از این نوسان‌ها نیز این است که تمام ارکان حاکمیت دست به دست یکدیگر دهند و با آن مبارزه کنند. به عنوان مثال آیا مجلس یازدهم می‌خواهد این اتفاق رخ دهد؟ مجلسی که شعارش معیشت مردم بود در هفته‌های نخست آغاز به کارش جلسات متعددی برای کنترل فضای مجازی و نه کنترل ارز و هزینه‌های گزافی که بر افراد اعمال می‌کند، داشت. همین نبود اراده‌ای برای جلوگیری از نوسان ارز، بنده را به این فکر می‌برد که همچنان نیز برخی به دنبال افزایش نرخ ارز هستند. هنوز و بعد از دو سال تاکید می‌کنم که نباید ارز کشور برای واردات خودروهای لوکس استفاده شود و حتی بسیاری از کالاهایی که وارد می‌شود در داخل کشور قابل تولید هستند مانند برخی داروها. با این وجود در فروردین ماه 370 میلیون دلار ارز به کالاهایی تخصیص داده شد که بخش قابل توجهی از آن در داخل تولید می‌شوند. از این میزان حتی یک دلار آن نیز به واردات نهاده‌های تولید اختصاص نیافته است. چرا برخی افراد اصرار دارند، نهاده‌های تولیدی وارد نشود اما کالای لوکس وارد شود؟ زیرا اراده‌ای پشت این جریانات است و منافع در میان افراد و برخی صاحبان امضاها و طلایی وجود دارد.

عدم بازگشت ارز به کشور و شرایط تخصیص ارزی باعث شد که رییس کل بانک مرکزی نیز پس از مدت‌ها اعلام کند از این به بعد ارز فقط به کالاهای اساسی داده می‌شود. در دو سال گذشته ده‌ها میلیارد دلار ارز کشور خارج و صرف ورود کالاهای لوکس شده اما آنهایی که اینها را وارد می‌کنند به دنبال استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌های در پس آنها هستند و در زمان انتقاد برچسب می‌زنند که منتقدان، مدافع

اقتصاد دولتی هستند در حالی که می‌خواهیم از مردم و منافع کشور حمایت کنیم. با افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر به نظر می‌رسد کماکان برای کاهش آن اراده‌ای وجود ندارد. سال گذشته 48 میلیارد دلار صادرات داشته‌ایم که بسیاری از این صادرات با حمایت‌های بخش دولتی بوده است. به عنوان مثال دولت آب، گاز و برق و سنگ آهن و ... به تولیدکنندگان داده تا برخی بخش‌ها مانند پتروشیمی، کشاورزی و... بتوانند محصولی تولید کرده و آن را صادر کنند. اگر کسی یا بخشی از امکاناتی استفاده کردند باید پول آن را بدهند. در حالی که صادرات بدون بازگشت ارزش، منافع عظیمی را به جیب صادرکنندگانی واریز می‌کند که ارز را بر نمی‌گردانند یا مدام صحبت از رفع تعهد ارزی می‌کنند. از 48 میلیارد دلار صادرات سال گذشته 27 میلیارد دلار آن برنگشته است. اگر واقعا اراده‌ای برای برخورد با فساد و مفسدان اصلی وجود داشته باشد، به خصوص در شرایط فعلی که کشور با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست، چرا دستگاه‌های ذی‌ربط اسامی آنها را رسانه‌ای نمی‌کند؟ چرا با اینها برخورد قاطع و درخور نمی‌شود؟ مادامی که چنین رویه‌ای است، انتظار بهبود اوضاع بیشتر به یک رویا شبیه است.

*** جوان**

- ایران بازار پاکستان را به ترکمن‌ها هدیه داد!

جوان نوشته است: بررسی عملکرد وزارت نفت در پرونده گازی ترکمنستان نشان می‌دهد، اشتباه بزرگ این وزارتخانه نه تنها منابع ارزی در خارج از کشور را به خطر انداخته است بلکه موجب شده تا ترکمنستان به رقیب بزرگ ایران در بازار گازی منطقه تبدیل شود. ترکمنستان چهارمین دارنده ذخایر گازی دنیاست، اما به دلیل نداشتن دسترسی بزرگ به کشورهای مصرف‌کننده گاز، مجبور است گاز خود را ارزان‌تر از سایر تولیدکنندگان عرضه یا ترانزیت کند. کشوری که ۷۰ درصد از درآمدهای خود را به صادرات گاز می‌بیند، ولی طی چند سال گذشته به دلیل کاهش قیمت گاز و همچنین از دست دادن دو مشتری اصلی گاز خود، در وضعیت بغرنجی به سر می‌برد.

بزرگ‌ترین منتفعان این وضعیت عشق‌آباد، روسیه و چین هستند هرچند که ایران هم می‌توانست با جدی‌تر کردن مذاکرات خود با دولت این کشور، مانند چین و روسیه امتیازات خوبی را از این کشور دریافت کند، ولی در یک اشتباه بزرگ، این کشور را به سوی داوری سوق داد و موجب شد همه چیز به ضرر ایران پایان یابد. سقف قرارداد گازی ایران و ترکمنستان سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب بود که به دلیل اختلاف طرفین در سال ۹۵، ترکمنستان صادرات گاز به ایران را متوقف کرد تا اختلاف دو طرف پس از مذاکرات نامنظم، به داوری برده شود. ترکمنستان به جز ایران، به کشورهای چین و روسیه نیز گاز صادر می‌کرد که با کنار رفتن تهران و مسکو از خرید گاز ترکمنستان در دو دوره متفاوت، چین یگانه خریدار گاز همسایه شمالی ایران شد.

روسیه از سال ۲۰۱۶ واردات گاز از ترکمنستان را متوقف کرده بود؛ ایران هم توقف واردات از ترکمنستان را کلید زد تا این کشور برای فتح دو بازار بزرگ، مذاکرات خود را جدی‌تر کند. یکی چین و دیگری پاکستان و هند. چینی‌ها بزرگترین مشتری ترکمنستان هستند که براساس آمارهای رسمی شرکت

بی‌پی، در سال ۲۰۱۸ بیش از ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز از همسایه خود وارد کرده‌اند که این رقم در سال ۲۰۱۷ حدود ۳۱/۷ میلیارد مترمکعب بود. عشق‌آباد در حال تلاش برای یافتن بازارهای جدید است. ترنس کاسپین با چالش‌های فراوانی مواجه شده و بعید است طی چند سال آینده به سرانجام روشنی برسد. روسیه نیز به عنوان مخالف سرسخت این پروژه، موفق شد گاز ترکمنستان را با قیمتی ارزان‌تر دریافت و با خطوط لوله جدید خود، آن را به اروپا صادر کند. البته ترکمنستان به خوبی می‌داند با وجود حمایت‌های امریکا از این خط لوله، فعلاً چاره‌ای جز کنار آمدن با خواسته روس‌ها ندارد و آغاز تجارت گاز میان دو کشور را باید در این بستر ارزیابی کرد. چین هم با سرمایه‌گذاری در ترکمنستان نه تنها گاز ارزانی از این کشور دریافت می‌کند بلکه اصل سرمایه‌گذاری و سود خود را هم از درآمد صادرات گاز ترکمنستان کسر می‌کند و علاقه‌ای ندارند عشق‌آباد را به عنوان یک منبع ارزان انرژی از دست بدهد.

مازاد عرضه و جدی‌تر شدن پاکستان

وزارت نفت با پایان دادن به واردات گاز از ترکمنستان، این کشور را در موضعی قرار داد تا به فکر بازاری جدید باشد. ترکمن‌ها به دلیل نبود ظرفیت تولیدی که بتواند خط لوله تاپی را تغذیه کند، با مشکلات بسیاری مواجه بودند و به گفته بسیاری از کارشناسان، به همین دلیل خط لوله تاپی چندان خوشبینانه نبود؛ پروژه‌ای که قرار بود و است گاز ترکمنستان را به افغانستان، پاکستان و هندوستان برساند. با وجود اینکه امریکا و عربستان از دو دهه پیش پشتیبان این طرح بودند، اما تا سال ۹۵ همه چیز روی کاغذ بود. با اشتباه وزارت نفت، بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب از ظرفیت صادراتی ترکمنستان خالی ماند تا این کشور تاپی را با جدیت بیشتری دنبال کند. ترکمنستان به شدت به پول گاز نیاز دارد و اگر نتواند برای گاز خود مشتری پیدا کند، دچار بحران اقتصادی می‌شود.

آن‌ها بازار ایران را از دست دادند تا به سمت بازار پاکستان خیز بدارند؛ همان بازاری که با ایران قرارداد رسمی دارد، اما وزارت نفت آن را به حال خودش رها کرده است تا ترکمنستان جدی‌ترین گزینه تأمین گاز این کشور باشد و قرارداد آن را به طور رسمی امضا کند. امریکا و عربستان هم به طور کامل این پروژه را حمایت می‌کنند و حتی عربستان وام‌های بلاعوضی را برای این کشور در نظر گرفته و بخشی را نیز پرداخت کرده است. به بیان ساده‌تر، ایران نه تنها خود را از گاز ارزان ترکمنستان – به نسبت سایر کشورها – محروم کرده است بلکه بازار پاکستان را نیز به طور کامل در اختیار عشق‌آباد قرار داده تا منافع جمهوری اسلامی ایران با چالش بزرگی مواجه شود. محکومیت ایران در نزاع گازی خود با این کشور حتمی بود و با وجود اینکه به وزارت نفت هشدار داده شد با مذاکره به این نزاع پایان دهد، اما بی‌تدبیری حاکم بر وزارت نفت، همه چیز را به ضرر ایران و به سود کشورهای روسیه، چین و پاکستان تمام کرد.

چین و روسیه با این اقدام ایران، قدرت چانه زنی‌شان در برابر ترکمنستان برای واردات گاز افزایش یافت و پاکستان هم برای این کشور تعیین تکلیف می‌کند. روسیه پس از مازاد گازی که ترکمنستان با آن مواجه شد، خرید ۵/۵ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان را با قیمت نازلی آغاز کرد تا به اروپا صادر کند و چین هم قیمت گاز را کاهش داد. ترکمنستان هم مجبور به پذیرش شرایط این دو کشور شد چراکه چاره دیگری

نداشت؛ جمهوری اسلامی ایران هم به راحتی می‌توانست از این شرایط بهره ببرد، ولی لجاجت‌ها و خود بزرگ‌بینی‌ها موجب شد تا همه چیز به ضرر کشورمان پایان یابد.

- پاسکاری مالیات بر خانه‌های خالی بین دستگاه‌های دولتی

جوان درباره مالیات بر خانه‌های خالی گزارش داده است: در حالی که معافیت مالیاتی ده‌ها ساله برای خانه‌های خالی، بازار شناور مسکن را کوچک و بازار خانه‌های خالی را بزرگ کرده است و از تعلق دولت برای اخذ مالیات از خانه‌های خالی چهار سال می‌گذرد و قیمت‌ها در این حوزه سر به فلک می‌زند، نمایندگان مجلس خواستار حضور رئیس‌جمهور و همچنین وزرای اقتصاد و راه و شهرسازی در مجلس جهت پاسخگویی در رابطه با آشفته بازار مسکن و اجاره بها شده‌اند. هزینه‌های مسکن و اجاره بها حلقه تنگنای مالی را روز به روز برای خانوار تنگتر می‌کند و در شرایطی که به نظر می‌رسد، فصل نقل و انتقالات مستأجران در سال جاری یکی از سخت‌ترین فصول در تاریخ اقتصاد ایران باشد، بسیاری از خانوارهایی که طبق برنامه‌ریزی و پس‌انداز ده‌ها ساله تصور می‌کردند در سال جاری صاحبخانه شوند، رؤیای خانه‌دار شدن خود را بر باد رفته دیدند و به فرض ثبات قیمت مسکن سال‌های سال باید برای تحقق خانه‌دار شدن پس‌انداز کنند.

تعطل در اجرای مالیات بر خانه‌های خالی

اظهارات مقامات دولتی و نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که به خوبی از وضعیت قیمت‌ها در بازار مسکن و اجاره بها خبر دارند و رئیس‌جمهور برای بهبود وضعیت دستوراتی را به کابینه داده است و نمایندگان نیز طرح‌هایی را در همین راستا تهیه کرده‌اند. یکی از طرح‌هایی که اگر از سال ۹۵ اجرا می‌شد، شاید وضعیت کنونی بازار مسکن و اجاره بها آشفته نبود، طرح مالیات بر خانه‌های خالی بود و به نظر می‌رسد در مقام عمل مقاومت جدی در برابر ورود طرح‌های مالیاتی به بخش زمین و ساختمان و شفاف‌سازی مالکیت‌ها در این بخش است. نماینده مردم‌سازی در مجلس گفت: طرح هر ایرانی یک مسکن با هدف رفع مشکلات بازار مسکن در مجلس کلید خورد.

علی بابایی، نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی گفت: طرح «هر ایرانی یک‌مسکن» در مجلس با هدف بهبود فضای حاکم بر بازار مسکن در مجلس کلید خورد. وی افزود: در این طرح کسانی که بیش از یک واحد مسکونی در اختیار داشته باشند باید تا سقف ۲۰ درصد چه در معامله و چه موارد دیگر مالیات پرداخت کنند. نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: این طرح به دنبال این است که بازار مسکن را ساماندهی کرده و مانع از خالی ماندن واحدهای مسکونی شود.

از مالیات خانه‌های خالی چه خبر؟

با وجود آنکه دولت رسماً سامانه اخذ مالیات از خانه‌های خالی را به سازمان امور مالیاتی تحویل داده‌است، نمایندگان مجلس می‌گویند که این سامانه در دو ماه اخیر بین سازمان امور مالیاتی و وزارت راه و شهرسازی پاسکاری می‌شود. اخذ مالیات از خانه‌های خالی به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد تعادل و

آرامش در بازار مسکن، کماکان در کش و قوس قرار دارد. بر اساس قانون باید از سال ۱۳۹۵ واحدهای مسکونی خالی از سکنه مشمول مالیات شوند. این نوع مالیات با مالیات اجاره تفاوت دارد. مالیات بر اجاره سال‌هاست که برای واحدهای بزرگتر از ۱۵۰ متر اعمال می‌شود، اما مالیات خانه‌های خالی قرار است همه مترها را تحت پوشش قرار دهد.

دریافت ۱/۵ برابر ارزش اجاره واحد خالی در سال چهارم

طبق اعلام محمود علیزاده، معاون سازمان امور مالیاتی، اگر هر واحد مسکونی بیش از یکسال خالی از سکنه و بلا استفاده بماند، به عنوان خانه خالی مشمول مالیات ماده ۵۴ قانون می‌شود. بر این اساس در سال اول، واحدهای خالی مشمول مالیات نیست، اما در سال دوم به میزان ۵۰ درصد ارزش سالانه اجاره ملک مشمول مالیات می‌شود. مالکان خانه‌های خالی باید در سال سوم معادل صد درصد ارزش اجاره و در سال چهارم ۱/۵ برابر مبلغ اجاره سالانه مالیات بپردازند. زمان محاسبه نیز از سال ۱۳۹۵ یعنی زمان تصویب قانون است. پیش‌نیاز دریافت مالیات از خانه‌های خالی، سامانه املاک و اسکان است که اواخر بهمن‌سال ۱۳۹۸ بود که وزارت راه و شهرسازی در یک مراسم، این سامانه را رونمایی کرد. پس از آن در اواخر اردیبهشت‌ماه کمیسیون اقتصادی دولت طی مصوبه‌ای، بهره‌برداری از این سامانه را به سازمان امور مالیاتی داد. البته ۲۶ خردادماه هادی خانی، معاون سازمان امور مالیاتی گفت که اطلاعات سامانه املاک در اختیار این سازمان قرار نگرفته است. همان روز با ابلاغ جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور سامانه تشخیص خانه‌های خالی رسماً تحویل سازمان امور مالیاتی شد. محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی نیز در هفته‌های اخیر چند بار اعلام کرده که اولین برگ‌های مالیاتی در تابستان امسال تحویل مالکان واحدهای خالی از سکنه خواهد شد، هر چند سازمان امور مالیاتی هنوز زمان دقیقی برای این موضوع اعلام نکرده است.

فرار دولت از مالیات گیری

حالا نمایندگان مجلس مدعی هستند که این سامانه میان وزارت راه و شهرسازی و سازمان امور مالیاتی پاسکاری می‌شود. محمدرضا رضایی‌کوچی، رئیس کمیسیون عمران از تعلق دولت در این زمینه گلایه کرده و گفته است: در نشست هفته آینده این کمیسیون، موضوع راه اندازی سامانه املاک و اسکان با حضور اسلامی و دژپسند وزرای راه و شهرسازی و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نشست ویژه کمیسیون با وزرای راه و اقتصاد

رئیس کمیسیون عمران مجلس گفت: بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته، در نشست هفته آینده این کمیسیون، موضوع راه اندازی سامانه املاک و اسکان با حضور اسلامی و دژپسند وزرای راه و شهرسازی و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. محمدرضا رضایی‌کوچی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، با انتقاد از تعلق وزارت راه و شهرسازی و سازمان امور مالیاتی در عدم راه‌اندازی سامانه املاک و اسکان گفت: متأسفانه در دو ماه اخیر شاهد هستیم که سامانه مذکور میان

وزارت راه و سازمان مالیاتی پاسکاری می‌شود و تنها مردم از این تعلل دچار آسیب می‌شوند. محمدرضا رضایی‌کوچی، نماینده مردم جهرم در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: وزارت راه و شهرسازی در چهارسال اخیر وعده راه‌اندازی و اجرای سامانه املاک و اسکان را مطرح کرده، اما متأسفانه از آن زمان تاکنون این مسئله محقق نشده است. وی گفت: یکی از دلایل بروز تنش در بازار مسکن و عدم توان دولت برای مدیریت بازار، فقدان پایگاه اطلاعاتی دقیق است، از این رو راه‌اندازی سامانه املاک و اسکان می‌تواند به جمع آوری اطلاعات بازار مسکن از جمله خانه‌های خالی کمک کند. رضایی‌کوچی افزود: تا زمانی که سامانه املاک و اسکان راه‌اندازی نشود، نمی‌توان به صورت دقیق و برنامه‌ریزی شده نسبت به مدیریت بازار مسکن اقدام کرد، از این رو دولت باید تمام همت خود را برای راه‌اندازی سامانه به کار گیرد.

وجود ۲/۵ میلیون خانه خالی در کشور

در این بین، سید امیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: ۲/۵ میلیون مسکن خالی در ایران وجود دارد که ۸۰۰ هزار مورد آن در تهران است! متأسفانه کنترل نشدن بازار مسکن مشکل اصلی بین عرضه و تقاضای حقیقی، به خصوص در کلانشهرهایی مانند تهران است. موسوی‌لارگانی: طرح سؤال از رئیس‌جمهور به دلیل تورم افسارگسیخته آماده شد، سیدناصر موسوی لارگانی، عضو هیئت رئیسه مجلس در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: با توجه به تورم افسار گسیخته، افزایش روزانه قیمت طلا، سکه، ارز و مسکن، طرح سؤال از روحانی و احضارش به مجلس را آماده و در جلسه علنی روز یکشنبه ۵ تیرماه به جریان خواهم انداخت تا اگر روحانی برنامه‌ای برای اصلاح امور ندارد، مجلس به او برنامه بدهد. شرایط فعلی قابل تحمل نیست. اعتراض مردم بحق است.

نرخ مسکن با بخشنامه کنترل نمی‌شود

عضو کمیسیون عمران مجلس گفت: قطعاً تا زمانی که دولت در عرصه کنترل بازار مسکن، تولید و عرضه برنامه‌ریزی درستی نداشته باشد، نمی‌توان با مصوبه و دستور العمل بازار را مدیریت کرد. مجتبی یوسفی در گفتگو با خانه ملت، با اشاره به اقدام رئیس‌جمهور در تعیین سقف برای افزایش نرخ اجاره بهای مسکن گفت: به نظر من این اقدامات تأثیری در مدیریت بازار مسکن ندارد، زیرا بازار با بخشنامه و مصاحبه به سمت بهبود حرکت نخواهد کرد.

قراردادهای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ایران بررسی شود

قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی نگاهی بر ماهیت، احکام و ویژگی‌ها

نویسندگان :

[ابراهیمی سیدنصراله](#)، *[جعفری ندوشن شهاب](#)

آدرس :

*گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده :

قرارداد سرمایه گذاری خارجی که به قرارداد دولتی یا قرارداد توسعه اقتصادی نیز معروف است، متداول ترین روش برای سرمایه گذاری های بزرگ خارجی خصوصا در کشورهای در حال توسعه است. این نوع قراردادها از نظر موضوعی طیف وسیعی از مراودات اقتصادی را شامل می شوند و مصداقا نیز متنوع و گوناگون اند. مهم ترین ویژگی قرارداد سرمایه گذاری خارجی این است که یک طرف قرارداد، دولت یا شرکت دولتی یا شخص حقوق عمومی و طرف دیگر قرارداد شخص خصوصی خارجی است. قرارداد سرمایه گذاری خارجی پس از پیدایش، در مجموع تابع نظامی شبیه نظام الزامات و ضمانت اجراهای موجود در حقوق خصوصی است. قرارداد دولتی در ادبیات حقوقی ایران، در دو معنای متفاوت استفاده می شود که یکی از این معانی قابل تطبیق بر آن نوع قراردادی است که در این مقاله تحت عنوان قرارداد سرمایه گذاری خارجی احکام و ماهیت آن را بررسی می کنیم.

کلید واژه :

حقوق سرمایه گذاری خارجی(Q1)قرارداد سرمایه گذاری خارجی(Q1)قرارداد سرمایه گذاری بین المللی(Q1)قرارداد توسعه اقتصادی(Q1)قرارداد دولتی(Q1)

تین نیوز

چکیده: استفاده نادرست از منابع مالی خارجی از طریق استقراض و بروز بحران بدهیها در دهه 1980 و تبعات منفی سیاسی و اقتصادی فزاینده آن سبب شد تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری به شکل سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت بهترین روش درآید. میتوان به آثار مثبت و کیفیت بالاتر سرمایه گذاری خارجی به دلیل توأم بودن با انتقال تکنولوژی و دانش فنی، د اختیار داشتن بازار فروش به مراتب وسیعتر و مدیریت کارآمدتر اشاره کرد. متداولترین نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه گذاری مشترک است که در آن سرمایه گذاری مختلط با مشارکت شرکتهای داخلی و خارجی و به تناسب قرار داد به وجود می آید و هر دو طرف در میزان هزینه های سرمایه گذاری و منافع حاصل از آن با توجه به تناسب موجود سهم هستند. به کارگیری سرمایه گذاری خارجی به جز هدف تامین مالی سرمایه با هدفهای دیگر نیز صورت می گیرد. ارتقای بهره وری، توسعه مهارت و مدیریت برای ارتقای توان کیفی نیروی کار داخلی، توسعه بازارهای صادراتی، افزایش استاندارد تولیدات داخلی و حرکت به سوی اقتصاد بازار، از دیگر اهداف جذب سرمایه گذاری خارجی است. در این راستا بر دولتها است که به ظهور و پویایی صنایع و کارآفرینان داخلی بری جلب مشارکت شرکای خارجی به عنوان سرمایه گذاری یا عرضه کننده فناوری کمک کنند.

مقدمه: به کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی به جز هدف تامین مالی سرمایه با هدف‌های دیگر نیز صورت می‌گیرد. ارتقای بهره‌وری، توسعه مهارت و مدیریت برای ارتقای توان کیفی نیروی کار داخلی، توسعه بازارهای صادراتی، افزایش استاندارد تولیدات داخلی و حرکت به سوی اقتصاد بازار، از اهداف جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر چه رشد بازارهای داخلی در کشورهای در حال توسعه و دسترسی به نیروی کار نسبتاً ارزان با شرط تداوم سیاست‌های آزادسازی می‌تواند به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها منجر شود، اما جذب سرمایه‌گذاری خارجی با جهت‌گیری صادرات، فرآیند پیچیده‌تری دارد. در این راستا بر دولت‌ها است که به ظهور و پویایی صنایع و کارآفرینان داخلی برای جلب مشارکت شرکای خارجی به عنوان سرمایه‌گذاری یا عرضه‌کننده فناوری کمک کنند.

کلمات کلیدی: توسعه اقتصادی، چالش‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری خارجی، صادرات، ایران

موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

علت عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را از زوایای متعددی می‌توان بررسی کرد. برخی از کارشناسان بر موانع اقتصادی و برخی دیگر بر موانع سیاسی، حقوقی و فرهنگی تاکید دارند. در مجموع می‌توان این موانع را در موارد زیر خلاصه کرد

۱ - موانع اقتصادی

مانند گسترش بیش از حد بخش دولتی، نوسانات ارزی، سیاست تجاری ناکارآمد، نبود ثبات اقتصادی، عدم وجود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب، ضعف بنادر، ضعف اقدامات تشویقی و ترویجی و خدمات پس از سرمایه‌گذاری، عدم مهارت کافی نیروی انسانی و... از جمله مواردی هستند که می‌توان از آنها به عنوان موانع اقتصادی جذب سرمایه‌های خارجی یاد کرد. برخی از موانع اقتصادی در زیر آورده شده است.

الف) مالیات مضاعف: اخذ مالیات مضاعف از سرمایه‌گذاران خارجی و عدم تطابق قوانین سرمایه‌گذاری در ایران با کشورهای کانون سرمایه از موانع موجود است. اینکه سرمایه‌گذار، هم به موجب قانون کشور خود و هم کشور میزبان مالیات جداگانه بپردازد، معقول نیست و سبب جلوگیری از سرمایه‌گذاری مشترک می‌شود.

ب) تغییرات زود هنگام مقررات ارزی، پولی و گمرکی: تغییرات زود هنگام این مقررات، اصل ثبات محیط سرمایه‌گذاری را از بین برده و خود را در پارامتر ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران تجلی می‌دهد. بدیهی است که وقتی ریسک محیط اقتصادی سرمایه‌گذاری در ایران افزایش می‌یابد، تمایل به سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت

ج) موانع نظام بانکی: مروری بر روند دو ساله اخیر عملیات اجرایی نظام بانکی نشان می‌دهد که در این زمینه مشکلات عمده‌ای در راه جذب سرمایه‌های خارجی وجود دارد، نظام بانکی کشور، به علت ساختار عمدتاً دولتی- انحصاری و بدون رقابت، خود تاکنون به طور شایسته در صدد انطباق خویش با دیگر نظام‌های بانکی جهان بر نیامد و از تحولات مربوط به توسعه خدمات و بازارهای پولی و اعتباری، توسعه تکنولوژی ارتباطات، مشارکت با بانک‌ها و موسسات مالی معتبر در جهان در زمینه توسعه منابع خود غافل مانده است. بانک‌های معتبر خارجی با ایجاد تسهیلات ویژه فراوان، امکان افتتاح حساب‌های مختلف در سراسر جهان را برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان کشور خود فراهم کرده و پس از مدتی نیز انواع اعتبارات را در اختیارشان قرار می‌دهند، در حالی که در کشور ما در این زمینه تسهیلات برای انتقال ارز وجود ندارد معمولاً فرآورده‌ها و تولیدات یک پروژه به ارز محلی تعیین قیمت می‌شود. در حالی که بخش مهمی از سرمایه در قراردادهای سرمایه‌گذاری از منابع ارزی خارجی تامین می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاران خواهان تامین اصل و فرع سرمایه به ارز خارجی به نرخ واقع‌بینانه هستند. بنابراین نظام بانکی باید مکانیسم‌هایی را به منظور دستیابی به اهداف زیر به وجود آورد، برخی از این مکانیسم‌ها عبارتند از: امکان تبدیل بدون اشکال پول داخلی به ارز خارجی، وجود پشتوانه مالی کافی برای تبدیل پول داخلی به ارز خارجی، نگهداری نرخ تبدیل ارز در سطحی قابل قبول، امکان خارج نمودن ارز خارجی پس از تبدیل

د) مواد اطلاع‌رسانی: موانع اطلاع‌رسانی از دو سو مطرح است، یکی از ضعف اطلاعات و عدم شناخت متقاضیان داخلی از کانون‌های سرمایه در جهان و ندانستن شرایط دقیق جذب سرمایه‌ها و عدم آشنایی به فنون مذاکره ناشی می‌شود و دیگری به عدم اطلاع کانون‌های سرمایه‌گذار از وجود طرح‌های دارای بازده و فرصت‌های اقتصادی در کشور باز می‌گردد. **مسئله تقاضا:** اطمینان از وجود تقاضا برای طرف سرمایه‌گذار تردیدهایی را به وجود می‌آورد و ریسک پروژه را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال؛ پروژه‌های نیروگاهی نیازمند تضمین خرید محصول از سوی دولت میزبان است که این امر با نفس قراردادهای سرمایه‌گذاری (قبول ریسک از طرف سرمایه‌گذار) تناقض دارد. همچنین، تخمین بیش از حد تقاضا، ممکن است مشکلاتی را برای بخش عمومی در قراردادهای سرمایه‌گذاری جبرانی، ایجاد کند

و) عدم امکان تبدیل مستقیم درآمد ناشی از تورم: چنانچه پس از پایان دوران سرمایه‌گذاری، صاحب سرمایه، سرمایه غیرنقدی خود را به فروش رساند و در نتیجه افزایش شاخص قیمت‌ها، از راه فروش سرمایه غیرنقدی خود درآمدی بیش از آنچه هنگام ورود سرمایه به عنوان سرمایه غیرنقدی به ثبت رسانده است، به دست آورد، حق تبدیل این اختلاف قیمت را به ارز به منظور خارج نمودن از ایران ندارد. بلکه می‌تواند صرفاً آن را صرف صدور کالاهای ایرانی کند.

ن) محدودیت زمانی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران: از مفاد مقررات آیین نامه اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران چنین مستفاد می‌شود که جواز سرمایه‌گذاری در ایران محدود به مدتی است که در مجوز صاحب سرمایه درج می‌شود. اگر پس از سپری شدن این مدت، صاحب سرمایه سود و اصل سرمایه خود را به خارج از ایران منتقل نسازد، برای ادامه سرمایه‌گذاری خود نیز مطابق با مقررات قانون و آییننامه اجرای جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، مجوز مجدد تحصیل نکند، از حمایت‌های قانونی محروم خواهد ماند

۲ - موانع حقوقی

وجود قوانین و مقررات و خط‌مشی‌های روشن مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از قبیل قوانین گمرکی، مالیاتی تجاری و ... از جمله اشکال تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران هستند. اما کشور ما دارای قوانین و مقرراتی است که موانع و محدودیت‌های جدی را در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است. از جمله این قوانین اصولی از قانون اساسی (اصل ۱۳۹، ۸۱، ۷۷، ۴۶)، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۳۴ و سایر قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی است. به طور کلی قانون سرمایه‌گذاری خارجی دارای ساختار حقوقی نابهنجاری است که توسعه اقتصادی کشور را در چنبره خود محبوس کرده است. از دیگر نکات منفی حقوقی قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی این است که قانونگذار تلاشی نکرده که بتواند سرمایه‌گذار خارجی را وادار به انتقال فناوری سازد یا آن را به سوی تولیدات با فناوری بالا (High Tec) هدایت کند. قانونگذار ایرانی توجهی به حق امتیازهایی که برای واردات فناوری از خارج داده می‌شود، نداشته و محدودیتی در این مورد ایجاد نکرده است. آنچه مورد نظر قانونگذار بوده مسائل مالی پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی بوده و به تازگی نیز به این نکته که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به گسترش صادرات شود، عنایت اندکی شده است. حتی اشاره‌ای به آموزش‌هایی که توسط سرمایه‌گذاران داده می‌شود و از راه‌های اصلی انتقال فناوری است، نشده است.

۳ - موانع سیاسی

طی سال‌های اخیر، در کنار و همراه با جهانی شدن اقتصاد و تجارت، بررسی ریسک سیاسی نیز اهمیت روزافزون یافته است. سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین دولت‌ها در کشورهای میزبان به این بررسی توجهی خاص نشان می‌دهند. برای دولت‌ها، علت اصلی و اساسی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی، این است که موفقیت خویش را در طلب سرمایه خارجی، تضمین و در صورت امکان با هزینه کمتری شرکت‌های فراملیتی را به سرمایه‌گذاری در کشور خود تشویق کنند. علت توجه شرکت‌های سرمایه‌گذار به

بررسی ریسک سیاسی نیز روشن است. سرمایه‌گذاران می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتری از سرمایه‌گذاری در کشوری دیگر بهره‌مند شوند بر خلاف نگرشی که در چند دهه پیش وجود داشت، امروزه کمتر کشوری در جهان است که با همه توان برای جذب سرمایه خارجی نکوشد. رقابت و مسابقه‌ای بی‌امان برای جلب سرمایه خارجی در جریان است که توفیق در آن نه تنها از دیدگاه دولتمردان که حتی از دید شهروندان عادی نیز بازتاب مقبولیت سیاست‌ها و جذابیت فضای اقتصادی و سیاسی است. سرمایه‌گذاران خارجی برای برآورد امکانات بالقوه سودآوری در یک سرزمین تازه، به ارزیابی امنیت سرمایه و سودهای به دست آمده نیز می‌پردازند و برخلاف دیدگاهی که گاه تبلیغ می‌شود، شرکت‌های چند ملیتی، بادقت و وسواس بسیار دست به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌زنند در مناطقی که شرایط کلی به نظر شرکت‌های سرمایه‌گذار جذاب می‌آید، برای نمونه در آمریکا و اتحادیه اروپا، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی چشمگیر است و اما در جوامع دیگر که به درست و یا نادرست این ارزیابی مثبت از آنها وجود ندارد، کوشش دولتمردان ناموفق می‌ماند. برای مثال، جمهوری‌های شوروی سابق با همه امکانات بالقوه‌ای که دارند در این راستا ناموفق مانده‌اند. به دیگر سخن، در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اولین و مهمترین قدم برای موفقیت رونق اقتصادی کشوری است که می‌خواهد سرمایه جلب کند

به منظور هرچه بهتر شدن شرایط سرمایه‌گذاری پیشنهادهایی کلی برای کشورها ارائه می‌شود

:

- ۱ - برقراری کامل امنیت اقتصادی و قضایی در کشور.
- ۲ - مبارزه جدی با فساد اداری و مالی.
- ۳ - اجرای سیاست‌های آزدسازی و خصوصی‌سازی به صورت برنامه‌ریزی شده، کاملاً تدریجی و با حضور سرمایه‌گذاران خارجی، یعنی سرمایه‌گذاران خارجی نیز در برنامه‌های خصوصی‌سازی سهمیم باشند.
- ۴ - اعمال سیاست‌های شفاف اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصاد و تعهد به اقتصاد بازار.
- ۵ - ایجاد سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی، کنترل کسری بودجه و تورم و استقرار یک رژیم باثبات ارزی به عنوان شاخص‌های سلامت اقتصاد کشور.
- ۶ - ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی مناسب نظیر سیستم ارتباطی، راه، بندر و فرودگاه به خصوص در مناطق آزاد.
- ۷ - برقراری روابط دیپلماتیک قوی در عرصه جهانی، عضویت در مجامع بین‌المللی، انعقاد پیمان‌های چندجانبه سرمایه‌گذاری و پرهیز از تنش در مناسبات بین‌المللی به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی.
- ۸ - مشخص شدن جایگاه مالکیت خصوصی و محترم شمردن آن.
- ۹ - برقراری وضعیت مناسبی که در آن شرکت‌های داخلی بتوانند به صورت مستقیم وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی شوند.

۱۰ - اصلاح قانون کار به گونه‌ای که آزادی عمل بیشتری به کارفرما داده شود تا در صورت مواجه شدن با عدم کارایی کارگر، بتواند وی را از کار برکنار کند.
الزام ایران در جذب سرمایه گذاری خارجی

سرمایه گذاری خارجی به دلیل فقدان منابع مالی داخلی یا عدم کارآمدی آن در کشورهای در حال توسعه موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی این جوامع به شمار می آید. شرایط کنونی اقتصاد ایران نیز جذب منابع مالی خارجی را ضروری ساخته است. الزام اول ایران در جذب این منابع ناشی از کمبود منابع مالی داخلی است. در آغاز برنامه سوم توسعه، در حدود 3 میلیون بیکار در کشور وجود داشت که نشان از نرخ 16 درصدی رشد سالیانه بیکاری بود. اگر روندی که در طی برنامه پنج ساله اول و دوم جریان داشت، تداوم یابد، در پایان برنامه سوم نرخ بیکاری به 16/5 درصد می رسد که برابر هشت میلیون بیکار در کشور می باشد. علاوه بر این استانداردهای زندگی به قدری کاهش می یابد که ایران رتبه آخر سطح رفاه را در میان کشورهای منطقه به خود اختصاص می دهد. این وضعیت عواقب خوبی را برای کشور به دنبال ندارد. قانون برنامه سوم برای مقابله با این وضعیت، ایجاد سالیانه 765 هزار فرصت شغلی را برای کاهش نرخ بیکاری به 10 درصد در آخر برنامه پیش بینی کرده است. لازمه این مهم رشد 6 درصدی سرمایه گذاری است. این سرمایه گذاری سالیانه برابر با 12 هزار میلیارد تومان یا 145 میلیارد دلار می باشد. از آنجا که درآمد نفتی دولت سالیانه تقریباً همین میزان است بنابراین روشن است که دولت توانایی چنین سرمایه گذاری را ندارد. بخش خصوصی داخلی نیز به دلایل مختلف ناتوان از ایفای چنین کارکردی است. بنابراین در شرایطی که منابع مالی داخلی ناتوان از تغذیه برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی است، استفاده از منابع مالی خارجی که در قانون برنامه سوم نیز پیش بینی شده است، ضروری و الزامی است. الزام دیگر ایران در جذب منابع مالی خارجی، نیاز شدید به ورود فن آوریها و سیستم های مدیریتی پیشرفته است. جذب سرمایه گذاری های خارجی به طور طبیعی زمینه انتقال فن آوری های پیشرفته روز و فنون مدیریتی کارآمد به کشور را فراهم می سازد. بدون تردید حضور موفق و فعال ایران در عرصه اقتصاد و تجارت جهانی مستلزم هماهنگی ساختارهای اقتصادی و صنعتی با فن آوری های روز و فنون مدیریتی جدید است. علاوه بر موارد فوق، جذب درصد بیشتری از سرمایه گذاری های خارجی نشان از بهبود اعتبار اقتصادی ایران و در نتیجه ارتقاء جایگاه و منزلت ایران در اقتصاد و تجارت جهانی است.
موانع جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران

ایران با وجود شرایط سخت اقتصادی و نیاز مبرم به سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، در جذب این منابع مالی موفق نبوده است. براساس گزارشات منتشره در فاصله سال های 1375 تا 1379، ایران در بین 60 کشور پذیرنده سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رتبه پنجاه و نهم و در میان هشت کشور منطقه رتبه هفتم را کسب کرده است. این مهم ناشی از مسائل و موانع زیر می باشد:

1- ضعف اقتصادی

سرمایه گذاری به طور اعم چه داخلی و چه خارجی در مکانی صورت می گیرد که امنیت وجود داشته باشد. امنیت اقتصادی اصولاً ناظر بر حقوق مالکیت افراد و تضمین اجرای قرار دادها است. منظور از حقوق مالکیت فردی، حقوق مالکیت خصوصی است.

2- اعطای امتیازات و تسهیلات نادرست به سرمایه گذاران

یکی از اشتباهات رایج در ایران تلقی اعطای امتیازات و تسهیلات به سرمایه گذاران به جای تضمین قرار دادها در چارچوب ایجاد امنیت سرمایه گذاری است. این مساله نه تنها به سرمایه گذاری در کشور کمک نکرده بلکه باعث ایجاد فساد و خارج شدن سرمایه گذاری از مسیر اصلی شده است. یعنی کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوء استفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده اند. ارائه ارز ارزان قیمت، تسهیلات بانکی و معافیتهای مختلف زمینه ساز ایجاد رانت است. این مساله، روند سرمایه گذاری و تولید را دچار اختلال کرده است.

3- دیوانسالاری گسترده

بزرگترین عامل ناامنی در اقتصاد ایران به طور عام و سرمایه گذاری به طور خاص، دیوانسالاری دولت است. علت عمده این مساله، مقررات دست و پاگیر و وجود نهادهای مشابه و موازی است. حکومت قانون با اجرای مقررات زیاد و آئین نامه های متعدد همخوانی ندارد. در حقیقت مقررات وقتی زیاد می شود، اجرا نمی گردد. مقررات زیاد به معنای بیرون آمدن از حکومت قانون و آزاد گذاشتن دست اراده های خاص و افزودن به قدرت دیوان سالاران است. در ایران آنچه وجود داشته حکومت مقررات موازی، دست و پاگیر و بعضاً متناقض تا حکومت قانون بوده است. 4. مشکلات نهادی و قانونی

الف - قانون کار

یکی از مهمترین عوامل ناکارآمدی و ناامنی سرمایه گذاری، قانون کار است. این قانون با این پیش فرض که کارفرما می خواهد کارگر و کارمند را استثمار کند و قانون کار مانع از این عمل می شود، شکل گرفته است. این مساله عدم اعتماد میان کارگر و کارفرما و ناامنی سرمایه گذاری و تولید را موجب شده است. قانون کار باید بر مبنای همسوئی منافع کارگر و کارفرما و نه در جهت تضاد منافع آنها تنظیم شود.

الزامات جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

چنانکه بیان گردید، مسائل و مشکلات فوق مانع از حضور موثر و جدی ایران در جریان پرتحرک سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سالهای اخیر شده است. این مهم جدای از مسائل سیاسی ریسک سرمایه گذاری در ایران را افزایش داده و سرمایه گذاران خارجی تاکنون به شیوه های عادی و معمولی تمایلی برای فعالیت در ایران، نشان نداده اند. بنابراین در شرایطی که ساختار اقتصادی ایران به شدت نیازمند منابع مالی خارجی و جلب تکنولوژی های روز پیشرفته است، فراهم کردن شرایط و زمینه های زیر ضروری و لازم است:

1- ایجاد باور داخلی برای جذب سرمایه گذاری خارجی

مهمترین شرط جذب سرمایه گذاری خارجی، باور عمومی نسبت به کارائی و مفید بودن این منابع در فرآیند توسعه اقتصادی کشور است. تا زمانی که این ایده حاکم باشد که حضور سرمایه گذاری خارجی در کشور

ایجاد سلطه می کند، این منابع جذب نخواهند شد. باید باور عمومی نخبگان سیاسی با درک واقعیات روز جهان و کشور به این نتیجه برسد که جذب سرمایه گذاری های خارجی برای توسعه کشور و حیات آن در اقتصاد جهانی امری لازم و ضروری است. این بدان معنا نیست که باید به نام سرمایه گذاری خارجی سلطه دیگران را پذیرفت بلکه همانند دیگر کشورها چارچوبی طراحی کرد که سرمایه خارجی جذب شود و سلطه به وجود نیاید

2- پذیرش رویه های علمی تجربه شده در دنیا

ایران در حال حاضر در یک برآیند خود اختراعی زندگی می کند. نظام تصمیم گیری کشور باید برآیند کارشناسی های مبتنی بر تجربه دیگران و تطبیق دادن با وضعیت سیاسی و اقتصادی خودمان باشد.

3- دخالت های مفید و سازنده دولت در فراهم کردن زمینه ها و زیرساختهای جذب سرمایه گذاری خارجی

این دخالتها در موارد زیر تجلی می یابد

- ایجاد امنیت اقتصادی لازم ؛

- تقویت بخش خصوصی از طریق احترام و تضمین مالکیت فردی و خصوصی ؛

- تضمین قراردادهای و فعالیت های اقتصادی از طریق تصویب قوانین شفاف و کارآمد و عدم اعطای

امتیازات و تسهیلات بیهوده به بخش های سرمایه گذاری برای جلوگیری از ایجاد رانت و رانت خواری ؛

4- رفع جدی و سریع موانع سرمایه گذاری خارجی

امروزه سرعت در شناسایی موانع و مشکلات و رفع آنها مهم و حیاتی است. در سال 1987 موانع سرمایه گذاری در 33 کشور تقریباً مشابه بوده است. در طول 13 سال سرعت اصلاح و رفع موانع در میان این کشورها متفاوت بوده است. در این میان کمترین سرعت مربوط به ایران و سوریه می باشد. بالاترین سرعت از آن چین است. همچنین از سال 1991 تا 2000 ، 1185 قانون در کشورهای مختلف برای جذب سرمایه گذاری خارجی به تصویب رسیده است. در سال 2000 ، 65 کشور اقدام به تغییر قانون برای جذب سرمایه کرده اند. این روند، در ایران بسیار کند و بطئی بوده است.

5- کاهش ریسک سیاسی

کاهش ریسک سیاسی نیز به اندازه کاهش ریسک اقتصادی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. به طور طبیعی سرمایه گذاران برای حضور مطمئن در کشوری بیگانه به دولت متبوع خود متکی است. در این شرایط اگر روابط دو جانبه دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه گذار خوب باشد و در عین حال دولت میزبان اعتبار بین الملل داشته باشد، این مهم در جلب اعتماد و اطمینان سرمایه گذار خارجی برای فعالیت در کشور میزبان بسیار موثر خواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور با تنظیم قابل اعتماد روابط دو جانبه و بالا بردن جایگاه سیاسی کشور در این زمینه نقش مهمی می تواند ایفا کند.

6- برنامه ریزی مشخص برای بهره گیری مناسب از سرمایه گذاری خارجی

قبل از پذیرش سرمایه گذاری های خارجی باید برنامه مشخص برای نحوه استفاده از این منابع ارائه شود.

این برنامه باید بر تعیین اولویت بهره گیری از سرمایه گذاری خارجی یعنی جبران منابع مالی، جذب

تکنولوژی های روز یا سیستم های کارآمد مدیریتی یا همزمان هر سه مورد، مبتنی باشد. ضمن اینکه

بخشهای اقتصادی یا صناعی که بازدهی بیشتری برای کشور به لحاظ ایجاد درآمد ارزی بیشتر، افزایش اشتغال و کمک به حضور موفق قرار بازارهای جهانی دارند، باید در اولویت جذب سرمایه گذاری خارجی قرار گیرند.

7- پیوند سرمایه گذاری های خارجی با بخش خصوصی

سرمایه گذاری خارجی به مفهوم واقعی کلمه زمانی جذب می شوند که با بخش خصوصی کشور میزبان پیوند بخورند و با فعالیت مشترک داشته باشند. بنابراین لازمه سرمایه گذاری خارجی، وجود یک بخش خصوصی قدرتمند است.

تحلیل و ارائه پیشنهاد

یکی از مهم ترین مولفه های رشد اقتصادی در هر دولتی با هر رویه سیاسی و اقتصادی اعم از سیستم اقتصادی متمرکز یا بازارگرا ثبات در تصمیم گیری ها و پرهیز شدید از روش آزمون و خطا می باشد زیرا بنا بر مثل معروف آب می گردد چاله را پیدا می کند. متأسفانه یکی از کهنه ترین و زیان بار ترین مشکلاتی که طی سال های پس از انقلاب اقتصاد کشور در گیر آن بوده تعدد مراکز تصمیم گیری، بی ثباتی در وضع قوانین و ساری ساختن تصمیمات و تصمیمات غلط و یک شبه بوده است. وگرنه همه کارشناسان اعم از هر دیدگاهی که دارا باشند در این موضوع متف القول هستند که کشور ایران با توجه به مجموعه امتیازاتی که از آن برخوردار است می توانست در جایگاهی بسیار فراتر از این باشد که الان هست. موضوعاتی مانند وضع مقررات جدید، مهار تورم، جلوگیری از بزرگ شدن دولت، انحصارزدایی دولت بر اقتصاد بویژه دخالت در پروژه های سرمایه گذاری و مانند این ها در صورت عدم تصمیم گیری درست و نابجا و حتی بی توجهی به موقعیت زمانی می توانند به نقض حقوق مالکیت شهروندان منجر گردد. مقاله حاضر به تجزیه و تحلیل یافته هایی می پردازد که فضای سرمایه گذاری ایران را نا امن ساخته است. برخی از این مولفه ها سنتی و ریشه در فرهنگ یا ساخت سیاسی- اقتصادی کشورمان دارد. و برخی دیگر به اهداف اقتصادی دولتها، پارامترهای بین المللی و عملکرد سیاست گذاران حوزه تصمیم گیرندگان اقتصادی مربوط می شود. مطالعات انجام شده در دو دهه اخیر نسبت به سطوح مطالعه میان حوزه امنیت فضای سرمایه گذاری با سطح سرمایه گذاری بخش خصوصی و نرخ نسبی توسعه و رشد اقتصادی عمدتاً با تکیه بر مفهوم نهادها، رابطه میان فضای امنیت و آورده سرمایه گذاران و بهره وری و رشد را اثبات کرده اند. به منظور هر چه بهتر شدن شرایط سرمایه گذاری پیشنهادهایی کلی برای کشورها ارائه می شود

نتیجه گیری

امروزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یکی از عناصر عمده در پیوند دادن اقتصاد داخلی کشورها و بویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده و به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش بسزایی یافته است. این واقعیت موجب گردیده که رقابتهای اقتصادی برای بهره گیری از فرصتهای موجود در جذب سرمایه

گذاری خارجی به منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید گردد. در مجموع به این نتیجه می‌رسیم که بحث‌های ما حکایت از ناکارآمدی ساختار تصمیم‌گیری و اداری ایران در جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی دارد. بنابراین در شرایطی که ساختار اقتصادی ایران شدیداً به این منابع مالی نیازمند است، دولت وظیفه و کارکرد مهم فراهم ساختن زمینه‌های جذب این سرمایه‌ها را برعهده دارد. این وظیفه به طور کلی در ایجاد امنیت اقتصادی و عبارتی کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی خلاصه می‌شود. لازمه امنیت اقتصادی نیز تقویت و فعال ساختن بخش خصوصی از یک طرف و از طرف دیگر تضمین اجرای قراردادها از طریق کاهش دیوانسالاری و ایجاد حکومت قانون است. در این راستا، اعطای هرگونه امتیاز با تسهیلات ویژه به بخش‌های خاص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای تشویق آنها به فعالیت نهی می‌شود چرا که این مهم زمینه‌ساز ایجاد رانت و رانت خواری و در نتیجه انحراف فرآیند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستلزم می‌گردد. تنها راه حل در این زمینه مقررات زدایی و ایجاد حکومت قانون و احترام به مالکیت خصوصی و تضمین اجرای قراردادها می‌باشد. نکته قابل توجه دیگر اینکه هر چند اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ماه‌های اخیر حرکت مبارکی قلمداد می‌شود اما این حرکت اولاً بسیار کند و بطئی است و ثانیاً صرف وجود این قانون که طبیعتاً کلی است، برای جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی کافی نیست. بدون تردید فرآیند جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مستلزم فراهم کردن واقعی زیرساختها، تدوین، تصویب و اصلاح قوانین در حوزه‌های مختلف اعم از قوانین کار، مالیات، بیمه، حل اختلاف، نحوه فعالیت، سرمایه‌گذاری مجدد، انتقال سود و ... می‌باشد.

منابع

- 1- نشست تخصصی دکتر موسی غنی‌نژاد / دکتر مهدی نواب با موضوع سرمایه‌گذاری خارجی
- 2- احمد اشرف، موانع تاریخی سرمایه‌داری در ایران، انتشارات زمینه، 1359، چاپ اول

آیا شرکت‌های دولتی می‌توانند حساب‌های خارج از خزانه داشته باشند؟

حساب کشی از کل مسئولین از دولت پنجم تا دوازده ام

را اقتصاد ایران شفاف نیست؟

یک کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «پول نیوز»:

اقتصاد ایران شفاف نیست

مهدی پازوکی در گفت‌وگو با «پول نیوز»، در خصوص اظهار نظر خود اینطور توضیح می‌دهد: «طی سال‌های بعد از انقلاب هیچ یک از برنامه‌های توسعه در کشور، البته به جز برنامه سوم، اجرایی نشد؛ برنامه ششم توسعه هم پر از ابهام و ایرادهای کارشناسی است.» پول‌نیوز - یک تحلیلگر اقتصادی می‌گوید: «فعالیت‌های اقتصادی در ایران هیچگاه شفاف نبوده است.» مهدی پازوکی در گفت‌وگو با «پول نیوز»، در خصوص اظهار نظر خود اینطور توضیح می‌دهد: «طی سال‌های بعد از انقلاب هیچ یک از

برنامه‌های توسعه در کشور، البته به جز برنامه سوم، اجرایی نشد؛ برنامه ششم توسعه هم پر از ابهام و ایرادهای کارشناسی است.»

پازوکی معتقد است: «انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دولت نهم، عدم شفافیت در بررسی درآمد و هزینه‌های دولت را تشدید کرد.» او همچنین بر این باور است از زمان انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود که اما پروژه‌های نیمه تمام عمرانی صعودی شد؛ حالا هم اگر حتی هیچ پروژه جدیدی را آغاز نکنیم، به طور متوسط ۲۰ سال طول می‌کشد پروژه‌های نیمه تمام تکمیل شوند.» این کارشناس اقتصادی با تاکید بر اینکه با ایجاد شفافیت در اقتصاد می‌توان جلوی فرار مالیاتی را گرفت، تصریح می‌کند: «در بند پنجم لایحه بودجه ۹۷ تاکید شده است از سال آینده آستان قدس رضوی و شرکت‌های زیر مجموعه‌اش ملزم به پرداخت مالیات هستند. این اتفاق باید به فال نیک گرفته شود چرا که در حال حاضر حدود ۴۰ درصد اقتصاد کشور مالیات می‌پردازند که عمدتاً کارکنان دولت یا صاحبان مشاغل شناسنامه دار هستند، این در حالی است که حدود ۲۰ درصد از اقتصاد ایران معاف از مالیات هستند و حدود ۴۰ درصد فرار مالیاتی وجود دارد.»

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با تاکید بر اینکه افرادی که درآمدهای نجومی دارند مالیات نمی‌دهند، ادامه می‌دهد: «با یکپارچه‌سازی سیستم اطلاعات پولی و مالی، به روزرسانی ابزارهای مالیات ستانی و افزایش پایه مالیاتی می‌توان از این بخش هم مالیات گرفت، اما از آنجا که بخشی از نهادها هم مالیات نمی‌دهند، حتما باید این موضوع در سطح سران سه قوه مورد بررسی قرار گرفته و برای حل آن راهکاری اندیشیده شود، زیرا قطعاً مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است و در این زمینه مشکل قانونی در کشور نداریم.»

لینک کوتاه: asriran.com/002QeM :

تبادل مصارف و منابع و شش سند توسعه کشور

جدول بهره گیری از سیاست های پولی از اول انقلاب تا کنون

چه اخبار ها برون شد از پرده اسرارها

شعری از محمود صانعی پور (محمودیه)

به عنوان: چه اخبار ها برون شد از پرده اسرارها (What news came out of the veil of secrets)

چه اخبار ها برون شد از پرده اسرارها عیان گردید بر ما، ترفند های مجموعه اغیارها

عده ای اندرزها گفتند و ما باور کرده ها لیک غفلت نمودیم و فهمیدیم ، خلاف گفتارها

حیلت اغیار کشف نکردند و غفلت های خود جای آن اندرزها گفتند بما کان شنیدیم بارها

نقد دوستان زشت بنمودندلیک مداحی جمیل
نکردند فکرت فردا که سخن نیم کردار نیست
مردم کوله فقر بردوش و ثروت شد غارتگری
ندادند حق مردم به میزان حق معلوم عدل
آنجا که "العدل اساس الملک" میزان بُود
لباس ، کلاه ، کت و شلوار و هرگونه البسه
آنچه میبینی در آینه ظرفِ مظرُوفِ توست
این "من" شاهکار عظیم آن یکتا پروردگار
چون از خود بی خود شدیم، عزت ها باختیم
آنچه کشف نشد ، بسیار اندک بود در عمل
بهره های حرام و خیلی گزاف از بانک ها
ز تاریخ حوادث شد، غفلت های جبران ناپذیر
باور نمودند قصه امید به وعده های بی ثمر
حال معلوم گشت بر ما شرح کشف و شهود
عده ای در کاخ بودند و در محفل میعاد ها
عده ای در رفاه و عیش و نوش غارت گری
دان ! ظلم و اجحاف هر جا، تف سر بالا بُود
این جهان سرّ ها دارد از آنچه گردیده فنا
چون طریقت از عدل خارج گردد از مدار
هر که غرور داشت و در کردارش خودپسند
خدا کی دهد توفیق حل معما ها بر خودپسند
مردم میزان را در عمل خواهند نی در مقال

عشق شکر افزود بر مجلس و رقص اطوارها
این لطف گوئی هایی که گویند و گفته اند بارها
از منابع کشور کاخها ساختند و زنجیره انبارها
یکی کاسه گدائی بدست ، یکی صد ها بارها
نه شاخصی بوده نه مناطی نه سهم مقدارها
میزان نبوده ، مهم بوده مَبْلَغ و ارزش مقدارها
کلیدی باشد در زیر البسه در آینه دیدی بارها
از جان ، علم النفس و شعاع حضور انوارها
خواب بودیم در روزگار خود، نی از بیدارها
پول تولید رفت در کاخ ها ، جیب پول دارها
تا ملون ها سازند از مشغله با برگه روا دارها
چونکه تاریخ به دل داشته این چنین کردارها
با نقش کلید و تدبیر و وعده ی همیاری اغیارها
لیک دیرفاش گردید این راز از پرده اسرارها
عده ای در کوخ بودند و غافل از این اسرارها
عده ای ز مهر پر دیدند و منتظر در صف بیکارها
عاقبت نگون گردد این بالاروی چون آبشارها
شک نکن، عاقبت نگون گردند جمع کاخ دارها
آزمون ما است که طی گردیده در تاریخ، بارها
بی خبر از کون و مکان و هویدا گشتن اسرارها
مهم نیست از چی وام گیرد، مهم است اخطارها
تراز ویش در سفره معیشت باشد نی در اخبارها

دنیای مافیهای ما جزء برگ آزمونی نداشت
عده ای ارجمندی خود بفروختند به بخش
عده ای از عشق گفتند ولی ندانستند عاشقی
آن "من" فطرت گاه الهی چون گشته خموش
گر نفس مطمئن جای گیرد در "من" گاه آدمی
هان نکن "تن" را رئیس و سرور "من" شریف
یکی گفت محمود: چرا گشتیم ما چنین خراب
چون خرد داری و بیدار گشتی اکنون چنین

مورخ : 10 شهریور سال 1399

گردین آزمون ، قبول گشتی، مردم گویند مرحبا
چون طمع از حق مردمان، خریدند بهر خود، دارها
نابود کردند آنچه در "من" داشتند از نار آتشبارها
مسند الفردوس خود از دست داد با چنین کارها
تن سالم است و جان ایمن و آرام قلوب دلدارها
این "من" است در بقا و پیوسیده گردد تن در قیرها
گفتمش تا تخریب نباشد، اصلاح نگردد کارها
مستی مکن زین پس، پیدا نگردی فردا در غارها